

An Affiliated Organization of JEWISH FEDERATION COUNCIL OF GREATER LOS ANGELES

ویژه‌نامهٔ یکصدمین سالگرد اولین کنگره جهانی صیونیزم
بال - سوئیس ۱۹۹۷ - ۱۸۹۷

# چشم انداز
# CHASHM ANDAAZ

۵۶ تیر و امرداد ۱۳۷۶ תמוז - מנחם אב תשנ"ז July/Aug. 1997




**HERZL CENTENNIAL**

The 100th Anniversary of the 1st Zionist Congress
Held in Basel, Switzerland in 1897
Organized and Chaired by Theodore Herzl

بهاء ۲ دلار

# کیترینگ و رستوران گلات کاشر شارون

## کیترینگ انتخابی **نصخ ایسرائل** و هتلهای معتبر لس آنجلس

رستوران شارون صد درصد گلات کاشر زیر نظر ربانوت محترم ایرانی و آمریکایی بوده و لذیذ ترین غذاهای ایرانی و آمریکایی را در اختیار شما میگذارد.

**کیترینگ شارون را برای یک شب فراموش ناشدنی انتخاب کنید**

18608 1/2 VENTURA BLVD.
TARZANA, CA. 91356

**۸۱۸-۳۴۴-۷۴۷۳**
**۲۱۳-۶۲۲-۱۰۱۰**
**بیجر: ۸۱۸-۷۷۸-۷۸۱۰**



# مبارک باد MAZOL TOV

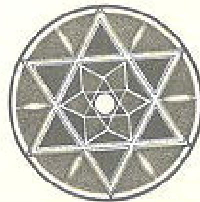
## SIMCHA (CELEBRATION) DIRECTORY

Engagement . Wedding . Bar/Bat Mitzva . Showers . Brit . Birthday . Anniversaries

### تک نوازی قبل از مراسم براخا

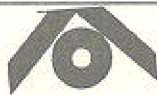
**پیمان وصال (ویلون)**
(۸۱۸) ۹۹۰ - ۹۰۹۲

**پیمان اخلاقی (پیانو)**
(۳۱۰) ۸۲۰ - ۸۲۶۱



### سیسمونی

**Be Be Couture**
وسائل کامل اطاق نوزاد - خته سوران و لباس نامگذاری نوزاد دختر
(۳۱۰) ۲۸۹ - ۹۸۰۷



### کلاه - صیصیت

**SOLOMOS BOOK STORE**
لوازم عروسی - کلاه - صیصیت - کاپ نقره - کتوبا
(۲۱۳) ۶۵۳ - ۹۰۴۵

### ربای

**ربای ملکان**
**انجام هرگونه مراسم مذهبی**
عقد و ازدواج، سخنرانی، برمیتصوا و بت‌میتصوا
(۳۱۰) ۲۷۵-۸۸۵۲

### کارت عروسی

**چاپخانه L.A. Press**
همه گونه کارت عروسی
(۲۱۳) ۹۳۶-۸۸۸۸

### PRINTING - چاپخانه

**Tarzana Printing**
(۸۱۸) ۸۸۱ - ۴۴۳۷
**کارت عروسی، انگشت نگاری، عکس پاسپورتی**
۱۸۵۱۵ ونتورا بلوارد (تقاطع رسیدا و ونتورا) داخل شاپینگ سنتر Chevron

**BRAKHA ART**
همه گونه کارتهای عروسی - برمیتصوا و بت‌میتصوا با تخفیف مخصوص
(۸۱۸) ۹۰۵ - ۹۰۸۰

### کیترینگ

**کیترینگ شارون**
کیترینگ انتخابی نصخ اسرائیل و هتل‌های معتبر لس‌آنجلس
(۸۱۸) ۳۴۴ - ۷۴۷۳
(۲۱۳) ۶۲۲ - ۱۰۱۰

### عکاسی و فیلمبرداری

**سایه فیلم**
آماده ضبط خاطرات خوش زندگی شما و عزیزتان می‌باشد.
(۳۱۰) ۶۵۲ - ۳۳۳۳
**351 S. Robertson Blvd.**




### قنادی

**قنادی لوپاله (کاشر)**
(۳۱۰) ۶۵۹ - ۴۹۶۶
شیرینی و نانها بدون استفاده از فرآورده‌های شیری ساخته میشود.

**قنادی وی نیا**
(۳۱۰) ۳۹۵ - ۱۱۱۵

**French Bakery**
**قنادی شیرینی‌سرا**
(بدون مصرف روغن حیوانی)
6900 Reseda Blvd. Reseda, CA 91335
(818)996-5104
18000 Ventura Blvd. Encino, CA 91316
818)757-1248
12231 Santa Monica Blvd.
Los Angeles, CA 90409
(310)207-7120

### نقره فروشی

**نوبهار**
بزرگترین وارد کننده نقره‌های ایران با قیمت‌های غیر قابل رقابت
(۲۱۳) ۶۲۴ - ۵۱۷۴

همیشه شیرین کام باشید






# در این شماره می‌خوانید



**شماره ویژه صیونیزم، با همکاری و کوشش و تلاش‌های پُرثمر مهندس ایرج صفایی تهیه و منتشر شد**

شماره ۵۶ امرداد ۱۳۷۶ - מנחם אב תשנ"ז No 56 July & Aug. 1997

## شرح عکس روی جلد

روی جلد این ویژه‌نامه از کتابی که در سال ۱۹۰۴ یهودیان آرژانتین به مناسبت کنگره جهانی صیونیسم منتشر کرده‌اند می‌باشد. در این تصویر حضرت موسی عصای خود را به تئودر هرتصل می‌دهد تا قوم یهود را به سرزمین موعود رهنمون گردد.






# چشم‌انداز

Published by:
International Judea Foundation
P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212
TEL: (310) 471-9427
FAX: 471-9428

سردبیر: داریوش فاخری
مدیر داخلی: شهرام سیمان
مدیر اجرائی: لیلی کاهن
سردبیر بخش پزشکی: دکتر نیسان بامداد
روابط عمومی: عاشر آرام‌نیا
سردبیر بخش انگلیسی: ایرج فرنوش
مدیر اداری: فرزانه فرنوش
نویسندگان همراه: پرفسور امنون نتصر (اورشلیم) - دکتر ژاله پیرنظر (برکلی - کالیفرنیا) - شیرین‌دخت دقیقیان (تهران - ایران) - ناجی تهرانی (کانتیکت) - شهره توفر - فریار نیکبخت (لوس آنجلس)
تایپ ست: مینو حمودوت
امور هنری: انتشارات نازگل

چشم‌انداز، نشریه‌ایست برای بازتاب افکار و دست‌آورده‌های یهودیان دنیا. هدف ما، روشنگری واقعیت‌های یهودیت، مسایل، آرزوها و امید یهودیان، مبارزه با نژادپرستی و همراهی با هدف‌های بشردوستانه انسان‌های جهان می‌باشد.

نظرهای نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم‌انداز نیست.

چشم‌انداز، در انتخاب مقاله‌های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی‌ها، به عهده‌ی صاحبانشان است. نوشته‌های رسیده، باز پس فرستاده نمی‌شود. نامه‌های بدون نام و نشانی، قابل استفاده نخواهد بود. در صورت تمایل، از مقالات شما، با امضاء محفوظ، تحت حمایت قوانین آمریکا استفاده می‌شود.

(۳۱۰) ۴۷۱ - ۹۴۲۷
فکس: ۹۴۲۸ - ۴۷۱ (۳۱۰)




... اگر بخواهید افسانه نیست.

تئودور هرتصل

# ویژه نامهٔ یکصدمین سالگرد اولین کنگره جهانی صیونیزم ۱۹۹۷-۱۸۹۷ بال سوئیس






**داریوش فاخری**

# اگر بخواهید افسانه نیست

چند ماه پیش بود که مهندس ایرج صفایی از ما خواست که به مناسبت صدمین سالگرد اولین کنگره جهانی صیونیزم شمارهٔ ویژه‌ای منتشر کنیم. با آن که قول همکاری همه‌جانبه را داد و هدف خوبی بود که یهودیان و غیریهودیان فارسی زبان را با صیونیزم و معنی واقعی آن آشنا یا آشناتر کنیم، ولی برای ما که همگی داوطلبانه در این نشریه کار میکنیم کار مشکلی بوده و هست که ویژه‌نامه منتشر نمائیم، زیرا که بسیار کار معضلی است و از خودگذشتگی فراوان و خجالت از خانواده بی‌حدّی می‌خواهد. با اینهمه بخاطر سترک بودن بازده این کار و قول همکاری دیگر دوستان این شماره را پیش روی چشم خود دارید، که ثمره همکاری دسته جمعی کسانی است که نامشان و کارشان را می‌بینید و همچنین ایرج صفایی که روح کارش در لابلای مقالاتی که تهیه کرده و پشتکاری که نشان داده هویداست.

**صیونیزم** که اولین بار توسط اولین صیونیست جهان **مشه (موسی)** (این را از آقای بهرام آقالرپور یاد گرفتم) معلم و پیامبر یهود به جهان معرفی شد، آرمانی است که این قوم برای تحقق بخشیدن به رویای خداوند برای تمامی انسان‌ها در طول تاریخ با خود حمل کرده است. خداوند با برگزیدن قوم یهود و این قوم با برگزیدن خداوند، در رویای مشترکی برای همکاری و ساختن دنیائی بهتر و مرمّت خرابی‌های آن شریک شدند. بازگشت به **صیون** (سرزمین موعود) چه از لحاظ فیزیکی به آنجا برگشتن و چه از لحاظ روحانی به آن وارد شدن، آرزوی معلم و پیامبر ما و پس از او فرد فرد قوم یهود بوده و می‌باشد.

اما هدف صیونیزمی که صد سال پیش در شهر بال، سوئیس به منصه ظهور رسید ادامه فعالیت‌های گذشته برای تحقق بخشیدن به این رویای چندین هزارساله در دوران جدید، باضافه ایجاد بهشتی زمینی و امن برای یهودیان جهان در کشور اسرائیل و ایجاد کشوری مستقل و حکومتی آزاد در آنجا بود.

برای یهودیان که قرن‌ها، **قربانی تاریخ بودند و تاریخ‌ساز نبودند**، فرصتی بوجود آمد که توسط دو نفر یهودی غیرمذهبی و کاملاً ادغام شده در محیط غیریهودی، مسیر تاریخ را عوض کرده و جامه رخوت را از تن یهودیان و دنیا بکنند. **تئودر هرتصل** روزنامه‌نگار مجاری‌الاصل تحصیلات یهودی چندانی نداشت. او پس از دیدن محاکمه و خلع درجه یک افسر یهودی متهم به خیانت به کشورش (فرانسه) تغییرحال داد و در پی نجات یهودیان مصمم‌تر شد. در اوایل کارش، تغییر دین یهودیان را راه حل مسئله یهود می‌دانست. اصرار داشت که درخت کریسمس در خانه‌اش بگذارد - پسرش را ختنه نکرد و اسم آلمانی و نه اسم یهودی روی او گذاشت و حتی برای قرائت جمله‌ای به عبری از دیگران می‌خواست که آن جمله را به زبان لاتین برایش بنویسند تا بتواند تلفظ کند. جالب

است که «دریفوس» افسر محاکمه شده یهودی در فرانسه نیز در این مورد دست کمی از او نداشت. در حین محاکمه این یهودی اسمیله شده، جائی که جمعیت حاضر در آن روز کذائی ۵ ژانویه ۱۸۹۵ فریاد می‌کشید «مرگ بر خائنین - مرگ بر یهودیان»، (در حالی که فقط یک یهودی مورد اتهام بود) دریفوس جواب می‌داد «من بی‌گناهم - زنده باد فرانسه» و در دفاع از یهودی بودنش که منشاء و انگیزه اصلی اتهامش بود حرفی نمی‌زد.

آیا رابطه این دو یهودی غیرمذهبی که راه نجات خود از جهنم تحمیلات و انزوای ناخواسته از طرف غیریهودیان بر خود را در یک‌رنگ و شکل شدن با آنها می‌دیدند و رویاروئی آنان با یکدیگر چه رابطهٔ روحانی و آسمانی می‌توانست داشته باشد که منجر به یکی از موفق‌ترین جنبش‌های ملّی‌گرائی در جهان بشود؟ و رویای چندین هزارساله یک قوم را تحقق ببخشد؟ دریفوس در پی سر و صدای روشنفکران به سردستگی «امیل زولا» و انسان‌های خوب کشورش بالاخره توانست بیگناهی خود را ثابت کند. «هرتصل» نیز که در کتاب «کشور یهود»ش حتی اسمی از فلسطین نبرد و حتی آرژانتین یا آفریقا را برای مدتی کوتاه، برای اسکان اقوام یهود مناسب دانست - اسم «صیونیزم» به معنی برگشت به صیون را مدیون یک دانشجوی اطریشی به نام «ناتان برن بام» که ده سال پیش از او این نام را عنوان نموده بود - و وطن برای یهودیان در آفریقا را به «تئودور هرتصکا» که در کتاب FREILAND خود و پیش از او مدینه فاضله‌ای در آفریقا را به عنوان وطنی برای یهودیان پیشنهاد کرده بود، توانست در ۲۹ آگوست ۱۸۹۷ در شهر «بال» کشور سوئیس اولین کنگره صیونیزم جهانی را افتتاح نماید.

او با ایراد این جمله که «اگر بخواهید - افسانه نیست» توانست به افسانه‌ها و آرزوهای افراد قومش با کوششی قهرمانانه و با آینده‌نگری، صداقت و ایثار، صورت تحقق ببخشد. این یهودی اسمیله شده توانست در بطن این جنب و جوش تکامل پیدا کند تا جائی که بنویسد: «صیونیزم بازگشت به یهودیت است و نه سرزمین یهود» و در ۱۹۰۴ نوشت: «معتقدم که صیونیزم هرگز به عنوان ایده‌آل ما حتی وقتی در سرزمین اجدادی‌مان «اسرائیل» سکنی گزیدیم قطع نخواهد شد. چرا که در درون ایده صیونیزم، انگیزه و رغبت برای تکامل اخلاقی و روحانی نهفته است.»

پابپای او و پس از این، یهودیان جهان، چه مذهبی و چه غیرمذهبی، چه چپی و چه راستی با انواع طرز تفکرها و برداشت‌های ویژه خود برای تحقق دادن به این رؤیا بپا خاستند. معتقدین «صیونیزم سیاسی» که معتقد بودند مسئله یهود، مسئله‌ای است سیاسی و بایستی در صحنه بین‌الملل حل شود، مثل «هرتصل» - باورداران «صیونیزم عملی» که معتقد به «علیا» (مهاجرت به اسرائیل) و ایجاد وسایل و موسسات علمی و غیره در



اسرائیل علیرغم فقدان شرایط کافی سیاسی بودند - پای‌بندان به «**صیونیزم سینتتیک**» که به رهبری «**حئیم وایزمن**» (اولین رئیس جمهور اسرائیل) معتقد به ادغام هردو مورد بالا بود. مریدان «**صیونیزم سوسیالیستی**» که نجات اجتماعی و ملی یهود را توسط ادغام دو مکتب سوسیالیزم و صیونیزم باور داشتند که بنیان‌گذارش «**نخمان سیرکین**» و ستاره‌های آن «**داوید بن گوریون**» بودند و «**ایتصحاک بن زوی**»: - «**تجدیدنظر طلبان**» با رهبری «**ژابوتینسکی**» که خواستار تجدیدنظر در اصول سیاسی صیونیزم سیاسی بود که برخی از جنگندگان بنام و معروف آزادی یهود در سازمان‌های نظامی از میان آنان برخاستند و «**حزب لیکود**» دنباله خطّ آنان است - «**صیونیزم مذهبی**» نیز که ادغام دین و ملیت یهود را می‌خواست و هدفش نه تنها آزادی سیاسی بلکه دین یهود در پرتو «**تورا**» و فرامینش بود. به رهبری «**ربای آوراهام کوک**» پیش‌قراول این حرکت بود و مذهبیون هنوز هم به صورت بسیار گسترده‌ای در سیاست امروز اسرائیل دخیل هستند.

معتقدین به «**صیونیزم عمومی**» که اعتقاد داشتند اهداف کنفرانس بال خارج از علائق شخصی - ایدئولوژی‌هائی باشد و برای طبقه متوسط دل می‌سوزاندند و بعدها باعث پیدایش بسیاری از نهضت‌ها و احزاب لیبرال شدند هم همراهی کردند. «**صیونیزم روحانی**» هم پیروانی داشت. «**آحاد حاآم**» که نام واقعیش «**آشر زوی گینزبرگ**» بود، معتقد بود که اسرائیل جای کافی برای تمام یهودیان را ندارد. بنابراین باید مرکزی روحانی ملی در فلسطین که شعاعش به جوامع غیر ساکن (در اسرائیل) و در تمام دنیا برسد باشد. این گروه که Hibbat Zion نامیده می‌شدند اعتقاد داشتند که می‌باید فعالیت‌های گسترده و مداوم آموزشی در میان یهودیان جهان و مقداری اسکان هم در اسرائیل صورت بگیرد.

آیا این همه جنب و جوش - این همه اشتیاق و آرزو - این میل شدید چرا و چگونه در صد سال پیش فوران کرد. تاریخ یهود را طی چند هزار سال گذشته و در هر نقطه جهان نگاه کنید. نگاه کنید و ببینید چگونه یهودیان نه چهل سال بیابان‌گردی دوران مصر **مُشه** و **فرعون** را بلکه هزاران سال دربدری و خفت و آزار و ستم و درد و تجاوز، قتل و غارت و بیداد را در سراسر جهان تجربه کرد - ببینید چگونه شلاق پر از درد سربازهای لژیون رم را بر دوش خود احساس کردیم و مزه شور اشک و خون را در میان دهانمان، جائی که فرزندانمان و همسرانمان به این طاقت و بیچارگی ما نگاه می‌کردند، در آن حال نیز دست از رویای مشترکمان با خدا نکشیدیم و گفتیم «**لشانا هبا آ به یروشا لئیم**» (سال دیگر در اورشلیم).

نگاه کنید و ببینید این قوم چگونه مانند سنگ تیپاخورده‌ای با لگد هر دیکتاتور خون‌آشامی - هر نا‌انسانی - چگونه دربدر گوشه‌های تاریخ می‌شود - امّا، دست از رویایش نمی‌کشد. شمشیر

**جنگندگان صلیبی** را بر گردن - وسوسه «**هلنی شدن**» یونانیان را در برابر - غارت و تبعید و تفتیش اسپانیائیان را بر دوش و داغی کوره انسان سوزی آلمان که مثل همیشه در آن انسان و نه خدا، گم شده بود را بر تن احساس می‌کند و از رؤیایش دست نمی‌کشد چرا که می‌داند که «**انسان بدون رؤیا می‌میرد**».

این قوم گاه می‌سازد - گاه می‌جنگد - اما در هرحال تکامل پیدا می‌کند و می‌بخشد و از رؤیائی بودن یک سرزمین «**آدم‌هایی با رؤیای وجود یک سرزمین**» را شکل می‌بخشد، سرزمینی که با آن و در آن رویای خود خداوند را برای جهان، صورت تحقق بپذیراند. در این راه همه‌چیز را می‌بیند و تجربه می‌کند. می‌بیند که به قول «**سیسل راث**»: «وقتی در دنیای بی‌کتاب، زمانی که حتی پادشاهان نمی‌توانستند نام خودشان را امضاء کنند، یهودیان دارای یک سیستم آموزشی جهانی بودند که یکی یهودی بی‌سواد - حتی در دوران تاریک تمدن بشری نقطه مقابل این بی‌سوادی بود.» می‌بیند که در ازای این سرسختی و پایداری «**مارک تواین**» این نویسنده نامدار آمریکائی برایش می‌نویسد: «یهودیان در این جهان، در تمام اعصار، جنگی جانانه کرده‌اند و این کار را در حالی که دستانشان از پشت بسته بوده انجام داده‌اند.»

وقتی تاریخ را می‌خوانید - می‌بینید چه در زمان‌هایی که بقول «**راشی**» مفسر بزرگ دین یهود: «**نسلی بودیم که هیچکسی را نداشتیم تا برایمان دعائی بکند.**» مثل YESHEBAB کاتب، که همراه با «**ربای الکیبا**»ی همکارش و استادش ربای «**جاشوا بن حنانیا**» در سن ۹۰ سالگی و در زمان حکومت «**آدرین**» دستگیر و به طرز فجیعی با دیگران، تنها به گناه نگاهداری دین یهود به شهادت رسید، لحظه‌ای پیش از مرگ این چنین به شاگردانمان درس می‌دادیم: خیابانی در شهر «رم» نیست که در آن کسی توسط شمشیر به قتل نرسیده باشد، و این ملت شیطانی به ریختن خون یهودیان بیگناه ادامه خواهد داد. آخرین وصیت و اندرز من به شما این است: «برای یکدیگر دلسوزی کنید، به صلح و عدالت عشق بورزید؛ شاید هنوز امیدی باشد». و وقتی هم مردن و جنگیدن تا آخرین نفس را در **ورشو** یا «**ماسادا**» به جای اسارت برگزیدیم به قول ژنرال فرمانده و تاریخ نویس قرن یکم از **ژوزفوس فلاویوس** (به نقل قول از جنگندگان **ماسادا**: «...ما جزو اولین افرادی بودیم که بر علیه آنان (رومیان) جنگیدیم و آخرین افرادی خواهیم بود که با آنان جنگ خواهیم کرد...

...اگر چه طبیعت برج و باروی ما طوری است که نمی‌توان آن را تسخیر نمود ولی راه نجات ما هم نیست...

...بگذارید زنانمان قبل از آن که مورد تجاوز جنسی قرار بگیرند، بمیرند و فرزاندمان قبل از این که مزه بردگی را به اجبار تحمل کنند، و بعد از آن که خانواده‌مان را سربریدیم، بگذارید به خودمان هم این رهایی را اعطاء کنیم...

**(...ما را نتوانستند تسخیر کنند.)**

این چنین بود و بودیم تا به اسرائیل رسیدیم. واقعیت‌ها نام عوض کردند اما حقیقت‌ها جای خودشان ماندند. آمدیم تا کشورمان را بسازیم، اما به قول «**داوید بن گوریون**»: «ساختن یک کشور یعنی برگشتن به **خاک**».

صدها دهکده عرب را پیدا کردیم، آنها را تصاحب نکردیم... صدها دهکده جدید یهودی را در خاک نو بوجود آوردیم... ما فقط زمین نخریدیم ما زمین را احیاء کردیم و دوباره بوجود آوردیم... در باطلاق‌های **HEDERA** صدها یهودی از مالاریا مردند و آنقدر از ترک آنجا سر باز زدند تا آن محل را قابل سکنی نمودند... با دادن تلفات و ریختن عرق و با عشق و ایثارمان، این زمین را دوباره خواهیم ساخت تا در آن زندگی کنیم - نه این که به کسی خود را تحمیل نمائیم.»

آری به اسرائیل رسیدیم به گونه‌ای که «ایسرائل زنگ ویل»، نویسنده انگلیسی قرن ۲۰ و ۱۹ تعریفمان کرده بود: «اول زادگان زمانه، لمس کنندگان خلقت و پیش رو به سوی آینده، شالوده حقیقی جهان؛ یهودیان دربدری که همه‌جا بوده‌اند، همه‌چیز را دیده‌اند، همه کاری کرده‌اند، همه چیز را رهبری کرده و همه چیز را فکر کرده وهمه رنج‌ها را کشیده‌اند». از پای ننشستیم و همانطور که در «**میدراش ربا**» توصیف شده‌ایم چون کبوتر وقتی خسته می‌شدیم، بر سنگی نمی‌نشستیم بلکه یک بال را استراحت و با بال دیگر به پرواز ادامه می‌دادیم.

در اسرائیل اما چنان که گفته شد واقعیت‌های تاریخ نام عوض کرده در برابرمان بودند و هستند. در حالی که کوله‌بار فرهنگی و قومی اجدادمان را بر دوش داشتیم به جائی وارد شدیم که به گفتهٔ «**ژوزف گورمن**» نویسنده کتاب «**صیونیزم و عربها**»: «برخی از عربها در قرن بیستم، برخی در قرن ۱۵ و برخی در قرن هفتم زندگی می‌کنند.» در میان آنان (و حتی متأسفانه در زادگاهمان ایران) برخی بر این تصورند که این جنبش ملّی‌گرایی که در اروپا نضج و در خاورمیانه صورت گرفت بر اساس سیاست امپریالیستی و برای مستعمره کردن بخشی از خاورمیانه صورت گرفته است! و هرگز این حرف را در مورد کشورهای همجوار اسرائیل که به حکومت رسیدند یا دیگر جنبش‌های ملیگرائی نقاط دیگر جهان، نزدند! حتی بعضی از چپ‌گرایان و مذهبیون بسیار افراطی نیز وجود کشور اسرائیل را

یک تصادف تاریخی می‌دانند و حقیقت موجود در بطن چندهزار ساله و تحقق آن را به غلط از نظر سیاسی و عمر کوتاه مدت آن می‌بینند.

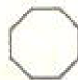
صیونیزم صدساله بمثابه جنبشی برای نجات ملّی جسم و بدن یهودیان در دنیا - جمع‌آوری آنان در کشوری مستقل و آزاد و فارغ از گالوت و بردگی دیگران بوجود آمد و این کار را با جمع کردن بسیاری از یهودیان و از درون جوامع مختلف و گاه غیرمتجانس فرهنگی انجام داد.

چه در آن زمان و چه اکنون هنوز این مسئله پیش روی یهودیان وجود دارد که آیا می‌خواهیم کشور آزاد و مستقل و پویای اقتصادی‌ای در صحنه بین‌الملل باشیم یا چنان که خداوند از ما خواسته بود **«نوری باشیم در میان ملل»** (ایزیا ۴۲:۶ - تنخ). کمتر کسی را می‌توان یافت که به عنوان یک یهودی مایل باشد اسرائیل کشور ژاپونی باشد در خاورمیانه بدون آن که احساس رسالت دنیائی و رویای مشترکش با خداوند در مورد بهبود جهان از طریق **«سرمشق بودن»** را همراه این تلاش ننماید. مگر نه این که ما خود به این انتخاب دست زده‌ایم که به این گونه باشیم؟ **«ایسرائل زنگ ویل»** گفته بود: **«یک قوم برگزیده - قومی با قابلیت برگزیدن است.»** این احساس و میل ویژه بودن قوم یهود، همه روزه با چالش‌های گوناگونی روبروست که اگر نه از لحاظ بزرگی جمعیت ولی با خودآگاهی تاریخی - ملی و قومی خود، بهترین نمونه دموکراسی - خرد - وجدان و مسئولیت اجتماعی جهانی باشد. قدرت تحمل عقاید دیگران را از هر طیفی گسترش دهد. در فضایی هوشمندانه و خردپرور یک صیونیست، به گونه‌ای که **«پرفسور نینی»** از دانشگاه تل‌آویو در مقاله‌ای نوشته بود: «فرد بتواند در کشمکش با خودش و محیطش - برخورد میان انگیزه یک آینده‌نگری و قدرت به انجام رساندن آن در آئینه اخلاقیات - عدالت و حقیقت به یک خودنگری - ارزیابی هر روزه خود و عقاید اجتماعی که در آن زندگی می‌کند دست بزند.»

بدین‌گونه ویژگی بدست می‌آید و دهکده جهانی ما را در ارزش‌های زمینی خود حل نخواهد کرد. یاد خواهیم گرفت چگونه واقعیت‌های سیاسی امروزی چون نظام نوین جهانی - صلح با اعراب و فلسطینی‌ها - منابع آب و نقش آن در خاورمیانه وظیفه‌مان نسبت به تداوم یهودیت در اسرائیل و دیگر نقاط جهان - فراگیری هنر سازش باو و تحمل یکدیگر یا دیگر مسائل عاطفی و غیرعاطفی انسان‌های جهان را از طریق اصول اولیه ارزش‌های یهودیت بررسی کرده و نسبت به آنان واکنش نشان بدهیم.

برای یهودیانی که در آن و بیرون آن هستند، اسرائیل نشانه هویت ماست - فرق نمی‌کند در کجای این دنیا باشیم. صیونیزم امروزی امّا می‌بایستی بوجودآورنده آرمان شهری، چه زمینی و چه آسمانی، باشد برای روح تمام انسان‌ها. همان گونه که **«نحمان سیرکین»** نویسنده روسی - آمریکائی قرن ۱۹ و ۲۰ گفته بود: «ایمان به اسرائیل یعنی ایمان به قدرت روحانی جهان.»

با شالم
**«لشانا هبآ»**








عکس روی کارت تبریکی در سال ۱۹۱۰، پیغام دختران صیون

# صیونیزم

نوشته پروفسور بنیامین نوی‌برگر
**Professor Benyamin Neuberger**

## پرداختی نو از اصلی کهن

اصل «صیونیزم» از واژهٔ کهن «صیون» است که اغلب به عنوان مترادف بیت‌المقدّس و سرزمین اسرائیل (Eretz Yisrael) به کار می‌رود. صیونیزم یک ایدئولوژی است که بیانگر اشتیاق و دلتنگی یهودیان سراسر دنیا برای سرزمین تاریخی‌شان، صیون، سرزمین اسرائیل می‌باشد.

آرزوی بازگشت به سرزمینشان را نخستین بار یهودیان تبعید شده به بابل پیرامون ۲۵۰۰ سال پیش داشتند، امیدی که سرانجام به واقعیت گرائید. **(در کنار آب بابل نشستیم و با یاد صیون اشک ریختیم)** (مزمور ۱۳۷:۱).

بدین ترتیب می‌توان گفت که **صیونیزم** سیاسی که در سده ۱۹ میلادی شکل گرفت نه اندیشه و نه عمل بازگشت را ابداع نکرد. بلکه یک اندیشهٔ کهن و یک حرکت فعال را بهم آمیخت تا نیاز آن دوره را برآورد.

هستهٔ اصل صیونیزم در اعلامیه استقلال اسرائیل (۱۴ می ۱۹۴۸) پدیدار می‌گردد که می‌گوید:

***«سرزمین اسرائیل زادگاه یهودیان است. در اینجا بود که هویت روحانی، دینی و سیاسی آنان شکل گرفت. در اینجا بود که نخست کشورشان را تشکیل دادند، فرهنگی با ارزشهای ملی و جهانی آفریدند و جاودانه‌ترین کتاب کتاب‌ها را به دنیا دادند.***

***پس از رانده شدن از سرزمینشان، آنان در تمام طول تبعید ایمان خود را حفظ کرده و هرگز دست از دعا و امید برای بازگشت و بازسازی آن و بدست آوردن آزادی سیاسی، برنداشتند.»***

پیوند تاریخی میان یهودیان و سرزمین یهود اندیشهٔ صیونیزم بر ارتباط طولانی بین یهودیان و سرزمینشان استوار است، ارتباطی که پیرامون ۴۰۰۰ سال پیش، هنگامیکه ابراهیم در کنعان -که بعدها سرزمین اسرائیل نامیده شد - سکنی گزید، آغاز شد. پیرامون ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد، شاه داود (حضرت داود) بیت‌المقدس را پایتخت کشور ساخت و ۴۰ سال پس از آن، پسرش سلیمان پرستشگاهی برای خدای یکتا ساخته و بیت‌المقدّس را مرکز سیاسی و روحانی کشور ساخت. بیش از ۴۰۰ سال استقلال زیر سایه دودمان داود در سال ۵۸۶ قبل از میلاد با تسخیر سرزمین بوسیله بابلی‌ها که بیت‌المقدس را ویران ساخته و بیشتر مردم را تبعید کردند، پایان گرفت. امّا پیش از پایان سده، یهودیان بازگشته، آن را بازسازی کرده و زندگی یهودی را به سرزمین باز گرداندند. در طول چندین سده پس از آن یهودیان از درجات گوناگون خودمختاری





زیر فرمان ایرانیها (۳۳۳-۵۳۸ قبل از میلاد) و یونانی‌ها (۱۴۲-۳۳۲ قبل از میلاد) برخوردار بودند. سپس از ۱۴۴ تا ۶۳ قبل از میلاد تحت دودمان (Hasmonean) دارای استقلال بوده و از ۶۳ قبل از میلاد زیر فشار فزاینده رومی‌ها قرار گرفتند. هنگامیکه از اجرای مراسم سنتی مذهبی یهودیان جلوگیری بعمل آمد، آنها دست به یک رشته شورش زدند که با قیام سال ۶۶ میلادی به اوج خود رسید.

پس از ۴ سال مبارزه، روم قیام یهودیان را مغلوب ساخته و با آتش زدن بیت‌المقدس آنرا نابود ساخت. هزاران یهودی کشته شدند و برخی به بردگی کشانده شده و در کشورهای دور و نزدیک پراکنده شدند. تنها نشانهٔ بیت‌المقدس دیوار باختری است که بر جا مانده و محل زیارت و پرستش یهودیان گردیده است.

در سال ۱۳۲ میلادی، قیام دیگر یهودیان حاکمیت را برای سه سال به یهودیان بازگرداند امّا سرانجام با بیرحمی و کشته شدن هزاران نفر، خوابانده شد و رومیان برای محو نمودن ارتباط یهودیان با سرزمین اسرائیل، نام این کشور را عوض کرده و آنرا فلسطین خواندند.

جامعهٔ یهود که در سرزمین باقی مانده بود رفته رفته خود را باز یافت. نهادهای زندگی همگانی دوباره ساخته شد تا بتواند خود را با شرایط جدید و بدون چهارچوب کشوری مستقل و بیت‌المقدس، وفق دهد. خاخام‌ها جای رهبران مذهبی را گرفتند و در غیاب بیت‌المقدس، کنیساها هسته مرکزی جوامع پراکنده شدند.

بین سالهای ۶۳۶ تا ۱۰۹۶ میلادی جامعهٔ یهودی درون سرزمین عمدتاً به دلیل تبعیض روز افزون اجتماعی و اقتصادی زیر سلطهٔ اعراب به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و تا اندازه‌ای یکپارچگی سازمانی و دینی خود را از دست داد.

علیا (Aliyah) یا مهاجرت یهودیان به سرزمین اسرائیل بین سالهای ۱۱۹۸-۱۱۹۱ میلادی از شمال آفریقا انجام گرفت. در اواخر سده ۱۵ نیز پناهندگان یهودی که از تفتیش عقاید اسپانیائی‌ها می‌گریختند، بصورت دسته‌های کوچک به اسرائیل وارد می‌شدند. دیگران که از کشتار در اوکرائین می‌گریختند در اواسط قرن هفدهم آمدند. در همان سده یک جنبش مسیحائی Messianic در ازمیر به رهبری Shabbatai پدید آمد که برخی از گروندگان به آن در سرزمین اسرائیل سکنی گزیدند. و بدنبال آنان در سال‌های ۱۷۰۰ صدها یهودی حسیدیم Hasidic از اروپای خاوری مهاجرت کردند. جریان مهاجرت در سده ۱۸ و اوائل سده ۱۹ بدان اندازه بود که یهودیان در سال ۱۸۴۴ بزرگترین جامعه مذهبی در شهر بیت‌المقدس به حساب می‌آمدند. بدین ترتیب می‌بینیم که پیش از امواج بزرگ مهاجران صیونیست که از ۱۸۸۲ آغاز شده و در تمام طول سده بیستم ادامه پیدا کرد، در طول سالیان دراز، گروه‌های کوچک بسیار بطور پراکنده به کشور وارد می‌شدند.

## اصول اندیشه‌های صیونیستی

در مرکز اندیشهٔ صیونیستی این عقیده قرار دارد که سرزمین اسرائیل زادگاه تاریخی مردم یهود بوده و زندگی یهودی در هر مکان دیگر یک زندگی در تبعید است. Moses Hess در کتاب خود به نام «روم و بیت‌المقدّس» (۱۸۴۴) این عقیده را چنین بیان می‌دارد:

*«دو دوران نمو و پیشرفت تمدّن یهود را شکل داد: نخست دوران پس از رهائی از مصر، و دوّم بازگشت از بابل، و سوّم بار با آزادی از تبعید سوّم خواهد بود».*

در طول سده‌های بسیار تبعید، یهودیان همواره یک رابطهٔ استوار و استثنائی با سرزمین تاریخی خود نگاه داشته و اشتیاق خود را برای صیون از طریق مراسم و ادبیات نشان دادند. در دعا، نمازگزار یهودی باید رو به خاور، یعنی بسوی سرزمین اسرائیل بایستد. در دعای صبحگاهی یهودیان می‌گویند: **«خداوندا از چهار سوی زمین به ما صلح ارزانی دار و ما را سربلند به سرزمینمان راهنمائی کن»**. دعا خوانان مکرراً می‌خوانند: **«مقدّس است خدائی که سازنده بیت‌المقدس است»** و **«مقدس است خدائی که به صیون باز می‌گردد»**. دعای پس از غذا شامل دعای خیری است که از ساخته شدن مجدد «بیت‌المقدس، این شهر مقدس با سرعت و در روزگار ما» سخن می‌گوید. در مراسم ازدواج، داماد به دنبال آن است که «بیت المقدس را به آستانه شادی ما ارتقاء دهد». در مراسم ختنه این مزمور خوانده می‌شود: **«ای بیت‌المقدس دست راست من بخشکد اگر من ترا فراموش کنم»**. در مراسم پسح Passover هر فرد یهودی اعلام می‌دارد: **«سال دگر در بیت‌المقدّس»**. به هنگام سوگواری بازماندگان را با ذکر نام سرزمین اسرائیل تسلی می‌بخشند: **«ای خداوند مقدس، ای تسلی دهنده صیون و سازنده بیت‌المقدس»**. اشتیاق یهودیان برای بازگشت به سرزمین موعود همچنین در نثر و نظم در زبان عبری و همچنین سایر زبانهای یهودی دیگر همچون یدیش Yiddish در اروپای خاوری و لادینو Ladino در اسپانیا که در طول قرون تکامل یافتند، نیز دیده می‌شود.

## احساسات ضد یهود، عاملی در راه تشکل صیونیزم

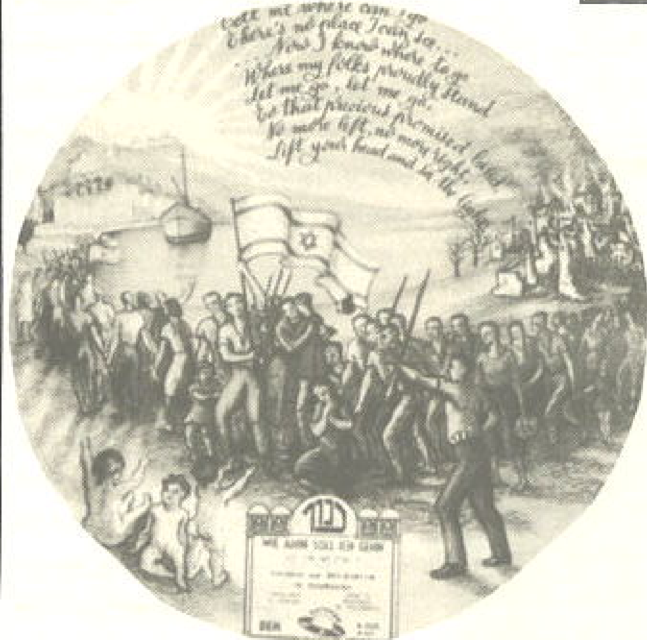
گر چه صیونیزم از ارتباط باستانی در بستگی قوم یهود به سرزمین اسرائیل سخن می‌گوید، می‌توان گفت که صیونیزم مدرن بعنوان یک جنبش فعال ملی در قرن نوزدهم



بدون وجود احساسات و اعمال ضد یهود و آزار یهودیان که سالها ادامه داشت، شکل نمی‌گرفت.

بارها و بارها یهودیان اروپا شکنجه و آزار شده و یا قتل عام می‌شدند. این کشتار و شکنجه در زمانهای گوناگون به دلایل مختلف انجام می‌شد، گاه به نام دین، گاه به دلایل اقتصادی، گاه اجتماعی و زمانی بدلایل ملی و نژادی. در جنگهای صلیبی، هنگامی که سربازان مسیحی از اروپا برای آزاد سازی «سرزمین مقدس» می‌رفتند، یهودیان را قتل عام کردند (سده‌های ۱۱ و ۱۲). در سده ۱۴، به هنگام مرگ سیاه **(Black Death)** یهودیان را بر پایه این ادعا که چاهها را مسموم کرده بودند مورد کشتار دسته جمعی قرار دادند. در سده ۱۵، در دوران تفتیش عقاید در اسپانیا، آنها را سوزاندند. در قرن ۱۷ در اوکراین قزاق‌های **(Chmelincki)** به کشتار آنان پرداختند. در جنگ داخلی روسیه پس از جنگ جهانی اول، صدها هزار یهودی بدست ارتشهای دانیکین **(Danikin)** و پتلورا **(Petlura)** به هلاکت رسیدند. و بالاخره، بیرحمانه‌ترین و وحشیانه‌ترین کشتار بوسیله نازی‌های آلمان انجام گرفت که در طیّ آن پیرامون شش میلیون یهودی را بدلیل «نژاد» بطور حساب شده و سازمان یافته از میان بردند. و این در کشوری اتفاق افتاد که یهودیان نهایت کوشش خود را بکار برده بودند تا از نظر اجتماعی خود را هماهنگ ساخته و مورد پذیرش قرار گیرند.

در طی قرون، یهودی تقریباً از تمامی کشورهای اروپا رانده شدند - آلمان، فرانسه، پرتقال، اسپانیا، انگلستان و ویلز **(Wales)** - تجربه تلخی که اثرات ژرفی بجا گذارد، به ویژه در سده ۱۹ که یهودیان امید به بهبودی بنیادی در زندگی را از دست دادند. از این محیط رهبرهای یهودی‌ای برخاستند که در نتیجهٔ اعمال و احساسات ضد یهودی




**نقاشی روی جلد آلبوم صفحه آهنگی به نام «کجا می‌توانم بروم»**

اجتماعات دوروبرشان، به صیونیزم روی آوردند. بدینگونه بود که **Moses Hess** که از حمام خون دمشق (۱۸۴۴) شدیداً تکان خورده بود پدر صیونیزم سوسیالیزم گردید و لئون پینسکر **(Leon Pinsker)** که از کشتار یهودیان که در سالهای ۱۸۸۲-۱۸۸۱ بدنبال قتل تزار الکساندر دوم اتفاق افتاد، در نهضت هیبات صیون **(Hibbat Zion)** رهبری را بدست گرفت، و تئودور هرتصل **(Theodor Herzel)** که بعنوان روزنامه‌نگار در پاریس مبارزه زهرآگین ضد یهود پرونده دریفوس **(Dreyfus)** را تجربه کرده بود (۱۸۹۶) صیونیزم را به یک جنبش سیاسی مبدل ساخت.

جنبش صیونیزم حل «مسألهٔ یهود» را هدف خود قرار داد. مسألهٔ یک قوم همیشه اقلیت، مسألهٔ مردمی که پیوسته مورد آزار و کشتار دسته‌جمعی قرار می‌گرفتند مسألهٔ یک جامعهٔ بی خانمان که بیگانه بودنش، در هر جا که می‌خواست سکنی گزینند، با تبعیض تأکید گذارده می‌شد. جنبش صیونیزم می‌خواست که این مسائل را با میسر کردن بازگشت به سرزمین باستانی یهودیان، یعنی سرزمین اسرائیل، چاره نماید.

در حقیقت بیشتر امواج و مهاجرت گروهی **(Aliya)** در تاریخ معاصر در واکنش به کشتارها و تبعیض علیه یهودیان انجام می‌گرفت. نخستین **Aliya** بدنبال قتل عام یهودیان در روسیه در دهه ۱۸۸۰ صورت گرفت. دوّمین آن به مهمیز کشتار همگانی کیشینف **(Kishinev)** و رشته قتل عام‌های اوکرائین وبلاروس **(Belorussia)** در پایان سده نوزده و آغاز قرن حاضر انجام گرفت. سوّمین آن پس از کشتار یهودیان در جنگ‌های داخلی روسیه بوقوع پیوست. چهارمین مهاجرت دسته جمعی در دهه ۱۹۲۰ و از لهستان پس از وضع قانون **Grawski** که آزادی فعالیت‌های اقتصادی یهودیان را مورد تجاوز قرار داده بود شروع شد. و پنجمین **Aliya** را یهودیان آلمان و اتریش که از چنگال نازی‌ها می‌گریختند، انجام دادند.

پس از آنکه کشور اسرائیل تشکیل گردید (۱۹۴۸)، کوچ‌های دسته جمعی هنوز بدلیل



تبعیض و سرکوبی بود - جان بدر بردگان **Holocaust** از اروپا، پناهندگان یهودی که بدنبال بنیاد کشور اسرائیل از اذیت و آزار در کشورهای غرب می‌گریختند، باقیمانده یهودیان لهستان که اینک بخاطر بالا گرفتن دوباره احساسات و اعمال ضد یهود در زمان گومولکا (**Gomulka**) و مازکار (**Muzcar**) می‌گریختند، و یهودیان روسیه شوروی که اینک پس از پاشیده شدن شوروی از بیم بالا گرفتن اعمال ضد یهود در جمهوری‌های جدا شده از این کشور، به مهاجرت متوسل می‌شدند. تاریخ این امواج و مهاجرت دلیل محکمی است برای صیونیست‌ها که تنها راه حل مسألهٔ یهود، وجود یک کشور یهودی در سرزمین اسرائیل و با اکثریت یهودی است.

## پیدایش صیونیزم سیاسی

صیونیزم سیاسی، یا جنبش ملی رهائی مردم یهود، در سدهٔ ۱۹ و در قالب آزادی‌خواهی ملی **Liberal Nationalism** که در آن زمان اروپا را در بر گرفته بود، پدیدار گشت. این دوره آزادی خواهی با جنبشی در یونان برای رهائی از یوغ اشغال دولت عثمانی آغاز شده و در برگیرنده جنبش‌های آزادی خواهانه مشابهی در کشورهای ایرلند، نروژ، لهستان، چکسلواکی، آلمان، ایتالیا و کمی دیرتر، در ترکیه و هندوستان بود که الهام بخش رهبران صیونیستی گردید. این تأثیر پذیری در نوشته‌های رهبران صیونیستی که اشارات بسیاری به تلاشهای ملل دیگر برای آزادی دارد، فراوان دیده می‌شود. آزادی خواهی ملی معمولاً دو هدف اساسی داشت: رهائی از سلطهٔ بیگانه (در لهستان، یونان و ایرلند) و یگانگی ملی کشورهائی که به چندین پاره تقسیم شده بودند (ایتالیا و آلمان). شعار آنان این بود: **«یک کشور برای هر ملّت و همهٔ افراد ملّت در یک کشور»**.

صیونیزم این دو هدف، یعنی آزادی و یگانگی را بیکدیگر پیوند داده و هدف خود را بر آزادی یهودیان از سلطهٔ نیروی ستمگر و گرد هم آوردن دوباره همه یهودیان از چهار گوشه دنیا در سرزمین یهود، قرار داد.

می‌گفت که فقط یک ملّت خودمختار با حق حاکمیت ملی می‌تواند بعنوان عضوی برابر به خانواده ملل دنیا بپیوندد.

## صیونیزم

با اینکه صیونیزم اساساً یک جنبش



**اعضای سازمان دختران صیون، ۱۹۰۴، روسیه**

پا گرفتن صیونیزم بعنوان یک جنبش سیاسی همچنین واکنش یا پاسخی بود در برابر شکست روحی **Haskala** که می‌خواست «**مشکل یهود**» را حلّ کند. بر اساس دکترین صیونیزم دلیل این شکست، این بود که رهائی و برابری فردی بدون رهائی و برابری ملّی غیر ممکن است زیراکه مشکلات ملی نیاز به راه حلهای ملی دارد. و راه حل ملی صیونیزم ایجاد یک کشور ملی یهود با اکثریت یهودی در سرزمین باستانی بود که بدینوسیله بتواند به حقوق خودمختاری مردم یهود جامه عمل بپوشاند. صیونیزم «عادی ساختن» شرایط یهودیان را مغایر با اهداف و ارزشهای جهانی نمی‌دانست. این جنبش پشتیبان حق داشتن سرزمین برای همهٔ اقوام روی زمین بود و

سیاسی با هدف بازگرداندن یهودیان به سرزمین باستانی با آزادی، استقلال حاکمیت ملی و امنیت بود، امّا بدنبال احیاء و گسترش دوباره فرهنگ قوم یهود نیز بود. یک عامل مهم در این راه زنده کردن زبان عبری برای استفاده در بنگاههای دولتی، نظامی، آموزشی، علمی و کوچه و بازار بود.

صیونیزم، همچون جنبش‌های ملی‌گرای دیگر، با سایر اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های دیگر در ارتباط دو سویه بود که این خود موجب پیدایش حرکت و جریانات آشکار و نهان می‌شد. پیوند میهن پرستی با آزادی خواهی موجب پیدایش صیونیزم آزادی‌خواه (**Liberal Zionism**) گردیده ترکیب صیونیزم با اعتقاد عمیق دینی به صیونیزم دینی منتج شد و نفوذ میهن پرستی اروپائی



الهام‌بخش میهن پرستی دست راستی گردید که همچنین در برگیرنده تمایلات گوناگون آزادی خواهانه، دیرینه‌گرا، سوسیالیست (چپ) و محافظه‌کارانه (راست) بود.

## صیونیزم و «مسألهٔ اعراب»

بیشتر پایه‌گذاران صیونیزم می‌دانستند که فلسطین (سرزمین اسرائیل) دارای ساکنان عرب بود (هر چند برخی ساده‌لوحانه از «یک سرزمین بدون مردم و مردمی بدون سرزمین» سخن می‌گفتند) ولی بیشتر آنان فکر نمی‌کردند که وجود اعراب مانع بزرگی برای تحقق یافتن صیونیزم باشد. در آن زمان، در اواخر سده ۱۹ هنوز میهن پرستی عرب وجود خارجی نداشت و ساکنان عرب فلسطین بسیار پراکنده و غیر سیاسی بودند. بسیاری از رهبران صیونیزم بر این باور بودند که چون اجتماع محلی نسبتاً کوچک بود، می‌شد از برخورد بین آنان و یهودیانی که به این سرزمین باز می‌گشتند جلوگیری نمود.

آنان همچنین بر این باور بودند که پیشرفت و آبادانی آتی کشور به سود هر دو قوم بوده و بدین ترتیب می‌توان رضایت و همکاری اعراب را جلب نمود. این امیدها به جائی نرسید.

بر خلاف انتظار و سیاست اعلان شده از سوی اندیشمندان صیونیست مبنی بر رسیدن به هدف‌های صیونیستی از راه صلح و همکاری، حضور دوبارهٔ یهودیان در «سرزمین» با مخالفت خشونت‌آمیز اعراب روبرو شد. تا مدت‌های طولانی درک ژرفا و شدّت اختلاف برای بسیاری از صیونیست‌ها دشوار بود. اختلافی که در حقیقت برخوردی شده بود میان دو قوم که هر دو کشور را از آن خود می‌دانستند. یهودیان به دلیل ارتباط باستانی و تاریخی و روحانی از یکسو و اعراب از سوی دیگر بدلیل اقامت چند صد ساله‌شان در آن کشور.

نیاز به رویاروئی با خشونت اعراب و یافتن راه حل و پاسخ مناسب به دشمنی روز افزون آنان به پیدایش سه راه حل گوناگون در درون جنبش صیونیزم انجامید: **سازش، تندروی و واقع‌گرائی.**

سازشگران بر این باور بودند که سرزمین متعلق به هر دو قوم است و بدین ترتیب صیونیزم بدون رضایت طرف دیگر جامه عمل نخواهد پوشید. آنان به دنبال گفتگو با اعراب [محلی] بودند و با راه سازمان صیونیستی مبنی بر مذاکرات با قدرت‌های خارجی و سران کشورهای عرب، مخالفت می‌ورزیدند. آنان برای رسیدن به یک قرارداد توافق بین اعراب و اسرائیل حاضر بودند که تشکیل کشور یهودی نشین را رد کرده و بجای آن یک کشور دو ملیتی را بر اساس برابری اجتماعی و سیاسی بین اعراب و یهودیان بپذیرند.






در سوی مخالف، تندروها بودند که معتقد به توسل به زور برای حل مشکل میان دو قوم بودند. آنها وجود حقوق میهنی اعراب در سرزمین اسرائیل را رد کرده و می‌گفتند که اعراب هیچگاه در سرزمین فلسطین دارای کشوری نبوده‌اند. آنها نیازی به گفتگو با اعراب محلی ندیده و امیدوار بودند که بتوانند تمامی کشور را یا از راه ارتباط با قدرت‌های خارجی و یا بوسیله قدرت نظامی بدست گیرند.

واقع بینان که بزرگترین بخش گروه صیونیست بودند، به دو شاخه آزادیخواه (لیبرال) و سوسیالیست شده بودند. آنان بر این باور نبودند که می‌توان اختلافات با اعراب را کاملاً برطرف کرد، امّا فکر می‌کردند که می‌توان با در پیش گرفتن روش‌های میانه‌گرایانه مشکل را تا اندازه زیادی تخفیف داد.

همچون سازشگراها [واقع‌بینان آزادیخواه] پشتیبان گفتگو با اعراب محلی و آبادانی کشور برای همه ساکنانش بودند، امّا نمی‌خواستند از هدف‌های صیونیزم مبنی بر ایجاد اکثریت یهودی در سرزمین اسرائیل از راه مهاجرت نامحدود (**Aliya**) و تشکیل کشور اسرائیل چشم پوشی کنند. بر خلاف تندروها، اینان بدنبال گفتگو با اعراب در فلسطین و خارج از فلسطین بوده و حاضر بودند به سازشهائی تن در دهند.

واقع‌بینان سوسیالیست (که مهمترین آنها **دیوید بن گوریون** نخستین نخست‌وزیر اسرائیل بود) برنامه خود را بر این قرار داده بودند که اقتصاد یهود نمی‌تواند بدون کشاورزی و صنعت شکوفا شود و بدون اقتصاد خودمختار نه جامعه‌ای می‌تواند وجود داشته باشد و نه کشوری. پیروان این اندیشه همچنین از احترام به حقوق اعراب پشتیبانی نموده و برای سالیان دراز می‌اندیشیدند که طبقه کارگر یهودی و عرب دارای منافع مشترک طبقاتی علیه بورژوازی یهودی و فئودالیزم عرب هستند. امّا بیشتر آنان بالاخره به این نتیجه رسیدند که مبارزه موجود در حقیقت میان ملیت‌هاست نه میان طبقات.

در طول سالیان ۴۷-۱۹۳۶ مبارزه بر سر سرزمین اسرائیل شدت یافت. مخالفت اعراب به موازات بزرگتر شدن و آبادانی جامعه یهودی بیشتر به افراط گرائید. در همین هنگام جنبش صیونیستی نیاز بر آن دید که مهاجرت به اسرائیل را افزایش داده و زیربنای اقتصادی کشور را گسترش دهد تا بتواند حداکثر تعداد یهودیان را از جهنم نازی‌ها در اروپا رهائی بخشد.

برخورد اجتناب ناپذیر میان یهودیان و اعراب، سازمان ملل متحد را بر آن داشت که در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ ایجاد دو کشور را در باختر رود اردن توصیه نماید، یک کشور عرب و یک کشور یهود، یهودیان قطعنامه را پذیرفتند ولی اعراب آنرا رد کردند.

در ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸ کشور اسرائیل بر اساس قطعنامه نوامبر ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد، تشکیل گردید.



## صیونیزم در آستانهٔ قرن بیست و یکم

به وجود آمدن کشور اسرائیل هدف صیونیزم را جامه عمل پوشاند. این هدف که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شد و خانه امنی در سرزمین باستانی اسرائیل برای یهودیان فراهم آورد تا یهودیان رها از آزار و شکنجه بتوانند هویت و زندگی خود را بسازند.

از ۱۹۴۸ صیونیزم وظیفه خود را تشویق به «گردآوری تبعیدی‌ها» قرار داده است که گاه انجام این وظیفه نیاز به اقدامات خارق‌العاده برای نجات یهودیان در خطر (چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی) داشته است. صیونیزم همچنین برای یگانگی و پویائی مردم یهود و مرکزیت اسرائیل برای همگی یهودیان جهان می‌کوشد.




در طول قرون، آرزوی گردهم‌آئی یهودیان در سرزمین اسرائیل، آنان را همچون رشته زنجیری به هم پیوند داده است. یهودیان در همه جا صیونیزم را بعنوان یک اصل اساسی یهودیت پذیرفته و از کشور اسرائیل بعنوان اساس تحقق صیونیزم پشتیبانی می‌کنند و از نظر فرهنگی، اجتماعی و روحانی از اینکه اسرائیل عضوی از خانواده ملت‌هاست به خود می‌بالند.

آیا تعهدات کیپور خود را پرداخته اید؟



# وقایع نگار صیونیزم

۱۸۷۰ - ۱۸۹۶ / ۱۸۹۷ - ۱۸۹۹ / ۱۹۰۰ - ۱۹۰۹ / ۱۹۱۰ -
۱۹۱۹ / ۱۹۲۰ - ۱۹۲۹ / ۱۹۳۰ - ۱۹۳۹ / ۱۹۴۰ - ۱۹۴۹ /
۱۹۵۰ - ۱۹۵۹ / ۱۹۶۰ - ۱۹۶۹ / ۱۹۷۰ - ۱۹۷۹ / ۱۹۸۰ -
۱۹۸۹ / ۱۹۹۰ - امروز

## ۱۸۷۰ - ۱۸۹۶

● **انجمن‌های Hevevi Zion (دوستداران صیون)** در روسیه و رومانی اسکان در ایسرائل را برای کشاورزی تشویق و تبلیغ میکنند.

● **میکوه اسرائیل Mikve Israel**، که یک آموزشگاه کشاورزی است، در شمال جافا **Jaffa** تأسیس میشود.

● **نخستین علیا Alyiah** (مهاجرت دسته جمعی به اسرائیل) شامل اعضاء **Hovevi Zion** عمدتاً از روسیه آغاز می‌گردد.

● **اعلامیه لئون پینسکر Leon Pinsker** بنام خود آزاد سازی **Autoemancipation** که در آن مردم را دعوت به تشکیل یک مرکز ملی یهود میکند، انتشار می‌یابد.

● **اعضاء جنبش بیلو Bilu** که خواستار استقرار مجدد یهودیان از راه سکنی در سرزمین اسرائیل است، شروع به ورود به اسرائیل کرده و اولین گروه سازمان یافته پیشگامان را تشکیل میدهند.

● **ناتان بیرن‌باوم Nathan Birnbaum** در یک نشریه ناشر عقاید جنبش **Hovevi Zion**، واژهٔ «صیونیزم» را ساخته و برای نخستین بار بکار میبرد.

● **کمیته زبان عبری** بوسیله الیعزر بن یهودا «پدر زبان عبری» بعنوان بخشی از کوشش او بمنظور احیاء زبان عبری بعنوان یک زبان مدرن، تشکیل میگردد.

● **احاد حاآم Ahad Ha'am** از فلسطین (در آن زمان سرزمین اسرائیل، فلسطین نامیده میشد) دیدار کرده و خواهان ایجاد یک مرکز فرهنگی یهودی میشود.



(1860-1904)

● **تئودور هرتصل**، پدر صیونیزم سیاسی، مقاله «کشور یهود» را نوشته و تأکید میکند که مسألهٔ ضد یهود فقط از طریق ایجاد یک کشور یهود حل میشود.

* * *

## ۱۸۹۷ - ۱۸۹۹

● **نخستین کنگره صیونیستی گشایش می‌یابد** (۲۹ اوت)، تصویب برنامه بال که خواهان ایجاد یک خانه ملی برای یهودیان در





سرزمین اسرائیل میباشد، تئودور هرتصل که بر پا کننده کنگره میباشد در یک روزنامه مینویسد: «در بال من شالوده کشور یهود را ریختم...در عرض پنجاه سال همه آنرا تحقق خواهند داد».

● **سازمان صیونیستی** تشکیل میشود و تئودور هرتصل بعنوان رئیس انتخاب میگردد.

● **دومین کنگره صیونیستی** تشکیل شده و شالوده **Jewish Colonial Trust** که بعدها **Anglo-Palestine Bank** نامیده میشود، ریخته میشود.

● **ویلهلم دوم**، قیصر آلمان از فلسطین دیدار کرده و با تئودور هرتصل که در همان هنگام از آنجا دیدار میکرد، ملاقات میکند.

● **سومین کنگره صیونیستی** یک قانون اساسی کامل وضع و تصویب میکند.

***

۱۹۰۰ - ۱۹۰۹

● **چهارمین کنگره صیونیستی** - آزار و شکنجه یهودیان رومانی و مشکلات کارگران یهودی در فلسطین مورد بحث و گفتگو قرار میگیرد.

● **پنجمین کنگره صیونیستی** - صندوق ملی یهود **(Keren Kayemet Le Israel)** بوسیله سازمان صیونیست بمنظور خرید زمین در سرزمین اسرائیل که «برای همیشه در تملک مردم یهود باشد» بنیان نهاده میشود.

● **درمانگاه Sha'are Tzedek Clinic** (که امروزه بیمارستان مدرنی است) در **اورشلیم** گشایش می‌یابد تا برای مردم این شهر خدمات پزشکی رایگان ارائه دهد.

● **ششمین کنگره صیونیستی** - گفتگو درباره پیشنهاد و ملت بریتانیا پیرامون در اختیار گذاردن زمین در اوگاندا برای اسکان یهودیان؛ این پیشنهاد موجب شکاف عمیقی در نهضت میشود و با اینکه بوسیله اکثریت نمایندگان تأیید میشود، بعدها به کنار گذارده میشود.

● بانک **Anglo-Palestine** (که اکنون بانک لئومی خوانده میشود) تأسیس میگردد و بصورت مؤسسه اصلی مالی جامعه یهودی در فلسطین **(Yishuv)** در می‌آید.

● انجمن آموزگاران زبان عبری تشکیل میشود.

● **دومین مهاجران علیا Aliyah**، که بیشترشان اهل روسیه و لهستان هستند، بدنبال فقر و کشتار همگانی مکرر به اسرائیل میرسند و منطقه‌های کشاورزی جدید بوسیله مهاجرین تشکیل میشوند.

● **تئودور هرتصل**، پدر صیونیزم سیاسی، در میگذرد.

● **هفتمین کنگره صیونیستی** - داوید ولفسن **David Wolffsohn** به سمت رئیس سازمان صیونیستی انتخاب میشود.

● **آموزشگاه هنری بصالل Bezalel Academy of the Arts** به سرپرستی بوریس شاتص **Boris Schatz** در اورشلیم با هدف تشویق جوانان یهودی با استعداد به فراگیری هنر، آغاز به کار می‌کند.

● **هشتمین کنگره صیونیستی** - تصمیم گرفته میشود در مورد صیونیزم سیاسی (کوششهای بین‌المللی برای بدست آوردن فرمان - چارتر - برای یهودیان ساکن فلسطین) و صیونیزم عملی (اسکان) اقدام بعمل آید؛ اعلام میگردد که هر دو اینها مورد نیاز بوده و مکمل یکدیگرند.

● **Hatzvi**، **نخستین روزنامه** به زبان عبری در اورشلیم منتشر میشود.

● دفتر سازمان صیونیستی در جافا گشایش می‌یابد.



**«شِکِل» قبض پول ۱۹۱۲ در ورشو. دارنده این قبض می‌توانسته برای فرستادن نماینده به کنگره صیونیزم رأی بدهد**

● سازمان Hashomer بنیان نهاده میشود تا نگاهبانی از مناطق یهودی نشین را بعهده بگیرد.

● **نهمین کنگره صیونیستی** - نمایندگان کارگران یهودی فلسطین برای نخستین بار شرکت میکنند.

● تل‌آویو، نخستین شهر تمام یهودی در قرون جدید، نزدیک جافا بنیان نهاده میشود.

● **نخستین کیبوتص**، بنام Degania ، بوسیله یهودیان جوان پیشگام در کرانه دریاچه جلیله Lake Kinneret تشکیل می‌شود تا کشاورزی با زندگی نوع تعاونی را با هم بیآمیزد.

***

**۱۹۱۰ - ۱۹۱۹**

● **دهمین کنگره صیونیستی - اوتو واربرگ Otto Warburg** به سمت سازمان صیونیستی برگزیده میشود.

● **یازدهمین کنگره صیونیستی** - ایجاد یک دانشگاه عبری در بیت المقدس Hebrew University تصویب میشود.

● **جنگ جهانی اول.**

● **نیلی Nili** سازمان سری یهودی که برای انگلیسی‌ها جاسوسی میکند همچنان فعال است تا هنگامیکه اعضاء آن بوسیله مقامات عثمانی دستگیر میشوند.

● **۴۰۰ سال حکومت عثمانیها** با پیروزی بریتانیا به پایان میرسد؛ **الن‌بی Allenby** ژنرال انگلیسی وارد اورشلیم میشود.

● **اعلامیه بالفور Balfour** صادر میشود که در آن دولت بریتانیا پشتیبانی خود را برای تشکیل یک خانه ملی یهودی در فلسطین Jewish National Home in Palestine اعلام میدارد (۲ نوامبر).

● **لژیون یهود**، یک واحد نظامی داوطلبان یهودی در ارتش انگلیس بمنظور مبارزه برای رهائی ارض اسرائیل (Eretz Israel) از سلطهٔ ترکیه، در اثر کوشش‌های Vladimir (Ze'ev) Jabotinsky تشکیل میشود.

● **نخستین دیدار خایم وایزمن Chaim Weizman** (رئیس کمیسیون صیونیستی که از سوی انگلیس به فلسطین فرستاده شده و بعدها نخستین رئیس جمهور اسرائیل شد) با امیر فیصل سرکردهٔ جنبش میهنی عرب.

● **وایزمن و امیر فیصل** موافقتنامه‌ای مبنی بر همکاری نزدیک میان جنبش‌های میهنی دو طرف امضاء میکنند، موافقتنامه از سوی میهن پرستان عرب رد میشود.

***



**وایزمن و امیر فیصل**

**۱۹۲۰ - ۱۹۲۹**

● **سومین علیا (Aliyah)** بیشتر شامل جوانان روسیه که تمایلات قوی صیونیستی و سوسیالیستی دارند.

● **مدافعین تل حی (Tel Hai)** به رهبری یوسف ترامپلدور (Trumpeldor) قهرمانانه در برابر مهاجمین عرب ایستادگی میکنند و با این عمل سمبل دفاع یهود میگردند.

● **شورای عالی کنفرانس صلح سن رمو (San Remo)** مقرر میدارد که قیمومت فلسطین به بریتانیای کبیر داده شود.

● **جامعه یهود انتخابات مجلس محبان Asefat Hanivharim** بعنوان بالاترین مرجع اداره امور همگانی را بر پا میدارد. این مجلس سپس شورای ملی (Va'ad Leuni) را انتخاب کرده و شورای ملی بنوبه خود یک شورای اجرائی برای اداره امور سیاسی، آموزش، بهداشت، رفاه اجتماعی و غیره بر میگزیند.

● **Haganah** سازمان زیرزمینی دفاع یهود بنیان نهاده میشود.

● **سر هربرتساموئل Sir Herbert Samuel** به سمت نخستین کمیسر عالی بریتانیا منصوب میگردد.

● **حئیم وایزمن Chaim Weizman** بعنوان رئیس سازمان صیونیستی انتخاب میشود.

● **Keren Hayesod** ، نخستین بازوی مالی سازمان جهانی صیونیزم پایه‌گزاری شده و جمع‌آوری کمک‌های مالی در سراسر جهان را آغاز میکند.

● **عبری زبان رسمی کشور اعلام میگردد.**

● **Histadrut** ، فدراسیون کارگری بنیان نهاده میشود تا «تمامی کارگران کشور را که از میوه کارخود امرار معاش میکنند متحد نماید»؛ این سازمان بعنوان یک اتحادیه انجام وظیفه کرده و همچنین در پهنه بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شرکت میکند.

● **شورش‌های ضد یهود اعراب** - بروز خشونت در Jaffa, Rehouot, Petah Tikva, Hadera و سایر جاها از یهودیان ۴۷ کشته و بسیاری زخمی بجای میگذارد.

● **Chief Rabbinate** بوسیله مقامات قیموموت بنیان نهاده میشود؛ ربای Abraham Isaac Hacohen به سمت نخستین Ashkenazi Chief Rabbai of Palestine و ربای Ya'akov Meir بعنوان نخستین Sepharadi Chief Rabbi با عنوان Rishon Lezion منصوب میگردد.

● **نخستین Moshav** (موشاو), Nahalal ، در چهار چوب تعاونی بجای همگانی بنیاد میشود تا به واحد خانواده استقلال بیشتری بخشد.

● **دوازدهمین کنگره صیونیستی** - نمایندهای از کارگران فلسطین برای نخستین بار برای هیئت اجرائی انتخاب میشود.

● **اتحادیه ملل** (League of Nations) قیمومت انگلیسی فلسطین را تأیید کرده اعلامیه بالفور را در پیش درآمد قیمومت متذکر میشود.

● **شورای اتحادیه ملل و بریتانیای کبیر** که قوانین مربوط به خانه ملی یهودیان شامل منطقه خاوری رود اردن نمیشود. این منطقه که سه چهارم منطقه قیمومت بود، بعدها بصورت کشور پادشاهی اردن هاشمی درآمد.

● **شرکت برق فلسطین** با ابتکار Pinhas Rutenberg بنیانگزاری میشود.

● **کتاب سفید چرچیل** Churchill White که محدودیت‌هائی در اعلامیه بالفور گذاشته و مهاجرت را محدود میکند، منتشر میشود.

● **آئین شورای فلسطین** (عملاً قانون اساسی) بوسیله مقامات انگلیسی قیمومت اعلام میگردد.

● **سیزدهمین کنگره صیونیستی** - مباحثات طولانی پیرامون سازمان صیونیستی که در این سال شروع به انجام وظایفی میکند که بعنوان یک آژانس یهودی "Jewish Agency" از آن انتظار میرود.

● **ربای کوک** Mecaz Harav Yeshiva را بنیاد می‌نهد.

● **تخنیون، انستیتوی صنعت اسرائیل** در حیفا آغاز به کار میکند و دروس به زبان عبری تدریس میشود.

● **چهارمین علیا** Aliyah شامل مردم طبقه متوسط که بیشتر از لهستان هستند در شهرها مقیم میشوند.

● Hebrew University در بیت‌المقدس در کوه اسکوپوس Mount Scoupus گشوده میشود. در این مراسم حئیم وایزمن Chaim Weizman و لرد جیمز آرتور بالفور Lord James Arthur Balfour شرکت میکنند.

● **کتابخانه ملی یهود و کتابخانه دانشگاه**، کتابخانه ملی اسرائیل و مردم یهود بعنوان بخشی از دانشگاه **Hebrew University** در کوه اسکوپوس گشوده میشود.

● **چهاردهمین کنگره صیونیستی** - گفتگوها روی آبادانی در آغاز چهارمین علیا **Aliyah** و تشویق به تجارت خصوصی متمرکز میشود.

● **پانزدهمین کنگره صیونیستی** - موضوع اصلی گفتگوها بحران اقتصادی در فلسطین است.

● **شانزدهمین کنگره صیونیستی** - یک آژانس یهودی **Jewish Agency** بر اساس مصرحه فرمان قیمومت برای نمایندگی جامعه یهود در فلسطین در برابر مقامات بریتانیائی، دول خارجی و سازمانهای بین‌المللی سازمان می‌یابد (از سال ۱۹۲۳ بیشتر این وظایف را سازمان صیونیستی در فلسطین بعهده داشت).

● **شورشهای گسترده اعراب** - در حبرون هفتاد یهودی قتل عام میشوند؛ در اورشلیم، تل‌آویو و حیفا **Haganah** جلوی حمله اعراب را میگیرد.

***

## ۱۹۳۰ - ۱۹۳۹

● اتصل **Etzel** سازمان دفاع و مقاومت زیرزمینی که اکثراً از دست راستی‌ها و عوامل تجدید نظر طلب تشکیل شده، پایه گذاری میشود.

● **هفدهمین کنگره صیونیستی**؛ اختلاف عقیده بر سر درجه همکاری با دولت بریتانیا به شکاف عمیق میان تجدید نظر طلبان و سایر احزاب در سازمان صیونیستی می‌انجامد؛ **Nahum Sokolow** به سمت ریاست سازمان صیونیستی برگزیده میشود.

● **شرکت تئاتر حبیمه Habima Theater Company** سازنده داستانهای اصیل درام عبری در تل‌آویو مستقر میشود.

● **پنجمین علیا Aliyah** بیشتر از آلمان شامل دانشگاهیان و صاحبان حرفه که همراه با سرمایه بسیار در شهرها سکنی می‌گزینند.

● چهار گروه راننده اتوبوس بهم می‌پیوندند تا یک شرکت تعاونی ترابری بنام **Egged** را تشکیل دهند.

● **هیتلر در آلمان به قدرت می‌رسد.**

● **هیجدهمین کنگره صیونیستی** - اختلاف میان کارگران و تجدید نظر طلبان همچنان ادامه دارد.

● **Sieff Institute**، که بعدها انستیتوی علوم وایزمن میشود، در **Rehovot** بنیان گزاری میشود.

● **نوزدهمین کنگره صیونیستی** - حئیم وایزمن دوباره سمت ریاست سازمان صیونیستی انتخاب میشود.

● یک دوره ۳ ساله هرج و مرج و خشونت بنام عصیان عرب **Arab Revolt** (علیه مهاجرت یهودیان و خرید زمین توسط آنان) که در طول آن صدها یهودی بقتل میرسند.

● **بندر تل‌آویو** در پاسخ به بسته شدن جافا در طول اعتصاب سراسری اعراب، ساخته میشود.

● **۵۰ محله یهودی نشین جدید** در مناطق دور افتاده در عرض یکروز ساخته شده و شب هنگام آماده دفاع میشود این محله‌ها «مانع و برج مراقبت» نامیده میشوند.

● **ارکستر فیلارمونیک فلسطین** که بعدها ارکستر فیلارمونیک اسرائیل نامیده میشود به ابتکار ویولونیست لهستانی تبار برونیسلاو هوبرمن **Bronislaw Huberman** تأسیس میشود.

● کمیسیون پیل **Peel commission** توصیه میکند فلسطین به دو کشور تقسیم شود - یک کشور یهودی و یک کشور عرب - و منطقه‌ای شامل اورشلیم و راهروئی به دریا در اختیار دولت انگلیس باقی بماند.

● **بیستمین کنگره صیونیستی** - رأی میدهد که مذاکراتی با دولت انگلیس پیرامون تقسیم فلسطین با شرایط بهتر انجام گیرد.

● **Aliyah B** «مهاجرت غیر قانونی» یهودیان از اروپا آغاز میگردد؛ و تا ۱۹۴۸ حدود ۱۰۰،۰۰۰ مهاجر غیر قانونی از راه میرسند.

● **با کمک چارلز اُرد وینگیت Charles Orde Wingate** «جوخه‌های ویژه شب» درون واحدهای نظامی انگلیس بوجود میآیند تا با دسته‌های مهاجم عرب مبارزه کنند.

● **یک عضو اتصل (Etzel)** بنام **Shlomo ben Yoursef** بخاطر دست داشتن در نقشه عقیم مانده حمله به یک اتوبوس عرب، توسط انگلیسی‌ها به دار آویخته میشود.

● **کتاب سفید ۱۹۳۹ منتشر میشود** و مهاجرت و فروش زمین به یهودیان را محدود میسازد.

● **بیمارستان Hadassah** بوسیله سازمان زنان صیونیست آمریکا در کوه اسکوپوس در اورشلیم افتتاح میشود.

● **بیست و یکمین کنگره صیونیستی** - مخالفت شدید با کتاب سفید و پشتیبانی از مهاجرت غیر قانونی اعلام میشود.

● **جنگ جهانی دوّم آغاز می‌شود (یکم سپتامبر)** - طرح بزرگ آلمان نازی برای از میان بردن جامعه یهودی در اروپا به اجرا گذارده میشود. بین ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ شش میلیون یهودی از جمله ۱/۵ میلیون کودک توسط نازیها بقتل میرسند (**The Shoa-Holocaust**).

***

**۱۹۴۹ - ۱۹۴۰**

● **سازمان مقاومت زیرزمینی Lehi** به رهبری **Avraham "Yair" Stern** از اتصل (**Etzel**) جدا میشود.

● **Palmach**، نیروی ضربتی شاخه **Haganah** تشکیل میشود.

● **کشتی پاتریا** که باید مهاجران غیر قانونی اخراجی را به **Mauritius** ببرد، بوسیله **Haganah** که میخواهد مانع سفر آن بشود، دچار خرابکاری شده و در بندر حیفا با ۲۵۰ سرنشین غرق میشود.

● **کشتی Struma** که انگلیسی‌ها بدان اجازه لنگر گرفتن در فلسطین را نداده‌اند، در راه بازگشت به اروپا در دریای سیاه غرق شده تمامی ۷۷۰ سرنشین آن جان خود را از دست میدهند.

● **بریگاد یهود که از یهودیان فلسطین تشکیل شده است** در ارتش بریتانیا ادغام میشود.

● **یک گروه از چتربازان** که توسط **Haganah** برای سازمان دادن مقاومت یهودیان و نجات زندانیان جنگی متحدین اعزام شده‌اند در مناطق اشغال شده اروپا بوسیله نازی‌ها فرود میآیند. دو نفر از اعضاء



گروه بنام‌های حنا سِنِش و **Perez Goldstein** اسیر، شکنجه و اعدام میشوند.

● **جنگ جهانی دوم پایان می‌یابد** (۸ ماه مه).

● **ژنرال سر آلن کانینگهم** بعنوان آخرین کمیسر عالی منصوب میشود.

● **دو نفر از اعضاء لهی Lehi** بنامهای **الیاهو حکیم و الیاهو بت تصوری** برای قتل لرد موین **Lord Moyne**، وزیر امور خاور میانه انگلیس، در قاهره به دار آویخته میشوند.

● **سازمانهای دفاعی یهودی (Haganah, Etzel & Lehi)** به یکدیگر می‌پیوندند تا برای منفجر ساختن راهها و پل‌های راه‌آهن که فلسطین را به کشورهای همجوار متصل می‌کنند، دست به اقدام بزنند.

● **شنبه سیاه (۲۹ ژوئن)** - دولت قیم یهودیان بسیاری از جمله اعضاء هیئت اجرائی آژانس یهود را بازداشت کرده، بسیاری را به قبرس تبعید میکند، به بازرسی مناطق برای پیدا کردن اعضاء **Palmach** و اسلحه پرداخته و سیاست سخت‌تری در برابر مهاجرت غیر قانونی در پیش میگیرد.

● **ضلع جنوبی هتل King David** که محل استقرار دولت قیم و ارتش بریتانیاست بوسیله اتصل **Etzel** منفجر شده و ۸۰ نفر کشته میشوند.

● **تحریم اقتصادی اعراب** برای نخستین بار توسط جامعه عرب **Arab League** علیه جامعه یهود در فلسطین (و بدنبال آن علیه کشور اسرائیل) به اجرا در می‌آید.

● **بیست و دومین کنگره صیونیستی** که نخستین جلسه پس از جنگ است در **بال** تشکیل میشود.

● **به ۴۵۰۰ پناهنده که از اروپا هجرت کرده‌اند** اجازه پیاده شدن در فلسطین داده نمیشود و به اروپا بازگردانده میشوند.

● **هفت عضو اتصل Etzel** و **لهی Lehi** به جرم حمله به ارتش بریتانیا توسط انگلیسی‌ها به دار آویخته میشوند، دو نفر دیگر در زندان به خودکشی دست میزنند.

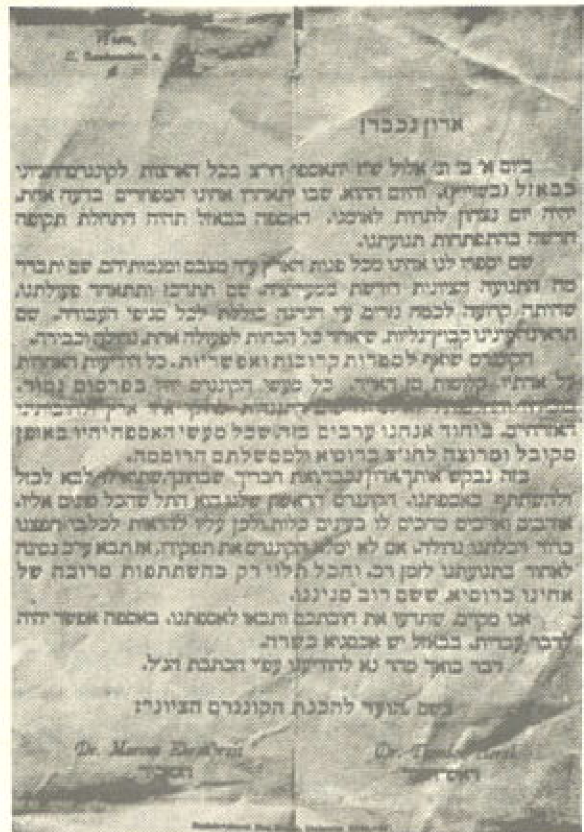
● **Etzel** در یک عمل تلافی جویانه ۲ گروهبان انگلیسی را دزدیده و به دار می‌آویزد.

● **سازمان ملل متحد** با ۳۳ رأی موافق، ۱۳ مخالف و ۱۰ رأی ممتنع با تشکیل کشورهای یهودی و عرب در فلسطین موافقت میکند. شورشهای اعراب علیه **Yishuv** آغاز میشود (۲۹ نوامبر).

● **اپرای ملی اسرائیل** بوسیله ادیس دو فیلیپ گشایش یافته و در تل‌آویو و سایر مناطق کشور با اجرای برنامه می‌پردازد.

● **تشکیل کشور اسرائیل بوسیله دیوید بن گوریون** در روز ۱۴ ماه مه (**5 Iyar**)، چند ساعت پیش از آنکه قیمومت دولت بریتانیا به پایان برسید (۱۵ ماه مه)، اعلام میگردد.

● **آغاز حمله ارتش‌های مصر، سوریه، اردن، لبنان و یک لشکر از عراق به کشور نو بنیاد - جنگ استقلال آغاز می‌گردد** (۱۵ ماه مه). در عرض پانزده ماه جنگ متناوب تمامی اشغالگران


אדון נכבד!

בשם הועד להכנת הקונגרס הציוני

دعوت نامه نخستین کنگره جهانی صیونیزم

بیرون رانده میشوند.

● **نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF)** با ادغام تمامی سازمانهای دفاعی موجود پیش از بنیاد کشور، تشکیل میشود.

● **نخستین آمار شمار جمعیت در اسرائیل** را ۸۷۲,۷۰۰ نفر اعلام میدارد که از این رقم ۷۱۶,۷۰۰ نفر یهودی و ۱۵۶,۰۰۰ نفر غیر یهودی‌اند.

● **لیره اسرائیل با ارزش برابر جایگزین پاوند انگلیسی میشود.**

● **موافقت‌های آتش بس** با مصر، اردن، سوریه و لبنان امضاء میشود.

● **بیت‌المقدس میان اسرائیل و اردن تقسیم میشود.** اردن بخش کهن شهر و بخش خاوری را در اختیار میگیرد و بخش باختری و جنوبی شهر در دست اسرائیل میماند.

● **نخستین انتخابات** (۲۵ ژانویه)؛ دیوید بن گوریون رئیس دولت ائتلافی که اکثریت آن با حزب کارگر است، میشود.

● **حئیم وایزمن** بعنوان نخستین رئیس جمهور برگزیده میشود.

● **نخستین مجلس** (Kenesset) در اورشلیم تشکیل میشود (Tu Bashvat).

● **مهاجرت دسته جمعی از کشورهای خاورمیانه**، شمال آفریقا و همچنین کسانی که در اروپا خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند آغاز میگردد.

● **مجلس اورشلیم را پایتخت اسرائیل اعلام میدارد.**

● **اسرائیل پنجاه و نهمین عضو سازمان ملل متحد میشود.**

● **تصنا** (Tzena)، جیره بندی مواد غذائی و سایر مایحتاج برقرار میشود.

● **نخستین اولپن** (Ulpan) یعنی کلاسهای ویژه آموزش زبان عبری به بزرگسالان آغاز میگردد.

● **عملیات قالیچه جادو - مهاجرت دسته جمعی از یمن** - آغاز میشود.

* * *

## ۱۹۵۰ - ۱۹۵۹

● **وزارتخانه‌های دولت به اورشلیم انتقال داده میشوند.**

● **نخستین معبره** (Ma'abara) یا اردوگاههای موقتی برای مهاجران جدید بر پا میشود.

● **انتخابات برای دومین مجلس.**

● **بیست و سومین کنگره صیونیستی** - نخستین نشست این کنگره در اورشلیم، تصویب برنامه اورشلیم، رأی پیرامون یکپارچه کردن کشور اسرائیل، گردآوری یهودیان در تبعید در سرزمین اسرائیل Eretz Israel و اتحاد همه یهودیان.

● **اسحق بن صوی Yitzhak Ben Tzvi** بعنوان دومین رئیس جمهور برگزیده میشود.

● **نخستین Zimriya** جشنواره گروه‌هایی از سراسر دنیا، که هر سه سال یکبار برگزار خواهد شد، گشایش می‌یابد.

● **یاد واشم Yad Vashem** بنیاد میشود تا خاطره شش میلیون یهودی را که در کشتار نازی‌ها از میان رفتند، جاودانه سازد.

● **مصر از عبور کشتی باری اسرائیلی Bat Glim** از کانال سوئز جلوگیری نموده قرارداد آتش‌بس را زیر پا می‌گذارد.

● **افتضاح جاسوسی اسرائیل در مصر به رسوائی میکشد** (Esek Bish) که موجب استعفای وزیر دفاع اسرائیل Pinchas Lavon گردیده و نزدیک به یک دهه ادامه پیدا میکند.

● **پس از استعفای بن گورین، موشه شارت Moshe sharett** به نخست وزیری میرسد.

● **انتخابات برای مجلس** (Knesset) سوم - داوید بن گورین

دگر بار نخست وزیر میشود.

● **بدنبال حمله‌های تروریستی علیه اسرائیل**، بسته شدن تنگه تیران **Tiran** و امضاء پیمان نظامی سه جانبه میان مصر، اردن و سوریه، حمله به شبه جزیره سینا توسط اسرائیل، بریتانیای کبیر و فرانسه آغاز میشود. در طول جنگ اسرائیل نوار غزه و تمامی شبه جزیره سینا را به چنگ میاورد.

● **بیست و چهارمین کنگره صیونیستی**؛ نائوم گلدمن **(Nahum Goldman)** پست ریاست سازمان صیونیستی را که برای ده سال خالی مانده بود، بعهده میگیرد.

● **اسرائیل بدنبال گرفتن اطمینان پیرامون گذر آزاد از راه کانال سوئز** نیروهای خود را از نوار غزه و شبه جزیره سینا بیرون میبرد.

● **اسرائیل با خشک کردن باتلاق هولا (Hula)** از مالاریا جلوگیری نموده و همچنین به زمین قابل کشاورزی دست می‌یابد.

● با کمک فرانسه **راکتور اتمی دیمونا (Dimona)** ساخته میشود.

● **مرکز ماشاو (Mashav)** برای همکاری بین‌المللی بوسیله وزارت امور خارجه بنیاد نهاده میشود تا دانش آموخته شده از تجربه آبادانی اسرائیل به کشورهای در حال گسترش داده شود.

● **Heichal Shlomo** - جایگاه خاخام بزرگ - افتتاح میشود.

● **تصنا (Tzena)** یا جیره‌بندی پایان می‌پذیرد.

● **انتخابات برای مجلس (Knesset)** چهارم.

## ۱۹۶۹ - ۱۹۶۰

● **بیست و پنجمین کنگره صیونیستی** - یک قانون اساسی به تصویب میرسد که در برگیرنده اصلاحات گسترده و عدم تمرکز قدرت است؛ نام سازمان صیونیستی به سازمان جهانی صیونیستی تغییر داده میشود.

● **آدولف آیشمن (Adolf Eichmann)** سازمان دهنده برنامه نابودی یهودیان توسط نازی‌ها، در اورشلیم به پای میز محاکمه کشانده میشود، بخاطر انجام جنایاتش علیه انسانیت و مردم یهود به مرگ محکوم گردیده و در سال ۱۹۶۲ به دار آویخته میشود.

● انتخابات برای پنجمین مجلس.

● **Zalman Shazar** بعنوان سومین رئیس جمهور برگزیده میشود.

● **لوی اشکول (Levi Eshkol)** به نخست‌وزیری رسیده و جایگزین داوید بن گورین میشود.

● **سازمان آب سراسری** به کار افتاده و اقدام به آبرسانی از شمال و مرکز اسرائیل به منطقه خشک جنوب مینماید.



● **پاپ پل ششم** از اسرائیل دیدن میکند.

● **موزه اسرائیل** در اورشلیم بنیان نهاده میشود.

● **Eli Cohen** مأمور اطلاعاتی اسرائیل در دمشق به دار آویخته میشود.

● **بندر بازرگانی بین‌المللی Ashdod** گشوده میشود.

● علیرغم مخالفت شدید مردم، روابط سیاسی با آلمان برقرار میشود.

● **بیست و ششمین کنگره صیونیستی**، گفتگوها بر کمک به کشور اسرائیل ادامه به حیات قوم یهود در تبعید دور میزند.

● **انتخابات برای ششمین مجلس (Knesset).**

● **ساختمان دائمی مجلس (Knesset)** در اورشلیم گشایش می‌یابد.

● **س. ی. اگنون S. Y. Agnon** نویسنده عبری، بهمراه نویسنده‌ای دیگر برنده جایزه ادبی نوبل میشود.

● **جنگ شش روزه** (۶ تا ۱۱ ژوئن).

● **اورشلیم** آزاد می‌شود.

● پس از جنگ شدید با مهاجمان سوری، بلندی‌های گولان (Golan) به تصرف اسرائیل در می‌آید.

● **Judea**، **سامره، غزه و شبه جزیره سینا** تحت کنترل اسرائیل در می‌آید.

● **اورشلیم** رسماً بهم پیوسته شده و محدوده شهری آن گسترش می‌یابد.

● اسرائیل روش پلهای آزاد برای رفت و آمد مردم و حمل و نقل کالا را در مورد تمام پلهای رود اردن، در پیش میگیرد.

● **قطعنامه ۲۴۲ در سازمان ملل متحد** تصویب میشود و چهارچوب موافقت پیرامون حل اختلافات اعراب و اسرائیل، فراهم می‌آید (۲۲ نوامبر).

● دولت نظامی برای مناطق تحت اداره به وجود می‌آید.

● نخستین پخش برنامه‌های تلویزیونی.

● **بیست و هفتمین کنگره صیونیستی** که برای نخستین بار در



فاتحین جنگ ٦ روزه در حال ورود به اورشلیم



بیت‌المقدس یکپارچه تشکیل میشود، برنامه‌هائی پیرامون افزودن بر برنامه بیت‌المقدس در رابطه با یگانگی یهودیان، مرکزیت اسرائیل، علیا (Aliyah) و آموزش یهودیان در خارج از مملکت، تصویب میکند.

● **لوی اشکول** (Levi Eshkol) ، نخست وزیر اسرائیل در دفتر خود زندگی را بدرود میگوید. **گلدا مایر** (Golda Meir) جانشین وی میشود.

● پنج قایق اژدر افکن ساخت فرانسه که اسرائیل خریداری کرده بود، علیرغم تحریم تسلیحاتی فرانسه، با موفقیت از بندر شربورگ (Cherbourg) به حیفا آورده میشوند.

● **انتخابات برای هفتمین مجلس** (Knesset) ، گلدا مایر در سمت نخست وزیری ابقاء میشود.

● **جنگ فرسایشی**، اقدامات نظامی پراکنده مصر در طول کانال سوئز به یک جنگ تمام عیار محلی تبدیل میشود تا اینکه سرانجام با آتش بس تازه موافقت میشود.

* * *

**۱۹۷۰ - ۱۹۷۹**

● **جنبش پلنگان سیاه** که از افراد معترض افراطی خاورمیانه و شمال آفریقا تشکیل یافته مدتها به فعالیت ادامه میدهد. برخی از اعضاء این گروه بعدها وارد سیاست میشوند.

● **بیست و هشتمین کنگره صیونیستی** - نابسامانیهای جامعه اسرائیل، تلاش یهودیان شوروی برای مهاجرت دسته جمعی (Aliyah) و تشویق مهاجرت از کشورهای باختری، مورد گفتگو قرار میگیرد.

● **جنگ یوم کیپور** (Yom Kippur) - در مقدس‌ترین روز سال یهودی که روز کفاره و دیه و اصلاح است، اسرائیل مورد حمله هم‌آهنگ شده مصر و سوریه قرار میگیرد. اسرائیل با نبرد سخت بی سابقه و متحمل شدن تلفات بسیار، مهاجمین را به عقب میراند.

● **یفرایم کاتصیر** (Ephraim Katzir) چهارمین رئیس جمهور میشود.

● **داوید بن گورین**، نخستین نخست‌وزیر اسرائیل و پدر کشور اسرائیل جهان را بدرود میگوید.

● **تظاهرات ضد دولتی** منجر به استعفای گلدا مایر میشود.

● **انتخابات دوره هشتم مجلس** (Knesset).

● **اسحاق رابین** نخست‌وزیر میشود.

● **موافقتنامه جدائی نیروها** با مصر به امضاء میرسد.

● **گوش امونیم** (Gush Emunim)، جنبشی که همّت خود را مصروف حاکمیت یهودیان بر سرزمین تاریخی اسرائیل (طرفداری از



اسکان یهودیان در Judea و Samaria) داشته، آغاز به فعالیت میکند.

● **اسرائیل یک پیمان اقتصادی** با جامعه مشترک اروپا امضاء نموده و بر اساس آن یک منطقه آزاد برای فرآورده‌های صنعتی و کارخانه‌ای بوجود می‌آورد که منجر به افزایش چشمگیر بازرگانی میشود.

● **سازمان ملل متحد** قطعنامه‌ای را به تصویب میرساند که بر اساس آن صیونیزم معادل تبعیض نژادی محسوب میشود.

● **پیمان ترک مخاصمه با سوریه** به امضاء میرسد.

● **انتخابات برای نهمین مجلس (Knesset)**، حزب لیکود در انتخابات پیروز شده و به رهبری ۲۹ ساله حزب کارگر پایان میدهد. مناخیم بگین (Menachem Begin) نخست‌وزیر میشود.

● **سادات** رئیس جمهور مصر از اورشلیم بازدید کرده و بدین ترتیب دور تسلسل تکذیب اسرائیل از سوی اعراب را می‌شکند.



معماران قرارداد کمپ دیوید در واشنگتن

● **پیمان کمپ دیوید** که شالودهٔ صلح میان مصر و اسرائیل و حل مسألهٔ فلسطین را فراهم می‌آورد، بوسیله رهبران دو کشور به امضاء میرسد.

● **عملیات لیتانی (Litani)** - در پاسخ به حملات به جان افراد غیر نظامی در شمال اسرائیل، این کشور دست به اقدامات نظامی علیه پایگاههای تروریست‌ها در جنوب لبنان میزند.

● **اسحق ناون (Yitzhak Navon)** بعنوان پنجمین رئیس جمهور برگزیده میشود.

● **بیست و نهمین کنگره صیونیستی** - تعدد دینی در اسرائیل بزرگترین مسألهٔ مورد بحث است.

● **پیمان صلح با مصر** به امضاء میرسد و به ۳۱ سال خصومت و پنج جنگ پر هزینه پایان می‌بخشد.

● **جایزه صلح نوبل** به مناخیم بگین و سادات داده میشود.

***

## ۱۹۸۰ - ۱۹۸۹

● **قانون اصلی**: «اورشلیم پایتخت اسرائیل» به تصویب مجلس (Knesset) میرسد.

● **قرارداد تفاهم با آمریکا** به امضاء رسیده و زمینه همکاریهای نظامی و غیر نظامی میان دو کشور را فراهم می‌آورد.

● **راکتور اتمی عراق** چند هفته پیش از آنکه بکار افتاده و خطر بزرگی برای اسرائیل و جهان بوجود آورد، توسط نیروی هوائی اسرائیل منهدم میشود.

● **قانون بلندی‌های جولان در مجلس (Knesset)** به تصویب میرسد.

● **انتخابات برای دهمین مجلس**، حزب لیکود دولت جدید را تشکیل میدهد.

● **اسرائیل** بر اساس پیمان صلح مصر و اسرائیل کار خروج نیرو از سینا را به انجام میرساند.

● **عملیات صلح برای جلیله (Galilee)** علیه مراکز تروریستی سازمان رهائی فلسطین (PLO) که از درون لبنان برای حمله به شمال اسرائیل عمل میکنند، آغاز میگردد، نیروهای اسرائیلی در سال ۱۹۸۵ از لبنان بیرون میروند ولی یک نوار حفاظتی در جنوب لبنان بوجود می‌آورند.

● **سی‌امین کنگره صیونیستی.**

● **حئیم هرتصوگ (Chaim Herzog)** به سمت ششمین ریاست جمهوری برگزیده میشود.

● **اسحاق شمیر (Yitzhak Shamir)** بدنبال استعفای مناخیم بگین به نخست‌وزیری میرسد.



یهودیان حبشی در طی عملیات موسی، پس از هزاران سال به سرزمین موعود می آیند

● **عملیات موسی** بیش از ۷۰۰۰ نفر را از جامعه کهن یهودی اتیوپی به اسرائیل می‌آورد.

● **انتخابات برای یازدهمین مجلس**، شیمون پرز نخست‌وزیر دولت اتحاد ملی میشود.

● **پیمان بازرگانی آزاد** با آمریکا به امضاء میرسد.

● یک برنامه اضطراری ثبات اقتصادی که توسط دولت و با کمک اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای کارفرمایان با موفقیت به مرحله اجرا در آمده و نرخ تورم را از ۴۴۵٪ به ۲۰٪ کاهش میدهد.

● **اسحاق شمیر** بر اساس قرار چرخش پست نخست‌وزیری در دولت اتحاد ملی، این پست را بعهده میگیرد.

● **سی و یکمین کنگره صیونیستی** - تعدد دین‌ها در اسرائیل موجب نگرانی شدید میشود.

● **شورش فلسطینی‌ها - انتفاده (Intifada)** در ساحل باختری و نوار غزه آغاز میگردد.

● **یادداشت تفاهم با آمریکا** برای گسترش همکاری دو جانبه به امضاء میرسد.

● **انتخابات برای مجلس دوازدهم.**

● **اسحاق شمیر** نخست‌وزیر دولت اتحاد ملی باقی میماند.

● **مهاجرت دسته جمعی یهودیان از شوروی آغاز میگردد.**

***

**امروز - ۱۹۹۰**

● **وزیران حزب کارگر** بخاطر عدم پیشرفت در روند صلح از دولت ائتلافی استعفا میدهند.

● در طول جنگ خلیج فارس اسرائیل مورد حمله موشکهای اسکاد (Scud) عراقی قرار میگیرد.



● **کنفرانس صلح خاورمیانه** در مادرید گشایش یافته و نمایندگان اسرائیل، مصر، اردن، سوریه، لبنان و فلسطینیها را گرد هم می‌آورد.

● **شورای امنیت سازمان ملل متحد** قطعنامه‌ای را که بر اساس آن صیونیزم معادل نژادپرستی اعلام شده بود، لغو میکند.

● **عملیات سلیمان** - بسیاری از یهودیانی که هنوز در اتیوپی باقی مانده‌اند. ۱۵,۰۰۰ نفر از آنان در طول ۲۵ ساعت عملیات بسیار گسترده و بدون وقفه به اسرائیل آورده میشوند.

● **انتخابات برای سیزدهمین مجلس**، اسحاق رابین از حزب کارگر نخست‌وزیر میشود.

● **سی و دومین کنگره صیونیستی** که دهمین نشست آن در اورشلیم پس از تشکیل کشور اسرائیل میباشد - در این نشست گفتگو بیشتر واقع بینانه هستند تا ایدئولوژیکی.

● **اساس موافقت نامه برای دولت خودگردان موقت** بوسیله اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین به نمایندگی از مردم فلسطین، اعلام میگردد.

● **عِزِر وایزمن** (Ezer Weizman) بعنوان هفتمین رئیس جمهور برگزیده میشود.

● **در قاهره موافقت‌نامه غزه - جریکو** میان اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین به امضاء میرسد.

● **پیمان صلح میان اسرائیل و اردن** به امضاء رسیده و روابط کامل سیاسی بین دو کشور برقرار میشود.

● **جایزه صلح نوبل به رابین، پرز و عرفات** داده میشود.

● **قرارداد موقت پیرامون کرانه باختری و نوار غزه** که موجب گسترش اختیارات دولت خودگردان فلسطین میشود، بوسیله اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین امضاء میشود.

● **پیمان معاشرت بین اسرائیل و امارات متحده عربی** به امضاء رسیده و روابط میان دو کشور گسترده میشود.

● **اسحاق رابین**، نخست وزیر اسرائیل در یک گردهم‌آئی برای پشتیبانی از صلح توسط یک یهودی افراطی کشته میشود. شیمون پرز نخست‌وزیر میشود.

● **نیروهای اسرائیلی** با خروج از شش شهر کرانه باختری قرارداد موقت را به مرحله اجرا در می‌آورند.

● **دفاتر نمایندگی بازرگانی اسرائیل در عمان و قطر** گشایش می‌یابند.

● **انتخابات چهاردهمین مجلس** و نخستین انتخابات مستقیم برای نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو از حزب لیکود بعنوان نخست‌وزیر انتخاب میشود.

● **پیش‌نویس سند پیرامون نقل و انتقال نیروها در حبرون** (Hebron) بوسیله اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین به امضاء میرسد. □



בס״ד






An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

# سال نو عبری مبارک
# مراسم روش هشانا و یوم کیپور ۵۷۵۸

مراسم ایام متبرکه روش هشانا و کیپور امسال مانند سالهای گذشته در هتل مجلل لوز در شهر سانتامونیکا با نظم و ترتیب خاص همه ساله خود در شأن شخصیت یک یهودی برگزار می‌گردد.

بسیار خوشوقتیم که امسال نیز ربای روبن ملکان که از ابتدای تأسیس سازمان همکار و همگام ما بودند با صدای ملکوتی و سبکی دلنشین در مراسم روش هشانا و یوم کیپور شرکت خواهند داشت.

۱ - اجرای مراسم در فضای روحانی به زبان عبری و فارسی
۲ - سالن بسیار مجلل با تهویه مطبوع
۳ - صندلی‌های شماره‌گذاری شده، از دغدغه خاطرتان می‌کاهد
۴ - تعداد جا محدود بوده و به هیچ وجه افراد اضافی پذیرفته نمی‌شوند (ظرفیت ۹۰۰ نفر)

## روش هشانا ۲ و ۳ اکتبر ۱۹۹۷

### یوم کیپور ۱۱ اکتبر

# هتل مجلل لوز در شهر سانتامونیکا
# Lowes Hotel

برای دریافت بلیط ورودی و رزرو اتاق در هتل لطفاً هر چه زودتر

با دفتر سازمان سیامک تماس بگیرید.

**تلفن اطلاعات: ۴۷۹۸ - ۴۷۹ - ۳۱۰**

سالی پر از سلامتی - سعادت و موفقیت توأم با صلح برای یهودیان و جهانیان آرزومندیم

از کلیهٔ همکیشان محترم تقاضا می‌شود که شعائر مذهبی را در پوشیدن لباس در ایام متبرکه رعایت فرمایند.



نوشته: الیزراشواید*

# هدف‌های امروزی صیونیزم

بمناسبت یکصدمین سالگرد نخستین کنگره صیونیستی (۱۹۹۷-۱۸۹۷) و در آستانه پنجاهمین سالگرد پیدایش کشور اسرائیل (۱۹۹۸-۱۹۴۸) سازمان جهانی صیونیزم به گونه‌ای شدید به دوباره اندیشی، نوین سازی فرض‌ها و گمان‌ها و نوسازی سازمان خود دست زده است تا بتواند پاسخگوی نیازهای در حال تغییر یهودیان داخل و برون اسرائیل باشد.

مهمترین حادثه که منجر به این تغییرات شده است فرو پاشیده شدن اتحاد جماهیر شوروی و پیامدهای آن و مهاجرت دسته جمعی یهودیان از شوروی به اسرائیل می‌باشد، جائی که تازه واردها توانسته‌اند خود را از نظر اقتصادی - اجتماعی به گونهٔ شایسته‌ای با اوضاع وفق دهند. تا یک دههٔ دیگر مهاجرت کامل یهودیان از شوروی سابق به اسرائیل از قوه به فعل در خواهد آمد و اسرائیل میزبان اکثریت یهودیان دنیا خواهد شد.

روند صلح دست کمی از چشمه آب حیات ندارد زیرا که، چنانچه به موفقیت بیانجامد، اسرائیل را به یک دوران روابط عادی با همسایگانش و همچنین با سیستم سیاسی جهانی رهنمون خواهد شد. از سوی دیگر دگرگونی‌های دیگری نیز در ساختمان اجتماعی و روند سیاسی اسرائیل و یهودیان پراکنده در دنیا پدید آمده و همچنان در حال پیدایش است. می توان گفت که دگرگونی‌های جوامع یهودی بیرون از اسرائیل بخشی از یک روند عادی شدن اوضاع است. احساس اطمینان خاطر و باور بر اینکه مرکز ثقل فعالیت‌ها و منافع آنها در کشورهای محل سکونتشان قرار دارد. البته من از جوامع یهودی پراکنده در جهان آزاد سخن می‌گویم و باید در نظر داشت که دیگر، مناطق بزرگ تحت پریشانی و اضطراب وجود ندارد. و اگر چه این موقعیت می‌تواند عوض بشود امّا امروزه احتمال بدتر شدن موقعیت در افق دیده نمی‌شود. در حقیقت تمام وقایعی که ذکر کرده‌ام این احساس را به وجود می‌آورند که ما باید موقعیت خود و مقصود خود از فعالیت‌هایمان را از دیدگاه به سرانجام رساندن صیونیزم، دوباره مورد بررسی قرار دهیم.

این کار را با گفتاری چند پیرامون عارضه‌ای به نام دوران «**پسا صیونیزم**» **Post Zionism** که مبتلایان به آن مدعی آنند که امر خطیر صیونیزم پایان گرفته و یا باید پایان پذیرد، آغاز می‌کنم. آنگاه خواهم کوشید دیدگاه‌های کسانی راکه معتقد به ادامه نهضت صیونیزم هستند، آن چنان که خود می‌بینم، مورد بررسی قرار دهم.

عارضه مشهور به «**پسا صیونیزم**» بسیار پیچیده و مختلف الشکل است. و نکته با اهمیت اینستکه رهروان این اندیشه حلقه کوچکی را تشکیل می‌دهند و گر چه هیاهوی بسیاری به پا می‌کنند و نظراتشان اغلب در رسانه‌ها نقل می‌گردد، این نظرات بازگو کننده اندیشه‌های نخبگانی است که اثر نفوذی چندانی روی جامعه اسرائیلی ندارند. با این حال، «**پسا صیونیزم**» را می‌توان همچنین یک روند اجتماعی دانست که به همین دلیل گستره و نفوذ آن بیش از آنی است که ما به زبان می‌آوریم و چیزی است که در بسیاری از سیاست‌های دولت و طرز تفکر احزاب خاص سیاسی جلوه‌گر است.

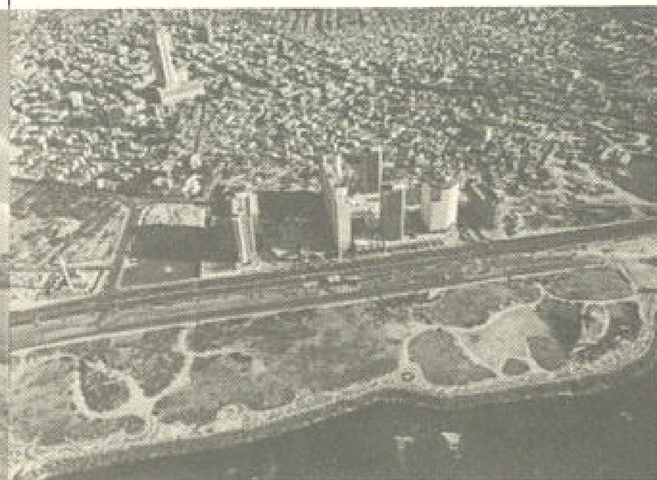
بدین ترتیب ما باید این پدیده را از دریچه ایدئولوژیکی بررسی کنیم. دو نوع اندیشهٔ پسا صیونیستی وجود دارد. **نخست** آنانکه بدان پدیده‌یی بسیار مثبت می‌نگرند ولی نتیجه‌گیری می‌کنند که صیونیزم به تمامی هدف‌های خود رسیده و کار دیگری برایش باقی نمانده که به انجام برساند. زیرا که به هر روی، هدف عادی ساختن زندگی مردمان



یهودیان - بدون در نظر گرفتن اینکه دقیقاً همانگونه که **هرتصل** در نظر داشت انجام گرفته یا نه - به واقعیت پیوسته است. به همین دلیل باید اکنون بدنبال هدف‌هائی باشیم که کشورهای عادی که دارای مرزهای امن هستند دنبال می‌کنند مثل بالا بردن سطح زندگی و ترویج و ترقی وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه. کشش بسوی این طرز تفکر پس از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ نمایان گشت و برخی بر این باور شدند که اسرائیل با این جنگ ثابت کرد که پایه‌های قدرت خود را مستحکم ساخته و دیگر نمی‌توان آنرا به دریا انداخت. و حال زمان آن فرا رسیده بود که گامهائی در راه عادی ساختن روابط با همسایگان عرب برداشته شود. همانگونه که میدانیم این طرز تفکر زمینه‌ای شد برای بحث و جدل پیرامون نوع و طبیعت گامهائی که میبایست برداشته شود. گروهی از مردم را عقیده بر این بود که جنگ راه را برای جامه عمل

می‌داد که نهضت و نقش صیونیزم را به اوج و کمال می‌رساند. پیروان **«پسا صیونیزم»** که وجود خود را در این چهارچوب تعریف می‌کردند، اصرار داشتند که اسرائیل باید پیشروی بسوی صلح را بعنوان تکمیل و تکامل نهضت صیونیزم دنبال کند. بر این باور، صیونیزم به هدف خود دست یافته است و از این پس نباید به دنبال هیچ چیز دیگری در ماوراء آن دست یازد.

مکتب دیگر **«پسا صیونیزم»** در حقیقت باز زنده سازی طرز تفکر و ایدئولوژی زمان پیش از هالوکاست و پیش از تشکیل کشور اسرائیل است. پیش از تشکیل کشور اسرائیل نهضت صیونیزم نماینده تفکر گروه کوچکی از یهودیان بود که مورد مخالفت بخش‌های گوناگون یهودیان قرار داشت و کوششهایش به هیچ وجه مورد پشتیبانی اکثریت یهودیان نبود. و تنها پس از کشتار دسته جمعی یهودیان و ایجاد کشور



**تل آویو امروزی**



**شهر افرات در تپه‌های یهودیه**

پوشاندن به مدینه فاضلهٔ یا سرزمین موعود کشور اسرائیل باز کرده است. آنان امیدوار بودند که شاهد تثبیت و تحکیم اسرائیل بزرگ از راه مهاجرت شمار بسیار زیادی از یهودیان روسی باشند که اسرائیل را قادر سازد که به هدف‌های خود که همانا گردآوری یهودیان در تبعید در خاک اسرائیل و همچنین رسیدن به صلح می‌باشد، برسد زیراکه دشمنان این کشور بدین ترتیب مجبور به پذیرش موجودیت آن می‌شوند. بقیه مردم کشور بر این باور بودند که باید بلافاصله به صلح دست یافت تا بتوان نهضت صیونیزم را کامل نمود زیراکه اسرائیل با بدست آوردن پیروزی به موقعیتی دست یافته که می‌تواند با همسایگانش به گفتگو پرداخته، با آنها سازش‌هائی کند که بدان وسیله ظلم رفته به مردم فلسطین جبران گشته و بدین ترتیب به هدف خود یعنی ایجاد حالت و روابط عادی برسد. این طرز تفکر اساساً صلح را بعنوان هدفی ارائه

اسرائیل بود که اندیشهٔ اتحاد یهودیان مورد نظر و حمایت همگانی قرار گرفت و تنها در آن زمان بود که صیونیزم بعنوان حلقه پیوند دهنده همه یهودیان در اسرائیل و در تبعید گردید. این یکپارچگی تا جنگ شش روزه ادامه داشت. از آن پس، به ویژه پس از جنگ فرسایشی (۱۹۷۰-۱۹۷۸) و جنگ یوم کیپور (۱۹۷۳)، نداهائی پیرامون درستی فلسفه صیونیزم و ارزیابی مجدد آن بپا خواست.

عامل اصلی برای خواستن ارزیابی مجدد نهضت صیونیزم این بود که بسیاری از جوانان احساس می‌کردند که بهائی که میبایست برای رسیدن به هدف صیونیزم پرداخت شود به ویژه برای جوانان بسیار گران است. در این رابطه عامل مهمی راکه باید در نظر داشت همانا آسیب و ضربه شدید جنگ یوم کیپور می‌باشد. بسیاری از جوانان به این نتیجه رسیدند که بهرهٔ شخصی‌ای که از راه رسیدن به هدف ملی





مهاجران نخستین که سرزمین اسرائیل را ساختند

داشتن یک کشور یهودی نشین بدست می‌آورند در برابر بهای گزافی که از آنان طلب می‌شد کوچک بوده و بنابراین لازم است که درستی و حقیقی بودن ادعای فلسفه صیونیزم مورد پرسش قرار گیرد. به گفتهٔ دیگر آیا صیونیزم راه حلی برای مسائل و سختی‌های مردم یهود می‌باشد؟

افزون بر این احساس که شخصاً در این جریان دچار ضرر شده‌اند، این جوانان مشاهده می‌کردند که آنان که خود را از حلقه ترس و وحشت بیرون برده‌اند یهودی‌های دور از اسرائیل و پراکنده در دنیا هستند و اگر یهودی‌هائی با خطر نابودی و کشتار دسته جمعی روبرو باشند، همانا یهودیان درون و پیرامون اسرائیل می‌باشند. بعلاوه، حتی اگر کشور اسرائیل بتواند مانع کشتار دسته جمعی گردد - همانگونه که در جنگ یوم کیپور توانست - بهای این جریان بسیار گزاف بوده و راه حل‌های دیگری برای بقای یهودیان وجود دارد. این طرز تفکر راه را برای ارزیابی دوبارهٔ جنبه‌های دیگر عادلانه بودن صیونیزم گشود، از جمله عارضهٔ شدید احساس گناه در مورد ظلمی که به فلسطینی‌ها شده بود - هر چند که از نظر من این ظلم به وسیله «گناه اصلی» صیونیستی بر آنان وارد نشده است. بهر روی گفتگو و بحث پیرامون این مطلب دوباره از سر گرفته شد زیرا که کاملاً روشن بود زخم کهنه‌ای گشوده شده بود که مانع رفع اختلاف می‌گردد.

جدا از دو عامل یاد شده بالا، فلسفه پسا مدرنیزم آمریکائی American "Post Modernism" پس از جنگ شش روزه به اسرائیل سرایت کرده و اثر عمیقی بر کشور داشته است. اسرائیل تا پیش از جنگ شش روزه با در پیش گرفتن سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی مورد نیاز برای جذب شمار بسیار زیاد مهاجران موفق شده بود جلوی اثرات پسا مدرنیزم را بگیرد، اما تمامی موانع پس از جنگ شش روزه فرو ریخت و اثرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی لیبرالیزیم آمریکائی پس از جنگ دوّم جهانی با نیروی تند و بزرگی به جامعه اسرائیلی نفوذ کرد.

باید یادآور شد که صیونیزم بعنوان یک نهضت دموکراتیک ملی در دامان و با پشتیبانی فلسفه دموکراتیک ملی اروپای غربی رشد نمود. دکترین لیبرال دموکراتیک آمریکائی، در مقابل، غیر ملی و تا حد زیادی ضد ملی‌گرائی و حتی در نهایت فردگرا است. الگوی اصلی این فلسفه کشور را متعلق به شهروندانش می‌داند در حالیکه در یک کشور ملی، کشور متعلق به یک ملت بعنوان یک وجود تاریخی است. بدین ترتیب دکترین لیبرال دموکراتیک آمریکائی یک کشور را مسئول خوشبختی و سعادت شهروندانش بصورت انفرادی می‌بینند نه مسئول بقای ملت بصورت یک وجود خود مختار.

پذیرش افکار لیبرال دموکراتیک و قبول ویژگیهای فردگرائی و رقابتی آن و این احساس که اسرائیل به فلسطینیها - حتی فلسطینی‌های تابع اسرائیل - ظلم روا داشته موجب از هم پاشیدگی شالوده فلسفه ملی‌ای گردید که دموکراسی اسرائیلی از آن شکل گرفته بود.

پس از جنگ شش روزه زمزمه‌هائی بپا خواست مبنی بر این ادعا که



تضاد ژرفی میان اسرائیل بعنوان یک کشور یهودی نشین و اسرائیل بعنوان یک کشور دموکراتیک وجود دارد. بنا بر این ادعا چنانچه اسرائیل بخواهد که یک دموکراسی واقعی باشد باید فکر اسرائیل بعنوان یک کشور یهودی نشین را کنار بگذارد و این امر که یهودیان در اسرائیل زندگی می‌کنند و هر کدام تابعیت اسرائیلی دارند نباید هیچگونه رابطه‌ای با ترکیب قانون اساسی کشور داشته باشد و در نتیجه اسرائیل باید «کشور شهروندانش باشد».

این دیدگاه مسلماً منتج به نابودی اساس صیونیستی اسرائیل می‌گردد زیرا که چنانچه اسرائیل یهودی نباشد، نباید سیاست‌های صیونیستی جذب یهودیان مهاجر و پرورش یهودیت را بعنوان یک



**شالوده ریزی شهر تل آویو**

الگوی فرهنگی و هویت ملی اجرا نماید.

آنچه در بالا یاد شد کم و بیش اساس فلسفه و ایدئولوژی «پسا صیونیزم» (Post Zionism) می‌باشند. جذب اندیشه‌های لیبرال دموکراسی آمریکائی، و بیش از هر چیز، پذیرش اندیشه‌های اجتماعی این دموکراسی، ویژگی‌های اقتصاد بازار آزاد، ترک کردن پارامترهای سیاست‌های اجتماعی و سوسیالیستی که اسرائیل را تا پیش از جنگ شش روزه رهنمون شده بودند، ساقط نمودن سیاست‌های مربوطه به واردکردن جنبه‌های اجتماعی در آموزش و ارتش، همه و همه به خاطر ایدئولوژی رقابت بدون لگام - همهٔ اینها پسا صیونیزم (Post Zionism) را به شکل یک رفتار اجتماعی و سیاست اجتماعی - اقتصادی در آورد.

در این رابطه باید تأکید کنم که شمار بسیار کمی از اسرائیلی‌ها این را بعنوان چشم پوشی و رها کردن صیونیزم قلمداد نمودند. بر خلاف این عده، اکثر مردم فرض را بر این قرار دادند که نفع اقتصادی فردی بسته و برابر خواهد بود با بهبود و پیشرفت. وضعیت کشور، جذب مهاجرین و



یکپارچگی در مدارس و این‌ها نشانه کمال پیشرفت صیونیزم خواهد بود.

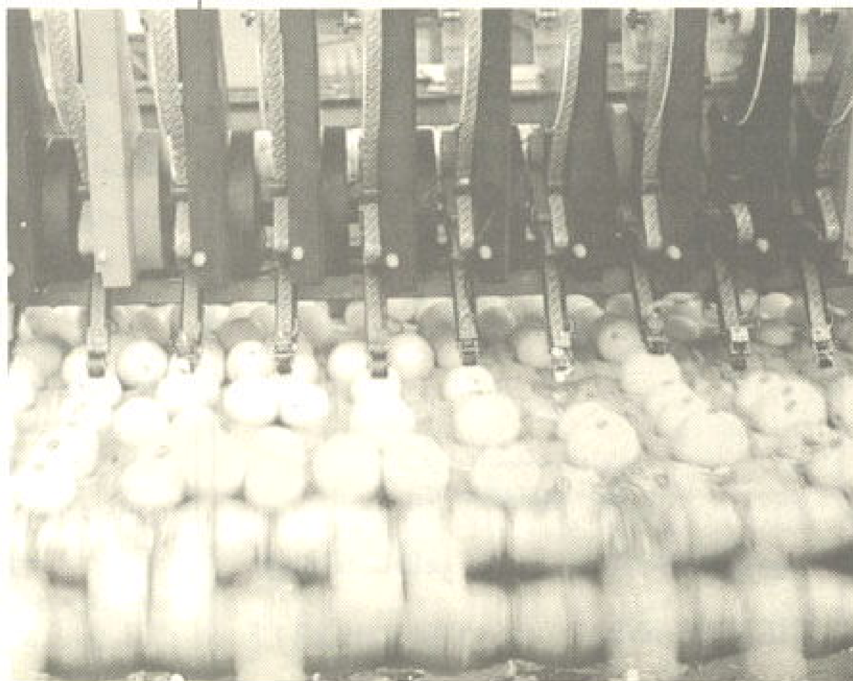
من بر این باورم که خطر نوع نخست پسا صیونیزم (Post Zionism) را باید بسیار جدی گرفت. نوع نخست «پسا صیونیزم» همانی است که از ضد صیونیزم اجتناب می‌کند. پرسش اینستکه **آیا کشور اسرائیل واقعاً به اهداف خود رسیده یا هنوز باید به یک هدف بزرگ و بنیادی نائل شود؟** گفته می‌شود که صیونیزم دست کم به یکی از هدف‌های اصلی خود بسیار نزدیک شده است. به نظر من این ادعا درست است. چنانچه ما صیونیزم را بر اساس دکترین سیاسی **هرتصل** تعریف نمائیم، کشور اسرائیل به هنگام تشکیل به هدف سیاسی خود نرسید ولی اکنون به آن دست یافته و یا بسیار نزدیک به دست یافتن به آن است. اسرائیل هم اکنون بزرگترین مرکز یهودیان در دنیاست و در عرض بیست سال آینده تقریباً بدون شک مسکن اکثریت یهودیان جهان خواهد بود. عوامل زیر موجب انجام این مهم خواهند شد:

● اسرائیل پذیرای تمامی کسانی خواهد شد که بخواهند از اتحاد جماهیر شوروی سابق مهاجرت کنند و حتی ممکن است پذیرای یهودیان دیگری که هنوز در برخی کشورها دچار سختی و دشواری هستند نیز بشود.

● اسرائیل آمارنگاری مردم کشوری تندرست و سالم است زیرا که از رشد طبیعی جمعیت بهره‌مند بوده و هرم استواری دارد. بدین معنی که اکثریت افراد آنرا جوانان تشکیل داده و سالمندان در اقلیت هستند. با اینکه رشد جمعیت یهودیان با رشد جمعیت فلسطینی‌ها برابری ندارد، امّا خود دارای یک رشد طبیعی است.

● در میان یهودیان پراکنده در دنیا جریان بر خلاف درون اسرائیل است، بدین معنی که شمار آنان به دلیل ازدواج با غیر یهودیان به سرعت رو به کاهش است. نباید از یاد برد که درصد ازدواج یهودیان با دیگران در آمریکا از مرز پنجاه درصد هم گذشته است. افزون بر این رشد طبیعی جمعیت در یهودیان پراکنده در دنیا دیده نمی‌شود و به دلیل آنکه بجز در خانواده‌های بسیار بنیادگرا تعداد کودک در خانواده‌ها کم است، در این جوامع شمار سالمندان بیشتر از تعداد جوانان می‌باشد. بدین ترتیب شمار یهودیان بیرون از اسرائیل رو به کاهش و شمار یهودیان درون اسرائیل رو به افزایش است. و در عرض بیست سال این روند موجب خواهد شد که کشور اسرائیل از هر نظر به بزرگترین، مستحکم‌ترین و با ثبات‌ترین مرکز یهودیت دنیا در آید. این پیشرفت بسیار قابل تحسینی است.

● جریان صلح به شکل گرفتن روابط عادی میان اسرائیل و کشورهای منطقه خواهد انجامید و چنانچه جریان صلح با موفقیت به نتیجه برسد، مردمی که در **صیون** (کشور اسرائیل) اقامت دارند خود را در یک محیط سالم و درست خواهند یافت. بر اساس پیدایش واقعیت به وسیله این عوامل و عوامل دیگر، می‌توان گفت که رؤیای سیاسی **هرتصل** به واقعیت گرویده است. همین نکته را در مورد یهودیان



**کشاورزی نوین و مکانیزه اسرائیل که اکنون به همه جای جهان صادر می‌شود**



بیرون از اسرائیل نیز می‌توان گفت زیرا که هرتصل معتقد بود که روزی خواهد رسید که یهودیانی که به کشور یهودی نشین نقل مکان نمی‌کنند دارای شرایطی مشابه آنچه که امروز در کشورهای محل سکونت خود دارند، خواهند شد. بیاد داشته باشید که هنگامیکه کشور اسرائیل بنا نهاده شد، حتی یهودیان آمریکا نیز احساس امنیت نمی‌کردند. حال چنانچه بخواهیم چنین دیدگاهی را بپذیریم، باید بگوئیم که رؤیای صیونیزم از نظر سیاسی تحقق یافته است.

امّا نکته شگفت انگیز اینجاست که هر گاه که یهودیان موفق به دست‌یابی به حالت عادی سیاسی شده‌اند، بلافاصله با خطری کاملاً متفاوت روبرو گشته‌اند، خطری که از آغاز دامنگیر نهضت صیونیزم بوده و شاید بتوان گفت که عامل مؤثر در بیدار ساختن این نهضت بوده است.

در اینجا باید مفاهیم دیگر صیونیزم را مورد بررسی قرار دهیم به ویژه صیونیزم معنوی احاد حاآم (Ahad Ha'am). در اوائل قرن بیستم احاد حاآم دو مسأله بزرگ برای یهودیان مطرح ساخت و یکی از آنها را «**مسئله یهودیان** Question of the Jews» و دیگری را «**مسئله یهودیت** Question of Judaism» نامید. مسألهٔ یهودیان درد و اندوهی بود که احساسات ضد یهود موجب می‌گردید. و این نه تنها ذلت و تحقیری بود که یهودیان در اروپای مرکزی و باختری متحمل می‌شدند، بلکه کشتار و آزار همگانی و فشار اقتصادی در اروپای خاوری بود. خشونت‌ها و دشمنی‌های وحشتناک این منطقه بود که سرانجام به مهاجرت یهودیان بیشماری گردید. سیاست دولت روسیه بر این بود که یهودیان را از آن کشور براند و بر این اساس یهودیان هر گونه حق تملک و درآمد را از دست داده و به بدترین درجه فقر و تنگدستی نزول کردند و در نتیجه بصورت امواج پیوسته عظیم مجبور به ترک وطن و مهاجرت، به ویژه به آمریکا شدند. نهضت صیونیزم تا اندازه زیادی بر پایه این اخراج‌ها بنا نهاده شد. احاد حاآم، امّا بر این باور بود که سرزمین اسرائیل نمی‌تواند پاسخگوی دشواریهای اقتصادی یهودیان باشد و می‌گفت فرا خواندن یهودیان گرسنه به اسرائیل بدتر از آنستکه به آنان بجای نان، سنگ داده شود. حقیقت آنستکه در آنزمان شرایط زندگی در اسرائیل بسیار دشوار بود و نظر احاد حاآم منطقی بنظر میرسید و به همین دلیل بود که مهاجرت به آمریکا را تنها راه حل می‌دانست. بدین ترتیب وی وظیفهٔ صیونیزم را رویاروئی با «**مسئله یهودیت**» می‌دانست و نه «**مسئله یهودی‌ها**» و مسئله یهودیت همانا حل شدن در جامعه بود، حل شدن در فرهنگ مدرن و جامعه پر جذبه جدیدی که یهودیان می‌خواستند در آن ترکیب شوند. به عبارت دیگر دلیل این تحلیل همانا عوامل مثبت دنیای مدرن بود. نظر احاد حاآم بر






**پوسترهای قدیمی که سازندگی اسرائیل را نوید می‌داده و تأکید می‌کرده‌اند.**

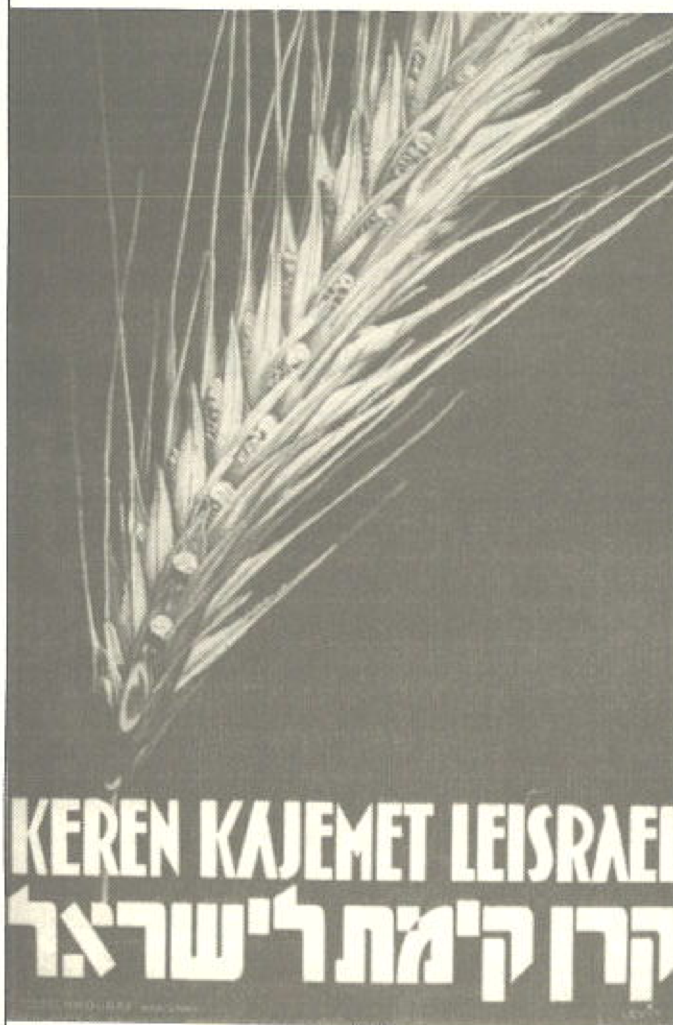


این بود که چنانچه یهودیان بخواهند که همچنان موجودیت خود را بصورت مردمی متمایز نگاه دارند، میبایست مبادرت به ساختن فرهنگ نوینی بنمایند که از یک سو هویت و وابستگی خود با اصلش را حفظ کند و از سوی دیگر تمام مظاهر مثبت فرهنگ مدرن را از پیشرفت‌های علمی و صنعتی گرفته تا پیشرفت‌ها و موفقیت‌های انسانی پذیرا شده و با آن هماهنگ شود. امّا این امر ایجاد کشوری در سرزمین اسرائیل را ضروری می‌ساخت زیرا که فرهنگ پیشنهادی احاد حاآم نمی‌توانست در تبعید شکل گیرد. چنین مردمی نیاز به داشتن یک سرزمین خودی همراه با چهارچوب خودمختاری دارند که در درون آن بتوانند یک فرهنگ کامل و خودپایه و خودکفا بوجود آورند که نیازهای آنان را برآورده سازد. از این دانه اندیشه بود که درخت مکتب صیونیزم احاد حاآم پرورش یافت که پشتیبان آفرینش یک مرکز روحانی برای یهودیان در سرزمین اسرائیل بود.

اکنون پرسش اینستکه آیا پیدایش و استحکام کشور اسرائیل موجب به سرانجام رسیدن و تمام شدن کار اندیشهٔ احاد حاآم نیز شده است؟ آیا هویت فرهنگی جدید شکل گرفته است؟ و آیا تحلیل رفتن جامعه یهودی متوقف شده است؟ بنظر می‌رسد که پاسخ این پرسش‌ها منفی است زیراکه همگی با بیماری تحلیل رفتن و از دست دادن هویت یهودی در خارج از اسرائیل که پیشتر یادآور شدیم، آشنا هستیم. من حتی بر این باورم که تحلیل رفتن با شدت بسیار در خود خاک اسرائیل هم اکنون در جریان است. در نتیجه صرف زیستن در یک کشور مستقل، یعنی جائی که یهودیان می‌توانند با آزادی به زندگی خود شکل دهند خود به خود مانعی برای تحلیل هویت ایجاد نمی‌کند زیرا که درست است که کشور ابزار و الگو و امکان را فراهم می‌نماید، امّا این افراد هستند که باید با کوشش و خلاقیت دست به آفرینش یک هویت فرهنگی تازه بزنند.

ممکن است برخی با منطق تحلیل رفتن هویت در خود اسرائیل موافق نباشند و بگویند که تحلیل رفتن در مورد اقلیتی گفته می‌شود که در میان یک اکثریت قوی و ثروتمند زندگی می‌کنند و دانسته و داوطلبانه نشانه‌های فرهنگی خود را از دست داده و بوسیله اکثریت بلعیده می‌شود و از میان می‌رود. و بنظر می‌رسد اسرائیلی‌ها تا زمانی که در کشور خود زیسته و به زبان خود گفتگو می‌کنند هویت خود را از دست نخواهند داد. امّا فرهنگ **پسا مدرنیزم** ثابت می‌کند که چنین چیزی امکان پذیر است. جریان مهاجرت جوانان اسرائیلی به آمریکا **(Yarida)** و جا افتادن آنان در آن کشور دلیل بر این مدعی است. این مهاجرین فقط بخش کوچکی از هویت فرهنگی یهودی را حفظ کرده و در محیط فرهنگی آمریکا احساس راحتی می‌کنند. این بدین معنی است که آنها از پیش با این فرهنگ هماهنگی دارند زیراکه در اسرائیل آموزش‌های یهودی آنها بسیار ضعیف بوده و از یک تربیت و آموزش محکم پیرامون تاریخ یهود و منابع یهودی و زندگی یهودی بی بهره بوده‌اند. حتی درون اسرائیل، اینان خود فرهنگی امروزه ساخته‌اند که از طریق رسانه‌های گروهی، مستقیماً از آمریکا گرفته شده است. امروزه هر کسی می‌تواند گردش کنان در میان چشم‌اندازهای فرهنگ خارجی در اسرائیل گام برداشته و تحلیل هویت را در گسترهٔ مظاهر سیاسی، اخلاقی، اجتماعی، روحانی و حتی زبانی اسرائیل به چشم ببیند.

البته باید بگویم که به عقیده من بیشتر یهودیان هنوز تربیت سنتی و ملی دارند. اکثراً ریشه در میراث قومی خود دارند و تمایلی به جدائی از آن ندارند، بیشترشان هنوز ارزش بسیاری برای زندگی ملی، هویت ملی، ارزشهای ملی و فرهنگ ملی قائل هستند، با این حال نیروهای موجد تحلیل، اثرات محکمی بر محیط خیابان و سپس محیط خانه





داشته‌اند و چون این اثرات روی خانواده و مدرسه چشم‌گیر بوده‌اند، ممکن است آسیب‌هائی بر محیط‌هائی که در آن به مردم آموزش داده شده و فرهنگ و سنن ملی را پاسداری می‌کنند، بزنند.

چنانچه این حساب درست باشد نتیجه ساده‌ای که می‌توان گرفت اینستکه هدف اصلی صیونیزم، اکنون که کشور اسرائیل یک واقعیت غیر قابل برگشت است، باید ساختن یک مرکز روحانی باشد. برای ساختن مرکز روحانی چه کاری باید انجام گیرد؟ من آنرا یک عمل تهورآمیز و اقدام مهم اساسی، آموزشی و آفریننده می‌دانم. و نخستین و مهمترین اقدام باید کوشش و تلاش سخت در راه یهودیت و هویت یهودی کشور اسرائیل باشد. این کوشش نکته اصلی و اساسی مبارزه امروز است زیراکه پرسش اینستکه آیا اسرائیل همچنان یک کشور یهودی و مردم سالار به شکلی که در اعلامیه استقلال تعریف شده - یعنی کشور قوم یهود - خواهد ماند یا نه؟ به این تعریف در مجلس اسرائیل بوسیله «**قانون بازگشت**» اساس و پایه‌ای داده شد. اهمیت «**قانون بازگشت**» اینستکه همه یهودیان دنیا را بطور بالقوه دارای تابعیت اسرائیلی محسوب نموده و به آنان بصورت کسانی می‌نگرد که روزی به میهن خود باز خواهند گشت و به محض اینکه گام به سرزمین اسرائیل بگذارند از حقی که برای آنان در نظر گرفته شده استفاده نموده و تابع آن کشور گردند. افزون بر «**قانون بازگشت**»، میان اسرائیل و سازمان جهانی صیونیزم و آژانس یهود پیمانی بسته شد که آنان را بعنوان نمایندگان منافع یهودیان در کشور اسرائیل به رسمیت شناخت.

این پیمان افزون بر موارد دیگر، اعلام می‌دارد که: «**کشور اسرائیل خود را مخلوق تمامی قوم یهودی می‌داند و درهای آن در چهارچوب قانون به روی هر یهودی که بخواهد به آنجا مهاجرت کند، باز است... هدف گردهم‌آوری یهودیان در درون اسرائیل بعنوان اساس وظایف کشور اسرائیل و نهضت صیونیزم در این روزگار مستلزم کوشش همه جانبه همه یهودیان برون مرزی است و بنابراین کشور اسرائیل از تمامی یهودیان بطور انفرادی و همگانی انتظار دارد که در ساختن کشور و تسهیل مهاجرت دسته جمعی یهودیان به این کشور شرکت نموده و معتقد است که لازم است که همهٔ گروههای یهودی برای رسیدن به این هدف متشکل و متحد شوند**».

این قانون که پایه و مقام سازمان جهانی صیونیزم را به آن اعطاء می‌کند، اسرائیل را به یک کشور صیونیستی یعنی کشور تمامی مردم یهودی تبدیل می‌سازد. همین نیت در وضع قانون یادواشم **Yad Vashem Law** نیز به چشم می‌خورد. بر اساس این قانون به همه کسانی که در کشتار دسته جمعی کوره‌های آدم سوزی **"Holocaust"** از



میان رفتند، تابعیت اسرائیلی یادآوری یا یادگاری می‌دهد. بعبارت دیگر اسرائیل خود را کشور تمام قربانیان **Holocaust** می‌داند. در این قانون کشور اسرائیل بطور سمبولیک نقش نجات دهنده و رهائی بخش و پاسدار تاریخ یهود و خاطرات تاریخی را ایفاء می‌کند و چنین عملی بیانگر وابستگی و همبستگی ژرف با میراث یهود است.

**سر منشاء این قوانین تعهد و مسئولیت کشور نسبت به تمام یهودیان است**، چه از طریق محلی که هویت یهودی بطور همگانی در آن تظاهر یافته و چه از طریق پیوند پیوسته با سرچشمه و منشاء مردم. به همین دلیل است که اعلامیه استقلال اسرائیل از دید و الهام پیامبر پیرامون اسرائیل، بعنوان منبع و شالوده اندیشه‌های اساسی اجتماعی و برخی مفاهیم ملی و مردم سالاری یاد می‌کند. **اسرائیل یک کشور مردم سالار دموکراتیک است، نه بخاطر یک اندیشهٔ از خارج آورده شده، بلکه بخاطر ارتباط آن با اصول عدالت و صلح پیامبر، یعنی بستگی به منابع یهودی و وفاداری به اندیشه‌ها و دیدهای آنان.**

این مطلب وظیفه بسیار خطیری را به عهده ما می‌گذارد: اینکه اطمینان حاصل کنیم که اسرائیل بر اساس آنچه پیشتر یاد شد، کشوری یهودی نشین باقی می‌ماند و اینکه تعهداتش را بر همان اساس در زمینه‌های آموزشی، آفرینشی و روحانی به مرحله اجرا در می‌آورد. این امر باید در سرلوحهٔ پیامهای فرهنگی آموزشگاه‌های دولتی و سایر مؤسسات آموزشی قرار گیرد.

پرسش دیگر اینستکه که اسرائیل باید چگونه با جامعه یهودیت برون مرزی مناسبات مشترک داشته باشد؟ بازیگری این نقش را تا کنون فعالان سیاسی از یکسو و بازیگران اقتصادی از سوی دیگر بعهده داشته‌اند بدون اینکه گروه روشنفکران، جوانان و مردم عادی را به بازی گیرند. در اینجا بعنوان جمله معترضه باید گفت که اکثریت قریب به اتفاق یهودیان آمریکائی هرگز از اسرائیل دیدن نکرده‌اند. گروه بسیار کوچکی از این یهودیان تقریباً هر ساله از اسرائیل دیدن می‌کنند، و اعضاء رهبری یک سازمان یهودی در سمت رسمی و بعنوان بخشی از فعالیت‌هایشان بیش از سالی یکبار از این کشور دیدن می‌کنند. بقیه یهودیان آمریکائی کاملاً با اسرائیل بیگانه هستند، آنها به هر کشور دیگری بجز اسرائیل سفر می‌کنند. بنابراین بسیار اهمیت دارد که یک ساختار بنیادی برای فعالیت‌های گسترده آموزشی و فرهنگی در اسرائیل بوجود آید که در آن روشنفکران یهودی با گروههای جوانان به گفتگو بنشینند و سردسته‌های یهودی که به اسرائیل می‌آیند نیز شاهد مظاهر فرهنگی و هویتی یهودی و ارزشهای مفید یهودی که در اینجا یافت می‌شود باشند.




**پوستری در بارهٔ شالوده‌ریزی روحیه ملی از لهستان**

برای ارضای شخصی، آنان که می‌خواهند هویت یهودی خود را نگاهدارند و فرزندانشان را همچون یک یهودی پرورش دهند، باید زبان عبری را بیآموزند. یهودیانی که زبان مشترک را نمی‌دانند نه تنها با ما که در اسرائیل زندگی می‌کنیم بلکه با منابع ادبی میراث یهودی بیگانه می‌شوند و از زبان مشترک فرهنگی که ما مردم بعنوان یک قوم نیاز داریم، محروم می‌گردند.

عبری همچنین باید یک زبان فرهنگ بشود، و برای اینکه چنین چیزی انجام گردد، آموزش و پرورش اسرائیل باید روی گروه‌گرائی فرهنگی تمرکز و تکیه کند، کاری که کاملاً متوقف شده است. آموزش امروزه فقط با گروه‌گرائی حرفه‌ای سر و کار دارد و فقط در کودکستان و کلاسهای اول و دوم است که روی گروه‌گرائی فرهنگی تأکید می‌گردد و این فقط بدان جهت است که کودکان در این سنین قادر به فراگیری علوم و کامپیوتر و سایر مظاهر حرفه‌ای و رقابتی و مسابقه‌ای گروهی نیستند.


با دادن تلفات و ریختن عرق و کوشش، خاکی احیاء می‌شود

بدین ترتیب ما با چالش از نو ساختن و دوباره برقرار ساختن زبان فرهنگی مشترک روبرو می‌شویم. این اهمیت فراگیر و در برگیرنده یک «مرکز روحانی» را نمایان می‌سازد.

از تشکیل کشور اسرائیل تا کنون نهضت صیونیزم فقط با یهودیان برون مرزی ارتباط برقرار کرده است نه با یهودیان داخلی و بدین ترتیب دیگر یک نهضت اسرائیلی نیست. در اینجا فقط یک بوروکراسی است. افزون بر این، ما رهبران و نمایندگان سازمانهای نهضت صیونیزم را انتخاب نمی‌کنیم، ما آنها را صرفاً از طریق انتخابات کنست (Knesset) منصوب می‌کنیم. بعبارت دیگر نهضت صیونیزم بعنوان یک حرکت اجتماعی - فرهنگی که با فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی سر و کار داشته و برای رسیدن به اهدافش از مردم وجوه دریافت می‌دارد، در اسرائیل وجود ندارد. وقت آن رسیده است که یهودیان درون اسرائیل به این حقیقت پی ببرند که نه تنها از بیشتر یهودیان برون مرزی فقیرتر نیستند، بلکه احتمالاً از آنان ثروتمندتر نیز هستند. وقت آن رسیده است که آنان نیز با یک حرکت همگانی در اسرائیل به جمع‌آوری پول پرداخته و به کوششهای آموزشی و فرهنگی یهودیان کمک مالی برسانند.

من پیشنهادات خود را بصورتی بسیار گسترده که با یک برنامه منسجم فاصله بسیاری دارد بیان داشتم. امّا بنظرم می‌رسد که پیام اصلی در سالی که به صیونیزم اختصاص داده شده باید از این قرار باشد: مأموریت صیونیزم -که ما هنوز در آغاز راه آن هستیم - **ایجاد یک مرکز روحانی همراه با ساز و برگ و تجهیزات فرهنگی و فراهم آوردن ابزار و وسائل آموزشی و فرهنگی است.** □

* الیزراشواید **Elizer Sheweid** استاد فلسفه یهود در **Hebrew University** در اورشلیم و برنده جایزه بزرگ اسرائیل است.



نوشته: بهرام آقالرپور

# «صیونیزم مذهبی» و یا «اَهَوت ارتص اسرائیل»

صیون در زبان عبری یعنی مشخص بودن و یا مورد نظر بودن میباشد. و عاشقان و دوستداران ارتص ایسرائل را در اصطلاح عبری صیونی و یا در اصطلاح سیاسی آن صیونیست مینامند.

کلمات کوه صیون، کوه هموریا (هرهبیت)، و شهر یروشالیم، بیت همیقداش و ارتص ایسرائل بدفعات در کتب مقدسه یهود و تفیلاهای (نیایش) ما ذکر گردیده است. که همانا نمایانگر عشق بی حدّ و علاقه فراوان و ریشه‌دار کلیه افراد قوم بنی ایسرائل به سرزمین ایسرائل و یروشالیم در طول قرون و زمان حاضر میباشند. سرزمین مقدّس ایسرائل همانند تورای مقدّس هدیه پر ارزش پروردگار به ملت ایسرائل میباشد و در حقیقت پروردگار ایسرائل، تورای مقدس، ملت ایسرائل و سرزمین ایسرائل چهار عامل غیر قابل جدا شدن از یکدیگر میباشند. همگی ستون‌های عقیدتی و ایمانی محکم ملت ایسرائل میباشند.

ابراهام آوینو (حضرت ابراهیم) جد بزرگوار ما در حدود ۳۸۰۰ سال پیش به دستور هشم (پروردگار) و به همراه پدرش تِرَح و همسرش سارا و لوط برادر زاده‌اش از زادگاه خود اورکسدیم (در عراق کنونی) مهاجرت نموده و پس از توقف در شهر خاران به طرف سرزمین کنعان رفته و در آنجا ساکن میگردند.

پروردگار به ابراهام آوینو ایسحاق آوینو و یعقوب آوینو پدران ما یاد نمود که سرزمین مقدس ایسرائل به ذرّیت آنان به ارثیه خواهد داد. ایسحاق آونیو فرزند وی که ۱۸۰ سال عمر نمود در تمام مدت عمرش در این سرزمین مقدس سکنی گزیده و از آن خارج نگردید.

یعقوب آوینو پس از اینکه با همسران و فرزندانش به سرزمین مصر مهاجرت نمود، قبل از فوتش به فرزندانش وصیت نمود که وی را در سرزمین مقدس اجدادی‌اش ارتص ایسرائل دفن بنمایند و همینطور یوسف هصدیق به برادرانش در مورد بردن جنازه‌اش به سرزمین ایسرائل این چنین وصیت نمود. ابراهام آوینو «معرت همخپالا» در حبرون را از اِفرون به چهار صد سکه نقره جهت مقبره خانوادگی خودش اسحاف آونیو و فرزندانش و نوه‌اش یعقوب آوینو و همسران آنان سارا، ریوکا، و لئا، خریداری نمود.

پروردگار در خروج ملت بنی ایسرائل از بردگی در مصر، ابتدا به آنان آزادی و سپس **توراه مقدس** و در پایان چهل سال سرزمین مقدس ایسرائل را اعطاء نمود.

**موشه ربنو** (حضرت موسی) که در **حقیقت اولین صیونیست** تاریخ بوده و عشق ورود به سرزمین ایسرائل سراسر وجود وی را فراگرفته بود برای رسیدن به این آزادی بزرگ یعنی ورود به سرزمین مقدس ۵۱۵ بار به درگاه هشم تفیلا خواند که مورد قبول واقع نگردید و پر واضح است که کواناى (نیت) موشه ربنو در اصرار به وارد شدن به سرزمین مقدس انجام میتصوت (فرایض دینی) بیشتر در آن سرزمین و ساختمان بیت همیقداش (بیت‌المقدس) - در آن سرزمین میبوده است.

پس از ورود ملت ایسرائل به رهبری یهوشوع به سرزمین ایسرائل و تصرف آن حدود ۳۲۶۸ سال پیش، زمین‌های این سرزمین مقدس بین ۱۲ اسباط بنی ایسرائل تقسیم گردیده تا پایان دوره شوفطیم و شروع سلطنت در ایسرائل یعنی حدود ۲۸۹۷ سال پیش و پیش از آن تا خرابی بیت همیقداش اوّل بدست بابلیان (حدود ۲۴۱۸ سال پیش) و به گالوت (پراکندگی قوم ایسرائل) رفتن اسباط ایسرائل، یهودیان همواره در این سرزمین مقدس زندگی می‌کرده‌اند. (بیت همیقداش اوّل ۴۱۰ سال بر پا بوده).

پس از پایان ۷۰ سال گالوت بابل و بازگشت عده‌ای از افراد بنی ایسرائل به سرزمین موعود و شروع ساختمان بیت‌همیقداش دوّم (حدود ۲۳۴۸ سال پیش) تا پایان خرابی بیت همیقداش دوّم



(۴۲۰ سال بعد از برپائی بیت همیقداش دوم) و با اسارت ملت اسرائل توسط رومیان (یعنی حدود ۱۹۲۹ سال پیش) نیز همیشه یهودیان در این سرزمین ساکن بوده‌اند. پس از خرابی کامل یروشالیم توسط رومیان، عده‌ای از یهودیان در شمال اسرائل، طبریا، عکو، صیپوریا و غیره به سکونت خویش ادامه دادند تا حدود ۵۰۰ سال پیش که ۳۰۰،۰۰۰ نفر از یهودیان اسپانیا از مملکت خویش اخراج شدند و عده‌ای از آنان به سرزمین موعود آمده و در شهر یروشالیم، صفات و طبریا ساکن شدند. از حدود ۳۰۰ سال پیش به تشویق «بعل شمطوب» رهبر جوامع حسیدیم روسیه و اروپا ربانیم اشکنازی و سفارادی شروع به مهاجرت به سرزمین اسرائل و ساکن شدن در شهر مقدس یروشالیم کردند. از حدود صد سال پیش به بعد سیل مهاجرت یهودیان به سرزمین مقدس افزون گرفت و تا به امروز که حدود ۵ میلیون یهودی ساکن ارض موعود میباشد. در تمام طول گالوت ۲۰۰۰ ساله، یهودیان که در نقاط مختلف دنیا پراکنده بوده‌اند، همواره آتش عشق بازگشت به صیون و یا سرزمین اسرائل در قلب هر یهودی شعله‌ور بوده است و عملی شدن این امر مهم را با آمدن ماشیح موعود همزمان میپنداشته‌اند.

همانطور که ذکر گردید یادبود و امید بازگشت به صیون ارتص اسرائل، یروشالیم و آبادی بیت همیقداش، همواره در تمام تفیلاهای یهودیان ثبت شده و همه روزه قرائت و یادآوری میگردد. طبق قوانین دین یهود سکونت در سرزمین مقدس اسرائل یک میتصوای بزرگ و از فرائض دینی یهودیان میباشند. و همچنین از نظر هلاخای (قوانین مذهبی) دین یهود، یهودی که در سرزمین اسرائل ساکن باشد و قصد ترک این سرزمین را یا بطور موقت و یا دائمی داشته باشد، اشکالات بزرگ دارد، مگر اینکه این شخص بطور موقت جهت فراگیری و مطالعه و یا ترویج تورای مقدس در خارج از سرزمین اسرائل به گالوت رفته پس از مدتی به سرزمین مقدس باز گردد. رهبران مذهبی در ارتص اسرائل در دوران جدید هاراو یوسف حئیم زونن فلد راو یروشالیم ابراهام ایسحاق کوک راو بزرگ سرزمین اسرائل بوده‌اند در حدود ۶۵ سال پیش میزیسته‌اند همچنین ربای ایزک جیکوب راین که بنیانگزار جنبش یهودیان میزراخی (صیونیست‌های مذهبی) بوده‌اند. صیونیست‌های مذهبی معتقدند که سکونت در سرزمین مقدس اسرائل بدون نگهداری از فرامین تورای مقدس و میتصووت امکان پذیر نبوده و پایدار نخواهد بود. در تأیید اعتقادات آنان در این مورد، لازم به یادآوریست که اکثریت قریب به اتفاق یهودیانی که سرزمین



ربای کوک

اسرائل را از بدو استقلال آن در ۱۹۴۸ ترک نموده‌اند، از یهودیان غیر مذهبی بوده‌اند. و آمار دیگر نشان میدهد که از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر از مهاجرین یهودی که از آمریکای شمالی و کانادا هر ساله به ارتص اسرائل مهاجرت مینمایند، اکثریت آنان از یهودیان مذهبی (ارتودکس) میباشند. از ۲۰۰۰ سال پیش تا به امروز هر یهودی در هر نقطه از عالم که بوده است هر روز سه مرتبه (شحریت، مینحا و عرویت) بطرف ارتص اسرائل و خرابی‌های بیت همیقداش میایستاده و قلب و فکر خود را بطرف قودش هقوداشیم (اتاق مقدس بیت‌المقدس)، بیت همیقداش، یروشالیم و ارتص اسرائل معطوف داشته و با تمام وجود تفیلای خود را میخوانده است. و در این تفیلاها از پروردگار، آرزوی ساختمان مجدد بیت همیقداش، آمدن ماشیح موعود، نور پروردگار به صیون و بالاخره بازگشت به سرزمین مقدس را مینماید. برای هر یهودی مذهبی، بازگشت و سکونت در ارتص اسرائل یک آرزو و فریضه دینی میباشد و پس یک یهودی مذهبی شومرتورا (نگاهبان تورا) یک صیونی واقعی است.

در حال حاضر در اکثر شهرها و مراکز مسکونی سرزمین اسرائل و همچنین در سرزمین‌های تصرفی توسط ارتش دفاعی اسرائل، تعداد یهودیان مذهبی بطرز چشمگیری رو به افزایش میباشند. به همان تعداد کنیساها و بیت میدارش‌ها و یشیواها در شهر یروشالیم و سایر شهرهای اسرائل، افزایش فراوان داشته است، بطوریکه در حال حاضر در شهر یروشالیم بیش از هزار براخا کنیسا و بیت میدارش و کنیسا وجود دارند، در حالیکه در زمان آبادی بیت همیقداش دوّم این مقدار حدود ۴۰۰ براخا بوده‌اند. با آرزوی روزی که پروردگار با آمدن ماشیح موعود و ساختمان بیت همیقداش سوّم کلیه یهودیان جهان در ارتص اسرائل جمع کرده و استقلال حقیقی ملت اسرائل عملی گردد.□

# «اطلاعیه»

## انتخابات هیئت مدیره سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیامک)

سازمان سیامک بدین وسیله برگزاری انتخابات برای دوره جدید هیئت مدیره را به اطلاع عموم میرساند. لطفاً به نکات زیر توجه فرمائید:

۱ - علاقمندان میتوانند با ارسال نامه‌ای که حداکثر نصف صفحه باشد نامزدی خود را اعلام نمایند. در این نامه که میتواند به فارسی و یا انگلیسی باشد با ذکر نام و نشانی، مطالبی راجع به اهداف، نظریات و تجربیات فعالیتهای اجتماعی مطرح نمائید.

شرط انتخاب شدن **عضویت** در سازمان میباشد. شما میتوانید با تکمیل پرسشنامه و پرداخت وجه لازم به عضویت سازمان درآئید. کسانی که در عرض سال گذشته هرگونه کمک مالی به سازمان کرده‌اند از پرداخت حق عضویت مبری هستند. اطلاعات مربوط به داوطلبین بعد از این مهلت از طریق فهرست اسامی چند هزار نفری سازمان به اطلاع عموم و همچنین اعضای سازمان خواهد رسید.

۲ - انتخابات در ماه اکتبر برگزار خواهد شد. شرط رای دادن عضویت در سازمان است و شمارش آراء از طریق حسابدار قسم خورده و مستقل (**CPA**) خواهد بود.

**همکیشان عزیز:** سازمان سیامک به گواه صاحب نظران و بخش عظیمی از افراد جامعه از فعالترین و مؤثرترین تشکیلات این جامعه میباشد. شاید که مهم‌ترین عامل برای این تحرک و تأثیر این باشد که درهای سازمان همواره برای دریافت عقاید متفاوت و جدید باز بوده و امکان فعالیت برای هر کسی که خواستار آن بوده داده شده.

نقطه نظر سازمان این است که کار اجتماعی در انحصار طبقه خاصی از جامعه نیست و نباید باشد. مشکلات و مسائل فراوانی است که حل آنها احتیاج به همکاری و مساعدت همگی افراد جامعه را دارد. با شرکت فعالانه در این انتخابات قدم اول را برای مبارزه با این مشکلات و تضمین آینده‌ای بهتر برای خود و فرزندان خود برداشته‌اید.

### مرامنامه سازمان سیامک به شرح زیر می‌باشد:

۱ - روشن نمودن عقاید عمومی به مسائل مربوط به یهودیت.
۲ - مخالفت با تعصبات نژادی و حمایت از حقوق بشر.
۳ - اشاعه فرهنگ - علائق و پیشرفتهای یهودیان در سراسر دنیا.
۴ - کمک به هدفهای انسانی و همکاری با سازمانهای فرهنگی - اجتماعی برای بهبود وضع بشریت.
۵ - آشنا نمودن یهودیان مهاجر از ایران به مسائل و نقش آمریکا و همکاری سازنده و فعال در آنها.
۶ - نگاهداری سنت‌های خوب و ارزنده فرهنگ ایرانی - دور نگاهداشتن مسائل خانمان برانداز فرهنگ نو و گذشته - تلفیق ارزشهای خوب فرهنگ یهودی - ایرانی - آمریکایی برای سازندگی نسلی سازنده با فرهنگی انساندوستانه.
۷ - روشن نمودن صیونیزم (بمثابه عشق و امید به سرزمین صیون و بازسازی آن) و نگاهداری میراث‌های با ارزش یهودی برای نسل جوان یهودی آمریکایی، که پیشینه ایرانی دارند.
۸ - همکاری سازنده و دائمی برای تلفیق غیر قابل اجتناب نسل نو با سازمانهای یهودی آمریکایی موجود.
۹ - شناخت ترتیب و گسترش تفاهم و رابطه بهترین علائق مشترک کشورهای آمریکا - اسرائیل و ایران.
۱۰ - وجود سازمان کاتالیزری است برای ایجاد رابطه بهتر بین نسل نو و نسل قدیم.





**امنون نتصر**

# یادداشت ها

**مقاله سی و دوم**

## ۵۲ ـ صدمین سالگرد صیونیزم

در ماه اوت امسال، یهودیان و غیر یهودیان صیونیست صدمین سال نخستین کنگره جهانی این نهضت را جشن میگیرند. در باره نهضت صیونیزم کتب و مقالات بسیاری به زبانهای مختلف نوشته شده اند. در ایران پهلوی و جمهوری اسلامی، تعدادی غیر یهودی نوشتارهایی منتشر ساخته و، اغلب، این جنبش را به صورت منفی به خوانندگان معرفی کرده و میکنند. قصد نگارنده در انتشار این یادداشت کوتاه، تا آنجایی که ممکن است، تکرار نوشتارهای خودم یا دیگران نیست — در واقع، هر کس هر چه در مورد ماهیت و تاریخچه این نهضت بنویسد، بسختی میتواند چیز تازه ای بر آنچه تا کنون نوشته شده بیافزاید. اخیراً پروفسور یحزقل درور مطالبی در باره مسائل مختلف صیونیزم (بیشتر در باره جنبه های فلسفی و تغییر شکل پیدا کردن صیونیزم مدرن) انتشار داده که مطالعه آن را مفید میدانم. این کتاب دو سه هفته ای است که وارد بازار شده است: **יחזקאל דרור, חידוש הציונות** (*Refounding Zionism*), **ירושלים 1997 , 383 עמ'.**

نگارنده در باره فعالیت های صیونیستی در ایران مطالبی انتشار داده ام که بیشتر آنها به زبان عبری است — برای نمونه، نخستین مقاله مفصل صفحات اول نشریه پژوهشی **پعامیم** (اورشلیم، ۱۹۷۹) مربوط به واکنش های سازمانی است که یهودیان ایران در سالهای نخستین فعالیت های صیونیستی از خود نشان داده اند. شادروان راب عزیزالله بن یونا نعیم دماوندی کتابچه ای در سال ۱۹۲۰ در باره تاریخچه صیونیزم به فارسیهود Fārsihud (خط عبری و زبان فارسی) در تهران چاپ و منتشر ساخته است؛ و در مجله **عالم یهود** نیز، مرحوم موسی کرمانیان (در سالهای پس از جنگ جهانی دوم) مطالبی در این مورد آورده است. با وجودیکه بیشتر مندرجات این کتابچه و مجله اقتباس و ترجمه از منابع خارجی است، وچیزی مهم در آنها در ارتباط با یهودیان ایران پیدا نمیشود، مع هذا در موقع خود در اشاعه مطالب مربوط به این نهضت در میان جامعه یهود ایران مفید ومؤثر بوده اند.

عموماً وقتی صحبت از صیونیزم میشود، مقصود صیونیزم سیاسی است که پایه گذار آن، تئودور هرتصل، یک روزنامه نگار جوان اتریشی بود که در خانواده اش نشانه هایی از دین و آیین و فرهنگ یهودیت نسبتاً کمتر پیدا میشد. هرتصل میخواست به هر قیمتی شده مشکل آوارگی یهودیان، به خصوص مسأله آنتی سمیتیزم، را حل کند — اثر محاکمه درایفوس در فرانسه بر وی بر همه روشن است و نیازی به تکرار آن نیست. دید هرتصل از مقدسات یهود، مانند تورات و تلمود، اورشلیم و ارض موعود، با بسیاری از یهودیان شرق و غرب متفاوت بود. او به دنبال سرزمینی بود که یهودیان در آن مستقل و آزاد زندگی کنند، ولو اینکه این سرزمین در آرژانتین باشد یا در اوگاندا یا در جایی دیگر. بیشتر یهودیان متدین و مؤمن، بخصوص آنهایی که ساکن روسیه و اروپای شرقی بودند، این طرز اندیشه هرتصل را به دو دلیل مهم نمی پذیرفتند. نخست آنکه هرتصل و برخی از طرفداران لائیک او توجهی چندان به جنبه های دینی و تقدسی یهود نداشتند. دوم اینکه، مؤمنون نجات ملت یهود را با ظهور مسیح موعود عملی و قابل اجراء میدانستند. به عبارت دیگر، هر گونه فعالیت در محور صیونیزم سیاسی برای آنها نوعی مبارزه و مخالفت با دین و ایمان یهودیت تلقی میشد — این روند فکری هنوز در میان افراطیون مذهبی ادامه دارد، و آنها چه در بروکلین آمریکا و چه در اورشلیم پایتخت کشور مستقل یهود، روز استقلال یهود را عزا میگیرند و گاهی پرچم ملی این کشور را میسوزانند. به عبارت دیگر، کشور اسرائیل را، که بر اساس فعالیت های صیونیستی و نبرد در جبهه های جنگ بر پا شده است قبول ندارند. اما دید و اندیشه و فعالیت یهودیان ایرانی در مورد صیونیزم به گونه ای دیگر بود.

هنگامی که هرتصل و یارانش نخستین کنگره جهانی صیونیزم را تدارک میدیدند، تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد، کسی از گردانندگان این کنگره در فکر دعوت از نماینده ای از میان جامعه یهود ایران نبود. این کنگره بالاخره با شرکت نمایندگان




یهودی کشورهای غرب در سال ۱۸۹۷ در شهر بال (سوئیس)، بدون شرکت نمایندگان جامعه یهود ایران برگزار شد — گویا یک نماینده از داغستان و دیگری از شمال آفریقا، آنهم بر حسب اتفاق، در کنگره نامبرده شرکت جستند.

جامعه یهود ایران، در همان سالهای دور و بر واقعه سرنوشت ساز انعقاد کنگره مذکور، در برابر وقایعی، که آنها نیز به نوعی سرنوشت ساز بودند، قرار گرفته بود: ماجرای قرارداد تنباکو، قتل ناصرالدین شاه (۱۸۹۶)، زمزمه برپایی «عدالتخانه» (بعد ها مجلس شورای ملی)، تأسیس نخستین مدرسه آلیانس (تهران ۱۸۹۸)، و از همه مهمتر، اوج گرفتن موج مهاجرت یهودیان ایرانی به سرزمین اسرائیل، اینها از جمله وقایعی بودند که هر یک در روند شکل گیری این جامعه اثر گذار بودند.

تا امروز سندی به دست نیامده که نشان بدهد یهودیان ساکن ایران از آنچه، لااقل تا آغاز جنگ جهانی اول، پیرامون جنبش صیونیزم در اروپا میگذشته اطلاع داشته اند. ولی میتوان حدس زد که یهودیان ایرانی ساکن سرزمین اسرائیل، مانند سایر یهودیان این سرزمین، از فعالیت های صیونیستی بی اطلاع نبودند. لااقل تا پایان جنگ جهانی اول، بیش از هزار نفر یهودی ایرانی، اغلب شیرازی و نواحی جنوب ایران، بیشتر در دو شهر اورشلیم و صفاد می زیستند. میان اینها و یهودیان ساکن ایران رفت و آمد هایی بوده است، که در باره آنها ما اغلب اطلاعات شفاهی داریم. تا آنموقع، کمتر کسی چیزی به صورت کتبی از خود به جای گذاشته، بطوریکه بما امکان بدهد از برداشت یا فعالیت صیونیستی آنان اطلاعی کسب نماییم.

نخستین واکنش صیونیستی، که شکل سازمانی در تهران و سپس در سایر شهرستانهای ایران بخود گرفت، با اعلامیه بالفور بستگی دارد. در این اعلامیه آثاری از امید در جهت برپایی «خانه ملی» برای ملت یهود در سرزمین اسرائیل به چشم میخورد. اگر بخواهیم قدری بیشتر از سایر نویسندگان در این مورد دقت کنیم، باید بگوییم که اعلامیه بالفور در واقع «اعلامیه» نبود، بلکه نامه ای بود که وی به عنوان وزیر خارجه انگلستان در دوم نوامبر ۱۹۱۷ به لُرد روچیلد نوشت. انگلیسی ها اصولاً کاری را بدون حساب و کتاب انجام نمیدادند (شاید هم هنوز نمیدهند). این اعلامیه با حرکت ستون های نظامی انگلستان تحت فرماندهی ژنرال النبی بسوی جبهه های جنگ سرزمین اسرائیل بستگی داشت. همزمان و قبل از این اعلامیه، دولت انگلستان دلگرمی های مشابهی به اعراب این منطقه میداد که نباید آنها را نادیده گرفت.

در ابتدای سال ۱۹۱۸ سازمانی تحت عنوان «تشکیلات صیونیت» در تهران، و پس از آن در هیجده شهر دیگر در ایران، افتتاح شد. پایه گذارن این تشکیلات عموماً فارغ التحصیلان مدرسه آلیانس تهران بودند — و این مدرسه تا آنموقع بیش از شش کلاس ابتدایی نداشت. این تشکیلات، لااقل تا سال ۱۹۲۶، نخستین سال سلطنت رضا شاه، با آزادی نسبی فعالیت میکرد. این فعالیت اغلب بر محور جمع آوری «شِقِل» جهت کمک به مؤسسات سرزمین اسرائیل، سخنرانی ها و نمایش های صیونیستی، آموزش زبان عبری و مهاجرت دور میزد. در واقع، تمام این فعالیت ها سالیان درازی قبل از پایه گذاری تشکیلات صیونیت در داخل جامعه یهود ایران انجام میگرفت، ولی هیچکدام آنها شکل و ماهیت سازمانی نداشت.

اسنادی در دست است که نشان میدهند، یهودیان ایران از اوائل دوره صفویه مرتب به مؤسسات سرزمین اسرائیل در اورشلیم و صفاد کمک میکردند. از سخنرانی ها و نمایش ها در آن دوره اطلاعی نداریم، ولی مواعظ کنیسایی، اشعار و سرود های عبری و فارسیهود نمایانگر عشق و علاقه به «سرزمین مقدس» است. این دید و برداشت یهودیان ایرانی را میتوان «صیونیزم احساسی» یا «صیونیزم دینی و غیر سیاسی» خواند. بدون تردید، در صد بالایی از اولاد ذکور، قبل از سال ۱۹۱۸، تا اندازه ای تسلط «توراتی» بر زبان عبری داشتند. مهاجرت نیز همیشه بوده، اطلاعات ما در این باره حتی به قرن دهم میلادی میرسد — به احتمال قوی، اغلب قرائی های ساکن اورشلیم در قرون دهم و یازدهم ایرانی و ایرانی زاده بوده اند.

متأسفانه دو رویداد تاریخی تشکیلات صیونیت را بر هم زده و جلوی فعالیت آنرا گرفتند. رویداد نخستین با اختلافات میان دو کاندید مجلس شورای ملی، دکتر لقمان و مستر حییم، بستگی دارد. عامل دوم این فروپاشی با سلطنت رضا شاه مربوط میشود. در مورد اول به اندازه کافی مطلب چاپ و منتشر شده و از تکرار آن خودداری میکنیم. در باره عامل دوم باید گفت، رضا شاه شخصاً هیچگونه ضدیتی با صیونیزم نداشت، ولی با هر گونه تشکیلاتی که با عناصر خارجی بستگی داشت مخالف بود.

از این روی، کمونیزم و صیونیزم، هرکدام به علتی متفاوت، می بایست از صحنه فعالیت های داخلی رخت بربندند.

در دوره احمد شاه، تقریباً تمام رجال سیاسی ایران، از جمله سردار سپه، رضا پهلوی، از فعالیت های صیونیستی در ایران با خبر بودند، و حتی در پاره ای از جشن های صیونیستی شرکت می جستند. جز در مورد مهاجرت، وزارت خانه های ایران آن دوره سد راه فعالیت های صیونیستی نمیشدند. در این باره باید گفته شود، که دولت ایران یک خط مشی کلی علیه مهاجرت از ایران به خارج اتخاذ کرده بود و آنرا به دو دلیل توجیه میکرد: جلوگیری از تقلیل نفوس در ایران، بیکاری و «گدایی» ایرانیان خارج از مرز که هم مزاحم کونسولگری های ایران در خارج و هم مایه سرافکندگی و بدنامی ایران و ایرانی میشدند — این دو توجیه مهم بارها توسط بخشنامه های صادره از وزارت داخله و وزارت خارجه گوشزد میشده است. در مورد مهاجرت یهودیان، بعدها عاملی دیگر پدیدار شد، و آن مخالفت مجامع اسلامی در ایران و کشورهای عرب بود. با وجود تمام اشکالات، مهاجرت از ایران به سرزمین اسرائیل، که رکن اساسی فعالیت صیونیزم جهانی بود، همچنان در سراسر دوره سلطنت رضا شاه و پس از آن ادامه داشت. رضا شاه و دو وزارتخانه نامبرده از این موضوع اطلاع داشتند. رضا شاه در چند مورد، دستور داد که تبلیغات ضد صیونیستی مجامع اسلامی علیه مهاجرت یهودیان ایران در جراید ایران چاپ و منتشر نشوند.

از سال ۱۹۲۲ به بعد، تشکیلات صیونیستی مدتی کوتاه به روی کاغذ جلوه گری میکرد، ولی در اصل تا امروز هیچگاه بدین نام و نشان و ویژگیها وارد عرصه کار نشد. این نهضت هحالوتص بود که در دوره جنگ جهانی دوم و پس از آن، به مدت چند سالی، دست به فعالیتهای صیونیستی زد.

در گذشته، مهاجرت و فعالیت در آبادانی و ایجاد مزارع و بسیاری از فعالیت های مشابه در داخل سرزمین اسرائیل از ارکان مهم صیونیزم شناخته میشد. دنیای غیر مغرض، صیونیزم را به عنوان ناسیونالیزم یهود میشناسد. به عبارت دیگر، هرکس، چه یهودی و چه غیر یهودی، در داخل یا خارج از کشور، که خود را پشتیبان کشور اسرائیل میداند، و عملاً عامل تقویت سیاسی و اقتصادی، دوام و جاودانی این کشور به عنوان **کشور یهود** است، میتواند خود را صیونیست بنامد. کشور اسرائیل، به علت ویژگی های تاریخی و منطقه ای، نیاز به نیرو بخشیدن به صیونیزم دارد. این نهضت، به عنوان یک جنبش مثبت ناسیونالیستی، هیچگونه ضدیتی با هیچ کشوری یا روند ناسیونالیستی مثبت کشورها ندارد — جز دشمنی بی امان با هرگونه روند راسیستی و نژاد پرستی. صیونیزم، از همان ابتدای جنبش خود با برپایی کشور عربی در قسمتی از خاک سرزمین



**راب نعیم**

اسرائیل موافق بود، بهترین دلیل این ادعا رأی موافق کمیته ملی یهود فلسطین در پذیرفتن قطعنامه سازمان ملل مبنی بر تقسیم فلسطین به دو کشور عرب و یهود است که هیچگاه نباید فراموش گردد (نوامبر ۱۹۴۷).

تا سال استقلال (۱۹۴۸)، طبق آمار غیر رسمی، در حدود ۲۰ هزار (طبق منابعی دیگر ۳۰ هزار) یهودی ایرانی در سرزمین اسرائیل، اغلب در اورشلیم و تل آویو، مشغول کار و زندگی بودند ـــ ولی طبق آمار رسمی جمعیت یهودیان ایرانی در سرزمین اسرائیل، در این موقع، کمتر از ۵ هزار نفر قید گردیده، و این نشان میدهد که بیشتر یهودیان ایرانی بصورت غیر قانونی از طریق سرحدات سوریه و لبنان وارد این سرزمین شده در آن سکنی گزیده بودند. تا انتشار این مقاله، جمعیت آنانی که ممکن است خود را از لحاظ خانوادگی به نحوی با ایران و ایرانی وابسته بدانند، باز هم بصورت تخمینی، کمتر از ۱۵۰ هزار نفر است. طبق اسناد رسمی دولت اسرائیل، تا استقرار رژیم جمهوری اسلامی در ایران، تعداد یهودیان ایرانی ساکن اسرائیل به ۱۱۴۵۰۰ نفر بالغ میشد که از این شمار، جایگاه تولد ۵۲ هزار نفر آنان در شناسنامه «ایران» قید شده است. از شروع انقلاب اسلامی تا پایان سال ۱۹۹۲، تعداد ۱۸۷۲۴ نفر یهودی از ایران به اسرائیل آمده اند.

در نیمه اول دهه دوم قرن ما، با وجود کوشش سران جامعه کوچک ایرانی ساکن سرزمین اسرائیل، جهت دریافت قطعه زمینی برای ساختن یک کلنی ایرانی، چنین ابتکاری از محدوده آرمانی به دایره فعل و عمل کشیده نشد. پس از استقلال، به جز تعدادی موشاب (مزرعه غیر اشتراکی)، که یهودیان ایرانی در آنها، با حمایت و راهنمایی مؤسسات دولتی سکونت گرفته مشغول کار شدند، اکثر افراد این جامعه زندگی در شهر را بر زندگی در کیبوتص و آبادی های کشاورزی ترجیح دادند، و گروه عظیمی از آنها اکنون در نوار ساحلی نِتانیا ـ رحووت (به ویژه در شهر حولون و اطراف آن) زندگی میکنند.

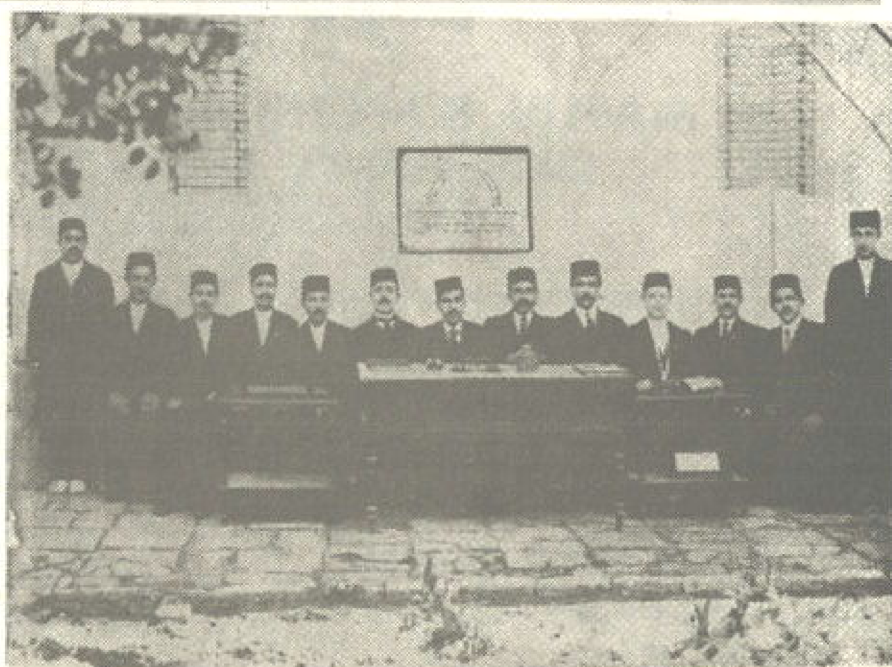
# یادی از گذشته

## عکس‌هایی از دوره‌های انجمن صیونیست تهران

از راست: شلمو، داود بخور، سلیمان ناقی، مثیر حلیمی، سلیمان رخسار، دکتر البونهورای، سلیمان کهنصدق، عزیز برال، حاخام یودعیم، یوسف دائی، آشر کاشی، بنیامین مساچی، عزیز نعیم

ایستاده از راست: رحیم بن حثیم، عبدالله هندی‌زاده، داود موشه کوتال

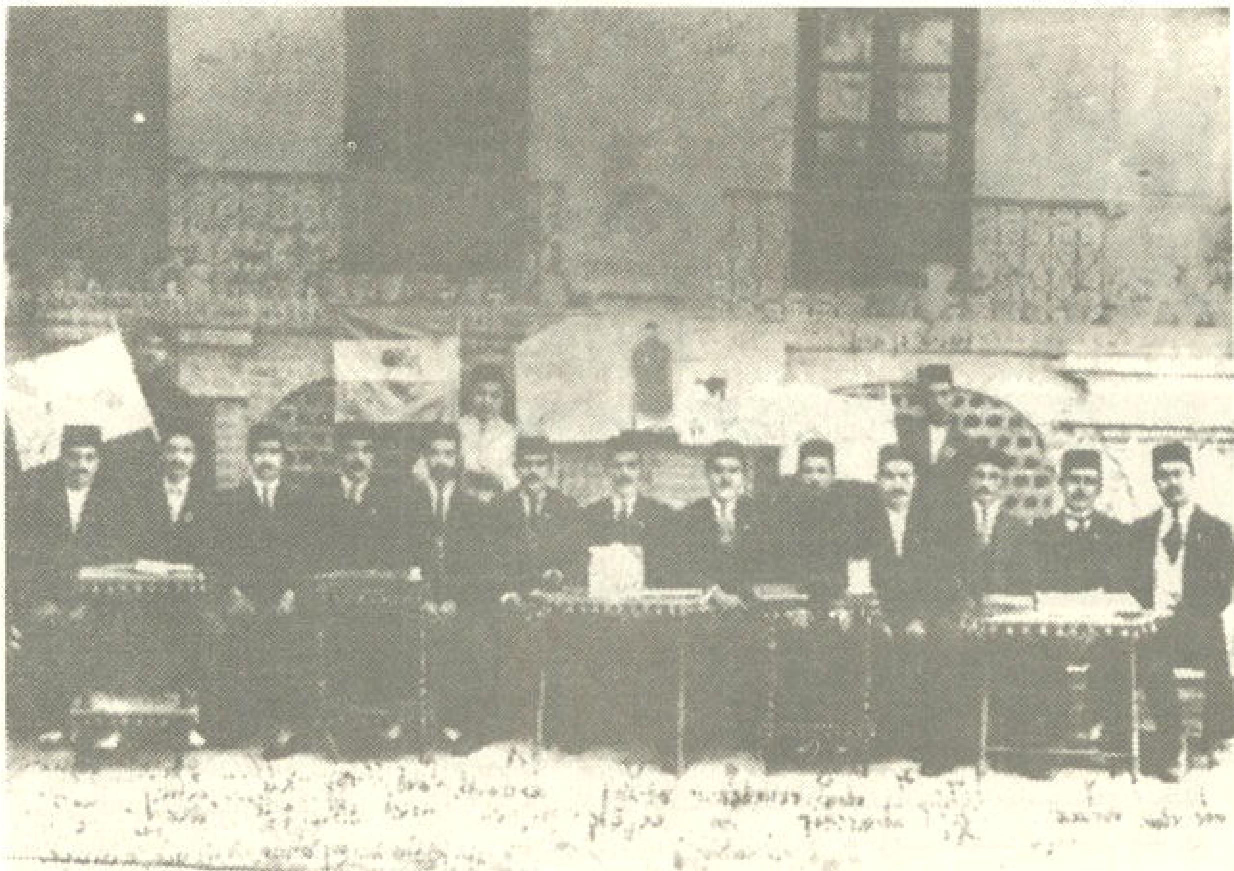




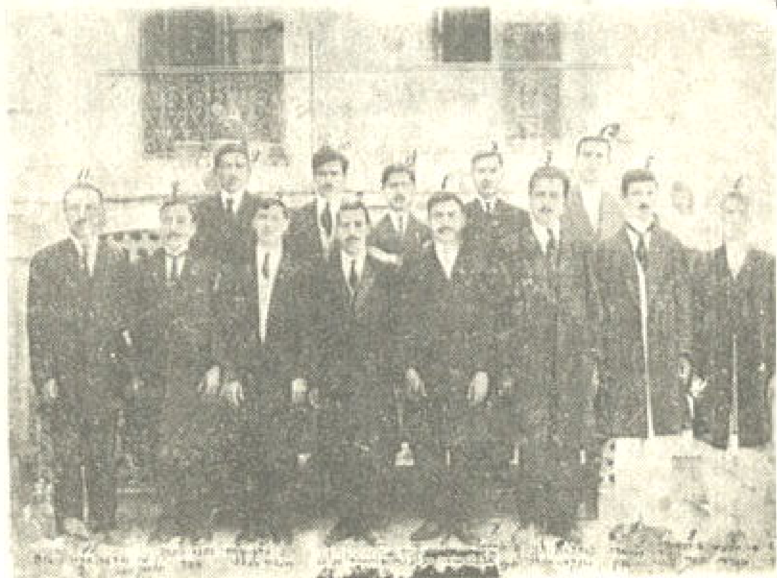
از راست: آقایان الیاهو خسروا، شموئیل رخسار، نامعلوم، سینور یادگار، دکتر حبیب لوی، دکتر لقمان نهورای، سلیمان کهنصدق، معلم مدرسه، ناشناس، بنیامین مصاچی، سلیمان حنیم، حاج عزیز القانیان، ناشناس



## یادی از گذشته



نشسته از راست آقایان، ۱: شلمو، ۲: داود بخور، ۳: سلیمان ناقی، ۴: مثیر حلیمی، ۵: سلیمان رخسار، ۶: دکتر البو تهورای، ۷: سلیمان کهنصدق، ۸: عزیز برال، ۹: حاخام یدعیم، ۱۰: یوسف دائی، ۱۱: عاشر کاشی، ۱۲: بنیامین مساچی، ۱۳: عزیز نعیم
ایستاده آقایان: بن حئیم، عبدالله هندی‌زاده (لب شکری)، داود موشه کوتال



**انجمن صیونیزست تهران**
**در سال ۱۹۲۰ میلادی، ۵۶۸۰ عبری**





# قرآن و صیونیزم

نوشته: فریار نیکبخت

در حافظهٔ تاریخی اقوام قدیمی و در میان نوشتجات کتابهای آسمانی و معتقدات مؤمنین به ادیان و مذاهب سابقه‌دار دلائل و مدارک برای دشمنی‌ها و رقابت‌های عقیدتی، سیاسی، قومی و شخصی به حدّی وجود دارد که می‌توان به راحتی میلیون‌ها نفر را بدان وسائل به جان میلیونها نفر دیگر انداخت. این شیوه انتشار نفرت و نفاق متأسفانه در طی قرون شیوهٔ اصلی کار دینمداران و سیاستمداران افراطی و عوام فریب بوده است. خون میلیونها تن در پیروی از خشم و نفرت کور در طول تاریخ ریخته شده است و اینک در پایانهٔ قرن بیستم، هیولای خشم و تعصّب و نفرت باز هم قربانیان تازه‌ای می‌طلبد.

از سوی دیگر در لابلای صفحات تاریخ و در مسیر رشته‌های همان معتقدات گهگاه بارقه‌ای از محبّت، حکمی به تحمّل مخالف، تشویقی به همزیستی با مغایر و اثری از احترام به معتقدین به سایر ادیان دیده می‌شود. چنین بارقه‌ای را باید که چون اخگری کم نور و خاموش شونده حفظ کرد و زنده نگاهداشت و بخصوص در زمانیکه صلح و سازش در معرض خطر قرار می‌گیرد از آن در جهت تخفیف تشنّج و گرما بخشیدن به دلهای سرد و سخت استفاده نمود.

دین اسلام، در آغاز تضادی با یهودیان نداشت و به نظر می‌رسد که پیامبر اسلام خود را جدا از احکام موسی و سلسلهٔ انبیاء بنی اسرائیل (از جمله عیسیٰ) نمی‌دانست و امیدوار بود که مورد استقبال یهودیان عربستان قرار گیرد. نزدیکی خداشناسی یهود و اسلام و اشتراک در تاریخ چند هزار سالهٔ مذهبی و قومی، هیچ دو دینی را اینگونه به یکدیگر نزدیک نساخته است. اختلافات سیاسی صدر اسلام و کشتار یهودیان عربستان، در مجموع اتحاد یهودیان را با مسلمانان تحت امپراطوری اسلامی اعراب و ترکها و ایرانیان (به جز در دوران صفویان، قاجاریه و چند مورد دیگر) بر هم نزد. طی این قرنها، همزیستی یهود و مسلمان در چهارچوب رجوع به آیات و روایات وحدت دهنده و محبّت آمیز، مستحکم و پایدار می‌گردید.

متأسفانه از زمانی که یهودیان گوشه‌ای از حقوق انسانی و تاریخی خود را طلب کرده‌اند، علیرغم مندرجات مثبت و موافق قرآن، مورد دشمنی مسلمانان جهان قرار گرفته‌اند. تعاریفی که جهان اسلام از مقولهٔ «صیونیزم» به ملتهای خود عرضه می‌نمایند در بهترین حالت در جهت جدائی دین یهود از صیونیزم سیاسی و در بدترین حالت در جهت تخطئهٔ دینی و حتی نابودی کامل یهودیان جهان بوده است. چنین تبلیغاتی که امروزه دو نسل کامل را در برگرفته و در حال انتقال به نسل سوم است مخالفت نصّ صریح قرآن و حقوق الهی یهودیان از دیدگاه قرآنی است.

صیونیزم مفهوم بسیار ساده‌ای دارد: صیونیزم بیان اعتقاد دینی و باستانی یهودیان مبنی بر تعلّق قوم یهود به سرزمین اسرائیل یعنی زادگاه فرهنگ و تمدّن کهن و زندهٔ آنهاست. این اعتقاد گاه بصورت معنوی عامل حفظ فرهنگ و اتحاد اعضای پراکندهٔ این مردم و گاه بصورت مادّی و فعال عامل بازگشت و مهاجرت به آن سرزمین بوده است. تشکیل کشور اسرائیل در این قرن تنها در حکم موفقیت یکی از تلاش‌های تاریخی در زمان و شرایط معیّن و مساعد بوده است. در شرایطی که امکانات صلح و همزیستی



سورة الأعراف

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٣٦﴾

میان ملت اسرائیل و ملت فلسطین بتدریج فراهم می‌گردد هر مسلمان و هر یهودی و بویژه رهبران مذهبی و سیاسی آنان وظیفه دارند که بجای برانگیختن تنفر و برافروختن آتش جنگ، یکدیگر را به هر وسیله به سمت آشتی، سازش، همزیستی و تقسیم دوستانه و عادلانهٔ سرزمین باستانی موسوم به اسرائیل یا فلسطین بنمایند.

تأیید حق یهودیان بر سرزمین اسرائیل در قرآن که برخی از مفسرین مانند آقای قمشه‌ای آنرا از مصر تا سامات (سوریه)!! تفسیر نموده است نزد محققین امر ناشناخته‌ای نیست، امّا امری است پنهان شده از مردم و سانسور شده از خطبه‌ها و تبلیغات آتشین چند دههٔ اخیر. البته چنین تأییدی (که به موجب تورات، یهودیان به هر حال بدان معتقدند) از دیدگاه مسلمانان نمی‌تواند به معانی نفی حقوق فلسطینیان و مسلمانان بر آن سرزمین باشد، زیرا پیامبر اسلام، خود و اسلام را از دین یهود و سنت موسی و بنی اسرائیل جدا نمی‌دانست و از سوی دیگر از دیدگاه یهودیان جدا ساختن هر دین و اعتقادی از اصول انصاف و انسانیت، آن دین و اعتقاد را از محتوا خالی ساخته و نقض غرضی خواهد شد.

در کتاب قرآن صدها آیه (جمله) به بنی اسرائیل، فضائل آنان، تمرّد و گناهکاری آنان و اختلاف و برخورد آنان با اسلام اختصاص داده شده است. از ابراهیم و اسحق و یعقوب و یوسف، از موسی، از پادشاهان و پیامبران بنی اسرائیل بویژه داود و سلیمان با ارادت خاص یاد شده است. از دیدگاه قرآن، ابراهیم، موسی و پیامبران بنی اسرائیل همه مسلمان بوده‌اند، یعنی تام یکتاپرستی (و دین موسی) همان «اسلام» است و پیامبر اسلام می‌خواهد سایرین را بوسیلهٔ اسلام به مقام بنی اسرائیل برساند و بنی اسرائیل را با قرآن هدایت نماید. در **سورهٔ اعراف**، آیهٔ ۱۲۶ در زمینهٔ رویاروئی موسی و فرعون از قول موسی چنین آمده است:

«...بار خدایا به ما صبر و شکیبائی ده و ما را به آئین اسلام بمیران» **(۱۲۶)**

در **سورهٔ الجاثیه**، آیهٔ ۱۶ ضمن برخورد به ناشکری بنی اسرائیل چنین می‌خوانیم:

«و به تحقیق دادیم اولاد یعقوب را (بنی اسرائیل را) کتاب و حکم و پیغمبری و روزی کردیم آنها را از پاکیزه‌ها و برتری دادیم آنها را بر جهانیان» **(۱۶)**

این مورد در سورهٔ **«بقرة»** آیهٔ ۴۷ نیز تکرار شده است. چنین آیه‌هائی است که می‌تواند با نزدیکی و یگانگی، بار دیگر حسن نیّت را در میان اختلافات و خونها زنده کند.

در **سورهٔ مائده**، آیه‌های ۲۰ و ۲۱، در تطابق نزدیک با تورات، در رابطه با هراس بنی اسرائیل از ورود به سرزمین مقدّس و جنگ با ساکنان آن چنین می‌خوانیم:

«و هنگامی که موسی به قومش گفت ای قوم به یاد آورید نعمت خدا را بر شما چون گردانید در شما پیغمبران و گردانید شما را پادشاهان و داد شما را آنچه نداد هیچیک از جهانیان را (۲۰) **ای قوم داخل شوید زمین مقدّسی را که نوشت خدا برای شما و نروید بر پشت‌هاتان (و) پس برگردید (چون) زیانکاران» (۲۱)**

در **سورهٔ اعراف**، آیهٔ ۱۲۸، در زمینهٔ خروج بنی اسرائیل از مصر موسی از جانب خدا اینگونه به بنی اسرائیل وعده می‌دهد:

«موسی به قوم خود گفت که یاری بجوئید از خدا و صبر کنید که زمین از آن خداست و آنرا میراث می‌دهد به هر کس که می‌خواهد از بندگانش و عاقبت از آن اهل تقویٰ است» **(۱۲۸)**

و در وفا کردن به وعده خداوند، در آیهٔ ۱۳۷ چنین آمده است:

**«و میراث داریم قومی را که بودند ضعیف شدگان، مشرق‌های زمین و مغرب‌های آن که برکت دادیم در آن و تمام شد (وعدهٔ) کلام نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل (به پاداش آنکه) صبر کردند** و هلاک کردیم ما آنچه بود که می‌کردند فرعون و قوم او و آنچه برافراشته بودند» (۱۳۷) و گذراندیم پسران یعقوب را (بنی اسرائیل را) از دریا...(۱۳۸)

سرانجام در **سورهٔ اُسریٰ (سورهٔ بنی اسرائیل)** در آیه‌های ۱۰۳ و ۱۰۴ خداوند





وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ
مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ
الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ
أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ۝ سورة المائدة

۝ فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ
الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ۝ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ
لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ
جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ۝ سورة الإسراء



به بنی اسرائیل می‌گوید تا فرا رسیدن قیامت در سرزمین مقدّس سکنی گزینند:

«پس (فرعون) خواست که پراکنده کند (بیرون راند) آنها را (بنی اسرائیل را) از زمین پس غرق کردیم او را و هر که با او بود همه را (۱۰۳) **و گفتیم از آن پس فرزندان یعقوب را (بنی اسرائیل را) ساکن شوید زمین را پس هنگامیکه وعدهٔ آخرت فرا رسد شما را بهم پیچیده گرد آوریم**»(۱۰۴).

مشخصات «سرزمین مقدّس» یا «زمین» را چنانچه توضیح دادیم آقای «قمشه‌ای» از سوریه تا مصر تفسیر می‌نماید و در تفسیر انتشارات «جاویدان» (حسن علمی) از روی تفسیر «ابوالفتوح رازی» آنرا زمین «شام» می‌نامد و به کنعان نیز اشاره می‌نماید. امّا در مجموع با توجه به صدها مورد از سرگذشت بنی‌اسرائیل که در قرآن مکتوب و به موازات داستانهای تورات توضیح داده شده است و با دقّت در اشاراتی به فرار از فرعون، گذشتن از دریا، سرگردانی ۴۰ ساله در بیابان، کوه طور در سینا، و حتی با توجّه به پیامبر اسلام به انبیای بنی اسرائیل و پادشاهانی چون داود و سلیمان (که در اسلام بعنوان پیامبر شناخته می‌شوند) که تماماً بجز چند تن، مستقر در کنعان و شهرهای آن بویژه اورشلیم بوده‌اند و با توجه به اینکه قبلهٔ اول مسلمانان اورشلیم بوده و معراج پیامبر اسلام نیز شامل نماز گذاردن در محل اقصیٰ بوده است، شکّی در مشخّص بودن محلّ این «زمین» و «ارض» و «زمین مقدّس» و غیره باقی نمی‌ماند.

با امید آنکه معتقدین به قرآن و پیروان تورات با پناه بردن به پیام‌های انسانی و محبّت انگیز این کتاب‌ها حق حیات را برای یکدیگر در سرزمین اسرائیل - فلسطین برسمیت شناسند و همزیستی و سازندگی را جایگزین دشمنی و جنگ افروزی نمایند. □

**توضیح:**

لازم به توضیح است که ترجمهٔ فارسی قرآن توسط «قمشه‌ای» که در اینجا رایج‌ترین قرآنهای خانگی است، متأسفانه ترجمهٔ دقیقی نیست و بیشتر تفسیر است تا ترجمه. ترجمهٔ انگلیسی قرآن روی شبکهٔ اینترنت توسط **M.H. Shakir** نیز چندان دقیق نیست و تنها از نظر پیداکردن مطالب خاص می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. به نظر می‌رسد که ترجمهٔ انگلیسی «رشاد خلیفه» نیز که چند سالی است در لس‌آنجلس بدست علاقمندان داده شده است، همانند دو ترجمهٔ قبلی دقیق نباشد. قرآن منتشر شده توسط «انتشارات جاویدان - علمی» با ترجمهٔ فارسی لغت به لغت از روی تفسیر ابولفتوح رازی، همراه با تفاسیر **جداگانه و مشخّص**، و توضیحات و راهنماهای فراوان، دقیق‌ترین ترجمه‌ای است که در دسترس داشتیم، لیکن بهترین کار، رجوع به اصل عربی قرآن است که از خطاها و تفاسیر اشتباه مترجمین مبرّاست.

○

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا
وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ
وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ
الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ

# ... اگر بخواهید افسانه نیست

تئودور هرتصل

# «لِشانا هبا آ»

# לְשָׁנָה הַבָּאָה

تقدیم به روانِ دیگر قهرمانِ حماسه‌ی قوم یهود،

## تئودور هرتصل

قرن تا قرن
سطر سطرِ دفتر خاطره
قصه‌ی بیداد
سینه به سنیه فریاد
گلو در گلو گلوله‌ی بغض
کوچه به کوچه
در به درانه
همسفرانِ باد
دریا دریا
شورِ بارانِ اشک
گُرده به گُرده
خالکوبِ خطِ ممتد تازیانه‌ی ظلم
کوه تا کوه
اندوهِ فراق
دل تا دل
داغ.

□

قاره به قاره
جا پای قافله‌های فرار
و ردِ کاروانِ بی سامانِ هجرت
در هجرت
و مفهوم «همارگی»
همیشه موقت.

□

گاهواره تا به گور
درهم شکستِ بلور گونه‌های غرور
و عدالت حاکم
نه عدالت جنگل، حتّا
که عدالتِ زور.

□

نسل پس از نسل
مدام بیمِ شبیخون
همواره خون

بی گناه،
خون
گاه، ناگاه،
خون
آه، آری
همار و همارهٔ خون
قربانیانِ غوغایِ حریقِ قهر و جنون.

□

از دیرباز زمان
سرگشته،
ریشه همیشه در قشرِ سطح
آشیان همیشه بر شاخه‌ی توفان
و تنگاتنگِ نقدینه‌ی جیب
- تا حتّا
تاپاره‌ی طعام،
مدام
گروگانِ جان.

□

و روایتِ تاریخ
تکرارِ حماسه‌ی ققنوسِ بپاخاسته هزار باره
دوباره ز آتش و دود و خاکستر.

□

و در گذرانِ سال‌ها، امّا
لبانِ آرزومندانه لرزان
لبریز این غزلوار
که: «فراموش اگر کنمت،
ای اورشلیم،
ای سرزمین اجدادی ما»،...؛
و چاشنیِ تلخ سفره‌های دعا
شعار: لشاناهبا آبه اَرعا...(۱)
لشاناهبا آبه اَرعا...

□

های



اینک ولی
ای منتخبینِ خدا
ای خلقِ سوخته
تا برافروخته
ای فروتنانه
تن در دادگان به دردِ اطاعت و تسلیم
ای قومِ برگزیده
بخاطر آزمونِ عذابِ اضطراب
و تحملِ تحقیر
ای ودیعه‌ی ایمان را
ارمغان کرده به دنیا
ای عتیق گونِ نخستین قانونِ تمدن،
- این طوقِ طلائیِ دهگانه‌ی خدا -
گردن آویزِ شما،

راستی را
بی ظهورِ موسی وارِ هرتصل
و رسالتِ سترگش
آن تکه سرزمین موعود،
- آن سرشار شیر و شراب -
در کدام گوشه‌ی نقشه‌ی جغرافیا بود
کدام گوشه‌ی خاکریز خاک
چراگاهِ گله‌های بی شبانِ شما بود
کدام خلق خدانشناخته‌ی خبیث،
اینک
پاسدار خاک خوب خدا بود.

جهانگیر صداقت‌فر

۱ - امیدواریم که در سال آینده.



# آزادی

این سروده‌ای است از **دکتر همایون حکمتی** در بیش از ۵۰ سال پیش که موقعیت یهودیان ایرانی را همزمان با فعالیتهائی که برای ساختن کشور اسرائیل در جریان بود توصیف می‌نماید.

امشب باز بدل شور آمد
شور اندر دل پر شور آمد
ز من آرام رباید شب و روز
خواب از دیده، قرار از دلِ سوز
نه مراخفتن و نه بیداریست
نه مرا مستی و نه هشیاریست
گاه از دست سپهرم در رنج
گاه مبهوت حساب شش و پنج
گاه در جنگ اسیر گردون
گاه در رزم به چون و بی چون
کی خدا این چه نصیبی دادی؟
نه دوایی نه طبیبی دادی
نه مرا ناقه و نه محمل بود
نه مرا مسکن و نه منزل بود
روز و شب در بدر و ویلانم
از پی قسمت خود گریانم
هستیم را ز کفم بربودند
درِ محنت برخم بگشودند
زین همه درد که در دل دارم
گرهی دیگر و مشکل دارم
این اگر باز شود دلشادم
ز غم و قید جهان آزادم
این گره بندگی و خواری ماست
سبب رنج و غم و زاری ماست
روزها رفت، نبود غمخواری
سالها رفت و نبود هشیاری
قرنها میگذرد کاین زنجیر
شده بر ملت ما دامنگیر
رهبری نیست که رهبر باشد
رهبر ملت مظفر باشد
می‌خورم توسری از هر ناکس
شده‌ام مورد طعن هر خس
بسته زنجیر اسارت دستم
پیش دشمن همه خوارم هستم
همچنان گوی به میدان هستم
هر طرف در خم چوگان هستم
هر کجا پا بنهم مردودم
نیست فرقی به نبود و بودم
هر کجا غائله‌ای بر پا شد
شورش معرکه‌ای غوغا شد
هستی من همه بر باد رود
بیش از اندازه که بیداد رود
گر کَند دشمن دون بنیادم
نیست کس گوش دهد فریادم
الغرض چاره دردم امروز
چاره چهره زردم امروز
کوشش و جنبش و جان باریست
تن و جان باختن و سربازیست
باید این رسم نمایم وارون
عرصه از خون به مدد سازم خون
زین بلا و قفس آزاد شوم
تا ابد خرم و دلشاد شوم
برهم زین قفس و زین زندان
تا شود مرغ دلم در طیران
ای خوش آزادی و بی پروایی
ای خوشا زندگی برنایی
ای خوش آنروز ز گردن زنجیر
بگسلم نعره‌کشم همچون شیر
خیز و زنجیر ز گردن بفکن
قفس بندگی خود بشکن
دمی خرسند ز آزادی شو
خوشدل از گلشن آبادی شو
چون (همایون) بکشی فریادی
دوست دارم به جهان آزادی

**تهران – مرداد ۱۳۲۵**

**روی جلد شماره قبل:** روی جلد شماره گذشته نقاشی از بچه‌ها بود که در کلاس نقاشی **Berakha Art** تعلیم دیده‌اند

نقاشی‌ها از:
پرستو الیاس‌زاده ۲۰ ساله
دبورا اسحاقیان ۸ ساله
کیوان متحده ۱۲ ساله
طناز رستمی

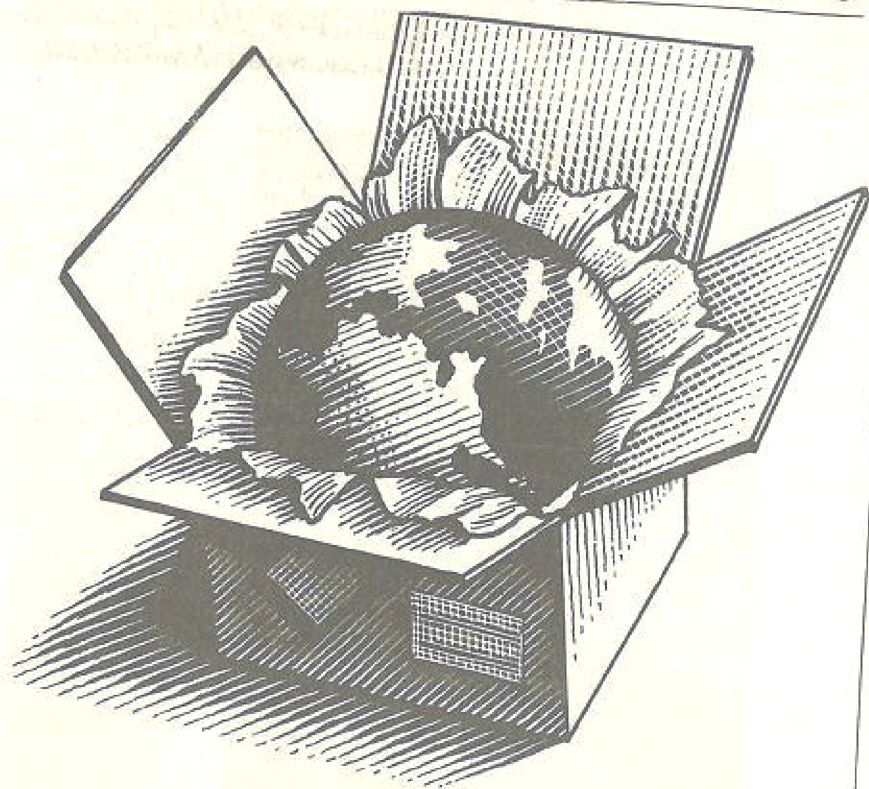












## چشم‌اندازی به:

# چهار گوشه جهان

## مصر

### ختنه دختران

پس از انتشار خبر پاشیدن اسید به روی دختران مصری که یا حجاب کامل نداشته یا جواب رد به خواستگاری حسود داده‌اند و اکنون حالت اپیدمی در این کشور پیدا کرده است، **ختنه دختران** بار دیگر صفحات مجلات غربی را در مورد این کشور به خود اختصاص داد.

دادگاهی در قاهره در ماه گذشته ممنوعیت ختنه دختران که از طریق مقامات دولتی اعمال می‌شد را غیر قانونی شناخت. این عمل در کشورهای شمال آفریقا چون سودان و مصر بسیار عادی است. طی آن افرادی حتی بدون جواز بهداشتی با تیغ بخشی از قسمت تناسلی دختران را بریده و بخشی از آن را تا زمان ازدواج به هم



**یک مقام مذهبی با یک زن در حین شادی کردن**

می‌دوزند. این عمل خطرناک بارها باعث مرگ، جراحات وخیم، عفونت، خونریزی و شوک می‌شود که مسببین آن به ندرت گرفتار عواقب قانونی می‌شوند.

در تازه‌ترین آماری که گرفته شده از بین ۱۴۷۷۹ نفر زن ۹۷ درصد آنان که ۱۵ تا ۴۹ ساله بوده و در شهرها و دهات زندگی می‌کنند اقرار کرده‌اند که این عمل در مورد آنان انجام شده است. ختنه دختران عمدتاً بخاطر ترس از ولو شدن دختران و کمک به پاکیزگی انجام می‌گردد. بنا بگفتهٔ «منیر فواض» در مجله الاهرام که دکتر زنان می‌باشد: «این کار غریزه جنسی را در حد قابل قبول و منطقی نگاه خواهد داشت».

## فلسطین

### ۲ چهره غزه

این روزها اگر سری به غزه بزنید احتمالاً خانه بسیار مجلل **محمد عباس** جانشین احتمالی و دست راست **یاسر عرفات** را در منطقه فقرزده آنجا خواهید دید. ممکن است تعجب کنید اما، خانه دیگر افراد کادر رهبری فلسطینها دست کمی از خانه محمد عباس ندارد.



**چهره‌ای از شهر غزّه**

در یک ساختمان کمپانی البحار (دریا) که پاتوق سردمداران و افراد متمکن غزه می‌باشد زیباترین رقاصه‌های عربی و گرانترین سرویس را خواهید گرفت. این کمپانی متعلق به مدیر کل دفتر یاسر عرفات و وزارت مالی فلسطین می‌باشد که دائماً در حال خرید کمپانیهای کوچکتر بوده و مثل بقیه سردمداران، بدون شرکت در مناقصه

دولتی ساختمانها و شرکتها را برای خود و افراد فامیلشان می‌بلعند.

در مصاحبه‌ای با یک روزنامه غربی یک فرد مهم که (نمی‌خواست اسمش برده شود) گفته بود: حکایت ما حکایت علی بابا و چهل دزد بغداد است. در جاهای دیگر دنیا این نوع افراد به زندان می‌روند اما اینجا عکسشان را به دیوار می‌زنیم. **حاتم عبدل قادر** که یک نماینده بی پروای مجلس فلسطینهاست نیز اظهار داشته است که ما اینجا مافیای اقتصادی خودمان را داریم.



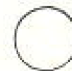
**چهره‌ای دیگر از غزّه**

در یک حسابرسی بودجه در ۲۳ ماه می مقدار ۳۲۶ میلیون دلار که ۴۰ درصد کل بودجه است را نتوانسته‌اند به حساب بیاورند. ۱۰ تا ۱۵ میلیون دلار که بکلی مفقودالاثر بوده است.

مقامات بلند پایه و افراد فامیلشان قراردادهای بزرگ را با زد و بند بدست آورده و اینکار باعث مونوپولی اقتصادی شده و قیمتها بالا و بالاتر می‌روند.

حالا معلوم نیست چگونه می‌توان در این منطقه ۱۴۰ مایل مربع که در سال ۱۹۹۴ یاسر عرفات قول داد از لحاظ پیشرفت اقتصادی کشور **سنگاپور** دومی خواهد شد، این رویا را به واقعیت نزدیک کرد.

بنا به گزارش سازمان ملل متحد بیکاری ۲۰ درصد بوده و درآمد سرانه به میزان ۴۰ درصد پائین آمده است با این همه بسیاری عقیده دارند که تمام تقصیرات به گردن کشور اسرائیل می‌باشد.



## شماره رمزهای تورات

شاید یکی از پر سر و صداترین اخبار ماه گذشته انتشار کتاب «**کُدهای تورات**» یا شماره‌های رمزی تورات بود. در این کتاب با استفاده از کامپیوتر، وقایع تاریخی، جنگها، سوء قصدها و حتی نام هیتلر، آشویتس و هالاکاست، طی ترتیب خاصی نشان داده شده است. این کار با استفاده بی ترتیب خاصی مثلاً کلمات دهم هر صفحه یا از آخر به اول خواندن یا هر ۴۰ کلمه‌ای یکبار را بکار بردن انجام شده است.

بلافاصله بسیاری از یهودیان ارتدکس این واقعه را نشان قدرت بی مانند خداوند دانسته و مسیحیان نشانه‌ای از ظهور و وعده مسیح بودن حضرت مسیح، در این میان روح تشنه و کنجکاو بسیاری از مردم امروزی نیز که سعی در اثبات وقایع دینی از طریق علمی دارد که در گذشته نیز سعی در اثبات وجود کشتی نوح و شولای مسیح کرده بود نیز به فروش بیشمار کتاب کمک نمود.

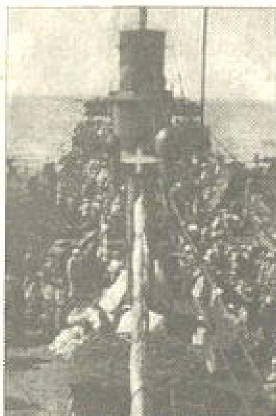
در این کتاب و با استفاده از کامپیوتر ۳۰۴۸۰۵ کلمه تورات مورد بررسی و افشای رمز قرار گرفته بود و در آن مرگ، تولد و اسم ۳۴ ربای قرن ۹ تا ۱۸ را در سفر پیدایش پیدا نموده بودند. زمانی که مورد سوءظن و ناباوری شکاکین قرار گرفتند و از آنها خواسته شد که این کار را در مورد ۳۲ ربای معروف دیگر نیز که نامشان در کتابهای انسکلوپدی یهودی برده شده نیز انجام بدهند، این کار انجام شد در صورتی که شانس این کار را یک در ۶۲۵۰۰ می‌دانستند. البته سعی شد که این کار با کتاب «**جنگ و صلح**» نوشته «**تولستوی**» نیز انجام شود که با شکست روبرو گردید.

در این میان بسیاری از علمای دینی یهود و ربای‌های معتبر، این عمل را تقبیح نمودند. از آن جمله ربای **جاناتان کِن‌دال** در مقاله‌ای تحت عنوان «**شماره رمزهای غیر اخلاقی**» نوشت: نوشته‌های یهودی پر از پیش‌بینی است. امّا در حالت تقریبی...جائی که مسیحیان نوشته‌های ما را برای اثبات پیش‌بینی وقایع حساب شده دین خود به‌کار می‌برند، ما آن‌ها را زیر ذره‌بین منطق یهودی نگاه می‌کنیم. این عمل توهینی است به حساسیت یهودی ما. این کار خدا را تا حد یک کولی فال گیر یا نویسندگان «**نوستراداموسی**» پائین می‌آورد که می‌گوید «بگذار آنقدر زجر بکشند تا یک سوپر کامپیوتر **CRAY** اختراع بکنند.» ربای **کِن‌دال** نتیجه می‌گیرد: اگر همه چیز جبری و از پیش نوشته باشد تکلیف وظایف انسانی و مسئولیتهای ما چه خواهد شد. چه کسی تن برهنه‌ای را خواهد پوشاند. گرسنه‌ای را سیر خواهد کرد و به درد یتیمان و بیوه زنان خواهد رسید. آیا این دلیلی نیست که ما در این جهان زندگی می‌کنیم؟

## ترکیه

### «خیانت به ملت» یک ناشر ترک

«چهلهٔ موسی» نام رمانی است که در سالهای ۱۹۳۰ توسط یک اطریشی به نام «فرانس فردل» و از روی یک داستان حقیقی



**کشتی فرانسوی**

نوشته شده است. این کتاب داستان جانبازی چند هزار ارمنی است که در نزدیکی آنتیش **Antioche** بر روی کوهی با نامی افسانه‌ای به

نام «چهله موسی» (قله‌ی موسی) گرد آمدند. در آوریل ۱۹۱۵ مقامات ترک تصمیم به از بین بردن نسل ارامنه گرفتند، ۴۵۰۰۰ نفر از اهالی یک دهکده قیام کردند و با اسلحه و غذا به ارتفاعات این کوه پناهنده شده و از ژوئیه تا سپتامبر در مقابل ارتش عثمانی مقاومت کردند.

روزهای آخر در حالیکه همگی آنان مرگ خود را نزدیک می‌دیدند یک کشتی فرانسوی در نزدیکی این محل پرچم سه رنگ خود را افراشته آنان را نجات داد و به مصر برد. این کتاب که از سال ۱۹۳۰ تا به امروز بارها به زبانهای مختلف منتشر گردیده است هرگز سر و صدای چندانی به راه نیانداخت و مردم عادی کوچه و بازار هرگز آنرا نخوانده بودند مگر امسال یعنی تابستان ۱۹۹۷ که در همه‌ی محافل ادبی اروپا سخن از این داستان است.

پرچمدار این حرکت یک زوج ناشر ترک می‌باشند. چیب زرکولو و همسرش آیشه‌نور – که پایه‌گزار **خانه بلژیک** در استامبول نیز می‌باشند، چهله موسی را به زبان ترکی در استامبول منتشر کردند و بعد از آنکه خانه‌ی بلژیک در اثر انفجار بمب از بین رفت، آیشه زرکولو به خاطر یک ترجمه به زندان افتاد (که فعلاً موقتاً آزاد گردیده است). البته شوهرش را به این دلیل که یکی از پایه‌گذاران انجمن حقوق بشر در ترکیه می‌باشد مشکل‌تر می‌توان به مهمیز کشید. این دو ناشر که پیوسته سعی بر این داشته‌اند که نمایانگر عقاید تمامی اقلیت‌های امپراطوری عثمانی و باقیمانده‌های آن باشند هرگز عملی غیر ملی انجام نداده و حتی بسیار وطن پرست نیز می‌باشند. این دو پیوسته در پرورش فرهنگ ملی خود و ثبت اصالت فرهنگی ملت ترک کوشیده‌اند و معتقدند که تنها از راه نشر و پخش حقایق تاریخی کشورشان ملت ترک می‌تواند خود را بشناسد و بعنوان ملتی مدرن و مترقی معرفی نماید. و این چند نکته از سخنانی است که وی به دعوت مرکز استاد ارامنه در پاریس در هفته‌ی گذشته ایراد کرد.

## ایتالیا

### صحنه‌ای خجالت‌بار

عکسی که چندی پیش مجلهٔ «پانوراما» چاپ ایتالیا منتشر کرد جائی برای هیچگونه تردیدی در مورد عملی که چند سرباز به روز یک زندانی می‌آورند باقی نمی‌گذارد. یکی از سربازان، دسته‌ی یک مولد برق دستی را می‌چرخاند تا برق تولید کند و سرباز دیگری در صدد است که الکترودها را بر سر آلت جنسی مردی که نیمه برهنه بر زمین افتاده است بگذارد. آیا فکر می‌کنید این عکسی




صحنه‌ای شرم‌آور

قدیمی از جنگی فراموش شده است؟ خیر. شکنجه دهندگان سربازان ایتالیائی هستند که در سال ۱۹۹۳ یعنی فقط چهار سال پیش در طی «عملیات امید» در «سومالی» و انجام یک «وظیفهٔ انسانی» از طرف سازمان ملل متحد به آن کشور اعزام گردیده بودند.

انتشار این عکس در مجلهٔ «پانوراما» چون یک شوک الکتریکی، این شبه جزیره را لرزاند مخصوصاً که شهادت چتربازان ایتالیائی در این مورد چندش‌آورتر از آنست که بتوان تصور کرد. برگزار کنندگان صحنه فرماندهانی بوده‌اند که جهت اقرار گرفتن از زندانیان ترتیب چنین شکنجه‌هائی را می‌داده‌اند. به زندانیان مورد سوءظن چند روزی گرسنگی و تشنگی داده و یا فقط فلفل بخورد آنان می‌دادند تا تشنگی بیشتر به آنها فشار بیاورد. پس از آنکه مدتی آنان را کتک مفصلی می‌زدند، نوبت به سوزاندن با آتش سیگار می‌رسید و بالاخره شوک برقی و گاهی اوقات زندانیان را به روی سیمهای خاردار می‌انداختند...بعد از این شکنجه‌ها چه زندانی چیزی گفته بود یا نگفته و یا اقراری کرده بود یا نه او را به پلیس سومالی می‌سپردند تا وی را از بین ببرد. این شهادت‌ها از طرف مقامات سومالی نیز تأیید گردیده است. پرونده‌ی یازده قتل و نوزده شکنجه، دزدی و تجاوز جنسی از طرف سربازان ایتالیائی از طرف دادگاه اسلامی موگادیچو مورد تعقیب قرار گرفته شده است. رئیس دادگاه از دولت ایتالیا خواسته است که سه ژنرالی که فرمانده سربازان ایتالیائی بوده‌اند را به سومالی تحویل دهند. دادگاههای نظامی ایتالیا نیز در صدد می‌باشند که تعیین کنند آیا شکنجه‌گران سربازانی خودسر بوده‌اند و یا اینکه در حالتی بدتر – از دستور مافوق خود کورکورانه اطاعت کرده‌اند.

## کره زمین

### دومین اعلام خطر

پنج سال پس از اولین کنفرانس کره‌ی زمین در شهر **«ریو»** رسیدگی به نتایج آن بسیار ساده است. آیا موفق شده‌ایم مسئله‌ی گرم شدن تدریجی جو را حل کنیم؟ خیر. آیا از، ازبین رفتن حیوانات کمیاب زمین جلوگیری کرده‌ایم؟ خیر. پیشرفت طویل المدّت را مستقر نموده‌ایم؟ خیر. آیا از عقب‌نشینی جنگلها و پیشرفت کویر جلوگیری به عمل آمده است؟ خیر.

البته نباید نقش انسانهای متعجب را نیز بازی کنیم. کره‌ی زمین همچون ناوگانی است که ۱۸۵ هدایت کننده داشته باشد یعنی تعداد

کشورهای مستقر در سازمان ملل متحد. و برای کوچکترین تغییر جهت این کشتی دهها سال وقت لازم است. با این حال چهار میلیارد انسانی که در خانه (کره زمین) منزل دارند منتظر بودند که لااقل نتایجی هر چند ناچیز در جهت تصمیمات سخنرانیهای پر آب و تاب «ریو» مشاهده گردد و یا آنچه که در پنج سال گذشته به وقوع پیوسته است سران کشورهائی که چندی پیش از طرف سازمان ملل دعوت شده بودند تا بررسی نتایج **«کنفرانس ریو»** بپردازند هیچیک موفق نشدند نکته‌ی مثبتی در آن بیابند.

**اولین شکست:** عمق بیش از پیش شکاف میان شمال و جنوب می‌باشد که کشورهای پولدار جهان، بر خلاف تعهداتشان در «ریو» بسیار کمتر از ۰/۷ یک درصد درآمد سرانه‌ی خود را جهت کمک به کشورهای فقیر برای مصرف کردن در راه پیشرفت طویل المدت آنان اختصاص دادند. این کمک در شکوفاترین سالهای خود فقط به ۰/۲۷ یک درصد رسید و بهترین شاگردان در مورد این تعهد ژاپن و سپس فرانسه بودند که تا حدی به ۰/۷ یک درصد نزدیک شدند و رتبه‌ی آخر را ثروتمندترین آنها یعنی ایالات متحده به دست آورد.

تصمیمات بین المللی دیگری که به دنباله‌ی کنفرانس ریو اخذ گردید نیز با همان مشکلات روبروست. کشورهای مختلف در مورد تصمیمات اجرائی پیوسته در حال چون و چرا می‌باشند. بطور مثال با اینکه مسئله‌ی جلوگیری از گرم شون جو زمین توسط گازهای مختلف از روز ۲۱ مارس ۱۹۹۴ وارد مرحله‌ی اجرائی خود گردیده است، هنوز در مورد اینکه تولید این گازها به چه مقدار باید کاهش یابد، همگی مشغول بحث و بررسی می‌باشند.

اروپا که در این مورد پرچمدار این حرکت می‌باشند معتقد است که بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ باید لااقل ۱۵٪ آنرا تقلیل داد، با مخالفت سرسخت کشورهای اوپک (تولید کنندگان نفت) روبروست که به هیچوجه نمی‌خواهند از تولیدات نفتی خود بکاهند و یا چگونه می‌توان چین و کشورهای دیگر آسیای جنوب شرقی خواست که از پیشرفت صنعتی خود جلوگیری کنند؟ و یا بالاخره ایالات متحده‌ی آمریکاست که به خاطر پیشرفت اقتصادی خود می‌خواهد اجازه‌ی آلوده کردن هوا را با پرداخت مقداری دلار که نرخش را نیز خود تعیین خواهد کرد خریداری کند در حقیقت در این میان دو گروه در مقابل یکدیگر ایستاده‌اند. از طرفی کشورهای جهان سوّم که دارای دو سوّم ذخائر طبیعی جهان می‌باشند و قدرت مالی نگاهداری و استفاده‌ی عاقلانه‌ی آنها را ندارند و از طرف دیگر دنیای غرب که شاهد از بین رفتن این ثروت جهانی است و از آن رنج می‌برد ولی برای نگاهداری از آن نیز حاضر نیست پشیزی بپردازد.

در کنفرانس اخیر نیویورک گفتگوها بر سر آنست که مواد زنده را نیز به ثبت برسانند تا بعد از آنکه به بازار عرضه شد سود آن میان کشورهای شریک تقسیم گردد.

و از آن جمله قراردادی است که میان کشور کاستاریکا و لابراتوارهای «مرک **Merk**» به امضاء رسید. این کشور کوچک آمریکای لاتین قرار است ۱۰،۰۰۰ نمونه از گیاهان جنگلی خود را در اختیار این لابراتوار بگذارد و در عوض در سود کلیهٔ داروهائی که آن لابراتوار از این گیاهان تولید می‌کند شریک باشد. کشور کاستاریکا امیدوار است تا از این راه موفق شود حتی بیش از تولیدات موز و قهوه‌ی خود ارز وارد خزانه‌اش بنماید.

قرارهائی که در مورد جلوگیری از پیشرفت کویرها نیز در ریو گذاشته شده بود کاملاً بدون نتیجه باقی مانده‌اند و جنگلهائی که در «ریو» فقط به آن اشاره‌ی کوچکی شده بود همچنان مشغول به عقب نشینی می‌باشند. ولی مسئله‌ی مهم‌تر از همه که مسلماً فردا همگی با آن دست به گریبان خواهیم بود مسئله‌ی آب کرهٔ زمین می‌باشد که هر روز کمتر و آلوده‌تر می‌گیرد و اگر تصمیمی جدی در این باره گرفته نشود به زودی شاهد جنگ‌های مختلف میان کشورهائی خواهیم بود که رودهای مشترک دارند. و بالاخره روزی آب را روی یکدیگر می‌بندند امّا واقعاً چگونه می‌توان ۱۸۵ ملت

را با یکدیگر همصدا کرد؟

## اسرائیل

### بازار الماس

مجله‌ی لوپوئن چاپ پاریس زیر تیتر **«خبرهای خصوصی»** چندی پیش خبر داد که نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتن‌یاهو موافقت خود را با برنامه‌ی بسیار سری چند بانک اسرائیل در مورد جلب توجه بازرگانان الماس «آنورس» (بلژیک) و استقرار ایشان در تل‌آویو اعلام کرده است. این پروژه شامل مزایای بسیاری از نظر مالیاتی می‌باشد و بازرگانان مزبور از آزادی کامل در مورد ورود و خروج ارز از اسرائیل بهره‌مند خواهند بود. این برنامه از طرف بانک هلندی **ABN-Arme** که در سرمایه‌گذاری در معاملات الماس بسیار فعال می‌باشد نیز پشتیبانی می‌شود. تنها مسئله، حضور مافیای روس در اسرائیل است که بسیار هم فعال هستند.

## ایالات متحده آمریکا

### مرگ یک دبیر

داستان غم‌انگیز دو دنیای متفاوت که در مقابل یکدیگر قد علم کرده‌اند دنیای سفیدها و دنیای سیاهان، ثروتمندان و فقرا: و نیویورک به این زودی‌ها مرهمی برای زخم قتل جاناتان لوین - ۳۱ ساله - دبیر زبان انگلیسی یکی از دبیرستانهای پر خشونت برانکس نخواهد یافت.

این دبیر که هم دوست و هم سنگ صبور شاگردان خود بود همیشه در ورودی آپارتمان کوچکش به روی نوجوانانی که از همه جا و همه کس سر خورده بودند باز بود. شبی یکی از شاگردان سابقش که حتی سیستم فرهنگی نیز او را از خود رانده بود به دیدارش می‌آید و **جاناتان** او را برای شام نگاه می‌دارد. بعد از شام، جوان ۱۹ ساله، به ضرب شکنجه با یک چاقوی آشپزخانه کارت اعتباری و شماره رمز آن را از دبیر خود گرفته سپس وی را با شلیک گلوله‌ای در مغزش به قتل می‌رساند. پس از آن به سوی نزدیکترین صندوق پولی بانکی **ATM** می‌دود تا حداکثر پولی را که می‌تواند از آن حساب برداشت کند. یعنی فقط ۸۰۰ دلار.

چند روز بعد جسد **جاناتان لوین** را می‌یابند و فقط آنگاه در می‌یابند که وی فرزند **جرالد لوین** مدیر عامل کمپانی معظم تایمز وارنر یعنی بزرگترین امپراطوری جراید - موسیقی و تلویزیون آمریکا می‌باشد. جاناتان که هرگز نمی‌خواست یک «بچه ننه»



جاناتان لوین

شناخته شود به تمام امکانات پدر و ثروتش پشت پا زده بود و ترجیح می‌داد عمر خود را صرف هدایت جوانانی بکند که شانس وی را در زندگانی نداشته‌اند. شاگردانش نیز برای وی احترام خاصی قائل بودند. فقط چندی پیش بود که این دبیر و دوست استثنائی به دوستان جوانش اعتراف کرده بود که از چه خانواده‌ایست.

در مراسم خاکسپاری وی در محله ثروتمند **Upper East side** نیویورک جوانان برانکس با لباسهای راپ - دوستان پسر - در کنار ثروتمندترین افراد آمریکائی مثل، **جین فوندا و تدترنر** - روسای بانکها و بزرگترین شرکتهای آمریکائی - دوستان پدر - به دنبال جسد دبیرشان - دوستشان و بالاخره سنگ صبورشان اشک می‌ریختند.

قاتل که دوربین بانک عکس وی را ضبط کرده بود سه روز بعد دستگیر شده ظاهراً بر خلاف همقطارانش وی نمی‌دانست کسی را که کشته است پسر کیست. یکی از افراد پلیس می‌گفت: «این اتفاقات زیاد می‌افتد - او فقط می‌خواسته از دبیری کمی پول در بیاورد».

## کامبوج

### نقطه‌ی پایان زندگی یک خونخوار «برادر شماره‌ی یک»

همچون افسانه‌های یونانی، کامبوج نیز سرنوشت خود را پیوسته به گونه‌ای غیر منتظره و به رنگ خون بر صفحات تاریخ می‌نگارد «**پل پُت**» حکمران پیشین کامبوج، حکمران خونخوار، برادر شماره‌ی یک «خمرهای سرخ»، یکی از بدنهادترین مردان قرن، که میتوان نامش را در کنار هیتلر و استالین ثبت کرد کوله بارش را بر زمین نهاد، کوله‌بار عمرش را.

چندی پیش در حالی که حتی قدیمی‌ترین همراهانش نیز وی را رها کردند پل پُت ۶۹ ساله و مریض حال، راهی جنگلهای شمال کامبوج گردید. میتوان گفت که وی سالهای آخر عمرش را در غربت سپری کرد. لشکریانش از وی روی برگردانده و تنها گروهان ۸۰۱ که کمتر از ۲۰۰ سرباز آنرا تشکیل می‌داد از وی پشتیبانی میکرد.

پس از اینکه اربابانش، تایلند و چین، نیز از کمکهای مالی به او خودداری کردند، این دیکتاتور خون‌آشام دیگر کاملاً خود را لخت و عریان یافت. رادیوهای خمرهای سرخ که از پایگاهشان در قلب جنگلهای کامبوج برنامه پخش میکند چنین اعلام کرد: «خیانت‌های پل پت به اتمام رسید».

در هر صورت هر چه باشد چه مرگ و چه دستگیری پل پُت نقطه‌ی ختمی است بر

جنبشی که از انقلاب فرهنگی چین الهام گرفته بود و اعلام این خبر، کتاب یکی از بزرگترین جنایات بشر در قرن بیستم را برای همیشه بست. کتاب کشتار دسته جمعی کامبوجی‌ها که به بیش از ۲ میلیون کشته میرسد.

۱۷ آوریل ۱۹۷۵ بود که گروهی با پیش جامه‌های سیاه، فاتحانه وارد پُنم‌پن، پایتخت کشور کوچک کامبوج شدند. کشوری که بعد از پنج سال جنگ داخلی دیگر چندان رمقی برای دفاع برایش باقی نمانده بود. خمرهای سرخ - لقبی که **سیهانوک** پادشاه کامبوج به آن داد - قدرت را به دست گرفته و بلافاصله به مردم امر کردند که شهرها را خالی نموده و به سوی دهات فراری شوند. روشنفکران اعدام شدند به خردسالان دستور داده شد که والدین خود را لو بدهند. این آغاز سال صفر درکامبوج بود. آغاز چهار سال وحشیگری - چهار سال آدمکشی - چهار سال دیوانگی گروهی خون‌آشام، و بالاخره چهار سال مرگ و نکبت.

در سایه‌ی این حکومت وحشیانه، اندک‌اندک چهره‌ی مردی نمودار شد - مردی با صورتی گرد و لبخندی ترسناک راسخ و غیرقابل نفوذ. **پل پت** که نام اصلی وی **سالت سار** می‌باشد دوران دانشجوئی خود را در کوچه‌ی «ویوله» پاریس در یک انستیتوی برق سپری کرده و سه بار در امتحانات خود مردود شده بود. وی جهت دسترسی به امیال شخصی‌اش حزب کمونیست را پایه‌گذاری کرد و بدین وسیله راه رسیدن به قدرت را برای خود هموار نمود و بالاخره در سال ۱۹۷۹ از طرف ویتنامیها مجبور به فرار شد.

از چند ماه پیش جنبش **پل پت** دیگر نفسهای آخر را می‌کشیدند. دست راست وی که در عین حال دوست زمان دانشجوئی او در پاریس نیز بود و سال گذشته با وی به مخالفت برخاست و در مصاحبه‌ای در ماه ژانویه‌ی گذشته با مجله لوپوئن چاپ پاریس اظهار داشت «پل پت دیگر مردی تمام شده می‌باشد».



**پام پت در ۱۹۷۹ افرادش را رهبری می‌کند**

«کنک ساری» که در حکومت خمرهای سرخ وزیر فرهنگ و مخصوصاً خزانه‌دار رابط میان پل پت و چین کمونیست بود با پول قابل ملاحظه‌ای که از چین دریافت کرده و درآمدی که از معادن سنگهای قیمتی نواحی زیر نفوذ خود به دست آورده بود همراه با سه هزار سرباز تحت فرماندهیش ناسازگاری آغاز کرده و از وی جدا شد - و بالاخره در ماه ژوئن گذشته آخرین نفس پل پت نیز بریده شد. بدین معنا که سربازان وی نیز قیام کردند. رهبر مائوئیست دستور اعدام «**سون سن**» معاون خود را صادر نمود - و پس از آن فراری شد.

آیا پس از تمام این بدبختیها زمان صلح برای کامبوج فرا رسیده است؟ در پنوم‌پن در یک فضای سیاسی توخالی و رشوه‌خواری کامبوجی‌ها در انتظار یک دادگاه بین‌المللی فرضی می‌باشند. امّا **هون سن** کمونیست سابق از یک طرف و **پرنس رانارید**، پسر سیهانوک از طرف دیگر، سرگرم کشمکشهای شخصی می‌باشند.

کامبوجی‌ها مذبوحانه شاهد زد و خوردهای این دو برادر دشمن حاکم بر سرنوشتشان می‌باشند که قولهای گذشته خود را فراموش کرده و از یاد برده‌اند که آنها جهت برقراری صلح و آنچه که مردم کوچه و بازار خواستارش می‌باشند یعنی در درجه اول بستن پرانتز خمرهای سرخ و سپس فراموش کردن آن، حکومت به آنها تحویل داده شده است. بالاخره تشکیل یک دادگاه نورنبرگ کامبوجی تا جلادانی که هم‌کیشان و هموطنان خود را با چنان بی رحمی به جوخه‌های اعدام سپردند و امروز آزادند از زندگی‌شان لذت می‌برند در مقابل آن پاسخگوی اعمال خود باشند.

# در جستجوی هویت

## ۵۰ سال پس از جنگ جهانی دوم

## امروزه هزاران یهودی از خود می‌پرسند

# آیا من یهودی‌ام؟



هر پنجشنبه زمانی که خورشید در افق «ورشو» غروب می‌کند، صدای زنگ تلفن دفتری در پایتخت «لهستان» طنین می‌اندازد. در آن سوی تلفن افرادی ناشناس کمک می‌طلبند. اکثر اوقات آنها اینکار را پنهانی و در خفا از زن و یا شوهران خود انجام می‌دهند. آنها از رازی سخن می‌گویند که با دیگران نمی‌توانند در میان بگذارند. آنها به دنبال جواب این سئوالند که: **آیا من یهودی هستم؟**

بیش از نیم قرن بعد از اتمام جنگ دوّم جهانی چندین هزار لهستانی ناگهان هویت جدیدی برای خود یافته‌اند.

«مالگورزایا بونیکوسکا» **"Malgorzaya Bonikovska"** پژوهشگر مرکز مطالعات تاریخ یهود در ورشو می‌گوید: «زمان اشغال لهستان از طرف نازیها پدران و مادران بسیاری که اعزام اجباری فرزندان خود را به کمپ‌های آلمان نازی نزدیک می‌دیدند آنان را به دوستان و یا همسایگان کاتولیک خود سپردند. اکثر آنها هرگز به خانه‌های خود باز نگشتند. از اینرو هزاران خانواده‌ی کاتولیک بعد از خاتمه‌ی جنگ کودکان یتیم یهودی را به فرزندی قبول کردند». وی چنین ادامه می‌دهد: «این کودکان بدون اینکه از اصل و نسب خود اطلاعی داشته باشند با عادات و طرز تفکر خانواده‌هائی که در آن زندگانی می‌کردند، بزرگ شدند. این راهی بود جهت ادغام شدن آنها در جامعه و جلوگیری از هر گونه تعدی ضد یهودی‌ها. من هیچ ایرادی به آنها نمی‌گیرم زیرا حتی تعداد نادری از یهودیان که شانس زنده ماندن را بعد از جنگ داشتند، هویت خود را به همان دلایل مخفی نگاه داشتند. آنها می‌خواستند نسلهای آینده را از زجری که آنها کشیده بودند مبرا دارند».

اکنون که نسل والدین در حال از بین رفتن می‌باشند، پرده‌ی سکوت اندک اندک بالا می‌رود، و هزاران نفر از کسانی که یا با آخرین نجواهای یکی از نزدیکانشان در بستر مرگ و یا با جمع‌آوری وسایل شخصی قوم و خویشی که فوت کرده باشد، آنچه راکه سالها از ایشان پنهان شده بود دست می‌یابند کسانی که کمی بیش از دیگران شانس داشته باشند در گوشهٔ صندوق خانه‌ای و یا در ته کشوی میزی نام اصلی خود را بر روی کاغذی کهنه و رنگ باخته پیدا می‌کنند». دیگران عکسهای قدیمی را ساعتی نگاه کرده، سعی می‌کنند شباهتی میان خود و یکی از افرادی که روی عکسهای رنگ پریده برای همیشه خفته و خاموش مانده‌اند بیابند: آیا او پدر من است؟ آیا این مادر می‌باشد؟ گروهی دیگر در دورترین زوایای خاطرات خود به دنبال حقیقت می‌گردند. خاطراتشان را با درد غمهائی که سالهای سال و از روی خیرخواهی به گوششان خوانده شده است، در هم می‌آمیزند و سعی می‌کنند از لابلای آنها حقیقتی را دریابند.

وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، خانم **مادلن** آلبرایت، سالهای بسیاری از عمر خود را با این فکر سپری کرد که دختر یک خانواده‌ی



مهاجر چکسلواکی و کاتولیک می‌باشد و تنها و پس از تحقیقات مجله‌ی واشنگتن پُست بود که چند ماه پیش علناً فاش نمود که پدربزرگ و مادربزرگ وی در کوره‌های آدم سوزی آشویتس جان سپرده‌اند.

**استانسلاو کرایوسکی Stanislaw Krajewski** عضو بنیاد مجمع یهود می‌گوید: «ما صدها داستان مانند داستان خانم آلبرایت برای گفتن داریم و برای همین افراد است که شش ماه پیش این مرکز تلفنی را ایجاد کردیم. باید بگویم که از همان روزهای نخست این عمل ما مورد انتقاد قرار گرفت. معمولاً چنین سرویسهائی برای الکلیها، معتادین و یا بیماران مبتلا به ایدز ایجاد می‌شوند... یهودی بودن یک بلای آسمانی نیست. امّا کسانی که به ما روی می‌آورند واقعاً راه خود را گم کرده‌اند. واقعاً معنای قوم یهود و یهودی بودن را نمی‌دانند».

و واقعاً چگونه امکان دارد آنرا بدانند؟ لهستان کشوری است تقریباً ۱۰۰ درصد کاتولیک. امروزه فقط بین ۵ تا ۳۰ هزار یهودی در آن زندگی می‌کنند. در صورتی که لهستان ۳۸ میلیون نفر جمعیت دارد. قبل از جنگ یهودیان این کشور بیش از ۳/۳ میلیون نفر و مهمترین جامعهٔ یهودی اروپا بودند که اکثر آنها در «شوعا» (هالاکاست) از بین رفتند و چند هزار نفری که باقی ماندند بعد از جنگ و یا در سال ۱۹۶۸ زمانی که دولت کمونیست تبلیغات ضد یهودی خود را آغاز کرد، مهاجرت کردند. حتی امروز هنوز رابطه‌ی میان لهستانیها و یهودیان مشگل و نابسامان است. مانند بسیاری از کشورهای اروپای مرکزی اینجا نیز بسیاری از مردم بدون هیچگونه خجالتی ضد یهودی بودن خود را اعلام کرده حتی به آن افتخار می‌کنند.

**کنستانتن گبرت Gonstantin Guebert** رئیس هیئت تحریریه یک ماهنامه‌ی جدید یهودی می‌گوید: «این کشور، کشوری است تک مذهبی - تک فرهنگی و تک نژادی - ولی از روزی که در آن یک رژیم دموکراتیک به قدرت رسیده است یهودی بودن دیگر مسئله نیست: در بعضی از جوامع مدرن‌تر، یهودیت حتی خیلی هم مد روز است. امّا همینکه از شهرهای بزرگ کمی دور شویم لهستانیها بدون هیچگونه ترس و یا خجالتی احساسات نژادپرستی، مرد سالاری و ضد یهودی خود را علناً ابراز می‌کنند. حتی کلیسای کاتولیک نیز گاهی اوقات وظیفهٔ همبستگی خود را با اقلیت‌ها فراموش



می‌کند. حال می‌بینید ما در چه کشوری و با چه شرایطی زندگانی می‌کنیم.

این درست کاری است که جوانانی که به شماره ۶۵۲۲۱۴۴ «**خط مستقیم تلفن یهودیان**» تلفن می‌کنند، انجام می‌دهند. گروهی از آنان چند دقیقه و بصورتی دزدانه با این شماره تماس می‌گیرند. دیگران ساعتها داستان زندگانی خود را تعریف می‌کنند. سئوالاتی راکه مطرح می‌کنند نمی‌توان بسادگی پاسخ داد: «**آیا باید مذهب خود را عوض کنم؟**»، «**چگونه می‌توانم در مورد پدر و مادرم تحقیقات بیشتری بکنم؟**»، «**آیا در این سن و سال باید ختنه شوم؟**»، «**چندی پیش دریافتم که مادرم یهودی بوده است ولی من خود را کاتولیک احساس می‌کنم و شدیداً هم به آن اعتقاد دارم، آیا چه بخواهم و چه نخواهم از این پس یهودی می‌باشم؟**»، «**بزودی من ازدواج خواهم کرد، آیا به شوهر آینده‌ام باید راز یهودی بودنم را فاش کنم؟**»...

در این سوی تلفن ۷ نفر انسان داوطلب خیرخواه بدون هیچگونه چشم‌داشتی هر یک به نوبه خود به این درد دلها گوش می‌دهند. «**ریزاردا ذکریاز**» "**Ryszarda Zachariasz**" روانشناس گروه می‌گوید: «در حقیقت جواب ما به انواع مختلف به این خلاصه می‌شود که به آنها می‌گوئیم: «**شما تنها نیستید**». به آنها گوش می‌دهیم با آنها صحبت می‌کنیم و بالاخره تصمیم با خود آنهاست که چه می‌خواهند بکنند. این بستگی به شخصیت هر یک از آنها دارد».

آنان که ترجیح می‌دهند رو در رو مسائل خود را مطرح کنند، می‌توانند به گروهی که روانشناس بنیاد تشکیل داده است بپیوندند. امّا اکثر آنها ناشناس مانده با تلفن را ترجیح می‌دهند. وی ادامه می‌دهد: «آنها معمولاً از اینکه به مرکز بنیاد مراجعه کنند سر باز می‌زنند. بعضی‌ها می‌ترسند که نکند کسی آنها را ببیند. دیگران بر عکس از این هراس دارند که جواب سر بالا بشنوند، آن‌ها به خود می‌گویند: در هر حالت به چه درد می‌خورد، چه جوابی می‌توانند به منی که کوچکترین اطلاعی از یهودیت ندارم بدهند؟»

۶ میلیون لهستانی در جنگ دوّم جهانی جان خود را از دست دادند، که سه میلیون آنها یهودی بودند. از شکست رژیم کمونیستی تا به امروز که ۸ سال از آن می‌گذرد، ملّت لهستان اندک اندک با گذشته‌ی خود آشنا می‌شود. «کنستانتن گبرت» می‌گوید: نمایشگاهی تاریخی و نمایشهای مختلف موجب شده‌اند که حقیقت کم‌کم آشکار شود. یهودیان از قرنها پیش در این آب و خاک حضور داشته‌اند. ما جزئی از تاریخ لهستان هستیم و همه آنرا می‌دانند. در شهر **کراکو** «فستیوال فرهنگ قوم یهود» هر سال هزاران نفر غیر یهودی را بسوی خود می‌کشد. رستورانهای کاشر در مکانهائی که سابقاً محله‌ی یهودیان بوده آغاز به کار کرده‌اند.□

# «طبابت و هولوکاست»



از دکتر موسی میکائیل (مایکل) فیلادلفیا

در مورد جنایات آلمان نازی مقالات و کتب بیشماری در طی نیم قرن اخیر نوشته شده است. در این نوشته سخن از جنایات انجام شده و ضرباتی می‌باشد که توسط پزشکان و دانشمندان آلمانی بر پیکر انسانها و دنیای بشریت و علم و دانش و مرام و شعار پزشکی وارد آمده است.

اختصاراً طب و طبابت در دورهٔ نازیها بطور مداوم شامل مطالب و مباحث ذیل بوده است:

۱ - بی ارزش و غیر انسانی نمودن قسمتی از جامعهٔ بشری.

۲ - مسائل سیاسی و اجتماعی را بصورت پزشکی درآوردن.

۳ - آشنا کردن پزشکان با ایدئولوژی سیستم حکومت و آموزش آنها بداشتن واهمه از عدم همکاری با سیستم.

۴ - نقش پزشکی را بصورت تشریفات اداری مفرط درآوردن و عدم توجّه به مرام و شعار پزشکی و حقوق انسانی - در این زمینه پزشکان خود را مقدمتاً پزشک نمیدانستند بلکه فریب ایدئولوژی حکومت را خورده و بجای درمان بیماریها و بیماران، از بین بردن تمامی انسانها را بر طبق خواست حکومت «درمان» بحساب میآوردند.

اگر پزشکان آلمانی توجهی بمرام اخلاقی پزشکی داشتند میتوانستند با ایدئولوژی سیستم مقاومت نموده و از کشتار و شکنجه و فلج و ناقص کردن انسانها که در لفافهٔ پزشکی انجام میدادند خودداری کنند.

در سال ۱۹۲۹ انجمن پزشکان سوسیال ملّی آلمان قبل از بروی کار آمدن نازیها (۱۹۳۳) تشکیل گردید و در اثر کمبود کار پزشکی و در نتیجه استخدام کم پزشکان بسیاری از پزشکان به این انجمن پیوستند و این عده شش در صد جمیع پزشکان آن زمان را در آلمان در بر می‌گرفت. در سال ۱۹۳۷ پزشکان نمایندگانی در سازمان SS نازیها (Schutz Staffel) داشتند. تا سال ۱۹۴۲ بیش از سی و هشت هزار پزشک (قریب پنجاه در صد تعداد کلّ پزشکان آلمان) به عضویت حزب نازی در آمدند. آنان عقیدهٔ برتری و تعصّب نژادی نوردیک و پروتکل نازیها، که جنبه اصلاح نژادی داشت و بصورت ایدئولوژی داروینیسم (Social Darvinism) (۱) ارائه داده شده بود را استقبال میکردند و بر طبق این ایدئولوژی نازیها بعضی از نژادها و اقوام را مادون بشر دانسته و بدین ترتیب بهانه‌ای به دست پزشکان و دانشمندان آلمانی برای انجام عملیات غیر انسانی آنها میدادند. در زمینهٔ حرفهٔ پزشکی عواملی راکه باعث نامناسب بودن وضع پزشکی زمان بود بر گردن پزشکان یهودی می‌گذاردند و تدریجاً آنتی سمیتسم بطور واضح در جمع پزشکان پدید آمد. در آن زمان بر طبق آمار مجلّهٔ آلمانی **Deutches Arztelatt** قریب ۶۰ درصد از پزشکان برلن یهودی بودند و این خود تفوّق و استیلای یهودیان در رشتهٔ پزشکی را نشان

میداد. این جریان و ازدیاد تعداد پزشکان در دههٔ ۱۹۳۰ باعث سلب تدریجی موقعیت‌ها از دست پزشکان یهودی گردید.

**برنامهٔ نازیها برای اصلاح نژادی:** این برنامه‌ها که مجموعاً جهت از بین بردن افراد نامناسب و بی فایده از نظر آنان بود از طرق ذیل برگزار میگردید:

**I – قانون عقیم کردن** اجباری که در ماه جولای ۱۹۳۳ وضع گردید که شامل افراد ناقص‌الخلقه، کوری، کری، بیماریهای خفیف مادرزادی، بیماریهای روانی، صرع، بیماری کره و الکلیسم شدید می‌شد. این قانون توسط ارنست رودین **Ernest Rüdin** که روانشناس و متخصّص ژنتیک بود وضع گردید و مقرّر شد که سالیانه پنجاه هزار نفر عقیم شوند. در ضمن پزشکان نیز موظّف بودند که در بیماریهای ژنتیک تعلیماتی دریافت دارند و انجمن پزشکی آلمان مجلّه‌ای به نام **Der Erbarzt** (دکتر ژنتیک) را منتشر ساخت که راهبر پزشکان در این مورد باشد. در این راه مجموعاً سیصد و پنجاه تا چهار صد هزار نفر را عقیم نمودند (حدود یک درصد جمعیّت).

**II – اصلاح نژادی (قانون نورنبرگ):** لغو تابعیت یهودیان، جلوگیری از ازدواج و رابطهٔ جنسی بین یهودیان و غیر یهودیان. در این زمینه مجلات پزشکی لیستی منتشر می‌کردند که در چه شرایطی سیاهپوستان می‌توانند یا نمی‌توانند با سفید پوستان ازدواج کنند. در ضمن مجمع پزشکی آلمان ادّعا مینمود که آلمان در اصلاح کردن نژاد تنها نیست بلکه در آمریکا نیز تبعیض نژادی برقرار است.

**III – مرگ شفقت‌آمیز *Euthenasia*** – در اکتبر ۱۹۳۹ به دستور هیتلر بعضی از پزشکان مأمور اجرای این عمل گردیدند و در این زمینه تبلیغات وسیعی صورت گرفت. اولّین مرحله شامل کودکان بود که قریب پنج هزار نفر از آن‌ها از طرق گرسنگی شدید و مداوم، جا دادن آن‌ها در بخش‌های بدون گرما و یا با دادن سیانور و یا دیگر موادّ شیمیائی و سمّی کشته شدند. این عمل به سرعت شامل افراد بالغ نیز گردید (قانون T4) و بدین ترتیب تا آگوست ۱۹۴۱ هفتاد هزار بیماران روانی در بیمارستانها در اطاق گاز خفه و سوزانده شدند. این عمل نابود کننده و فجیع بعداً شامل یهودیان، هم جنس بازها، کمونیست‌ها، کولی‌ها، اسلاوها و زندانیان و اسیران جنگی گردید. تخمیناً دویست هزار نفر از این طریق از میان رفتند. طرح و اجرای این عمل در جامعهٔ پزشکی آلمانی بسیار وسیع و عمیق بود. دکتر کارل برانت **Brandt** پزشک مخصوص هیتلر در رأس این تشکیلات قرار داشت. گزارشات از تمام مراکز پزشکی کشور جمع‌آوری می‌شد و هر بیماری که پنج سال یا بیشتر مریض بود و قادر به کار کردن نبود تصمیمی در مورد او اتخاذ می‌شد که باید کشته شود؛ و این تصمیمات توسط روان‌شناسان مشاور بدون آن که بیمار را معاینه کرده باشند صورت میگرفت. در این مورد عملاً هیچگونه اعتراضی از طرف جامعهٔ پزشکی و یا جامعه قانونی



بگوش نمیرسید.

**IV – تحقیقات پزشکی نازیها** – دکتر ژولیوس هلن وُردن **Hallen Vorden** (آسیب شناس اعصاب) افتخار میکرد که ۵۰۰ عدد مغز برای مطالعه بدست آورده است، از کی و از کجا به او ارتباطی نداشت! دکتر کارل گلوبرگ **Glauberg** (متخصّص بیماریهای زنان) گزارش داد که او متدی در بازداشتگاه آشویتس به کار میبرد که میتوانست هزار نفر زن را در روز عقیم نماید. گروهی از پزشکان در بازداشتگاه بوخنوالد «تحت عنوان درمان» مدّت زمان لازمه برای کشته شدن یک فرد را با تزریق داخل وریدی فنل یا بنزین اندازه میگرفتند. از دیگر متدها، متد ایجاد عفونت تصنّعی خون و حتّی تزریق میکروب زنده سل بود. از دیگر تحقیقات ایجاد بیماری تیفوس در زندانیان بوخنوالد و به اصطلاح درمان با مواد مختلفه بود که نتایج آن در مجلهٔ پزشکی آلمان در سال ۱۹۴۳ منتشر گردید. دکتر سیگموند راشر **Rascher** در بازداشتگاه داخائو **Dachau** اثر کم کردن سریع فشار در ارتفاعات بالا و یا غوطه‌ور کردن افراد در آب یخ زده را آزمایش میکرد. از تجربیات دیگر مانند استفاده آب دریا برای درمان و انواع و اقسام کاوشها و به اصطلاح درمانها بر روی عضلات، استخوان و مفاصل و پیوند اعضاء، استفاده از اشعهٔ قوی ایکس برای عقیم کردن و غیره بود.

این تجربیات با دانستن آنکه افراد مورد آزمایش خواهند مرد انجام میگرفت کما اینکه صدها نفر بدین ترتیب با وضع فجیعی جان سپردند.

در بازداشتگاه آشویتس به خصوص تجربیات دکتر ژوزف منگله Mengle (۲) بر روی دوقلوها و کوتوله‌ها بود. از جمله او یکی از دوقلوها را دچار بیماری تیفوئید (حصبه) میکرد و هنگامیکه این کودک فوت مینمود دوقلوی دیگر را برای مقایسهٔ اعضاء بدن آنها نیز می‌کشت. مطالعات دیگری در آشویتس بر روی دوقلوها توسط دکتر

نحوه کشتار و مرگ آنها در اطاقهای گاز شرکت داشتند. گهگاه نیز با تزریق موادّ کشنده در رگ و یا قلب باعث مرگ آنان میشدند. بطور کلّی پزشکان آلمانی نه تنها در کشتار دسته‌جمعی نازیها دست داشتند بلکه در شروع و انتظام و اجرای آن برنامه‌ها نیز شریک بودند.

علاوه بر این مجله پزشکی آلمان مرتباً ستونی تحت عنوان «حلّ مسألهٔ یهودیان» منتشر میکرد و در آن پزشکان را به قبول عملیات خود وامی‌داشت. از نقطه نظر دیگر پزشکان بطور انفرادی نیز برای پیشرفت در مقام و حرفهٔ خود و حرص و آز و حسادت در این جنایات شرکت




اتمارؤن ورخنر Otmar Von Verchner (متخصّص ژنتیک) برقرار گردید. و در سال ۱۹۳۹ از وی دعوت شد که در مورد دوقلوها در مجمع سلطنتی لندن سخنرانی کند. دکتر منگله یکی از شاگردان او بود که در ماه می ۱۹۴۳ به ریاست پزشکی قسمت زنان در آشویتس منصوب شد و در این جا مسئول انتخاب افراد برای کشته شدن و یا تحت تجربه قرار گرفتن بود. او انسانها یا اعضای بدن آنها را (خون، چشم، سر و غیره) برای ون شوئر Von Scheur (در انستیتوی ویلهلم در برلن) میفرستاد و او این عمل را برای کسب مقام آکادمیک و یا کسب پول و کار انجام میداد.

**۵ - دیگر عملیات** - گذشته از تجربیات فوق‌الذکر روی بازداشتی‌ها و زندانیان در آشویتس، پزشکان آلمانی باعث کشتار یک میلیون نفر در آن بازداشتگاه بودند. آنها در انتخاب زندانیان و مشاهدهٔ

می‌کردند. بعلاوه عوامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و دیگر عوامل غیر روشن نیز سهمی در این جریانات داشتند.

پس از جنگ تطبیق اوضاع برای این پزشکان از طریق سکوت و انکار صورت میگرفت. حتی بعضی از آنها مقام خود را از طرق مختلف از جمله آنهائی که با نفوذ بودند از طریق ارتباط با همکاران آمریکائی خود بدست آوردند. روانشناسان و متخصّصین ژنتیک نازی‌ها خود را در جریانات بین‌المللی روز انداختند و از میان آنها Rudin کمی پس از جنگ در کنفرانسهای علمی بین‌المللی شرکت میکرد وُن شوئر استاد منگله تمام مکاتبات خود را با منگله از بین برد و تمام ارتباطات خود را با وی انکار نمود و سمت پروفسور ژنتیک انسانی در مانستر Münster در ۱۹۵۱ و متعاقب آن به ریاست انجمن انسان شناسی (Antropology) آلمان منصوب گردید.

در سالهای پس از جنگ کوشش و تجسس‌های زیادی توسط دانشمندان آلمانی در زمینهٔ فعالیت‌های پزشکان و بیوشیمیست‌هائی که متعلق به سازمان سوسیالیسم ملّی آلمان بودند بعمل نیامد. در هر حال میت‌لکیک **Mitschelick** و میلک **Mielk** در ۱۹۴۹ متعاقب محاکمات دادگاه نورنبرگ حقایق گفته شده در دادگاه را منتشر ساختند و مشاهدات این دو برای بار دیگر در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۲ انتشار یافت (۳). در سالیان اخیر بطور گسترده‌ای عملیات مخوف و فجایع متخصصین ژنتیک و علوم اخلاقی و اجتماعی و پزشکی آلمان در کنفرانسهای بین‌المللی ارائه داده شده است. آخرین کنفرانس بین‌المللی پزشکان جهت جلوگیری از جنگ‌های اتمی در اکتبر ۱۹۹۶ تحت عنوان «طب و وجدان» (بمناسبت پنجاهمین سال محاکمات دادگاه نورنبرگ) تشکیل شد و بسیاری از نوشته‌ها توسط دانشمندان آلمانی عرضه گردید. در این کنفرانس دستوری (که **Code** نورنبرگ) نامیده شده است پایه‌ای برای مطالعه و برقراری مرام و شعار اخلاقی در مورد کاوشها و تجربیات مختلفه بر روی انسانها گردید و در این میان نکات و اصول مسئولیت اخلاقی و حرفه‌ای پزشکان را برای درمان بیماران در هر موقعیت اجتماعی و اقتصادی و در هر کشوری از جمله در کشورهای کم رشد و جهان سوّم را خاطر نشان ساخت. هدف دیگر این کنفرانس آن بود که به پزشکان جهان (آلمان و خارج از آلمان) خاطر نشان کند که دیگر چنین ماجراها، فجایع و عملیات مخوفی در تاریخ بشر تکرار نگردد. در جریان این کنفرانس یکی از پزشکان دانشگاه هاروارد (واقع در ایالت ماساچوست) بنام جنیفر لی‌نینگ اظهار داشت: «گر چه امور طبابت ممکن است تحت نظر ایالت یا کشوری اداره شود ولی رفتار پزشک مافوق دستور و استراتژی چنین ایالت یا کشور می‌باشد».

---

زیرنویس:

۱ - داروینیسم - چارلز داروین (۸۲-۱۸۰۹) متخصّص تاریخ طبیعی، انگلیسی در خصوص عمل بیولوژیکی بدن اصولی را ارائه میدهد (داروینیسم) مبنی بر تنازع بقا می‌باشد.

۲ - منگله در رشته انسان شناسی و پزشکی در مونیخ تحصیل کرده و **Rudin** یکی از استادان وی بود. در ۱۹۳۵ درجهٔ **PhD** (دکترا) گرفت (از دانشگاه مونیخ) و تز خود را بر روی «اشکال مختلفهٔ نژادی فک پائین» نوشت. در ماه می ۱۹۴۳ در اثر مجروح شدن در جنگ رئیس بخش زنان در آشویتس گردید. او پس از جنگ از آلمان به آمریکای جنوبی گریخت، همچنانکه آژانس‌های یهودی (بخصوص تشکیلات سیمون ویزنتال) در تعقیب او بودند از کشوری به کشور دیگر میگریخت. بالاخره در اوائل سالهای ۱۹۹۰ جسد غرق شدهٔ او را در برزیل یافتند و این جسد توسط پزشکان قانونی شناخته شد.

۳ - در نهم دسامبر ۱۹۴۶ در دادگاه نورنبرگ ۲۳ پزشک و دانشمند آلمانی (۲۰ نفر آنها پزشک بودند) به محاکمه‌کشیده شدند. شانزده نفر از آنان محکوم به عملیات و آزمایشات وحشیانه و غیر انسانی در دوران آلمان نازی گشتند و هفت نفر از آنان اعدام شدند.

مآخذ در درج این نوشته:

۱ - مجلّه انجمن پزشکان آمریکا (JAMA).

۲ - نشریات سازمانهای مختلف یهودی آمریکا.






## اعتبار کیترینگ های لوس آنجلس
## اورنج کانتی - سان دیاگو

**محفل و شبهای پرخاطره خود را باغذاهای خوشمزه بهادر گرم سا**

**بهادر کیترینگ پر سابقه لوس آنجلس با ارائه سرویس برتر و کیفیت بهتر**

**همیشه آماده است از مهمانان عزیز شما پذیرائی کند**



سیستم گلات کاشر کیترینگ بهادر
زیر نظر مستقیم ربای
Rabbi Yehuda Bukspan
میباشد



**تلفن: ۷۱۳۵_۶۰۹(۸۱۸)**

18750 Oxnard St., # 415 • Tarzana, CA 91356

# متن سخنرانی دکتر هوشنگ ابرامی

## مدیر بنیاد فرهنگی حبیب لوی در جشن صدمین سال تولّد دکتر حبیب لوی مؤلف «تاریخ یهود ایران»

**June 28th 1997**

بنیاد فرهنگی حبیب لوی، دو سال پیش، به پیشنهاد و با پیگیری نویسنده‌ای بوجود آمد که به کارهای پژوهشی دکتر حبیب لوی به عنوان یک تاریخنگار خستگی ناپذیر اعتقاد کامل داشت. پشتیبانیهای پاک و مهرآمیزی که از آغاز این بنیاد بعمل آمده نشانگر نیاز مبرم جامعه ما به ایجاد چنین نهادی است. همیاری کسانی بسیار با این بنیاد طی این دو سال داستانی است بلند که روزی باید به نوشته در آید. به سبب همین یاریها باید گفت بنیاد لوی از درون جامعه ایرانی یهودی بپای خاسته و بدست همین جامعه پای گرفته است.

بنیاد لوی یک سازمان پژوهشی و انتشاراتی است، سازمانی است اختصاصی و غیر انتفاعی پیام این بنیاد، پیام جامعه یهودی ایرانی به تمامی جوامع انسانی است که:

همدیگر را دور از دروغ و تعصب بشناسیم، باشد که شمشیرهای نفرت را بدور اندازیم و دست دوستی بسوی هم دراز کنیم.

براستی هم چگونه می‌توان همسایه را دوست داشت بدون آنکه او را بدرستی شناخت؟ تاریخ آدمی گواه آن است که رشته نفرتها بیشتر در عدم شناخت یا شناخت غلط و ناقص، و یا شناخت سرشار از دروغ و تعصب جوامع از یکدیگر بوده است.

اگر نه آن دانش‌آموز آمریکائی، بلکه آن سیاستمدار بنام آمریکا، مردم ایران و خدمات درخشان این مردم را به فرهنگ دنیا بشناسد، اگر او بداند پیش از آنکه آمریکا کشف شود، کتب رازی و ابن سینا را در قدیمی‌ترین دانشگاههای اروپا تدریس می‌کردند، مردم ایران را بخاطر درگیریهای اجتماعی که خود از آن بستوه آمده «بَربرین» نمی‌خواند و بذر نفرت نمی‌پاشد. و اگر آن یهودی ایرانی تاریخ خود را بشناسد و بداند معلم زکریای رازی، کاشف بزرگ، به اعتراف مورخان اسلامی، یک یهودی بوده، احساس افتخار بیشتر خواهد کرد. نفرتها نه تنها ریشه در ناشناختگی جامعه‌ها از یکدیگر دارد، بلکه عدم شناخت یک جامعه از خود نیز زایندهٔ این بلای بزرگ اجتماعی است.

هدف نهائی بنیاد لوی نبرد با بیماری واگیر و کهنهٔ نفرت و کینه بوسیله خودشناسی اجتماعی و شناساندن جامعه بدیگران است. هدفی است بسیار بزرگ و ای بسا دست نیافتنی. امّا آغازش شدنی است. بنیاد می‌خواهد در این راه، نهالی کوچک را بکارد و آنرا بدست نسل جوان بسپارد تا اندک اندک بدرختی بارور و تناور بدَلش کنند. بنیاد در حال حاضر بخاطر امکانات محدود نمی‌تواند از حیطه‌ای کوچک پای فراتر بگذارد. بهمین خاطر کار خود را در سالهای نخستین متمرکز بر پژوهش درباره جامعه‌ای می‌کند که در سطح جهانی بیش از همه از زهر کشندهٔ نفرت گزند و آسیب دیده است. و در همین حال خواهد کوشید تا با ارتباط با دیگر نهادها در دیگر کشورها، بتدریج به این سازمان جنبهٔ جهانی دهد.

بنیاد فرهنگی لوی قصه دارد در حد امکانات کنونی، در هر سال یک کتاب منتشر کند و برای چند سال آتی نیز کتبی که در قالب هدف اصلی قرار گیرد در دست تهیه دارد.

بنیاد با آگاهی به اینکه مسئله زبان در جامعه کنونی ما یکی از عوامل جدائی نسلهاست ترجمهٔ انگلیسی هر اثر را جداگانه منتشر خواهد کرد. ترجمهٔ انگلیسی کتاب «**تاریخ جامع یهودیان ایران**» پایان پذیرفته و اکنون آماده انتشار است.

بنیاد حبیب لوی به خدمات پر ارزش کسانی مانند سلطان سلیمان کهن صدق که با سفرهای بسیار به شهرها و روستاهای ایران تاریخ یهودِ زادگاه خود را با حروف عبری و بزبان فارسی نوشت، یا پرویز رهبر که با دیدی جهانی تاریخ یهود را به اختصار به نوشته در آورد ارج بسیار می‌گذارد و توفیق همه کسانی راکه در زمان ما در این راستا گام برمیدارند خواهانست.

بنیاد در آثار خود کوشا خواهد بود که پایه کار را بر واقعیت‌نگری و انساندوستی قرار دهد. واقعیت‌نگری محض آنچنانکه چهره‌های داود و سلیمان را در کتاب مقدس می‌توان یافت و انساندوستی راستین آنچنانکه بارها نمونه‌های آنرا در گذشته خود دیده‌ایم. در عصر ما، زمانی که مجنونی زنجیر گسیخته جهانی را به جهنمی بدل کرده بود، فرشته‌ای زیبا که با خانواده‌اش در اطاق زیر شیروانی پنهان شده بود در دفتر خاطراتش نوشت: «هنوز باور دارم که بشر می‌تواند نیک سیرت باشد» راهنمای ما، در نوشته‌هایمان گفتهٔ این فرشته زیباست و بالاتر از او وصایای معلم بزرگان که سرشار از درس یگانگی و انسانیت است.

از آنجا که در بنیاد فرهنگی لوی، با ایمانی استوار آغازگر کاری بزرگ می‌کوشیم در نیمهٔ راه کار را رها نکنیم و اگر با مانعی بزرگ روبرو شویم گوش به ندائی خواهیم سپرد که از قلب تاریخمان بلند است: بیاموز از قوم که طی قرون، تازیانه ناشناختگی، از پیکر او خون چکاند اما او هرگز مشعل دستش را بر زمین نگذاشت. □

## کتاب

# تاریخ جامع یهودیان ایران



### تألیف دکتر حبیب لوی

بازنوشتهٔ دکتر هوشنگ ابرامی

این کتاب که آنرا باید هویت تاریخی جامعهٔ یهود ایران دانست نخستین اثر از انتشارات «**بنیاد فرهنگی حبیب لوی**» است. بنیاد لوی با این هدف پدید آمده که از راه نشر کتاب واقعیت‌ها را بر کسانی که در دام عقاید وافکار زهرآلود و تعصّب آمیز گذشتگان گرفتارند بشناساند. هدف عالی بنیاد در سطح جهانی ایجاد پل دوستی و تفاهم بین اقوام و ملل از راه شناخت واقعی یکدیگر است. این بیناد در تلاش است که به یاری نسل جوان و پژوهشگر، با کمک قلم، پرده‌های سیاه ناآگاهی و بی خبری را پس بزند و روشنائیها را بنمایاند. انتشار کتاب «**تاریخ جامع یهودیان ایران**» آغاز کار است. ترجمهٔ انگلیسی این کتاب نیز آمادهٔ انتشار است. و به دنبال ایندو کتابهائی دیگر در دست انتشارند.

**دوستی میان قومها و ملتها با ایجاد پل تفاهم**

**اهل کاشانید؟** (۱) می‌خواهید بدانید که:

- چراکاشان را اورشلیم کوچک خوانده‌اند؟
- آیاکاشانیها از بازماندگان هولوکاست اسپانیا هستند؟
- یقوتیل کاشانی در ایجاد حبرا قدیشا چه نقشی داشت؟
- چرا نمایندگان کلیمیان در مجلس شورای ملی بیشتر از کاشان برخاسته بودند؟
- حاخام یدیدیا شوفط از قول پدر خود دربارهٔ «**تورای شاهین**» موجود در دهکده آران چه گفته است؟
- دلیل جانبداری **میرابوالقاسم کاشانی**، مجتهد زمان نادرشاه، از یهودیان چه بود؟
- چرا **سعید سرمد کاشانی**، شاعر معروف یهودی در حیدرآباد هند محکوم به اعدام شد؟
- **بابائی لطف کاشانی**، با زبانی ساده و بی پیرایه، در اشعاری نغز و دلنشین چه ماجراهای هیجان‌انگیزی را بازگفته است؟
- داستان عشق **شاه عباس**، در بازدید از کاشان، به جوانک زیبای یهودی که چاه زنخدان داشت و خالی بر گونه بکجا رسید؟
- در کاشان صفویه، **شموئیل قصاب** با **ابوالحسن لاری** نابکار چه رفتاری کرد؟

**کتاب «تاریخ جامع یهودیان ایران» را بخوانید**

**اهل تهرانید؟ می‌خواهید بدانید که:**

- جامعه یهود تهران از چه زمان و چگونه بوجود آمد؟
- از میان دویست نفر زنان حرمسرای فتحعلی شاه در تهران، چه کسانی از «**جماعت بنی‌اسرائیل**» بودند؟
- چرا **ملا آقابابا**، ملای معروف محله تهران اسلام آورد و به نام **محمد رضا** جدیدالاسلام مؤلف کتاب «**ردالیهود**» شد؟
- چگونه ظل‌السلطان با دریافت یک قلمدان گرانبها جان سه نفر یهودی زندانی را از مرگ نجات داد؟
- صحنه دقیق سر چال محله تهران و ریزه‌کاریهای زندگی در محله عود لاجان چه بود؟
- بلواهای **شیخ عبدالنبی** و **سید ریحان‌الله** در تهران از کجا ریشه می‌گرفت و چه سرانجامی داشت؟
- شرح ایجاد آب انبار بزرگ محلهٔ تهران که آب شش ماه را تأمین می‌کرد گویای چه واقعیّت‌هائی است؟
- گفتگوی کامل رجال بزرگ یهودی اروپا با **ناصرالدینشاه** برای تأسیس **مدرسه آلیانس** تهران چه بود؟
- چرا بعضی از نامداران اسرائیل را «**فرزندان تهران**» خوانده‌اند؟

**کتاب «تاریخ جامع یهودیان ایران» را بخوانید**

**اهل همدانید؟ می‌خواهید بدانید که:**

- **یودقان همدانی** که او را در قرن نهم **ماشیح** می‌خواندند چه عقایدی داشت و چه فرقه‌ای را بوجود آورد؟
- پایان سرنوشت **رشیدالدین فضل‌الله همدانی**،

صـدراعـظم یـهودی زاده قـرن چـهاردهم کـه او را بـزرگتر از **امیرکبیر** دانسته‌اند چه شد؟

- یـهودیان هـمدان بـرای آنکـه در زمـان **صـفویان** دیـن خود را از دست ندهند چه سیاستی بخرج دادند؟
- در زمـان **نـادرشاه**، هـنگام حـمله **عـثمانی‌ها**، اختلاف بین یهودیان همدان چه فاجعه‌ای ببار آورد؟
- بـلوای **مـلاعبدالله** در هـمدان چرا و چگـونه شـروع شـد و چه پایانی داشت؟
- چگـونه مـی‌توان بـا مـاجراهـای شـیرین «**اکـباتان کـهن**» در قالبی دلچسب آشنا شد؟

کتاب «تاریخ جامع یهودیان ایران» را بخوانید

**اهل اصفهانید؟ می‌خواهید بدانید که:**

- در زمـــان **یـــزدگرد اوّل**، شـوشندخت مـلکهٔ یـهودی، برای گسترش دارالیهود چه‌ها کرد؟
- **ابـــوعیسی اصــــفهانی** کـــه در قـرن هشـتم ادعـای **ماشیح‌گری** میکرد و بهمراه گروهی از پیروان مسلح خود بـا مسلمانان جنگید که بود و چه‌ها کرد؟
- داسـتان دقـــیق از اسب افـتادن **تـیمور** در روز کـیپور، کنار کنیسای هارون ولایت چیست؟
- کـی و کـجا یـهودیان اصـفهان بـه آرامگـاه **سـارابت آشـر** در پیربکران پناه بردند؟
- وقـتی **مـحمد بـیگ اعـتمادالدوله**، وزیـر شـاه‌عباس، از همه یهودیان اصفهان خواست تا در غـروب یک روز جـمعه شهر را ترک کنند، آنها به کجا رفتند و بر سرشان چه آمد؟
- قضیهٔ گم شـدن خـنجر جـواهـر نشـان **شاه عـباس دوّم** بـا یهودیان محله جویباره چه ارتباطی پیدا کرد؟
- **اسـماعیل اصـفهانی** مـرد سـیاست پـیشه یـهودی زاده کـه در زمان **فتحعلیشاه** به وزارت رسید در میدان سـیاست چـه بازیها کرد؟

کتاب «تاریخ جامع یهودیان ایران» را بخوانید

**اهل شیرازید؟ می‌خواهید بدانید که:**

- **مـولانا شـاهین**، بـزرگترین شـاعر یـهودی ایـران، دیـوان معروف خود را در کجا و در چه زمان نوشت؟
- **اللهوردیـخان** حـاکـم شیراز، بـا دشـمن کـینه‌توز یـهودیان چه رفتاری کرد؟
- داود شیرازی، اسـمعیل خـان شـیرازی، رحـیم قـانونی **شیرازی** و دیگر موسیقیدانان شیراز که برای حـفظ مـوسیقی اصیل ایران تلاشها کردند که بودند؟
- چـرا یـهودیان شیراز، اولیـن دسـته‌ای بـودند کـه حـتی دو سال قبل از مهاجران روس معروف به «**بیلو**» بـه اورشـلیم کوچیدند؟
- **قـوام‌الملک** بـا **شـیخ زکـریا** دشـمن کـینه‌جوی یـهودیان شیراز چه کرد؟
- لوتـی‌های شـیراز از گـردانـندگان مـدرسه آلیـانس چـه طلب می‌کردند و کارشان به کجا رسید؟

کتاب «تاریخ جامع یهودیان ایران» را بخوانید

**اهل مشهدید؟ می‌خواهید بدانید که:**

- دلیـل شـورش عـلیه یـهودیان مشـهد در سـال ۱۸۳۸ چـه بود و چرا در یک روز دهها یهودی کشته شدند و بـازماندگان اجباراً به دین اسلام در آمدند؟
- چگـونه جـدید الاسـلامهای مشـهد، نسـل بـعد از نسـل زیر نام «**جدیدی**» دین خود را حفظ کردند؟
- «**جـدیدی**» مشـهدی کـه در سـال ۱۹۶۱ بـه نـمایندگی **کنست اسرائیل** انتخاب شد و چند سال بعد به مقام معاونت رئیس کنست رسید که بود؟
- **مـتتیا گـرجـی** دربـاره فـراریـان یـهودی مشـهد و اسـارت آنها در **هرات** در زمان **ناصرالدینشاه** چه می‌نویسد؟
- ذبـح یک مـرغ تـوسط یک جـدیدی در زمـان **امـیرکبیر** چه ماجرائی ببار آورد؟

کتاب «تاریخ جامع یهودیان ایران» را بخوانید

**اهل کرمانشاهید؟ می‌خواهید بدانید که:**

- زنـدگینامهٔ کـوتاه مسیو حـثیم، مـرد دلیـر و بـیباک جـامعهٔ یهود ایران چه بود؟

**اهل نهاوندید؟ می‌خواهید بدانید که:**

- **بـنیامین نـهاوندی** بـنیانگذار فـرقه **قـارائـیم** در قـرن نـهم که هنوز در آمریکا و اسرائیل امروز پیروانی دارد که بود؟

**اهل کردستانید؟ می‌خواهید بدانید که:**

- **بـنیامین تـودلائی** جهانگرد یـهودی اسپانیائی کـه پـیش از مارکوپولو به ایران سفر کرد درباره مسـلمان کـردن یـهودی چه‌ها می‌گوید؟

**اهل دماوندید؟ می‌خواهید بدانید که:**



- رابطهٔ یهودیان **دماوند** با ده اسباط گمشده چیست؟

**اهل یزدید؟** می‌خواهید بدانید که:

- ساکنان روستاهای **اسحق‌آباد** و **یعقوب‌آباد** در حوالی یزد چه دین و ایمانی داشته‌اند؟

**اهل کجائید؟** اراک؟ اسدآباد؟ بوشهر؟ تویسرکان؟ گلپایگان؟ لار؟ مازندران؟ خوانسار؟ کازرون؟ قصر شیرین؟ کرمان؟ کنگاور؟ ملایر؟ یا شهر و روستای یهودی نشین دیگر؟ می‌خواهید درباره همشهریان همکیش خود کسب آگاهی کنید و بدانید در کجا ریشه دارید؟

**کتاب «تاریخ جامع یهودیان ایران» را بخوانید**

**زادهٔ ایرانید؟**

می‌خواهید بدون توجه به گذشتهٔ اقوام گوناگون با تاریخ زادگاه خود خیلی کوتاه و فشرده آشنا شوید؟ می‌خواهید بدانید از **کوروش** تا **محمد رضاشاه** بر ایران چه گذشت؟

می‌خواهید مرزهای ایران را در دوره‌های مختلف تاریخ طولانی بشناسید و نقشه‌های ادوار مختلف را که در هیچ کتاب مفصل تاریخ ایران ندیده‌اید ببینید؟

می‌خواهید تاریخ زادگاهتان را دور از عبارات خشک کسالت‌آور پاره‌ای از مورخان و یا آب و رنگ داستان نویسان و افسانه پردازان بدانید؟

**کتاب «تاریخ جامع یهودیان ایران» را بخوانید**

---

۱ - برگردانی از کلام سهراب سپهری

ویژه چشم‌انداز

# سینمای یهود در یک افق استثنائی

San Francisco Jewish Film Festival
INDEPENDENT FILMMAKERS LOOKING AT OURSELVES

**گزارش و معرفی هفدهمین دورهٔ جشنواره فیلم یهود در سانفرانسیسکو**
"17th Annual San Francisco Jewish Film Festival"

از تاریخ ۱۷ تا ۲۴ و باز از تاریخ ۲۶ تا ۳۱ جون ۱۹۹۷ هفدهمین دوره **جشنواره فیلمهای یهود** (The Jewish Film Festival) در سانفرانسیسکو افتتاح و برگزار شد. این برنامه بار دیگر از ۲ تا ۴ آگوست در حومه سانفرانسیسکو ادامه می‌یابد. سینماهای نمایش دهنده فیلم‌های جشنواره عبارتند از: **کاسترو** (Castro Theater) در سانفرانسیسکو، تالار سینمایی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی (UC Theater, Berkeley)، و سینما **لارک** (Lark Theater) واقع در مارین کانتی. این جشنواره که سابقه شانزده ساله دارد، اول بار به سال ۱۹۸۱ باهدف اکران فیلمهای مستقل ساخته شده توسط یهودیان و یافتن تماشاگر برای این محصولات در سطح کشور پایه‌گذاری شد. از آن تاریخ تابه امروز این جشنواره مهمترین، بزرگترین و معروفترین همایش از نوع خود محسوب می‌شود. درکنار کشف و معرفی استعدادهای بالقوه در میان فیلمسازان یهودی، این جشنواره به مثابه مکانی برای گردهمایی فرهنگی درآمده و هرساله پیشروتر عمل می‌کنند. برگزارکنندگان جشنواره براین باورند که با عرضه آثار فیلمسازان مستقل یهودی از فرهنگ‌های مختلف میتوان دید یهودی بودن راخارج از چهارچوب آلت‌ملعبه‌سازی، کاوید.

آنها همچنین در تلاش هستند تا دیوار میان سرگرمی و آموزش را شکسته و آنهارادرهم آمیزند. برگزارکنندگان جشنواره می‌گویند: "ما با نمایش و تأکید بر باور خودکه تماشای فیلم میتواند تجربه دگرگون‌کننده‌ای باشد، استوار هستیم."
بایاری اشخاص، جوامع، سازمانهای ملی و بین‌المللی این جشنواره قادر شده تا خود را بعنوان یک واقعه بین‌المللی در سطح دنیا مطرح کند. این جشنواره هم‌اکنون بعنوان مشاور و مرجع بیش از ۳۵ جشنواره و گردهمایی سینمایی در ایالات متحده و سایر کشورهای دیگر، مانند نیویورک - سیدنی (استرالیا) - ریودژینرو و...، عمل می‌کند. دفتر این جشنواره بزرگترین مرکز اطلاعاتی فیلمها و سینمای یهود را در اختیار دارد.

در سال ۱۹۹۰ مصادف با بزرگداشت **دهمین** دوره این جشنواره، به گفته مسئولان آن، برای آزمایش **گلاسنوست** آقای گرباچوف، برای نخستین بار جشنواره در مسکو برگزار شد. در جشنواره مذکور تعداد ۳۰ فیلم از نقاط مختلف دنیا و ۲۲ فیلمساز شرکت کرده و به تماشاچیان روسی معرفی شدند. مسئولین جشنواره اعلام داشتند که "هدف دیگر ما از این کار مشاهده تاثیر «فضای باز» بر یهودیان روسی بود." این برنامه ۵۰/۰۰۰ نفر رابه خود جلب کرد و به این ترتیب بعنوان بزرگترین گردهمایی یهودیان درتاریخ اتحادشوروری سابق درآمد.
باموفقیت به دست آمده در برگزاری بین‌المللی این جشنواره، به سال ۱۹۹۲ بار دیگر این واقعه در اروپا تکرار شد. این بار در مادرید واقع در اسپانیا. در جشنواره سال ۱۹۹۲، مسئولین تمرکز خود را بر رابطه اعراب و یهودیان از سال ۱۴۹۲ گذاشته و با انتخاب و نمایش فیلمهائی در این رابطه تلاش نمودند تا آگاهی عمومی را ارتقاء دهند. تجربه سال ۱۹۹۲ نشان دادکه این جشنواره نه تنها قادر به جذب یهودیان در هرکشوری است که با نگاهی به آمار شرکت کنندگان دراین سال، کاملاً روشن است که غیریهودیان نیز در ارقام بالا جذب آن شده‌اند.
بانگاهی اجمالی به تاریخ و عملکرد این جشنواره اینک به معرفی خود جشنواره و تاریخچه آن می‌پردازیم. در سال ۱۹۸۱ **دبرا کافمن** (Deborah Kaufman) برای ارتقاء سطح آگاهی، غرور و تشویق یهودیان **جشنواره فیلم** یهود را پایه گذاشت. با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر این نهاد، جشنواره در سانفرانسیسکو قادر شد تا تاریخ، فرهنگ و شناخت از خود رابرای جامعه

17TH ANNUAL SAN FRANCISCO
Jewish Film Festival
Premieres ■ Parties ■ Seminars
FEATURING exciting, provocative films from around the world!
JULY 17-24, 1997 ■ CASTRO THEATRE, SAN FRANCISCO
JULY 26-31, 1997 ■ UC THEATRE, BERKELEY & PALO ALTO
AUGUST 2-4, 1997 ■ LARK THEATRE, MARIN COUNTY
FOR MORE INFORMATION CALL (415) 621-0556

یهودی به ارمغان آورد. اگرچه این مباحث چیزی تازه نبود، اما هرگز، تااین زمان، نهاد یا مرکزی که تمام وقت و انرژی خود را صرف این مُهم کند، وجود نداشت. این جشنواره نه تنها به نمایش فیلم مبادرت می‌کند، بلکه بعنوان مرکزی برای دامن زدن به بحثهای اصولی و بررسی مسائل یهودیان از ابعاد مختلف نیز تبدیل شده است. این جشنواره همچنین در تلاش است تا کلیه کلیشه‌های متداول درباره یهودیان و فیلمسازان مستقل یهود را که توسط رسانه‌های همگانی مطرح می‌شود را بشکند. درکنار آن، این جشنواره مجالی برای عرضه محصولات سینمایی است که به بررسی معضلات و موضوعات درارتباط با یهودیان در یک فضای سالم می‌پردازد. در پانزده سال گذشته، این جشنواره توانسته تا ۴۰ برنامه را برگزار و ۴۰۰ عنوان فیلم را در ۱۸ شهر ایالات متحده، مسکو و مادریدنمایش و عرضه دارد. در مرکز اصلی جشنواره یعنی سانفرانسیسکو هر تابستان بیش از ۳۰/۰۰۰ نفر در برنامه شرکت می‌کنند. از سال ۱۹۹۳ تا به امروز، هر ساله این جشنواره برای شبکه دولتی پی‌بی‌اس (PBS)، مرکز سانفراسیسکو (KQED-TV) در ماه اکتبر مجموعه‌ای از فیلمها را باعنوان **جشنواره اتاق نشیمن** (The Living Room Festival) عرضه‌داشته است. تابه حال بیش از ۲۰ فیلم برای پخش از آنتن برای بیش از یک میلیون بیننده نمایش داده شده است.

این جشنواره بعنوان بزرگترین و قدیمی‌ترین جشنواره فیلمهای یهود، محلی شده تا مسئولین و برگزارکنندگان سایر جشنواره‌های مشابه از سراسر دنیا هر سال فعالانه در این جشن برای یافتن محصولاتی برای نمایش و عرضه در برنامه خود شرکت کنند. این امر به وضوح ثابت می‌کند که **جشنواره فیلم یهود** (سانفرانسیسکو) نقش رهبری کلیه جشنواره‌های مشابه را در سراسر دنیاایفا می‌کند. همین امر باعث شد تا دست‌اندرکاران جشنواره برآن شوند تا تنها و نخستین کاتولوگ بین‌المللی سینمای یهود را منتشر سازند. از دیگر فعالیتهای جشنواره باید از نقش آن بعنوان پخش‌کننده فیلم نیز نام برد. پخش تعدادی از بهترین فیلمهای داستانی و مستند به عهده این جشنواره است. بازوی اجرایی امور پخش جشنواره زیر نظر **مؤسسه آتارا** (Atara Releasing) است. کلیه این فعالیتها برای حمایت از فیلمسازان یهودی است که خارج از سیستم هالیوود در تلاشند تا چهره واقعی و مسائل یهودیان رابه تصویر کشند. دیگر هدف جشنواره تربیت و به وجود آوردن تماشاگرانی است که قدرت درک و تحمل همه مردم و عقاید را داشته باشند. به گفته دست‌اندرکاران جشنواره خیلی از شرکت‌کنندگان در برنامه سالانه نام "محبوب‌ترین تعطیلی یهودی" (favorite Jewish holiday!) خودرا برآن گذاشته‌اند.

در هفدهمین دوره این جشنواره که از ۱۷ ژوئن



صحنه‌ای از فیلم «**بازگشت دختران سارا**» ساختهٔ مارسیا جارمل

آغاز و در ۴ اوت پایان می‌یابد، برنامه‌های متعددی جای گرفته است. بخش ویژه جشنواره امسال **«هـویت‌های یـهودیان مـعاصر آمـریکایی»** (Contemporary American Jewish Identities) نام دارد. دیگر برنامه‌های جنبی و ویژه امسال سمینارها، نمایشات ویژه، جلسات و نشست‌ها با حضور فیلمسازان است. در برنامه امسال تلاش شده تا برای شرکت‌کنندگان نه تنها فرصت آن بوجود آید تا به تماشای فیلمها بنشینند بلکه مجالی باشد تا نظرات و اعتقاد خود را مطرح کرده و به بحث درباره آنها بپردازند. سمینار ویژه امسال عنوان **«پل گُریزان: بررسی مجدد روابط سـیاهان و یـهودیان»** (The Elusive Bridge: Re-Evaluating Black/Jewish Relations) دارد و کمیته میهمانان آن برعهده شهردار آقای ویلی براون است. امسال بخش چشم‌انداز یک فیلمساز به آثار مایکل ورهـوون (کـارگردان، بـازیگر، سـناریست و تـهیه‌کـننده) (Micheal Verhoeven) اختصاص دارد که تابه حال ۲۰ پروژه را ساخته است. او از مـیان نخستین فیلمسازان آلمـانی کـه دربـاره نقش آلمانها در قتل‌عام یهودیان اروپایی فیلم‌ساخته‌است، مـی‌باشد. دیگـر برنامه ویژه امسال نام **«نمونه‌فیلم‌ها، اسکمیلر»** (Trailers, Schmailers) رابرخود دارد. آرشیویست جی الـسون از مـیان چـهارده نـمونه‌فیلم‌های (۱۹۷۷-۱۹۳۷) هـالیوودمجموعه‌ای‌دیدنی را



صحنه‌ای از **«مناجات‌های شن و ستاره‌ها»** (محصول فرانسه ۱۹۹۶) ساختهٔ نیکولن کلودز.
خواننده یومینتی (Yemenite)

موضوعات قوی گردهم آورده است. در این قطعه ویژه شاهد نمونه‌فیلم‌های برادران مارکس تا بازبارا استرایسند هستیم.

سال گذشته ۲۴/۰۰۰ تن در جشنواره شرکت کردند و دست‌اندرکاران جشنواره انتظار دارند تا امسال تعداد آنها بیشتر هم بشود. مجموعه گردآوری شده برای امسال در کنار برنامه‌های آگاه کننده‌ای را نوید می‌دهد. انچه که باید به واقع سرلوحه کلیه جشنواره‌های سینمایی باشد. برای اطلاعات بیشتر درباره خرید یا رزرو بلیط و فیلمهای نمایش داده شده در جشنواره میتوانید با تلفن: ۰۵۵۶-۶۲۱ (۴۱۵) تماس بگیرید. همچنین نشانی صفحه جشنواره روی شبکه اینترنت از این قرار است:

## اطلاعیه

کانون سالمندان یهودی ایرانی مقیم لوس آنجلس، بدین وسیله به اطلاع عموم می‌رساند که جهت نگهداری شبانه‌روزی از سالمندان عزیز ایرانی، محلی مناسب در Beverly Hills Guest Home با سرپرستان دلسوز و با تجربه و غذاهای کاشر ایرانی تهیه نموده و هم اکنون عده‌ای از پدران و مادران سالمند ما در محل نامبرده بخوبی پذیرائی می‌گردند.

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با دفتر کانون تماس حاصل فرمائید.

تلفن: (۳۱۰)۲۸۹-۱۰۲۶

نشانی: 1019 S. Wooster Street # 228
Los Angeles, Ca 90035

# دنیای عزیز

نوشته: ناشناس
انتخاب و برگردان: مینو کوتال



رئیس مدرسه «اسکات»، پسرم، زنگ زد که بگوید می‌خواهد مطلب مهمی را با من در میان بگذارد و می‌خواست بداند کی می‌تواند مرا ملاقات کند. به فارغ‌التحصیلی «اسکات» فقط چند هفته باقی مانده بود. حدس زدم این تلفن باید در رابطه با این موضوع باشد. در انتظار ورود او بودم و حدس می‌زدم که خبر خوبی خواهد بود. خبر واقعاً خیلی عالی بود. «اسکات» با درجهٔ عالی **Valedictorian** فارغ‌التحصیل می‌شد. به افتخار موفقیت پسرم، رئیس مدرسه از من خواست که مطلبی برای این مناسبت بنویسم. گفتم با کمال میل این کار را خواهم کرد. من برای اسکات و موفقیت‌هایش خیلی احساس غرور می‌کردم.

در مقابل ماشین تحریر نشسته بودم و وقایع زندگی اسکات را مرور می‌کردم. در این زمان به اهمیت واقعی فارغ‌التحصیلی او پی بردم. بدین معنی که او و همکلاسی‌هایش وارد یک دنیای ناشناخته خواهند شد و ما دیگر هر روز برای راهنمائی‌های روزانه آنجا نخواهیم بود تا نصیحت و از آنها مواظبت کنیم به این دلیل نامه زیر را خطاب به «دنیا» نوشتم:

**دنیای عزیز،**

فرزندان ما امروز مدرسه را به اتمام می‌رسانند. اوایل برای مدتی همه چیز برای آنها غریب خواهد بود. امیدوارم که تو با آنها با مهربانی رفتار کنی. میدانی که تا حالا، آنها شاه خانه خود بودند. و والدینشان همیشه در کنار آنها بوده و از آنها مواظبت و مراقبت می‌کردند. ولی از حالا به بعد همه چیز متفاوت خواهد بود. آنها یک زندگانی جدیدی را شروع خواهند کرد. زندگانی‌ای که ممکن است جنگ، تراژدی و غم به همراه داشته باشد. آنها برای این که راه خود را بیابند به صبر و تحمل و عشق و بینش احتیاج دارند.

بنابراین **«دنیا»**، من آرزو دارم که تو از آنها مراقبت کنی - دست آنها را بگیری و هر چه که لازم است آنها بدانند را به آنها یاد بدهی، اما **«دنیا»**، خواهش می‌کنم اگر می‌توانی این کار را با ملایمت انجام بده.

آنها باید یاد بگیرند که تمام افراد دنیا عادل نیستند، که تمام انسانها منصف نیستند. و تمام آدمها راستگو نیستند. اما همچنین به آنها یاد بده که در قبال هر انسان بد ذاتی یک قهرمان خوب و برای هر سیاستمدار دروغ پردازی یک رهبر بزرگ که زندگی خود را وقف عموم کند و برای هر دشمنی یک دوست خوب واقعی وجود دارد.

**«دنیا»**، این به طول زمان احتیاج دارد. به آنها یاد بده که اگر یک پنج سنتی را با کار و زحمت خود به دست آورند ارزشش بیشتر از دلاری است که اتفاقی پیدا کنند.

به آنها یاد بده که با وقار ببازند تا وقتی برنده شدند بیشتر لذت ببرند.

آنها را از رشک و حسد بر حذر کن. اگر می‌توانی به آنها خندیدن را یاد بده. به آنها

یاد بده با خدای خود در صلح و آرامش باشند. یاد بده که قوی باشند تا بتوانند در مقابل شکست ایستادگی کنند. و توان دوباره را داشته باشند تا به موفقیت برسند. به آنها یاد بده با آدمهای آرام با ملایمت رفتار کنند و با افراد خشن محکم باشند. به آنها یاد بده از قضاوت خود پیروی کنند نه از قضاوت اکثریت جامعه. به آنها یاد بده حتی وقتی غمگین هستند قادر باشند بخندند اما در ضمن یادشان هم بده که ریختن اشک خجالت‌آور نیست. بگذار یاد بگیرند امید در شکست و ناامیدی در موفقیت هم هست.

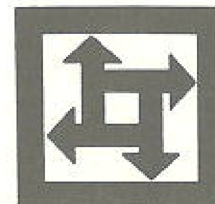
به آنها یاد بده به بدبینان بی اعتنا بوده و چرب زبانان را نادیده بگیرند. یاد بده که مغز و فکر خود را به بالاترین قیمت ارائه شده نفروشند. و هرگز قیمتی روی قلب و روح خود نگذارند.

اگر می‌توانی به آنها یاد بده که خود را با دیگران مقایسه نکنند چون همیشه اشخاصی بالاتر و پائین‌تر از آنان وجود دارند. به جای آن یادشان بده که از هنر، کمال و فضیلت خود حداکثر استفاده را ببرند.

به آنها یاد بده همانطور که زمانی برای قمار هست، زمانی هم برای رها کردن آن وجود دارد.

**«دنیا»**، با آنها با مهربانی رفتار کن ولی آنان را لوس نکن. فقط در رویاروئی با آتش بهترین فولاد بوجود می‌آید. به آنها یاد بده به خودشان اعتقاد کامل داشته باشند چون تنها به این وسیله می‌توان به انسانها اعتقاد داشت.

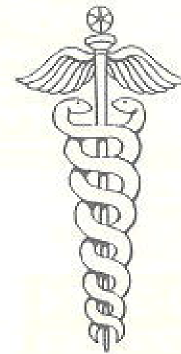
**«دنیا»**، این یک سفارش است، ببین تو چکار می‌توانی بکنی. آنها واقعاً بچه‌های حیران خوبی هستند. **بچه‌های ما.** □





جناب آقای داود رمزی مصیبت وارده را به شما و خانواده عزیزتان تسلیت می‌گوئیم.

سازمان سیامک



تازه‌های پزشکی



از
دکتر نیسان بامداد

# بزرگتری عامل نازائی (نابارووری)
## INFERTILITY

برای اینکه یک زن بتواند بارور باشد لازم است یک تخمک از تخمدان حرکت کند، از لوله‌ی زهدان بگذرد و وارد زهدان شود. اگر تخمک وجود نداشته باشد و یا لوله‌ی زهدان بسته شده باشد و تخمک نتواند از آن بگذرد، زن با وجود آمیزش باردار نمی‌شود.

بسته شدن لوله‌های زهدان بزرگترین علت نابارووری در خانمهاست و عامل این گرفتگی در بیشتر موارد التهاب در اثر عفونتی است که باکتری **Chlamydia** بوجود می‌آورد.

این بیماری خیلی آسان از مرد به زن و از زن به مرد در هنگام آمیزش انتقال می‌یابد. در زنها ممکن است آلودگی به این باکتری بدون هیچ علامتی بگذرد و در پاره‌ای از موارد ترشح زرد رنگ و سوزش مجرا بروز می‌کند که اگر درمان نشود به بالای دستگاه آمیزش انتشار می‌یابد، گردن زهدان دچار می‌شود. مخاط درون زهدان و سپس لوله‌های زهدان و حتی تخمدان‌ها و لگن دچار شده و زن نازا می‌شود.

با بسته شدن لوله‌های زهدان در بیشتر موارد ناباروری مشاهده می‌شود و این امر از ورود تخمک به درون زهدان جلوگیری می‌کند. اگر بسته شدن لوله‌ی زهدان کامل نباشد، ممکن است تخمک با اسپرم مرد در درون لوله آمیزش کند، جنین بوجود آید ولی نتواند از لوله بگذرد و وارد زهدان شود. در نتیجه جنین در درون لوله بزرگ می‌شود، بارداری بیرون از زهدان بروز می‌کند و احتمالاً لوله پاره می‌شود و خونریزی همراه با درد بسیار شدید پدیدار می‌شود که اگر هر چه زودتر عمل جراحی صورت نگیرد جان بیمار بخطر می‌افتد.

دخترهای جوان ممکن است در نخستین همخوابی با مردِ بیمار، دچار این بیماری شوند و اگر درمان نشوند، التهاب گردن زهدان، زهدان و لوله‌های زهدان بروز می‌کند و برای همیشه نازائی ظاهر می‌شود. بررسی‌ها نشان میدهد که باکتری **Chlamydia** باعث ۸۰ درصد لوله‌های بسته شده است و بیش از ۳۰ درصد کل نابارووری‌ها را شامل می‌شود.

اگر زن باردار باشد و عفونت **Chlamydia** داشته باشد ممکن است نوزاد نارس بدنیا بیاید و یا دچار سینه پهلو و یا بیماری چشم شود.

**تشخیص:** خوشبختانه وسیله‌ی بسیار ساده‌ی تشخیص هم اکنون در دسترس است. آزمایش ادرار و یا ترشح از مجرا تشخیص را روشن می‌سازد.

در این آزمایش وجود **DNA** و یا **RNA** از باکتری **Chlamydia** در ادرار مرد یا زن و یا ترشح از مجرا نمودار می‌شود. این آزمایش را حتی می‌توان در دفتر پزشک و یا در خانه انجام داد.

مقامات بهداشتی آمریکا برای تشخیص و پیشگیری از انتشار



بیماری توصیه می‌نمایند که:

اگر دختر جوانی پیش از ۲۰ سالگی آمیزش جنسی داشته باشد بایستی بدنبال تشخیص رفت زیرا این بیماری خیلی زود انتقال می‌یابد و از دیگر بیماریهای آمیزشی فراوان‌تر است.

هر زن جوانی که با بیش از یک مرد در تماس جنسی باشد بایستی مورد آزمایش قرار گیرد.

عموم زنهای باردار بهتر است برای وجود این عفونت مورد آزمایش قرار گیرند.

اگر زن یا مرد دچار عفونت مجرا شود بایستی او و همسرش هر دو آزمایش شوند.

بیماری در مردها معمولاً با درد مجرا، ترشح و تکرّر ادرار همراه است و در پاره‌ای موارد بدون نشانه‌ای می‌گذرد و بطور خیلی نادر ممکن است به بخش بالاتر دستگاه آمیزشی و بیضه‌ها سرایت کند.

**درمان:** همین که تشخیص بیماری داده شد پزشک بایستی درمان را آغاز کند. درمان بیماری آسان است:

۱ - آنتی بیوتیک **Doxycycline** روزی دو دفعه برای مدت یک هفته تجویز می‌شود. هر دفعه ۱۰۰ میلی‌گرم.

۲ - آنتی بیوتیک تازه‌ای بنام **Azithromycin** به میزان یک گرم تنها یک روز کافی است.

۳ - آنتی بیوتیک‌های دیگری مانند **Erythromycin, Floxacin** و یا **Sulfisoxazole** را نیز می‌توان تجویز کرد.

**فراوانی بیمار:** در کشور ایالات متحد آمریکا بطور میانگین از هر یکصد هزار زن بیش از ۲۹۰ نفر به این بیماری دچارند فراوانی آن در ایالات گوناگون متفاوت است. هر سال بیش از ۴ میلیون نفر آمریکائی به این بیماری دچار می‌شوند که بیشتر آنها جوان‌ها و نوجوانان هستند.

## آمار تکان دهنده از دود سیگار

**سازمان جهانی بهداشت گزارش می‌دهد:**

- یک سوم جمعیت جهان ۱۵ سال به بالا به کشیدن سیگار عادت دارند.

- سه میلیون مورد مرگ و میر در سال به سیگار نسبت داده شده که ۶ درصد کل موارد مرگ و میر در جهان است.

- ۲۵ نوع بیماری تا کنون شناخته شده که دود سیگار مسئول آنست: سرطان گلو، حنجره، نای، دهان و ریه. برنشیت حاد و مزمن، آمفیزم ریه، فشار خون بالا و بیماریهای قلب و عروق.

- آنهائی که معتاد به دود سیگار هستند احتمال بیشتری دارند که به سرطان لوزالمعده، پستان، پرستات و سرطان معده دچار شوند.

- کودکانی که در خانه‌های آلوده به دود سیگار زندگی می‌کنند، بخت بیشتری برای دچار شدن به آسم (تنگ نفس) و برنشیت دارند.

- معتادین به سیگار ۵۰ درصد احتمال دارند که از عوارض دود سیگار بمیرند.

- یک سوم معتادان به سیگار از سرطان ریه می‌میرند.

- معتادان به سیگار در سن بین ۳۰ و ۵۰ سالگی ۵ برابر افراد تندرست به حمله‌ی قلبی دچار می‌شوند.

- یکسال پس از ترک سیگار خطر بروز حمله‌ی قلبی ۵۰ درصد کاهش می‌یابد.



# پروین معتمد امینی

## بانوی استثنائی تاریخ زنان یهودی ایران

دکتر ساموئل نیومن

من تصور می‌کردم این ناز پرورد آبشارهای الوند بلند همدان و این زیبا عروس سنندج کردستان را خوب می‌شناسم.

من شنیده بودم که در نوجوانی زیر سایه رضا شاه کبیر احساس بزرگی کرد و در گفتارش با شاه ایران خود را بزرگتر از پدر توصیف نمود. او درک کرده بود که در سایه شاه آرمیدن چه افتخاری برای او که کودکی بیش نبود حاصل خواهد کرد. او ندانسته تحسین آشنا و بیگانه را برانگیخت و مکالمه‌اش با شاه در کوچه و بازار شهرهای ما دهان به دهان گشت. زیرا چنان جوابی در چنان شرایطی و در چنان سن و سالی شاید غیر قابل تصور بود.

دوران تحصیلی را در همدان به پایان رسانید و او آخرین مرحله‌ای را که یک دختر شهرستانی می‌توانست تحصیل کند طی نمود و هنوز خیلی جوان بود که شادروان دکتر لقمان امینی فرزند برومند سرهنگ دکتر شکرالله امینی به پروین دلباخت و زمانی زیاد نگذشت که به خانه بخت رفت. او صاحب دو پسر شد اما جوشش دل و هیجان مغز و اعصابش او را در خانه به شوهرداری و فرزند پروری محدود نکرد در همان حال به تحصیل ادامه می‌داد. به ادبیات و زبان‌های فرانسه و انگلیسی تسلط پیدا کرد و به دنبال آموزش دانشگاهی راه خود را ادامه داد.

من گاه تابستان او را در سنندج می‌دیدم و بعدها نیز تابستان‌های همدان را در کنار هم، خانوادگی می‌گذرانیدیم و هر چه در کنار او و لقمان بودیم از بچه‌ها و مدرسه صحبت می‌کردیم. مدرسه اتحاد همدان را هنوز خیلی دوست می‌داشت و میبایست در هر سفر به دبیرستان خودش سری می‌زد.

چند سالی بین خانواده‌های ما جدائی افتاد و از او خبری نداشتم. تا آنکه در سال ۱۹۸۶ ما را پیدا کرد و آن هنگامی بود که به ریاست اجرائی ارت آمریکا منصوب شده بود و من در همان تاریخ مقاله‌ای در شوفار نیویورک نوشتم که مطلع آن چنین بود:

«پروین معتمد ستاره‌ای درخشان بر تارک زنان یهودی ایران» از آن تاریخ ۱۲ سال گذشته است پروین در زندگی خود فراز نشیب بسیاری گذرانده است. موفقیت‌های بی شمار و خارج از حد تصور و تلخکامی‌هائی نیز که هرگز فراموشمان نخواهد شد سپری کرده است. من آنچه را که پروین کرده است از زبان و قلم رؤسای مسئول سازمان‌های مختلف ارت، کنگره جهانی ارت و از درون کاخ سفید و با امضای بیل کلینتون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا خیلی خلاصه و فهرست‌وار می‌نویسم که امیدوارم بتوانم از عهده این کار برآیم.

پروین دوره دوم دبیرستان را به اتمام رساند و به رؤیای دانشگاه نزدیک شد. او اولین بانوی یهودی ایران بود که موفق به دریافت فوق لیسانس آموزش و روان شناسی گردید. سازمان اجرائی «ارت» آمریکا ORT Operations USA زندگی نامه پروین را چنین آغاز می‌کند. زندگی پروین حکایتی از مجموعه «اول»ها است او راهی را آغاز کرده که قبل از او هیچ مربی دیگر و هیچ زنی نتوانسته بود بپیماید.

او در سال ۱۹۵۶ اولین گام خود را برای چهل سال خدمت آموزشی پیش نهاد و بعنوان دبیر کلاس‌های دخترانه در ارت تهران آغاز به کار کرد پس از ۴ سال به سمت مدیریت آموزشگاه دخترانه برگزیده شد.

در سال ۱۹۶۹ مسئولیت‌های سنگینی را عهده‌دار شد، نماینده‌ی «ارت» مدیریت آموزشگاه‌های دخترانه و پسرانه، مسئولیت سازمان دهی به کمیته‌های محلی و گسترش فعالیت‌های اجتماعی در سطح کلی جامعه یهودیان تهران.

در سال ۱۹۷۳ پروین ابلاغ مدیریت کل ارت ایران را بدست آورد. در این سمت امور حرفه‌ای، فنی، آموزشی و کارآموزی ۱۲۰۰ دانش‌آموز را زیر نظر داشت.

پروین اولین بانوئی است که برای اولین بار از طرف «ارت» به سمت مدیر کل ملی برگزیده شد تنها بانوئی است که در گردهم‌آئی‌های عالیرتبه ارت بین‌المللی شرکت جست. او همچنین اولین مدیر کل برنامه ملی ارت است که تاکنون برای امور داخلی مأموریت یافته است. او ارت ایران را خیلی زود تبدیل به یک مؤسسهٔ آموزشی نوآور و کارآمد در سطح کشور نمود.

ارت ایران و پروین امتیازات و جوائز متعددی دریافت کردند، والدین برای ثبت نام فرزندان خود در این مرکز آموزشی به رقابت پرداختند.

پروین با ابتکارات درخشان خود نام‌آور شد و وزارت آموزش از او درخواست کرد تا روش تدریس و آموزش دبیران فنی را در سراسر کشور ایران نظارت نماید بدین ترتیب برای اولین بار به یک مؤسسه یهودی چنین مسئولیت خطیری واگذار گردید.

پروین خالق یک همکاری صمیمانه با سازمان‌های یهودی و غیر یهودی است.

او در سال ۱۹۸۰ بمناسبت موقعیت سیاسی ناشی از انقلاب اجباراً ایران را ترک کرد. در این جابجائی در لندن پروین به سمت مأمور عالیرتبه اتحادیه جهانی ارت Union برای بنیان گذاری ارت فعال ایالات متحده آمریکا Operations USA را به عهده بگیرد.

در این زمان تنها مؤسسهٔ آموزشی ارت در آمریکا مدرسه Bramson «نیویورک» بود که تنها تعداد انگشت شماری دانش‌آموز داشت. پروین مأمور بنیاد یک کار خلاق ملی و گشودن آموزشگاه‌های نوین «ارت» گردید. او مدرسه فنی ارت «لوس آنجلس» را در سال ۱۹۸۵ بنیان گذاشت. سال بعد با

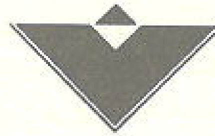


برگزیده شد و مسئولیت اجرائی چند کشور به ایشان محول گردید.

از اداره مرکزی لندن، او برنامه‌های وسیع جهانی طرح کرد او زنان را در زمینه‌های غیر سنتی گرد هم آورد و به فعالیت‌های اجتماعی واداشت که خود پشتوانه‌ای برای پیش‌برد برنامه‌های مدرسه‌ها باشند. بمناسبت عظمت سطح کارهایش او ناچار بود که مسافرت‌های زیادی بنماید تا پیوندی استوار بین رؤسای «ارت»، در سطح جهانی برقرار کند.

در سال ۱۹۸۳ از پروین خواسته شد که فعالیت ارت آمریکا را تحت عنوان مدیر اتحادیه ارت جهانی Director World دبستان روزانه Samuel Schick Hillel «میامی» قراردادی امضاء نمود که در آنجا یک مرکز آموزش حرفه‌ای بنا کند تا خود برای احداث مدارس دیگری از این قبیل در سایر مدارس یهودی نمونه باشد.

در سال ۱۹۸۸ محلی تازه در Forest Hills Queens خریداری نمود و مدرسه Bramson را به این جایگاه نوساخته و با وسائل فنی پیشرفته منتقل نمود. متعاقب آن در سال ۱۹۹۱ مؤسسه آموزش حرفه‌ای ارت Zarem gold بر پا گردید. در همین سال برنامه مرکز حرفه‌ای ارت هیلل در مدارس Hebrew Academy Epstein و Yeshiva



High School و Toras Day School **«آتلانتا»** با موفقیت کامل به اجرا در آمد.

با راهنمائی‌های او عملیات ارت ایالت متحده به نحو چشم‌گیری شکوفا شد. مدیران با کفایت، معلمین و مسئولین فنی، آموزشی بیش از ۷۰۰۰ دانشجو را در سال به عهده داشتند. هر سه آموزشگاه حرفه‌ای **«ارت»** ارزش و اعتبار آموزشی کامل یافتند و ارت امتیاز و توانائی آن را به دست آورد که از حقوق ایالتی و فدرال برخوردار شده و به دانشجویان فارغ‌التحصیل گواهینامه رسمی و درجه علمی اعطا نماید.

پروین در حال حاضر سرگرم بنیان گزاری **«مرکزی برای توسعه منابع ارت»** است که مدارس روزانه و دبیرستان‌های سراسر کشور را با آموزش حرفه‌ای تجهیز و پشتیبانی کند. همچنین این مرکز سازمان‌ها و سمینارهائی ترتیب خواهد داد تا معلمین و مربیان حرفه‌ای را با آخرین پدیده‌های تکنولوژی و مهارت در کاربُرد کامپیوتر از جمله استفاده از **«اینترنت»** را بیاموزند.

از گذشته تا امروز و باز هم بسوی فردا پروین نقش بسیار مهمی را در شکل بخشیدن جهانی که امروز در آن زندگی می‌کنیم و جهانی را که برای فردا آماده می‌کنیم ایفا کرده است.

پروین از سوی شخصیت‌های برجسته سازمان‌های مختلف ارت سراسر دنیا مورد ستایش واقع شده است. آقای ژوزف هارماتس **Joseph Harmatz** در سخنرانی خود در کنگره جهانی ارت که بمنظور بزرگداشت و خداحافظی پروین بر پا نموده بود پروین را بانوی بزرگ ارت و پایه سازمان عصر ما نامید. بعد از او در همین نشست دکتر **Ellen Isler** مدیر کل اتحادیه جهانی ارت گفت: «پروین نمونه بارز ارت است او چشم‌اندازی وسیع، ژرف بینی و آینده‌نگری را در هم آمیخت تا ارت را شایسته و متمایز سازد از ابتدای پیدایش ارت در ۱۸۸۰ پروین تا آخرین دقائق ممکن در تهران در سمت ریاست آموزشگاه‌ها استوار باقیماند. حتی در دنیای متداول آموزش او را باید قهرمان نامید». و چنین به سخنان خود خاتمه داد: «همانطوریکه در جهان ارت استادی نشان داد زمان آسایش خود را نیز با هنر استادی خواهد آمیخت». رئیس کمیته **Forest Hill** چنین می‌گوید: «احترامی عمیق برای پروین قائل است زیرا اگر مهارت و استادی پروین در طرح و توازن بودجه ارت نبود هیچیک از مدارس ارت اکنون صاحب ساختمان خود نبودند».

رئیس ارت زنان آمریکا **Womens American ORT** در سخنرانی مفصل خود در جشن فارغ‌التحصیلی مدرسه **Bramson** ضمن تجلیل‌های مکرر از پروین بخاطر ساختمان این مدرسه و سایر آموزشگاه‌های ارت گفت: «این حقیقت است پروین عزیز، که در میان عوامل چشم‌گیر موجود در زندگی یهودی «و زندگی بطور کلی» مبارزه پی‌گیر برای بوجود آوردن ارت در ایالات متحده است اما در آنجا هم من هیچ تردیدی ندارم که تو پروین محور اساسی برای بچنگ آوردن این چنین میوهٔ هستی دست‌های تو، ادراک تو، آینده‌نگری تو، پایه گذاری، رهبری، برنامه‌ریزی‌های تو، راهنمائی‌های قاطع در برابر اتفاقات گونه‌گون بود و سخت کوشی‌های تو برنامه‌های پر ارزشت را به ثمر رسانید. قاطعیت در شروع هر کار و کاردانی تو در خلاقیت و اداره «هر دو با هم» این موفقیت‌ها را جلوه‌گر ساخت. اگر تصور شود دیگری وجود دارد که امکان برابری به این انجام وظیفه و این مهارت که نیازمند شرایط بسیار مختلف و بی شمار باشد، من به غیر از یک شخص کسی را نمی‌شناسم. اما او را بخوبی می‌شناسم پروین».

دکتر **Arlee S. Maier** رئیس هیئت امنای مؤسسه حرفه‌ای ارت لوس‌آنجلس چنین می‌گوید: «ارزش دانائی پروین در آموزش و تهیه برنامه‌های آموزشی کارساز برای دانشجویانی که به آنها خدمت می‌کنیم قابل تصور نیست. و توان مدیریت او در جهت پیش‌برد هدف‌های مدرسه نیز بهمان اندازه قابل اهمیت است. علاوه بر آن دو خصلت قابل توجه‌اش رفتار او با داوطلبان خدمات اجتماعی، کارمندان حرفه‌ای و ده‌ها نماینده شهرداری است. پروین صریح است و با ایمان و آنچه را که می‌گوید به انجام می‌رساند».

خانم **Ruth Toffel** رئیس سازمان بانوان ارت آمریکا در نشست کنگره چنین بیان داشت: «در تورا آمده است که ما مسئول به پایان رسانیدن وظیفه خود نیستیم، اما از انجام ندادن سهم خود نیز معذور نخواهیم بود. و من قاطعانه می‌گویم که پروین خیلی بیشتر از آنچه که وظیفه داشت انجام داده است. او وقتی که به آمریکا آمد اطمینان داشتم که برنامه‌های کارسازش ما را سربلند خواهد کرد و کرد».

در کنگره جهانی ارت از اول تا پنجم ماه جون ۱۹۹۷ تل‌آویو، خانم **Ruth Eisenberg** رئیس کمیته اداری چنین بیان داشت: «برای من پروین معتمد نه تنها یک بانوی فوق‌العاده است بلکه او قهرمان است. دست‌آوردهای استثنائی او از هنگامیکه در ایران بود و کوشش‌های جسورانه‌اش برای زنده نگهداشتن برنامه‌ها و جستجوی آخرین پدیده‌ها و قبول خطرهای جهانی بیشتر از



طاقت یک انسان است و این در تاریخ ارت فراموش نشدنی خواهد بود. اگر آن پرونده را کنار بگذاریم، پروین در سمت یک مدیره اجرائی ارت آمریکا حاصل بسیار ارزنده‌تر و پربارتر بدست آورده است.

پروین توانائی توصیف ناپذیر در پیش‌بینی و حل مشکلات ناشمردنی دارد. او همیشه آرامش خودش را حفظ می‌کند و لبخند فرشته آسایش را همیشه بر لب دارد. آنجاکه همه مشکل می‌بینند او راه حل نشان می‌دهد. زمان نشان داد که او غیرممکن را ممکن ساخت آنطور که برنامه‌ها را توسعه داد و بانجام رسانید.

من با حیرت ناظر بودم که چگونه پروین مربی‌ها، ربای‌ها، بازرگانان، رؤسای شرکت‌ها و بخشندگان را قانع می‌کرد که ارت شایسته پشتیبانی است.

او رؤیای زنان آمریکا را برای تأسیس ارت امروزی به حقیقت رسانید.

او آشیانه‌ای اختصاصی در دل هزاران دانشجوی ارت که زندگی آنها را بارور کرده است و در دل همکارانی که راه راست او را دنبال خواهند کرد ساخته است».

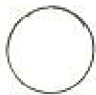
و آخرین ستایشگر پروین از کاخ سفید و به امضای شخص بیل کلینتون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا است. بدین مضمون: «پروین بازنشستگی شما را از ارت فعال ایالات متحده تبریک می‌گویم. سنت سخت کوشی مردم آمریکا این کشور را نیرومند ساخته است و شما نیز افتخار خواهید کرد که در این امر مهم مشارکت داشته‌اید. شما نیز می‌توانید برای شخص خودتان خرسند باشید به جهت کاری که بخوبی انجام داده‌اید.

هیلری و من آرزومند سلامت کامل و شادمانی‌های فراوان آینده شما هستیم. دوستدار بیل کلینتون».

پروین در زندگی شخصی و خانوادگی نیز کامیاب است. او دارای دو فرزند است. بهمن و بهرام امینی که تحصیلات عالی دانشگاهی دارند. نوه‌های خوب امیر لقمان و آماندا و خود مادر بزرگی با وفا و بس مهربان که خانواده‌ای بسیار گرم و صمیمی تشکیل داده است.

خانم معتمد امینی خدمات خودش را انجام داد و آنطوریکه مسئولین سازمانهای ارت گفته‌اند خیلی هم خوب انجام داد.

او روزی که کارش را آغاز کرد هرگز به فکر آن نبود که پاداشی بگیرد، بزرگداشتی از او بعمل آمد و یا برای بازنشستگی‌اش



جشنی گرفته شود.

او خدمتش را برای خدمت آغاز کرد، برای خدمت کوشش کرد و برای خدمت پیشرفت. اکنون جامعه هم به سهم خود این پیروزی را جشن می‌گیرد و به ایشان شادباش می‌گوید.

اما هرگز نمی‌تواند پاداشی برای او در نظر بگیرد. چون اصولاً انجام خدمت پاداش ندارد. پاداش او همین بس که نامش در تاریخ ارت جاودانه خواهد ماند.

اما به باور من می‌توان پاداشی به سود جامعه خود از نام پروین پیدا کنیم. باید پروین را به خانه‌های خود ببریم برای دختران و پسران الگو بسازیم و به فرزندان خود بازگو کنیم آنچه را پروین در شرایط خودش کرد و چه زیبا خواهد بود که الهه دختران یهودی پروین باشد و پروین‌ها در دامان مادران امروزی پرورش یابند. و چه زیباتر آنکه دختران جوان ما راه زیبای پروین را دنبال کنند.

نوشته: سعید بنایان



# در سوک خانم شمسی حکمت

## بدرود با خدمتگزار ارزشمندی که از میان ما رفت

بی شک کمتر کسی در جامعه یهودیان ایران یافت می‌شود که نام شمسی حکمت این اسطوره زمان و خدمتگزار صدیق و فعّال بانوان یهود ایران و جهان را نشناسد. شادروان شمسی حکمت فارغ‌التحصیل مدرسه آمریکائی، اولین فعالیت فرهنگی، اجتماعی خود را با دبیری دبیرستان نوربخش تهران آغاز می‌کند. در این دوران تمام همّ خود را مصروف تعلیم و تربیت نونهالان برای ایجاد نسل نوین جامعه به کار می‌برد. او از همان دوران جوانی به علّت برخورداری از استعداد شگرف و انرژی پر توان همراه اعضای سازمان بانوان یهود ایران به امر ایجاد مهد کودک‌ها و مدارس نمونه مبادرت می‌نماید. و در تمام دوران زندگی افتخار آفرین خود لحظه‌ای از تعلیم و تربیت فرزندان کشور ما دریغ نمی‌نماید. او همچنین بنیانگزار و مؤسس مدرسه نمونه و جهانی خانم حکمت بود. در این مدرسه که با استانداردهای بهترین مدارس جهان تأسیس یافته بود، فرزندان بیش از سی و هفت سفیر خارجی در ایران به امر تحصیل اشتغال داشتند که اغلب آنها امروز دارای مشاغل حساس کلیدی و پست‌های مهمّ مملکتی هستند. زنده یاد هم زمان با فعالیت در مهد کودک‌ها و مدارس نمونه در تمام امور خیریّه و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی پیشگام و فعال بود.

**شادروان شمسی حکمت** و سرکار خانم ملیحه کشفی از اولین پیشگامان و بنیانگزاران سازمان بانوان یهود ایران بودند.

انگیزه تشکیل این سازمان به دست چند بانوی نیکوکار، مشاهده شرایط سخت و دشوار زندگی مادران و کودکان و احتیاج شدید آنها به کمک‌های فرهنگی و اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوّم بود.

این سازمان که در سال ۱۹۴۷ با اهداف انسانی و خیریه تشکیل گردید نقش بسیار ارزنده‌ای در کمک به کودکان نیازمند و خانواده‌های بی بضاعت بخصوص ساکنین محله یهودیان تهران داشت. سازمان بانوان یهود ایران همچنین در دوران کوچ اجباری و مهاجرت یهودیان به اسرائیل و آمریکا در امر کمک به دانشجویان نیازمند و همچنین خانواده‌های مستمند همیشه پیشقدم بوده است. ایثار و گذشت بیدریغ در امر خیر و کمک و همیاری و دستگیری از خانواده‌های محروم جامعه یکی از اهداف اولیه و انسانی این سازمان خیریه، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.

شادروان شمسی حکمت یکی از مدافعین سرسخت حقوق زنان بود و بخاطر فعالیت‌های پیگیر در راه بدست آوردن حقوق زنان بارها بعنوان نماینده زنان ایران برای شرکت در کنفرانس‌های جهانی از ایشان دعوت رسمی بعمل آمده است. و او بخاطر شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی بعنوان یکی از چهره‌های درخشان مدافعین حقوق زنان در سطح جهانی بشمار می‌رود. او با تلاش و کوشش خستگی ناپذیر و دوش بدوش اعضای سازمان بانوان و همیاری شادروان یوسف کهن برای احقاق حقوق زنان و دختران یهودی در تقسیم ارث، با ارسال قطعنامه و مراجعه به راب اعظم اورشلیم و شرکت در کنگره بین‌المللی زنان یهود از طرف وزارت دادگستری ایران حق مسلّم زنان و دختران یهودی در مورد تقسیم ارث بعنوان احوال شخصیه زنان یهودی تصویب گردید و تا به امروز کماکان معتبر می‌باشد.

زنده یاد یکی از فعّالین کمک رسانی به مرکز تحقیقات سرطان یعنی **City of Hope** بود. او همچنین از فعّالین سازمان بانوان هداسا و یکی از بنیانگزاران شعبه حیفا این سازمان جهانی بود و بخاطر کوشش‌های پیگیر و فعالیت مداوم در این سازمان جهانی، عنوان ریاست افتخاری مادام‌العمر به ایشان اعطاء می‌گردد. شادروان از تظاهر و خودنمائی بشدّت بیزار بود. نویسنده از طرف مجله **چشم‌انداز** و **سازمان سیامک** برای مصاحبه و تهیه گزارشی از فعالیت‌های ایشان

در طول حیات بایشان مراجعه نمودم ولی متأسفانه دست خالی باز گشتم و این برای من درسی بزرگ بود زیرا من برای اولین بار در زندگی خود دریافتم، کسانی که در امر خیر قدم برمی‌دارند اینکار را تنها بخاطر وجدان انسانی و بیدار خود انجام می‌دهند و نه برای تظاهر و خودنمائی نزد دیگران. ایکاش این خصوصیت بارز انسانی او می‌توانست سرمشقی برای همه دست اندر کاران امور اجتماعی و خیریه جامعه باشد. یکی از آرزوهای بزرگ شادروان شمسی حکمت ایجاد روح مسالمت و همکاری و صمیمیت بین تمام سازمانها و افراد جامعه بود. بگذارید تا با اتحاد و صمیمیت و همکاری با یکدیگر به یکی از آرزوهای دیرین او جامه عمل بپوشانیم. به امید آنروز.

اجازه می‌خواهم مطالب خودم را با این شعر از شاعر نامدار یهودی طالع همدانی که به مناسبت فوت جانگداز شمسی حکمت سروده بپایان برم.

ای خفته زیر گل ز غمت چون گریستم
یک شب ز دیده اشک و شبی خون گریستم
زآن بلبلی که از غم گل صبحدم بباغ
می‌خواند و می‌گریست، من افزون گریستم

سازمان سیامک و مجله چشم انداز این ضایعه بزرگ را به خانواده شادروان و به سازمان بانوان یهود ایران و به تمام یهودیان ایران و جهان تسلیت می‌گوید.

# در ســوگ اســتادی وارســته



## دکتر محمد علی مجتهدی

ایرج اسحقیان

زنده‌یاد دکتر محمدعلی مجتهدی اول جولای ۱۹۰۸ در شهرستان لاهیجان متولد شد و روز سه‌شنبه شب اول جولای ۱۹۹۷ به وقت فرانسه دیده ازجهان فروبست و ۷ جولای ۱۹۹۷ در فرانسه تدفین گردید.

یادبود روانشاد در تاریخ ۲۰ جولای در سالن Dickson Hall UCLA برگزار شد.

در مراسم مذکور آقایان دکتر باروخ بروخیم، ایرج اسحاقیان، دکتر پرویز برجیس، استاد حسن شهباز، دکتر مشکاتی، رضائی، مهندس سبحانی، محمد موسوی نسل، دکتر صدیق اسفندیاری و چندتن از یاران البرز در باره شخصیت دکتر مجتهدی سخنرانی کردند.

زنده‌یاد دکتر محمد علی مجتهدی رئیس دبیرستان البرز - استاد دانشکده فنی و رئیس دانشگاه آریامهر، یکی ازبزرگترین شخصیت‌های فرهنگی کشورمان بود که در تمام مدت خدمت صداقت و انسانیّت و تواضع همراه با قدرت مدیریت از مشخصات بارز روانشاد بود. ایشان در سخنرانی‌های خود همواره اظهار می‌کرد که سرمایه یک مملکت نفت یا زر یا معادن زیرزمینی نیست بلکه مغزهای متفکر انسان‌های تحصیل کرده هستند که آن مملکت را اداره می‌کنند.

متأسفانه با توجه به صداقتی که در تمام عمر داشت هرگز به جمع‌کردن مال و ثروت توجه نکرد و با آن که پس از انقلاب چند مرتبه به ایران سفر کرده بود واز هرگونه اتهامی مبریٰ بود ولی پرداخت حقوق ایشان قطع شده بود و با سختی معیشت و امراض مختلف و فوت دختر جوانش در یازده ماه پیش به علت سرطان دست به گریبان بود و منزل مادر خانم خود که فرانسوی بود در جنوب فرانسه (نیس) زندگی می‌کرد و در همانجا زندگی را به درود گفت.

دکتر محمد علی مجتهدی یکی از افراد برجسته فرهنگیست که به گردن همه هموطنان حق دارد چون تمام عمر خود را وقف پرورش انسان‌هایی کرد که اینک در تمام دنیا باعث افتخار هموطنان خود هستند. روانش شاد و نام نیکش یاد.

سازمان سیامک درگذشت این استاد وارسته راکه سهم بسزایی در تعلیم و تربیت صدها تناز افراد تحصیلکرده دارد تسلیت عرض می‌کند.




**Orah Michaan HIgh School**

## دبیرستان دخترانه اُر هاامت

**دبیرستان «اُر هاامت» هم اکنون ثبت نام برای کلاسهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ دختران را آغاز نموده.**

**برنامه این دبیرستان شامل:**

* سیکل کامل دبیرستان با تکیه بر آمادگی برای دانشگاه
* آموزش میراث‌های یهودی
* آموزش کامپیوتر
* هنرهای اجرائی و برنامه‌های فوق‌العاده
* سفرهای آموزشی و تفریحی
* محیط گرم و صمیمی با توجه به نیازهای فردی هر دانش آموز

**برای اطلاعات بیشتر با دفتر مدرسه تلفن**

**(۳۱۰) ۲۷۴ - ۷۰۳۵**

**تماس حاصل نمائید**

| | | |
|---|---|---|
| ربای داوید آخامزاده | دکتر ا. شر | خانم کراوس |
| مدیر اجرائی | مدیر و مشاور آموزشی | مدیر آموزشی |

# چشم‌اندازی به روی لبخند

## فرهنگی

عشرت خانم که تازه به فکر جبران کمبودهای فرهنگی و ادبی خود افتاده بود، به توصیه دوستی رفت به یک کتابفروشی:

- آقا ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی را دارین؟

- بله خانوم. بدم خدمتتون؟

- بله، ویس رو امروز بدین، رامین رو فردا میام می‌برم.

## فیلم بد

منتقد سینمایی شوخی می‌گفت:

- دیروز رفتم به فیلمی که از بس مزخرف بود مردم صف کشیده بودن که از سینما بیان بیرون.

## داستان سیاه

ترن می‌خواست راه بیفتد. رئیس چند لحظه قبل از حرکت قطار، از پله‌ها بالا رفت و روی پله ایستاد و در سنگین واگون را محکم به هم زد اما در بسته نشد! دوباره بهم زد، باز هم بسته نشد. پنج دفعه دیگر، هر دفعه محکم‌تر در را بست ولی بسته نمی‌شد. اینجا بود که حوصله‌اش سر رفت و داد زد:

- بابا، بالاخره این دست وامونده‌تو از لای در می‌کشی بیرون یا نه؟!

## کار و تفریح

فیض‌الله خان به نصرالله خان گفت:

- واقعاً آدم بی‌انصافی هستی. امروز تشییع جنازه مادر زنته و تو نرفتی شرکت کنی؟

نصرالله خان، خیلی جدی گفت:

- تو چه جور رفیقی هستی که اخلاقای منو نشناختی، در نظر من اول کار، بعد تفریح.



## چشم به راه

### حسن استقبال

ولی‌الله خان به دختر جوانش گفت:

- امروز امیرحسین خان آمده بود تو گوش من به زمزمه‌هایی می‌کرد، معلومه که خواستگارته. خوب پسریه، اهل زندگیه، درآمدش هم بد نیست. پاشو برو سر بخت و بالینت که خیال ما هم راحت شه.

دختر خودش را لوس کرد و گفت:

- نه بابا، من می‌خوام پیش مامان جونم باشم.

ولی‌الله خان گفت:

- چه بهتر از این، باشه، مامانت رو هم با خودت ببر.

### تصریح

در جلوی در مدرسه‌ای که جدیداً ساخته شده بود موقع افتتاح مدرسه این اعلان را چسباندند:

«راننده عزیز، این جا مدرسه است. مواظب باش بچه‌ها را زیر نگیری!»

فردای آن روز با خط بچگانه‌ای این مطلب را زیر اعلان نوشته بودند:

«بهتر است منتظر آقا معلم بمانی!»

**«ازدواج در هولیوود!»**

**مأمور ـ قبلاً هم ازدواج کرده‌اید؟**

**ستاره سینما ـ آقا شوخی میکنید یا میخواهید حافظه‌مرا امتحان کنید؟!**




اولی به‌دومی: حاضری مسابقه بدی؟

## بدبیاری

مردی که مدام با همسرش بگومگو داشت شبی که حسابی از دست عیال مربوطه پکر شده بود ناپرهیزی کرد و چنان به خمره زد که ساعت دوی بعد از نیمه‌شب که به خانه برگشت کاملاً لول لول بود. تصادفاً کسی که در را به روی او باز کرد عیال مربوطه بود. مرد مست همین که زن را دید یکه‌ای خورد و گفت:

- هی، بخشکی شانس!... می‌دانی زن؟ من... من امشب پشت سر هم مشروب خوردم که ترا فراموش کنم و...

- خوب، بقیه‌اش؟

- حالا می‌بینم که تو دو تا شده‌ای.

## نوازندگی

شکرالله خان رفت دکتر:

- دکتر، انگشتام خشک شده، دیگه حرکت نمی‌کنه...

دکتر معاینه‌ای کرد و گفت:

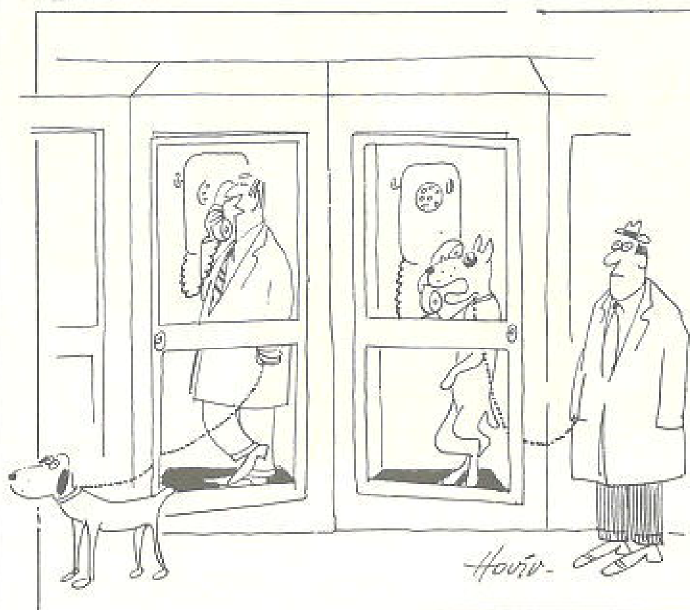
- چیزی نیست، ممکنه به عمل احتیاج داشته باشه، خوب میشه.

- شکرالله خان فکری کرد و گفت:

- خوب، بعد از عمل می‌تونم تار بزنم؟

- البته که می‌تونی.

- چه خوب، عالی شد، چون قبلاً تار بلد نبودم.



از عجایب لوس آنجلس

عشق ♥ عشق

«برای فراموش کردن هر عشقی باید عشق تازه‌تری پیدا کرد»!
د. ب.

## گرما و سرما!

«گرما» که پدر در آرد از مردم سخت
«سرما» هم خلق را نماید بد بخت
گر قصد دو فصل مردم آزاری نیست،
برگو زبرای چیست این آمد و رفت؟

### احتیاط

شوهر به زن ـ وقتی ضعف حافظه‌ات را با دکتر درمیان گذاشتی چکار کرد؟

ـ هیچی، اول حق ویزیتشو گرفت!؟





تلویزیون زندانی

# قهرمان بی نام



در سرتاسر تاریخ یهود که بگردیم، کم نیستند کسانی که بدون چشم‌داشت و کسب نام، آمبولانسی حاضر کرده‌اند و مرده‌ای را به خاک سپرده‌اند تا نعشی بی صاحب و یا بی پول بر زمین نماند. یتیمی را بی سر و صدا نان داده‌اند - بی جهیزی را به خانه بخت فرستاده‌اند - حمام محله را گرم نگاهداشته‌اند - شبهای دراز، صلح خانواده‌ای یا جامعه‌ای را با شب زنده‌داری و روبرویی با بی حرمتی حتی، تضمین کرده‌اند - بی آنکه بر هیچ کرسی‌ای تکیه بزنند -کسانی که نامشان بر سر زبانها نیست ولی همراه با ضربان قلب آدمهای خوب، در روح ارزشهای والای انسانی و خدایی جامعه، می‌طپند و اگر اسمشان همه جا نیست و جزو افراد سرشناس نیستند ولی گم‌نامانی **خوش نامند**.

اینان قهرمانان خاموش مایند. از میان آنان در این شماره چشم‌انداز «**عبدالله دهدشتی**» را برای معرفی انتخاب کرده‌ایم.

کسی که بی نعمت از وجود پدر روزگار کودکی را گذراند و در کوچه‌های تنگ و خاک‌آلود محله (گتو) یهودیان کرمانشاه در دامان مادر تنهایش بزرگ شد. روزها به مدرسه می‌رفت و شبها کار می‌کرد و به دیگران درس می‌داد. از همان اوان جوانی وارد فعالیتهای اجتماعی جوانان شد. برای ادامه تحصیل به تهران رفت. شغل معلمی را انتخاب نمود. با شور و صفای دل شهرستانیش راه‌گشای مشکلات مشکل داران شد. علاوه بر خدمت فرهنگی او را در امور اداره کنیساها - همکاری با بهشتیه - شرکت در انجمنهای محلی - رسیدگی به وضع نیازمندان - همکاری با سازمانهای بهداشتی و درمانی - کمک به خانواده‌های بی سرپرست و رسیدگی به وضع کودکان یتیم و زنان بیوه می‌بینیم.

می‌بینیم برای کمک به درآمد کانون خیرخواه، هفته‌ها از شغل و امور زندگی خود دست می‌کشد. محل مناسبی تهیه می‌بیند و مراسم تفیلای رش هشانا و کیپور را در صحن حیاط مدرسه مایر عبدالله (جنب دانشگاه تهران) را راه برگزار می‌کند. این کار را برای حدود بیست و پنج سال بطور رایگان و شرافتمندانه و دست تنها انجام می‌دهد. امروز این سالارمرد با شرف که در کار اجتماعی از پای افتاده در شهر «**اشدود**» اسرائیل ایام پیری را می‌گذراند. اطمینان دارم لحظاتی را بیاد میآورد که برای گشودن گره‌ای اجتماعی کسی یا همراهی نداشته - تنهایی بوده و دردی که کسی برای درمان به او حواله کرده و «**خدا**». لحظاتی و جائی که اشک بوده و حسرت - آرزو بوده و فقدان و اضطراب و تشویش. ولی در عین تلاش - عرق خستگی کاری با ثمر و نگاههائی که دنیایی از حرف بوده و سپاس.

در زندگانی هر کدام ما، کسانی هستند که این زندگی را برایمان با وجود خودشان کاملتر می‌کنند. «**عبدالله دهدشتی**» از این دست آدمهاست و برای اینهمه از او سپاسگزاریم.

# اطلاعیـــه

## تشکیل انجمن فارغ التحصیلان هنرستانهای اُرت ایران

بدین وسیله به اطلاع کلیه فارغ التحصیلان هنرستانهای اُرت ایران اعم از دخترانه یا پسرانه می‌رساند که انجمن باین نام در حال تشکیل است.

جلسات مقدماتی این انجمن توسط تعدادی از فارغ التحصیلان برگزار شده و بعضی از اهداف آن بشرح زیر پیشنهاد شده است:

– بازدید و ملاقات دوستان تحصیلی و تجدید خاطرات.

– شناخت سایر فارغ التحصیلان هنرستانها و اطلاع از موقعیت آنها.

– پایه گذاری یک شبکه همکاری و همیاری متقابل.

بدیهی است که برای بحث و گفتگو در مورد سایر اهداف انجمن، گرفتن نام و نشانی اعضاء، شناخت و رأی گیری افرادی که خود را برای تقبل مسئولیت در این انجمن کاندید می‌کنند، در نهایت تأسیس انجمن، لازم است که یک یک افـراد در یک گـردهمائی همگانی حضور یابند.

بنابراین از کلیه فارغ الحتصیلان هنرستانهای اُرت دعوت می‌شود که در جلسه‌ای که باین منظور تشکیل میشود حـضور بـهم رسانند.

تاریخ گردهمائی: یکشنبه چهاردهم سپتامبر ۱۹۹۷، از ساعت ۶ تا ۹ بعد از ظهر

محل: کنیسای نسح ایسرائل واقع در ۱۵۲۷ خیابان فرانکلین

پیشنهادات و نظریات شما برای رسیدن باین اهداف مهم بوده و می‌توانید یکی از اعضای فعال این انجمن باشید.

ضمناً، خواهشمند است فرم زیر را تکمیل و به آدرس زیر ارسال نمائید.

Last Name: ______________ First Name: ______________

Address: ______________________________

City: __________ State: __________ Zip Code: __________

Phone (work): ______________ Phone (home): ______________

Occupation: ______________________

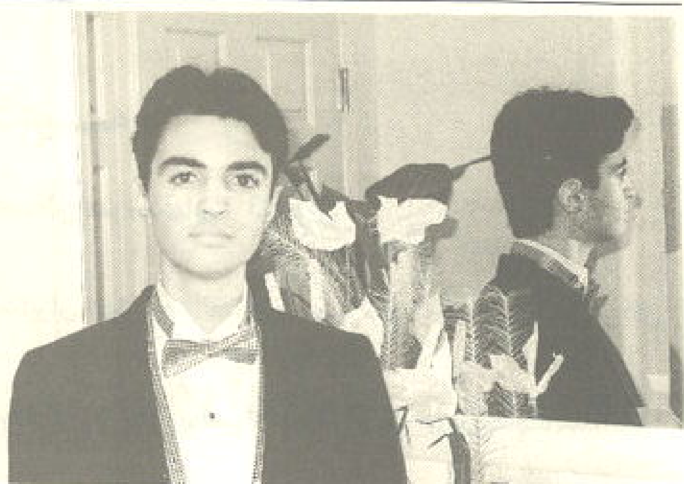
Field of Study at ORT: ______________________

Years attended: From 19 ___ to 19 ___

هئیت مدیره موقت انجمن:

C/o Computer Palace
8504 W. 3rd. Street
Los Angeles, Ca 90048
Tel: (213) 938-1800

# ستارگان جوان



آقای پیام عمرانی ۱۸ ساله فارغ‌التحصیل دبیرستان TAFT در وودلند هیلز موفق شده‌اند که از اکتبر امسال در دانشگاه UCLA در رشته علوم سیاسی و سپس حقوق سیاسی بین‌المللی به تحصیل مشغول شوند.

نامبرده بعلت برخورداری از استعداد شگرف جزو ۱۲ نفر دانشجوی انتخابی ایالت کالیفرنیا میباشند که می توانند از هزینه تحصیل کامل برخوردار شوند. نامبرده از کلاس نهم دبیرستان در مسابقات بحث و تبادل نظر سیاسی و اجتماعی و مقاله‌نویسی سیاسی و اجتماعی شرکت کرده و تا بحال چندین جایزه ممتاز و گواهینامه بعنوان بهترین سخنران و مناظره کننده دریافت داشته‌اند. همچنین حزب جمهوریخواه از او دعوتی بعمل آورد. ایشان ضمن دریافت جایزه در جلسه نهار حزب جمهوریخواه در Bramer نظریات خود را برای حاضران و روزنامه لوس‌آنجلس تایمز در مصاحبه‌یی که در تاریخ بیست و ششم جون ۹۷ در آن روزنامه چاپ شده است توضیح داد.

روزنامه لوس‌آنجلس تایمز تأکید میکند که آقای پیام عمرانی یکی از چهره‌های سیاسی آینده آمریکا میباشند که میتوانند به سنای آمریکا راه یابند.

سازمان سیامک و مجله چشم‌انداز موفقیت‌های این دانشجوی ممتاز را تبریک و تهنیت میگوید. □

تهیه کننده: لیلی کاهن

---



**میشل رهبان،** دانش آموز کلاس ششم متوسطه از شاگردان ممتازی است که آینده درخشانی در انتظار اوست. **میشل** امسال نیز توانسته کلاس ششم را با نمرات **A** به پایان برساند.



**دبی فرنوش،** کلاس هشتم مدرسهٔ پورتولا **Portola** با **Grade (A)** شاگرد اول **Honor Student** با معدل ۴ .

**مجلهٔ چشم‌انداز** این موفقیت را به میشل، دبی و پیام تبریک گفته و موفقیت‌های بیشتری را در زندگی برایشان آرزو می‌نماید.

# خبرهای شهری

## گزارش گردهم آئی انجمن دانشوران

در تاریخ یکشنبه ۲۹ جون ۱۹۹۷ از طرف انجمن دانشوران یک گردهم‌آئی بخاطر تشویق و ترغیب دانشجویان ممتاز و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ در سالن هتل هیلتون بورلی هیلز برگزار گردید. در این گردهم‌آئی که با حضور خانواده‌های دانشجویان و فارغ‌التحصیلان برگزار گردید نخست گزارشی از فعالیت‌های انجمن بعرض حضار رسانده شد و سپس اسامی دانشجویان ممتاز و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها قرائت گردید. نکته قابل توجه و افتخارآفرین در این گردهم‌آئی معرفی چهره‌هائی بودند که به امر بررسی و تحقیق در زمینه‌های گوناگون و بخصوص بیولوژی و سرطان پوست اشتغال داشتند.

این گردهم‌آئی که با پذیرائی و برنامه‌های هنری و رقص و موزیک همراه بود در ساعت ۹ شب بپایان رسید. قرار است این برنامه همه ساله از طرف انجمن دانشوران تدارک دیده شود.

**سازمان سیامک** و **مجلهٔ چشم‌انداز** به تمام دانشجویان ممتاز و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها تبریک و تهنیت می‌گوید و برگزاری این چنین مراسمی را مورد ستایش قرار می‌دهد.

## گزارش یادبود زنده یاد خانم شمسی حکمت

در تاریخ دوشنبه هفتم جولای ۱۹۹۷ یادبود زنده یاد شمسی حکمت بنیان گذار سازمان بانوان یهود ایران و یکی از شخصیت‌های جهانی یهودیان ایرانی در کنیسای سایناى برگزار گردید. در این مراسم که از ساعت ۶:۳۰ تا ۹ شب ادامه داشت سخنرانان از خدمات برجسته این بانوی عالیقدر تجلیل بعمل آورده و آنرا مورد ستایش قرار دادند.

**سازمان سیامک** و **مجلهٔ چشم‌انداز** ضایعه از دست دادن زنده یاد شمسی حکمت را به خانواده آن مرحومه و همچنین به همه یهودیان ایران و جهان تسلیت می‌گوید. شرح حال و فعالیت‌های این بانوی عالیقدر جداگانه در این شماره درج گردیده است.

## بزرگداشت آقای الیاهو قدسیان

در تاریخ شنبه ۱۴ جون ۱۹۹۷ مجلس بزرگداشتی از آقای الیاهو قدسیان برگزار گردید.

در این گردهم‌آئی که بیش از ۹۰۰ نفر اعضاء کنیسای سفارادی و میهمانان ایرانی و آمریکائی شرکت داشتند از زحمات و همکاریهای آقای قدسیان قدردانی شد.

**ربای اَت** از سابقه طولانی و خدمات اجتماعی آقای قدسیان و **آقای ربای دانیل بوسکیلا** ربای جوان و فعال کنیسا از کمک‌های آقای قدسیان برای برگزاری مراسم نیایش صبحگاهی و سایر مراسم سالیانه و جمع‌آوری وجوه نقدی برای کمک تحصیل دانشجویان اسرائیلی ستایش نمودند.

در این مراسم نشان «**تاج تورا**» به آقای قدسیان اعطاء نمودند.

آقای دکتر ساموئل نیومن از طرف اعضاء ایرانی کنیسا و جماعت ایرانی کنیسا لوحه سپاسی را که تهیه کرده بود طی سخنانی به انگلیسی و فارسی به آقای قدسیان اهدا نمود.

در خاتمه از میهمانان و اعضاء با شیرینی و میوه پذیرائی بعمل آمد.

## جشن ۳ هزاره یروشالائیم و چهل و نهمین سال تولد اسرائیل

سازمان یهودیان کرد کالیفرنیا به مناسبت ۳ هزارمین سال انتخاب یروشالائیم پایتخت کشور اسرائیل و چهل و نهمین سال تولد اسرائیل در تاریخ ۲۵ ماه می ۱۹۹۷ جشن با شکوهی در تالار مجتمع فرهنگی ارتص برگزار نمود که در آن مقامات مذهبی و رؤسای سازمان‌های مختلف فعال در لوس‌آنجلس شرکت داشتند.

بعد از حضور **جناب اهارون برناتان کنسول اسرائیل** برنامه بطور رسمی آغاز گردید و سرودهای هتیقوا، سرود ملی کشور آمریکا نواخته شد.

دکتر ساموئل نیومن رئیس سازمان ضمن سپاس از حضور مهمانان درباره جشن و استقلال اسرائیل سخنرانی ایراد نمود که مورد توجه واقع گردید.

آقای برناتان دربارهٔ استقلال و سهم یهودیان کرد و موقعیت کنونی و پیشرفت‌های قابل توجه اسرائیل صحبت کردند که هاراب یدیدیا آذر احیان آن را از عبری به فارسی ترجمه کردند.

آقای هاراب آذراحیان به دعوت سازمان

از نیویورک به لوس‌آنجلس و به منظور شرکت در جشن آمده بودند. پس از صرف شام موسیقی فارسی و کردی اجرا گردید و برنامه تا ساعت ۳ صبح ادامه داشت. جشن بسیار گرم و مورد توجّه تمام مهمانان قرار گرفت.

## صدای ایسرائل اورشلیم

**چهارشنبه ۲۱ می ۱۹۹۷**

کُرسی پژوهشهای ایرانِ عصر ما، امروز طی مراسم با شکوهی که در آن چند صد تن از شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی اسرائیلی و ایرانی حضور داشتند در دانشگاه تل‌آویو گشایش یافت. این نخستین بار است که یک دانشگاه اسرائیلی یک کُرسی کامل را به پژوهشهای ایرانِ عصر حاضر اختصاص می‌دهد.

هزینهٔ تأسیس این کُرسی را آقای پرویز نظریان، یهودی ایرانی زادهٔ مقیم لوس‌آنجلس تأمین کرده و کُرسی ایران شناسی بنام او و همسرش خانم پوران نظریان نام گذاری شد. آقای نظریان گفت هدف از گشایش این کُرسی شناختن هر چه بیشتر ایران و گسترش دوستی و برادریست.

در این مراسم رئیس دانشکدهٔ علوم انسانی در **دانشگاه تل آویو، کوروش کبیر** بنیانگذار شاهنشاهی ایران را، نخستین رهبر حقوقِ بشر جهان نام داد و یادآور شد که کوروش بزرگ به گردنِ یهودیان و جهانیان حقی بزرگ دارد. ریاست کُرسی پژوهشهای ایران عصر حاضر به پروفسور داوید منشری استاد ایران شناسی در دانشگاه تل‌آویو و از پژوهشگرانِ برجستهٔ موسسهٔ علمی و تحقیقاتی «دیان» در آن دانشگاه سپرده شد.

## کلاس کامپیوتر

**خانم ثریا و آقای یونس نظریان** بیادبود **خانم آویوا نظریان** کلاس کامپیوتری را در مدرسه ابتدائی گوردن، در شهر «**حیفا**»ی اسرائیل ایجاد نمودند. بر اساس یک سلسله فعالیتهای در حال اقدام نوجوانان حیفا قابلیت دسترس و آموزش کامپیوتر را خواهند داشت.

**آقای یونس نظریان** بتازگی بعنوان رئیس «**بنیاد حیفا**» در ناحیه غرب آمریکا برگزیده شده‌اند.

## خواهش میکنیم

**اگر به دلایلی بیش از یک نشریه چشم‌انداز را دریافت میکنید، خواهشمندیم برای جلوگیری از حیف و میل پولی که میتواند به مصارف عام‌المنفعه دیگر جامعه برسند آدرسهای اضافی را به ما اطلاع بدهید.**

# اخبار جامعه کلیمیان ایران

## کوتاه شده از بولتن خبری این انجمن - خرداد ماه ۱۳۷۶

### کمک ایرانیان یهودی مقیم آمریکا و اروپا به هموطنان زلزله زده

هفته گذشته کمکهای جمع‌آوری شده از طرف همکیشان ایرانی ما در اروپا و آمریکا برای هموطنان زلزله‌زده خراسان به انجمن کلیمیان تهران واصل شد و هیئت مدیره انجمن بلافاصله اقدام به خرید دارو و ملزومات مورد نیاز مناطق زلزله‌زده نموده و قسمت اول این کمکها که مشتمل بر مقدار قابل توجه دارو و سرم، آنتی بیوتیکهای مورد نیاز و داروهای ضد عفونی و سایر لوازم درمانی بود از طریق هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به مناطق زلزله زده ارسال گردید.

علاوه بر آن چون مبلغ دیگری از کمکهای یهودیان ایرانی ساکن آمریکا و اروپا دریافت شده است، اقدامات فوری برای ارسال کمکهای رسیده به مناطق زلزله زده شروع شد، که متعاقباً به اطلاع همکیشان عزیز خواهد رسید.

اقدام به جمع‌آوری این کمکها از طرف همکیشان ما در خارج از کشور صرف نظر از اهمیت مقدار نشانه‌ای از علاقمندی آنان به سرنوشت هموطنان خود میباشد.

در بولتن خبری این انجمن نوشته شده است که انجمن کلیمیان تهران و جامعه کلیمیان ایران این علاقه و برادری را ارج فراوان مینهند و امیدواریم یهودیان ایرانی در خارج از کشور همواره در خدمت به کشور عزیز و ملت بزرگوار ایران موفق و سربلند باشند.

تا امروز ایرانیان یهودی مقیم انگلستان و فدراسیون یهودیان آمریکا و سازمان سیامک کمکهای خود را ارسال نموده‌اند. از همت و جوانمردی همکیشان عزیز خود سپاسگزاریم.

### بازدید خبرنگاران خارجی از نهادهای کلیمیان ایران

بمناسبت برگزاری انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، تعداد زیادی خبرنگاران و فیلمبرداران خارجی در تهران اجتماع نموده بودند.

همواره یکی از موضوعات جالب توجه برای خبرنگاران خارجی آشنائی با نهادها و زندگی اقلیتهای دینی ایران در نظام جمهوری اسلامی است.

به همین دلیل تعدادی از خبرنگاران، عکاسان و فیلمبرداران خارجی از کنیساهای یهودیان در تهران و اصفهان مخصوصاً در مراسم شب و روز شبات دیدن کرده و عکس و خبر تهیه نمودند، این خبرنگاران با مسئولین جامعه کلیمی ایران و افراد این جامعه مصاحبه و مذاکره نموده و قول دادند واقعیت زندگی کلیمیان ایران را آنطور که هست منعکس نمایند.

گروههای خبرنگار بازدید کننده وقتی از کنیساها، مدارس، مهد کودکها، سرای سالمندان و بیمارستان دکتر سپیر و کتابخانه مرکزی کلیمیان ایران بازدید نمودند، نتوانستند تعجب خود را پنهان سازند و با صراحت عنوان نمودند شاید در کمتر کشوری با این عده یهودی چنین سازمانهائی وجود داشته باشد.

### فعالیت‌های فرهنگی تابستانی و نام‌نویسی دانش آموزان

فعالیت کلاس‌های تابستانی امسال نیز مثل سالهای گذشته از اول تیرماه ۱۳۷۶ آغاز خواهد شد.

تشکیل کلاسهای آموزشی شنا، بازدید دسته جمعی و گردشهای تفریحی در برنامه ریزی کلاسهای تابستانی گنجانده شده است.

ضمناً نام نویسی در مدارس برای کلاس اول دبستان بلافاصله بعد از اتمام امتحانات دینی بیستم خرداد ماه آغاز خواهد شد.

### همکاری پزشکان یهودی با نهادهای جامعه

طی هفته‌های اخیر آقای دکتر فرهاد قناعت از مهد کودک‌های شماره ۱ و ۲ یلدا بازدید نموده و ضمن معاینه دقیق بچه‌های مهدکودک، دستورات بهداشتی و در مواردی درمانی تجویز نموده و قول داده‌اند همکاری خود را در آینده نیز داوطلبانه ادامه دهند.

همچنین سرکار خانم دکتر نیکنام دندانپزشک، معاینه دقیق بچه‌های مهد کودکها را شروع نموده و دستورات لازم را برای سلامت دهان و دندان بچه‌ها توصیه نموده و با یک یک بچه‌های مهد کودک صحبت کرده‌اند.

### تبریک

در پی انتخابات ریاست جمهوری در ایران، حاخام یوسف کهن همداني، مرجع دینی کلیمیان ایران از طرف خود و کلیمیان ایران، انتخاب حجت‌الاسلام خاتمی به ریاست جمهوری اسلامی ایران را با ارسال نامه‌ای تبریک گفت.

### تسلیت

جامعه کلیمیان ایران هشتمین سالروز رحلت امام خمینی را نیز به مقامات دولتی تسلیت گفت.

# صفحه ازدواج



نشریه چشم‌انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم را کاملاً پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید. روی پاکت مرقوم فرمایید **مربوط به صفحه ازدواج** در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد و کلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند. به هر فرد یک شماره کد داده می‌شود.

نام و نشان افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی‌دهنده باشند، در اختیار آگهی‌دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند. **سازمان سیامک**، هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی‌دهندگان و افرادی که به آگهی‌ها جواب می‌دهند، نخواهد داشت.

- برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم احتمالی لطفاً کپی کارت شناسایی خود را با فرم بفرستید.

**(۳۱۰)۴۷۱-۹۴۲۷**

**520 S. SEPULVEDA BLVD., UNITE 201, LOS ANGELES, CA 90049**

- اگر مایل به انتشار پیام خود در این صفحه نیستید خواهشمند است ما را مطلع کنید.
- هزینهٔ آگهی برای شش شماره ۲۰ دلار می‌باشد.

## آگهی دهنده

نام ............ نام خانوادگی ............ قد ............

سن ............ میزان تحصیلات ............ شغل ............

آیا قبلاً ازدواج کرده‌اید؟ بله □ نه □ اگر بله، تعداد فرزند ............

نشانی:

---------------------------------------------

---------------------------------------------

تلفن خانه ( ) محل کار ( )

خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند

---------------------------------------------

---------------------------------------------

## همسر مورد علاقه

سن ............ قد ............ میزان تحصیلات ............ شغل ............

مجرد □ قبلاً متأهل □

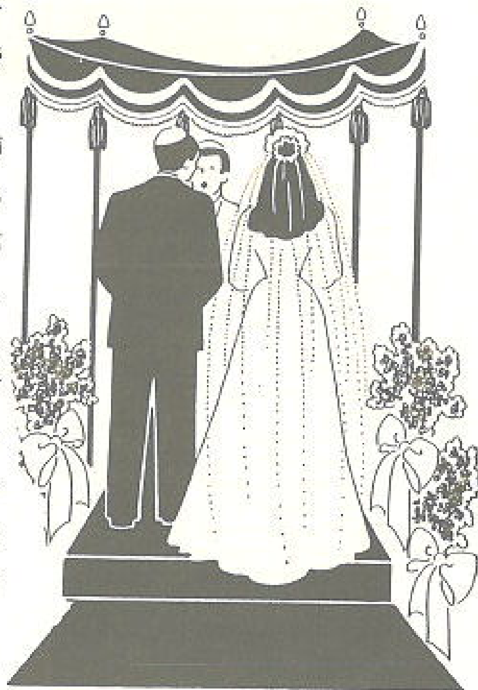
خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید

---------------------------------------------

---------------------------------------------

# پیوند دلها

برای تماس با افراد زیر با تلفن
(۳۱۰)۴۷۹_۴۷۹۸ تماس حاصل نمائید



آقائی هستم ۴۲ ساله ساکن نیویورک، قد ۵/۶ با تحصیلات فوق لیسانس، ازدواج نکرده، مهربان، خوش اخلاق مایل به آشنائی با دوشیزه‌ای تا سن ۳۵ ساله، تحصیل کرده، روشنفکر، مهربان و علاقمند به تشکیل خانواده. کد ۵۲

خانمی هستم ۴۸ ساله تحصیل کرده، با ایمان، صدیق، پای‌بند به اصول اخلاقی و وفادار، مایل به آشنایی با آقایی ۵۰ تا ۶۰ ساله شاغل و بالاتر از دیپلم با خصوصیات مشابه. کد ۰۲۱

آقایی هستم ۳۸ ساله دارای تحصیلات مهندس کامپیوتر، با شغل آزاد، خوش تیپ، خوش پوش و متحمل به یک ازدواج یک ماهه بدون فرزند مایل به آشنایی با دوشیزه یا خانمی تا ۳۳ ساله با حداقل لیسانس، زیبا، خوش اندام و شیک پوش، مجرد یا مطلقه بدون فرزند. کد ۵۱۰

جوانی ۲۵ ساله کلیمی و سیتی‌زن آمریکا، خوش قیافه، خوش قلب و مهربان، با کمی لکنت زبان، دارای محل سکونت شخصی و درآمد تضمین شده، خواهان آشنائی با هدف ازدواج با دوشیزه‌ای که او نیز مشکلی مشابه و یا اشکال دیگری داشته باشد. کد ۹۵۳

آقایی ۴۲ ساله، قبلاً ازدواج کرده، خوش قیافه با قد متوسط، شغل آزاد، ورزشکار، با شخصیت، مایل به آشنایی با خانمی ۳۵ تا ۴۲ سال، قد متوسط جذاب و صمیمی، با وجدان و خوش قلب، مطلقه یا بیوه با یک فرزند قبول است. کد ۶۲۸

آقایی ۵۵ ساله، قبلاً ازدواج کرده، با تحصیلات عالیه از آمریکا، خوش قلب، خونگرم، روشنفکر با ایمان، مایل به آشنایی و ازدواج با خانمی تحصیلکرده لیسانس یا دکتر ۴۷ تا ۵۲ ساله، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده. کد ۵۵۴

خانمی هستم ۴۰ ساله دیپلمه طبیعی، بدون فرزند، خواهان ازدواج با مردی ۴۵ تا ۵۷ ساله دیپلم یا لیسانس با درآمد کافی قبلاً ازدواج کرده یا مجرد، خوش اخلاق، شیک پوش، ورزشکار، خونگرم، صمیمی. کد ۱۷۸

خانمی ۳۳ ساله یکبار ازدواج کرده بدون فرزند، با احساس، زیبا و خوش اندام، مهربان و صمیمی مایل به ازدواج با آقایی با شخصیت و مهربان می‌باشد. کد ۸۴۱

خانمی هستم ۳۷ ساله دارای لیسانس، قبلاً ازدواج کرده با دو فرزند، زیبا و خوش اندام، با هوش و فعال، اجتماعی و مهربان مایل به آشنایی با آقایی ۴۵-۳۷ ساله با تحصیلات بالا، جذاب، بدون اعتیاد، مهربان، با مسئولیت و خوش اخلاق. کد ۶۳۰

آقای ۴۹ ساله مهندس ساختمان، شغل آزاد با درآمد و پس‌انداز خوب؛ قیافه معمولی، قد ۵/۷ وزن ۱۶۵ پوند، سیتی زن آمریکا، خوش اخلاق، مهربان، عاشق مسافرت، تشنه محبت، آماده فداکاری با ایده‌ئی منحصر بفرد برای زندگی آینده با همسفر زندگی مایل به آشنائی با بانوئی باوفا - مهربان و مهربان. کد ۷۲۶

دختر خانمی هستم ۳۸ ساله، فوق دیپلم، قد "۵'۲، شغل آزاد، زیبا و مهربان، پای بند به اصول اخلاق، مایل به آشنایی با آقایی ۵۰-۴۰ ساله جذاب و با وقار، علاقمند به تشکیل خانواده، اهل ورزش و با درآمد مکفی. کد ۳۴۴

آقایی هستم ۳۶ ساله از خانوادهٔ خیلی محترم، دارای تحصیلات بالا از آمریکا، خوش برخورد، خوش تیپ، با شخصیت، روشنفکر و با احساس، اهل مسافرت و علاقه‌مند به موسیقی، مایل به آشنایی با دختر خانمی ۳۰-۲۴ ساله، تحصیل کرده، روشنفکر و زیبا و علاقه‌مند به تشکیل خانواده. کد ۴۵۵

خانمی هستم ۳۱ ساله دارای لیسانس، قبلاً ازدواج کرده، و با یک فرزند، جذاب و خونگرم، غیر سیگاری، عاشق مسافرت از خانواده‌های اصیل مایل به آشنایی با آقایی ۳۶-۳۳ ساله لیسانس، بالا قد "۵'۶ با خصوصیات فوق. کد ۱۰۶

خانمی هستم ۴۱ ساله ازدواج نکرده، دارای لیسانس مهندسی کامپیوتر، خوش قلب، خوش اندام، اجتماعی و اهل ورزش، روشنفکر، مهربان و احساساتی مایل به آشنائی با آقائی هستم ۵۵-۴۰ ساله تحصیل کرده، شاغل، با شخصیت، مؤدب، فهمیده و اجتماعی، مجرد یا قبلاً ازدواج کرد. کد ۹۶۲

آقایی هستم ۳۸ ساله دارای تحصیلات فوق لیسانس، با شغل آزاد، بقول دوستان خوش تیپ، خوش پوش و خوش برخورد. مایل به آشنایی با دوشیزه یا خانمی حدود ۳۰ ساله با حداقل لیسانس، خوش اندام و خوش اخلاق، مجرد یا مطلقه بدون فرزند. کد ۵۳۰





# لیست مدارس یهودی لوس آنجلس

# Bureau of Jewish Education

## 1996-1997 BJE YESHIVA / DAY SCHOOL LIST

### LOS ANGELES / BEVERLY HILLS METRO REGION

| Name | Address | Tel. | Grade | Affilation |
|---|---|---|---|---|
| Bais Yaakov School for Girls | 461 N. La Brea, Los Angeles, CA 90036 | (213) 938-3231 | 9-12 | Orth. |
| Temple Emanuel Community Day School | 8844 Burton Way, Beverly Hills, CA 90211 | (310) 288-3737 | K8 | Ref. |
| Etz Jacob Hebrew Academy | 7951 Beverly Blvd. , L.A., CA 90019 | (213) 655-5766 | K-8 | Orth. |
| Harkham Hillel Hebrew Academy | 9120 W. Olympic Blvd., Beverly Hills, CA 90212 | (213) 276-6135 | "K-8" | Orth. |
| Temple Isaiah Day School | 10345 W. Pico Blvd. L.A., CA 90064 | (213) 277-1041 | K-4 | Ref. |
| Temple Israel Community Academy | 7300 Hollywood Blvd. L.A., CA 90046 | (213) 876-8330 | K-3 | Ref. |
| Maimonides Academy of Los Angeles | 310 N. Huntley, L.A., CA 90048 | (310) 659-2456 | K-8 | Orth. |
| Maron Academy | 9717 W. Pico Blvd., L.A., CA 90035 | (310) 556-3814 | K-2 | Trad. |
| Ohr Haemet Institute | 1030 S. Robertson Blvd., L.A., CA 90035 | (310) 274-7035 | 9-12 | Orth. |
| Beth Am Pressman Academy | 1039 S. La Cienega Blvd., L.A., CA 90035 | (310)652-2002 | K-6 | Cons. |
| Shalhevet | 5870 West Olympic Blvd. L.A., CA 90036 | (213) 954-2288 | 9-11 | Orth. |
| Sinai Akiba Academy | 10400 Wilshire Blvd. L.A., CA 90024 | (310) 475-6401 | K-8 | Cons. |
| Torat Hayim Hebrew Academy | 1210 S. La Cienega Blvd., L.A., CA 90035 | (310) 652-8349 | K-6 | Orth. |
| Yavneh Hebrew Academy | 7353 Beverly Blvd. L.A., CA 90036 | (213) 938-2636 | K-8 | Orth. |
| Yeshiva Gedola of Los Angeles (Boys) | 5822 W. Third St., L.A., CA 90036 | (213) 938-2071 | "9-12 Dm." | Orth. |
| Cheder Menachem Mendel (Boys) | 7215 Waring Ave., L.A., CA 90046 | (213) 965-1772 | K-8 | Orth. |
| Yeshiva Ohr Elchonon Chabad High School (B) | 7215 Waring Ave., L.A., CA 90046 | (213) 937-3763 | "9-12 Dm" | Orth. |
| Bais Chaya Mushka (Girls) | 9017 W. Pico Blvd., L.A., CA 90035 | (310) 859-8840 | K-8 | Orth. |
| Yeshiva Rav Isacsohn | 540 N. La Brea Ave., L.A., CA 90036 | (213) 549-3170 | K-8 | Orth. |
| Yeshiva University of Los Angeles (Boys) | 9760 W. Pico Blvd. L.A., CA 90035 | (310) 553-1575 | "9-12" | Orth. |
| Yeshiva University of Los Angeles (Girls) | 1619 S. Robertson Blvd., L.A., CA 90035 | (310) 203-0755 | "9-12" | Orth. |

### SAN FERNANDO VALLEY REGION

| Name | Address | Tel. | Grade | Affilation |
|---|---|---|---|---|
| Abraham J. Heschel Day School | 17701 Devonshire St., Northridge, CA 91325 | (818) 366-5781 | "K-9" | Comm. |
| Heschel West (branch of A.J. Heschel) | 5004 Lewis Road, Agura, CA 91301 | (818) 368-5781 | "K-4" | Comm. |
| Adat Ari-El Day School | 12020 Burbank Blvd., North Hollywood, CA 91607 | (818) 766-4992 | "K-6" | Cons. |
| Beth Hillel Day School | 12326 Riverside Dr., N. Hollywood, CA 91607 | (818) 763-9148 | "K-2" | Ref. |
| Emek Hebrew Academy | 15365 Magnolia Blvd., Sherman Oaks, CA 91403 | (818) 783-3663 | "K-8" | Orth. |
| Kadima Hebrew Academy | 5717 Rudnick Ave., Woodland Hills, CA 91367 | (818) 346-0849 | "K-8" | Cons. |
| Stephen S. Wise Temple Day School | 15500 Stephen S. Wise Dr., L.A., CA 90077 | (310) 476-8561 | "K-6" | Ref. |
| Stephen S. Wise Community High School (Milken) | 15500 Stephen S. Wise Dr., L.A., CA 90077 | (310) 471-8320 | "7-12" | Comm. |
| Valley Beth Shalom Day School | 15739 Ventura Blvd., Encino, CA 91436 | (818) 788-2199 | "K-6" | Cons. |
| Valley Torah High School (Boys) | 12003 Riverside Dr., North Hollywood, CA 91607 | (818) 984-1805 | "9-12" | Orth. |
| Valley Torah High School (Girls) | 12326 Riverside Dr., North Hollywood, CA 91607 | (818) 762-6611 | "9-12" | Orth. |
| West Valley Hebrew Academy | 5850 Fallbrook Ave., Woodland Hills, CA 91367 | (818) 999-2059 | "K-6" | Orth. |

### PASADENA/SAN GABRIEL VALLEY - EASTERN REGION

| Name | Address | Tel. | Grade | Affilation |
|---|---|---|---|---|
| Atid Hebrew Academy | 3508 E. Temple Way, West Covina, CA 91791 | (818) 967-3881 | "K-6" | Comm. |
| Chaim Weizmann Day School | 1434 N. Altadena Dr. Pasadena, CA 91107 | (818) 797-0204 | "K-6" | Comm. |

### VENICE/SANTA MONICA - WESTERN REGION

| Name | Address | Tel. | Grade | Affilation |
|---|---|---|---|---|
| The Streisand School Yeshiva Ohr Eliyahu | 720 Rose Ave., Venice, CA 90291 | (310) 399-0303 | "K-6" | Orth. |

### SOUTHERN BEACH AREAS/SAN PEDRO/PALOS VERDES - SOUTHERN REGION

| Name | Address | Tel. | Grade | Affilation |
|---|---|---|---|---|
| Maimonides Torah Academy | 24412 Narbonne Ave. Lomita, CA 90717 | (310) 326-8234 | "K-6" | Orth. |

## SUPPLEMENTARY SCHOOL LIST

### LOS ANGELES/BEVERLY HILLS - METRO REGION

| | | | |
|---|---|---|---|
| Ami School | 5870 West Olympic Blvd., L.A., CA 90036 | (818) 757-1448 | Comm. |
| Temple Emanuel | 8844 Burton Way, Beverly Hills, CA 90211 | (310) 288-3737 | Ref. |
| Etz Jacob Congregation | 7659 Beverly Blvd., L.A., CA 90036 | (213) 938-2619 | Orth. |
| Hollywood Temple Beth El | 1317 N. Cres. Heights Blvd., Los Angeles, CA 90046 | (213) 656-3150 | Cons. |
| Temple Isaiah | 10345 W. Pico Blvd., L.A., CA 90064 | (310) 277-2772 | Ref. |

| | | | |
|---|---|---|---|
| Temple Israel of Hollywood | 7300 Hollywood Blvd., L.A., CA 90046 | (213) 876-8330 | Ref. |
| L.A. Hebrew High School | 5900 Sepulveda Blvd., #306, Van Nuys, CA 91411 | (818) 901-8893 | Cons. |
| Congregation Mogen David | 9717 W. Pico Blvd., L.A., CA 90035 | (310) 556-5609 | Trad. |
| N'vay Shalom | Meets in several locatioons | (310) 535-1617 | Lib./ Trad. |
| Beth Am Pressman Academy Religious School | 1027 S. La Cienega Blvd., L.A., CA 90035 | (310) 652-7353 | Cons. |
| Sephardic Temple Tifereth Israel | 10500 Wilshire Blvd., L.A., CA 90024 | (310) 475-7311 | Seph. |
| Sinai Temple School | 10400 Wilshire Blvd., L.A., CA 90024 | (310) 474-1518 | Cons. |
| Union Hebrew High School | 6300 Wilshire Blvd., #1475, L.A., CA 90048 | (213) 653-9962 | Ref. |
| Vista Del Mar (Dormitory) | 3200 Motor Ave., L.A., CA 90034 | (310) 836-1223 | Comm. |
| Wilshire Blvd. Temple | 3663 Wilshire Blvd., L.A., CA 90010 | (213) 388-2401 | Ref. |

## SAN FERNANDO VALLEY REGION

| | | | |
|---|---|---|---|
| Adat Ari-El Religious School | 12020 Burbank Blvd., North Hollywood, CA 91607 | (818) 766-4992 | Cons. |
| Ami School | 5870 West Olympic Blvd. L.A., CA 90036 | (818) 757-1448 | Comm. |
| Temple Adat Elohim | 2420 E. Hillcrest Dr., Thousand Oaks, CA 91360 | (805) 497-7101 | Ref. |
| Temple Ahavat Shalom | 18200 Rinaldi, Northridge, CA 91326 | (818) 360-6349 | Ref. |
| Temple Aliyah | 24400 Aliyah Way, Woodland Hills, CA 91367 | (818) 346-3545 | Cons. |
| Temple Beth Haverim | 5126 Clareton Dr. #140, Agoura Hills, CA 91301 | (818) 991-7111 | Cons. |
| Temple Beth Hillel | 12326 Riverside Dr., North Hollywood, CA 91607 | (818) 763-9148 | Ref. |
| Congregation Beth Shalom | 21430 Redview Dr., Santa Clarita, CA 91350 | (805) 254-2411 | Cons. |
| Temple Beth Solomon of the Deaf | 13580 Osborne St., Arleta, CA 91331 | (818) 899-2202(Voice)/896-8621(TDD) | Ref. |
| Temple Beth Torah of the SFV | 16651 Rinaldi, Granada Hills, CA 91344 | (818) 831-0835 | Ref. |
| Temple B'nai Hayim | 4302 Van Nuys Blvd., Sherman Oaks, CA 91403 | (818) 788-4664 | Cons. |
| Burbank Temple Emanuel | 1302 N. Glenoaks Blvd., Burbank, CA 91504 | (818) 845-1734 | Cons. |
| Chabad of the Valley | 18141 Burbank Blvd., Tarzana, CA 91356 | (818) 784-9985 | Orth. |
| Kol Tokvah | 20400 Ventura Blvd., Woodland Hills, CA 91364 | (818) 348-0670 | Ref. |
| Etz Chaim Torah School | 1080 Janss Rd., Thousand Oaks, CA 91360 | (805) 494-8174 | Cons. |
| Temple Judea | 5429 Lindley Ave., Tarzana, CA 91403 | (818) 342-3177 | Ref. |
| L.A. Hebrew High School | 5900 Sepulveda Blvd., # 302 Van Nuys, CA 91411 | (818) 901-8893 | Cons. |
| Ner Maarav | 17730 Magnolia, Encino, CA 91316 | (818) 345-7833 | Cons. |
| Temple Ramat Zion | 17655 Devonshire St. Northridge, CA 91324 | (818) 368-4165 | Cons. |
| Temple Solael | 6601 Valley Circle Blvd., Canoga Park, CA 91307 | (818) 348-3885 | Ref. |
| Stephen S. Wise Temple | 15500 Stephen S. Wise Dr., L.A., CA 90077 | (310) 476-8561 | Ref. |
| Shomrei Torah Synagogue | 7353 Valley Circle Blvd., West Hills, CA 91304 | (818) 346-0811 | Cons. |
| Union Hebrew High School | 6300 Wilshire Blvd. #1475 L.A., CA 90048 | (213) 653-9962 | Ref. |
| Valley Beth Israel | 13060 Roscoe Blvd., Sun Valley, CA 91352 | (818) 782-2281 | Cons. |
| Valley Beth shalom | 15739 Ventura Blvd., Encino, CA 91436 | (818) 788-3584 | Cons. |

## BRENTWOOD/CULVER CITY/MALIBU/PACIFIC PALISADES/SANTA MONICA-WESTERN REGION

| | | | |
|---|---|---|---|
| Temple Adat Shalom | 3030 Westwood Blvd., L.A., CA 90034 | (310) 475-4985 | Cons. |
| Temple Akiba | 5249 Sepulveda Blvd., Culver City, CA 90230 | (310) 398-5783 | Ref. |
| Beth shir shalom | 1827 California Ave., Santa Monica, CA 90403 | (310) 453-3361 | Ref. |
| B'Nai Tikvah Congregation | 5820 Manchester Ave., L.A., CA 90045 | (310) 645-6262 | Cons. |
| Kehillath Israel | 16019 Sunset Blvd., Pacific Palisades, CA 90272 | (213) 459-2328 | Recons. |
| Kehillat Maarav | 1715 21st St., Santa Monica, CA 90404 | (310) 829-0566 | Cons. |
| Leo Baeck Temple | 1300 N. Sepulveda Blvd., L.A., CA 90049 | (310) 476-2861 | Ref. |
| Malibu Jewish Center & Synagogue | 3504 Winter Canyon Rd., Malibu, CA 90265 | (310) 456-2296 | Recons. |
| Temple Mishkon Tephilo | 201 Hampton Ave., Venice, CA 90291 | (310) 392-3029 | Cons. |
| Nessah Israel Hebrew Academy | 1537 Franklin Ave., Santa Monica, CA 90404 | (310) 453-2218 | Orth. |
| Sha'Arei Am | 1448 18th St., Santa Monica, CA 90404 | (310) 453-4276 | Ref. |
| University Synagogue | 11960 Sunset Blvd., L.A., CA 90049 | (310) 472-1255 | Ref. |

## GLENDALE/PASADENA/SAN GABRIEL VALLEY - EASTERN REGION

| | | | |
|---|---|---|---|
| Ami Shalom | 3508 E. Temple Way, West Covina, CA 91791 | (818) 331-0515 | Cons. |
| Temple Beth David | 9677 Longden Ave., Temple City, CA 91780 | (818) 287-9994 | Ref. |
| Temple Beth Israel | 3033 N. Towne Ave., Pomona, CA 91767 | (714) 626-1277 | Ref. |
| Temple Beth Ohr | 15721 E. Rosecrans, La Mirada, CA 90638 | (714) 521-66765 | Ref. |
| Temple B'Nai Emet | 482 N. Garfield Ave., Montebello, CA 90640 | (213) 723-2978 | Cons |
| Pasadena Jewish Temple & Center | 1434 N. Altadena Dr., Pasadena, CA 91107 | (818) 798-1164 | Cons. |
| Shaarei Torah Religious School | 550 S. Second Ave., Arcadia, CA 91006 | (818) 445-0810 | Cons. |
| Temple Sholom | 963 W. Sixth St. Ontario, CA 91762 | (714) 983-9661 | Cons. |
| Temple Sinai of Glendale | 1212 N. Pacific Ave., Glendale, CA 91202 | (818) 246-8101 | Ref. |

## SOUTHERN BEACH AREAS - SAN PEDRO/PALOS VERDES - SOUTHERN REGIONS

| | | | |
|---|---|---|---|
| Temple Beth El | 1434 W. 7th St., San Pedro, CA 90732 | (310) 833-2467 | Ref. |
| Chabad of south Bay | 24412 Narbonne Ave., Lomita, CA 90717 | (310) 326-8234 | Orth. |
| Temple Menorah | 1101 Camino Real, Redondo Beach, CA 90277 | (310) 316-8444 | Ref. |
| Ner Tamid of south Bay | 5721 Crestridge Rd., Rancho Palos Verdes, CA 90274 | (310) 377-6986 | Cons. |
| Congregation Tefereth Jacob | 2617 Bell Ave., Manhattan Beach, CA 90266 | (310) 546-3667 | Cons. |

## Nutritional Tips

Continued

serving chicken, turkey, remove the skin and trim all excess fat. Broil or roast meats and fish (fish can also be poached). Toast bread and use cottage cheese, cooked or steamed vegetable, baked or oven toast potato. Banana are safe, and few strawberries will give you some fiber. Drink plenty of water during the day. Use honey egg white, jam toast, tea for breakfast, but avoid omelet and fried eggs. Chicken kabob, rice, pasta of all kinds without irritating sauces are permissible. Regular pita bread and low fat cheese are good options.

You should stay off and avoid Chinese and Mexican foods for sure if you are a sufferer of the above mentioned symptoms.

□□□□□□□□□□□□□□□□□□

## M O R E O N H E A L T H

***For every hour of exercise you do, you add an hour to your life, say researchers.***

□ **COLD COMFORT** People with wide social ties seem to be less susceptible to colds than those who are more isolated-even though they're probably exposed to more germs. Why? Researchers suspect that a support network may help keep immune systems strong.

□ **A STRIKE AGAINST STROKES** Drugs like Zocor and Pravachol that help prevent heart attacks by tlowering cholesterol also seem to reduce the risk of strokes.

□ **PARKINSON'S BREAKTHROUGH** For the first time, researchers have identified a gene abnormality that causes some cases of Parkinson's disease-a finding that raises real hope for new treatments.

□ **IMPROVING ANGIOPLASTY** Ballon-angioplasty patients given a " super-aspirin" called ReoPro had their risk of postoperative heart attack or death cut by half.

□**QUELLING CHOLESTEROL** Estrogen pills are significantly more effective than the commonly used drug pravastatin in raising good cholesterol. Estrogen lowers bad cholesterol too, but not as much as pravastatin does.

□ **KIDS AND AIDS** The first major study of AIDS-infected kids concludes that the AIDS drug DDI, taken alone or with AZT, is vastly superior to AZT alone in halting the progress of disease.

□ **THE LOWDOWN ON CHILDHOOD LEUKEMIA** In contrast to three previous U.S. studies, researchers now say that kids who live near high-tension power lines do not have a significantly increased risk of leukemia.

□ **HAPPIER AT LAST** Though menopause can seem like a cheerless event, it may actually alleviate emotional distress. The rate of women who suffer from anxiety or depression drop from 10.8% in women under 55 to 5.3% in those 55 and older.

□ **MENOPAUSE AGE MAY BE GENETICALLY TIMED** In a new study of women ages 45 to 54, those whose mothers entered menopause before age 45 were six times likely than other women to also enter menopause at an unusually early age.

□ **POSITIVE PROSTATE FINDINGS** In patients whose prostate cancer hasn't spread, the odds of dying from the disease within 10 years drop to less than 5% if the entire gland is surgically removed.

□ **DANGER IN THE DIET PILLS** Pen/phen , the appetite suppressants fenfluramine and phentermine can help you lose weight, but it may also leads to potentially serious heart problems.

□ **FRUIT FIGHT HEART ATTACKS** A recent study by the National Heart, Lung and Blood Institute showed a low-fat diet rich in fruits and vegetable proved to be the best treatment for high blood pressure

□ **HOW CARROTS KEEP YOU MENTALLY ALERT** A recent study conducted at Erasmus University in Netherlands, concluded lots of fruits and vegetables in diet-especially foods rich in beta carotene may protect against memory impairment, disorientation and difficulty solving problems

□ **DIABETES REDEFINED** New guidelines use a lower level of blood sugar to identify diabetes. Result: 2 million more people will be found to have the disease. Earlier testing is also recommended, starting at age 45.

Compiled by Ira Farnoush- New England Journal of Medicine, Journal of the American Medical Association & Colombia OneSource

H E A L H

Nutritional Tips For

# People with Nervous Bowel and Indigestion

By : Dr. Said Rahban, Gastroenterologist

You have been diagnosed to have irritable Bowel Syndrome ( Nervous stomach, Nervous colon), - so you may have intermittent bouts of diarrhea or loose bowel movement, usually containing mucus, abdominal cramp and increased gas, some nausea and loss of appetite; may be certain amount of emotional tension or stress. Though this may be all what is causing your stomach troubles, it could also be partially responsible for your symptoms, as you may have other conditions together with this ailment; such as peptic ulcer disease, gall stones, acid reflux disease (Heartburn), colitis and etc. Irritable colon syndrome may be a very common reaction to stress. In fact most people normally react to stress and anxiety with some change in bowel habits. When this becomes extreme, a true irritable colon syndrome is present.

Probably an important aspect of treatment is to control or alleviate the stress and anxiety that are likely to be at the bottom of symptoms. This includes adequate rest, exercise, as well as to maintain a special diet that would increase the amount of fiber and reduce irritating foods (spices, milk product for some), stop cigarette smoking - and reduce or eliminate alcohol intake. The following suggestions collected during my twenty plus years of experience with thousands of patients will help you to overcome some of your problem, if you follow them correctly. Depending on the underlining cause, the degree of effectiveness of theses suggestions may vary for each patient. Here, my focus for the discussion would be on dietary aspect of the treatment only, and not to discuss theh anxiety aspect of the illness.

**Food Ingredients**: Food must be plain and simple such as baked potato, baked chicken, turkey and fish. Avoid mixed food such as gourmet meats, cutlets, processed meat (hot dog, and etc.) and piazza

**Method of Cooking**: For the best result the food must be BAKED, BOILED or BROILED. Never FRY, as oil in fried food irritate the GI tract and cause symptoms to appear!

**Potential Harmful Foods**: Avoid milk, coffee, fresh fruits, fruit juices, sodas, Peas, Broccoli, mixed salad, and olives. You may have some steamed or boiled carrot, spurges and zucchini.

**For People who Have Heartburn:** Avoiding alcoholic beverages, fried foods, (omelet, fried eggs and egg plants), slate foods, fatty foods, chocolate, coffee, oranges, orange juice, tomato, tomato juice, ketchup, grapefruit juice, and milk; will prevent the problem of heartburn in most people. So these type of food must be avoided by heartburn sufferers all together. In addition, you must adjust your eating habits - by trying to eat a small amount for dinner; and allow yourself good five hours between eating dinner and going to bed at night. For good digestion, decrease liquids drunk with meals (or drink only before and after meals) Elevate, your bed head with few blocks so that the stomach acid would not be washed back into your food pipe while sleeping.

**For People Who Have too Much Gas!**: The very common cause of intestinal gas is air swallowing during eating or sighing. To reduce the amount of intestinal gas, you must change your swallowing habits. Try to eat slow and avoid or decrease liquid drunk with your meal, and most importantly, eliminate gas forming foods such as vegetable, fatty ground meats, mixed with onion and spices (kebabs are made this way) from your diet.

Eating raw fresh vegetables such as radishes, onion, garlic, and other herbal vegetables that are very popular with the Middle Eastern foods, and habitually are eaten big portion with meal is another cause of intestinal gas. This along with fruit deserts to follow after the meal could create a devastating amount of gas!

**What is a Good and Balanced Diet?**: Up to this point I have detailed the various comments of food that must be avoided by patients who have indigestion problem. Now I will discuss the type of food you should eat in order to alleviate your stomach problem. You should use poultry (chicken, turkey) fish (halibut, tuna, salmon) whenever possible. Use smaller chicken as they contain less fat or before

Continued on the next page

# Remembering Great Men

Continued

my brother: be he ne'er so vile./ This day shall gentle his condition.

Contemporary examples fro the Persian Gulf War to Hurricane Andrew prove the same point. Americans cast in harm's way have joined together, regardless of rank, race, gender, or condition. Of course, Moses stood for something more important than brotherhood. Moses and the Exodus he led stood and still stand for *freedom*. For more than twenty-five centuries, he has inspired those who search for liberty. It's no coincidence that the first tide of our Protestant forefathers in American bore the names from the Exodus: Moses and Aaron, Abraham, Joshua and Isaac. Two centuries later, generations of black American men bore those names, too, first searching for freedom, then celebrating it. In New England those same names are cut into the gravestones of our revolution. The words the Lord spoke to Moses before the Israelites crossed over Jordan, free at last, are cut in the rim of our Liberty Bell: "Proclaim liberty throughout all the land unto all the inhabitants thereof."

The instinct for freedom seems to be part of the human condition. Yet history tells us that freedom is fragile. I remember coming back from overseas in the sunny morning of victory at the end of World War II; we G.I.s thought freedom would soon spread around the whole world. The world would be free from war and tyranny. We were wrong. It was tyranny that prospered, for more than forty years. It's important to remember: there was an Evil Empire, there was a Cold War... and we won.

*The American Dream is not success but liberty. Other countries have cherished this dream and lost it. Why have we been able to hold onto it? I think one reason lies in the vast richness of the land itself, that broad swell of continent between those shining seas.*

I don't know what the outcome of all the current world crises will be, but I do know that, like Moses, we must have faith and we must keep fighting for freedom, not just for ourselves but for all of the brotherhood of man. Our country is still a shining example to the world: Men can live free. The American Dream is not success but liberty. Other countries have cherished this dream and lost it. Why have we been able to hold onto it? I think one reason lies in vast richness of the land itself, that broad swell of continent between those shining seas.

From the very beginning, we were captivated by America. "We belonged to the land before the land was ours." Robert Frost wrote. Many of our poets, writers, and painters, have tried to express this idea... to capture something of the spirit of our nation. While I was thinking of how I might do the same, I was flipping through a file of index cards where I'd copied some of my favorite quotations by great Americans. Spanning two centuries of our history, few of these men ever met, yet their words ring fresh and true today, as if spoken in a single voice:

I have a dream. I refuse to accept the end of man. I believe he will endure. He will prevail. Man is immortal, not because alone among God's creatures he has a voice but because he has a soul, a spirit capable of compassion, sacrifice, and endurance. Among America and Americans this is particularly true. It is a fabulous country, the only fabulous country where miracles not only happen, they happen all the time. As a nation we have perhaps uniquely, a special willingness of the heart-a blind fearlessness-a simple yearning for righteousness and justice that ignited in our revolution a flame of freedom that cannot be stamped out. That is the living, fruitful spirit of this country. These are the times that try men's souls. The sunshine patriot and the summer soldier will in this crisis shrink from service. But he who stands and bears it now will earn the thanks of man and woman. With malice toward none, with charity for all, with firmness in the right as God gives us to see the right, let us finish the work we are in. Let us bind up the nation's wounds. We must disenthrall ourselves... and then we shall save our county.✦

Printed by permission from IMPRIMIS, the monthly journal of Hillsdale College, Hillsdale Michigan.

# Remembering Great Men

**Charlton Heston**
**Actor, Director, and Author**

*Here are excerpts from Charlton Heston's presentation at the January 1997 Sbarano seminar. We hope you will agree that Mr. Heston provides valuable insight into the nature of leadership and the importance of recognizing and honoring the extraordinary*

As the century closes, great men seem an endangered species. Indeed, in the minds of many, they are less than that; they are figments of our imagination. It's even been suggested that greatness is in itself... somehow undemocratic. We live, after all, in the century of the common man. True enough...but I believe in the uncommon man, perhaps because I've played so many of them.

Certainly, we have many good men...gifted men. God knows we have plenty of famous men. But that's not the same thing. Great men move the world not only by what they do in it but by what they tell us about it.... Of all the great men I've had the good fortune to explore the most towering, both in the record of his life and his impact on human history was Moses - lawgiver to the Jews, warrior prophet of Islam for Muslims, and first among the prophets for Christians, the man of whom Christ said, "If ye believe Moses, so shall ye believe me."

Playing Moses marked my life. To assume the role of any great man is a daunting experience. Playing Moses, I felt like a tiny figure stretching to fill the giant shape he cut in the sky.

We began filming The *Ten Commandments* at the Monastery of St. Catherine on the lower slopes of Mr. Sinai. It is the oldest Christian monastery in the world. It contains the shrine of the burning bush, where God spoke to Moses from the fire. The monastery is also sacred to Muslims, because of their reverence for Moses. During the Crusades nine centuries ago, Christian knights on their way to Jerusalem to take the city from the Muslims rested there in perfect safety, knowing the Muslims would never attack the shrine of Moses. For the last two generations of conflict, that same truce has held on the mountain only, between Jew and Arabs. That's how far the shadow of Moses reaches. He was flawed, as all of us are, but he still speaks to us as no other mortal has done.

One of the reasons Moses' voice is heard across the centuries is that he preached the powerful truth that we are all brothers. But he realized that brotherhood is a condition that thrives best in times of hardship and danger. William Shakespeare - who knew more of the human heart than any man who ever lived-has an English king, Henry V. say to a tiny band of his countrymen on the eve of battle with an overwhelming French host:

We few, we happy few, we band of brothers./ For he today that sheds his blood with me/ Shall be

**Continued on the next page**



*Charlton Heston, recipient of the Academy Award for best actor for his performance in Ben Hur in 1959, has also received many international acting and directing awards. He served six terms as president of the Screen Actors Guild, was chairman of the American Film Institute, and was a member of the National Council on the Arts. In 1978, he received the Jean Hersholt Humanitarian Award from the Academy of Motion Picture Arts and Sciences. At the last Republican National Convention, he announced the formation of a new political action committee called Arena-PAC.*

*In December of 1990, IMPRIMIS published his essay, "Reagan Was Right: Government is the Problem." In 1995, Simon & Schuster released his autobiography. In the Arena. On Father's day 1997, his new book, To be a Man: Letter to My Grandson, was published.*

## Evaluating Zionism:
**Continued**

*kedushat ha'am* (security of the people). Is Israel a sovereign state reaching its decisions in terms of different religious and social organizations and diverse power structure? Or are the Israelis a *bnei yisrael*, a family, bound to habits of solidarity and harmonious movement? If so, what to do with the non-family-like-debate without-an-end on "who is a Jew?," and now, "what is (legitimate) Judaism?"

(4) Teaching Zionism should be seen in terms of its central affirmations. The goal is to familiarize people with what the Zionist tradition regards as its essential genius and to provide an opportunity for an appreciation of the similarities and differences between ideologies and divisions within greater Zionism, which arguably are the tributaries that feed the stream of Jewish peoplehood today. Among the topics that we believe are beneficial in the quest and appreciation of Zionism are the following: (a) the theory of Zionism (nationalist messianism): political, cultural, religious, mystical, socialist, synthetic); and (b) the practice of Zionism: politics of statehood, social problems, the diversified and competitive role of religion-tradition and secularism; contemporary values, and the present state of Jewish belief (e.g. partition or retention of the land for peace, the morality of Jewish power, whose Jerusalem, etc.). The jury (read, Jewry) may be out on whether the State of Israel is the pinnacle or aberration of Zionism but it is certain that the Zionist idea challenged the notion that the Jewish People must remain a victim of world history. Succinctly put, the Zionist revolution, like an Ezekielian voice in the valley of bones, caused the people to rise from the deadly weight of the Shoah to statehood in Eretz Yisrael.

May all who "pray for peace of Jerusalem" seize the command of the hour:

**Zionism Is Real/Israel!**

And the rest is commentary.

## *Jewish Education*

I would like to suggest as a goal of Jewish education that every Jew become a representative of the Jewish spirit, that every Jew become aware that Judaism is an answer to the ultimate problems of human existence and not merely a way of handling observances.

At all religious schools, pupils are thought the benediction to be said before drinking a beverage. It is taught as a custom, as a practice. But how many teachers attempt to convey the grand mystery and spiritual profundity contained in these three Hebrew words - *Sheh-ha-kol Ni-hiyeh Bi-d'vrao " Everything came into being by His word*"? It is unfair and unfortunate that we ignore, withhold, or fail to communicate the spiritual substance of our tradition.

Hebrew term for education means not only to train but also to dedicate, to consecrate. And to consecrate the child must be our goal, difficult as it may be. The survival of the Jewish people is our basic concern. But what kind of survival, we must continually ask, and for what purpose?

Our goal must be to enable the pupil to participate and share in the spiritual experience of Jewish living, to explain what it means to live as likeness of God.✡

Abraham Joshua Heschel, "Jewish education"




**CHESHM ANDAAZ**
is published monthly by International Judea Foundation a.k.a. SIAMAK
(a Non-Profit Organization)
An affiliated Organization of Jewish Federation Council of Greater Los Angeles
P.O. Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel: (310) 471-9427
FAX (310) 471-9428
**Editor in Chief:**
Dariush Fakheri
**Associate Editor:**
Shahram Siman
**English Editor:**
Ira Famoush
**Medical Editor:**
Nissan Bamdad, M.D.
**Contributing Editors:**
Prof. Amnon Netzer, Israel
Dr. Jaleh Pirnazar, Berkeley
Shoreh Nowfar, Los Angeles
Naji Tehrani, Connecticut
Faryar Nikbakht, Los Angeles
Shirin D. Daghighian, Iran
**Marketing & Advertisement:**
Lily Kahen
**Public Relation:**
Asher Aramnia
**Administration:**
Farzaneh Famoush
**Type Setting:**
Minoo Hamoodot
**Layout**
Nazgol Publication


Basic subscription rate $26.00, 1 year, for subscription queries call administration at (310) 471-9427

Second-class postage paid at Los Angeles, California

# Evaluating Zionism:

## Has Zionism Emancipated the Jewish People?

**By: Zev Garber**

In the centennial celebration of the birth of modern Zionism (1997), there is much of the biblical promise to celebrate: a sovereign Jewish nation on the ancestral land; the ingathering of the exiles; Jewish identity revival; and, no less of a miracle, the symbiosis of Jewish-Arab re-approachment though by no means ideal on either side.

The view of Zionism as a success story is often postulated by the role it played in bringing about the State of Israel as the fulfillment of Jewish self-determination.
Notwithstanding this popularly accepted view, four observation are in order:

(1) Gershon Schocken's remarks that the fathers of Zionist ideology (Moses Hess, Leo Pinsker, Theodore Herzl, etc.) did not want "to establish a Jewish state, teach Hebrew, build a powerful army, or build a productive economy based on agriculture and industry."[1] They worked to abolish the Jewish problem, i.e., the inability of Jews in Diaspora to live safely as equals among equals. Their assumption was that a majority of world Jews, given the change, would opt to live in an independent Jewish-controlled territory, established by public acclaim and recognized by international law. The goal "a secure refuge" for the majority not a protectorate for a minority of Jews who prefer to lose their identity by living the ways of Gentiles (ergo no Jewish problem). But the Zionist ideologues are in error. Despite the worst period of Diaspora history - the Shoah - and its aftermath, the existence of the State of Israel, and despite the full emancipation of Jews in the West , many of the Chosen People, like their forbears, voluntarily choose not to settle in the Promise Land. Who so?

(2) In the worst pre-Hitlerian days of East European suffering, the Jewish People survived due to a combination of factors, including acts of Gentile philo-Semitism and Jewish religious and moral resistance. Philo-Semitism ("love of Jews") is complex. It is found in religious, racial, nationalist expressions by a plethora of individuals and groups for a variety of reasons and gains. Yet not all actions by a supposed philo-Semite are intended to benefit Jews. Cases in point, "Edit of Tolerance" by Joseph II (February 2, 1782) and the benevolence of the Russian Czar Alexander II, who abolished the Cantonist system (1859) in his liberal policy of Russification of the Jews.

Also it can be argued that an action initially meant to harm Jews, in the long run had beneficial results for them. For example, the Ghettos of Europe were created to restrict Jews from social contacts with Christians, but the forced separation from Christian society enabled Jews to develop their own system of values and beliefs. However, the Dreyfus Affair (1894) in France, the birthplace of liberalism and Jewish emancipation, changed forever the agenda for Jewish survival. A few years later, Zionism declared its aim to create a Jewish homeland in which the Jewish People would be free to make decisions independent of the good will of its friends or the animosity of its enemies.

In terms of Realpolitik, this Zionist ideal has fallen short. It started with the illusion that Great Britain gave the Jewish People a ready-made Jewish State, it continued in a much more extreme way by the Untied Nations partition of Eretz Israel, and it is being pursued today by the parsing of Judea-Samaria and the call for the internationalization of Jerusalem, visible and undivided capital of Israel. Alas, Israel's political fortunes are not fashioned by the vision of Ben Gurion, nor the posturing of Golda Meir, nor the statesmanship of Menachem Begin, nor the expansionism of Yitzhak Shamir, nor the assassination of Yitzhak Rabin, nor the Pollyanna vision of peace of Shimon Peres, nor the confidence soundings of Benjamin Netanyahu. They are fashioned, paradoxically, in the final analysis on the whims of diplomacy with Israel's staunchest ally, the United States of America. How come?

(3) In the State of Israel, Israelis are face with an identity problem:

Continued on the Next Page

[1] Gershom Schocken, "Revisiting Zionism," The New York Review (May 28, 1981),p,41.

# HERZL CENTENNIAL

*"If you will it...it is not a dream!"*

*Theodor Herzl*

*August 29-31, 1897, Theodor Herzel organized and chaired the First Zionist Congress in Bazel. Switzerland, an historic event which gave birth to the modern Jewish State of Israel. Herzl's dream was fulfilled in 1948.*

*This year, August 26 through September 1, 1997, Jewish leader from all over the world , just as 1897, will convene not only to celebrate one of the greatest moments in modern Jewish history in the same Congress Hall and City where Israel was born, but also to rekindle the spirit of Herzl with a new congress, dedicated to addressing and seeking solutions to the continuing problems of anti-Semitism and racism in the world of today.*

*During the Centennial Celebration in August, the City of Basel will host a Herzl exhibit, one-man plays, film festivals, concerts, cultural activities special tours and congress of numerous international organizations.*

**The Turning Point** Continued

untenable and is bound to get worse and worse; granted that this gives rise to a desire to emigrate; granted even that the Jews do emigrate to the new country-how will they make a living there and how much will they earn? What are they going to live one? After all, the commerce of many people cannot be artificially organized overnight."

To this I reply: There is no intention of organizing trade artificially, least of all from one day to the next. But even if trade cannot be organized, it can certainly be stimulated. How? Through the instrumentality created in response to a demand.

The demand must be recognized, the instrumentality must be created, and then trade will come about automatically.

If there is a genuine and deep-seated demand among Jews for an improvement in their condition, if the instrumentality for this demand, the Jewish Company, is sufficiently powerful, then trade in the new country is bound to be plentiful. This, of course, lies in the future, just as the development of railway traffic was a matter of the future for people in the 1830s. The railroads were built nevertheless. Fortunately, the objections of mail coach realists were passed over.

✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡
✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡

The Turninig Point Continued

require ourselves), and do many other thins. But the very creation of the Jewish State will be beneficial to the neighboring countries, because the cultivation of an area enhances the value of its surroundings, on a large as on a small scale.

## PALESTINE OR ARGENTINA?

Is Palestine or Argentina preferable: The Society will take whatever it is given and whatever is favored by the public opinion of the Jewish people. The Society will determine both points.

Argentina is a country with some of the greatest natural resources in the world; it extends over a vast area, is sparsely populated, and has temperate climate. It would be very much to the interest of the Republic of Argentina to cede a portion of its territory to us. The present infiltration of Jews, to be sure has produced some ill feeling there; it would be necessary to enlighten Argentina on the intrinsic difference of the new Jewish immigration.

Palestine is our unforgettable historic homeland. The very name would be a powerfully moving rallying cry for our people. If His Majesty the Sultan were to give us Palestine, we could in return pledge ourselves to regulate the entire finances of Turkey. For Europe we could constitute part of the wall of defense against Asia; we would serve as an outpost of civilization against barbarism. As a neutral state we would remain in contact with al of Europe, which would have to guarantee our existence. Some form of extraterritoriality under international law could be found for the Holy Places of Christendom. We would form a guard of honor around the Holy Places, answering for the fulfillment of this duty with our existence. This guard of honor would be the symbol of the solution of the Jewish Question after what were for us eighteen centuries of affliction.

## DEMAND, INSTRUMENTALITY, TRADE

In the last chapter but one I said: "The Jewish Company... will organize trade and commerce in the new country."

I think I ought to insert a few comments on this point. A plan like the one being presented here is fundamentally endangered if the "realists" come out against it. Realists are, as a rule, only men in the rut of routine who are incapable of transcending a narrow circle of antiquated notions. But their adverse opinion does carry some weight and can do great harm to anew project-at least until the innovation is strong enough to push the "realists" and their moldy notions aside.

When the railroad era dawned over Europe, there were "realists" who declared that the construction of certain lines was foolish "because not even the mail coaches have enough passengers there." In those days people did not realize the truth, which seems like one even a child can appreciate: that travelers do not produce railways, but, rather, railways produce travelers-provided, of course, that a latent demand may be assumed.

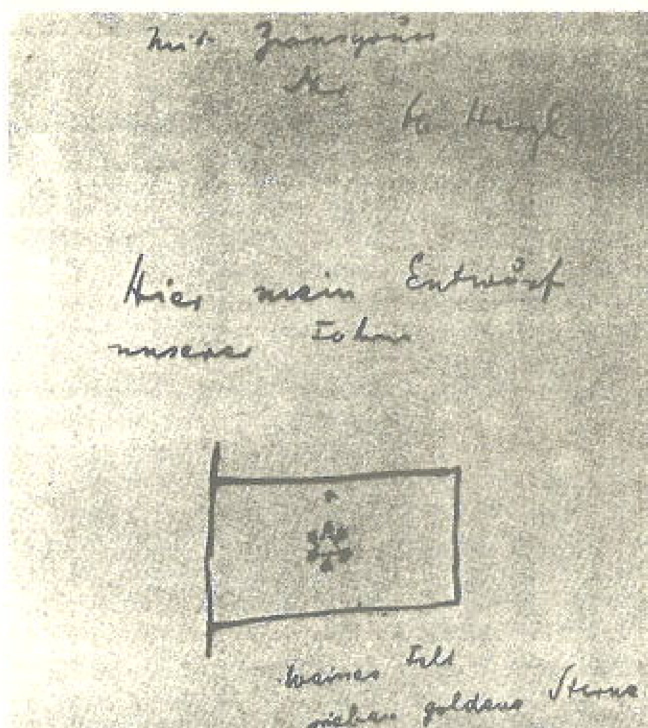
In a class with the doubts of those prerailroad "realists" may be place the inability to some to imagine what trade and commerce ought to be like among the new arrivals in a country which has yet to be won and cultivated. A "realist" then, will express himself somewhat as follows:

"Granted that the present situation of the Jews in many places is




Continued on the next page

## The Turninig Point Continued




**Sketches of proposed flag of Israel by Theodor Herzl.**

homesteads. Their labor will bring trade, trade will create markets, the markets will attract new settlers-for everyone will come voluntarily, at his own expense and his own risk. The labor that we put into the soil will enhance the value of the land. The Jews will soon realize that a new and permanent field has opened up for their spirit of enterprise which has hitherto been met with hatred and contempt.

Whoever wants to found a state today must not go about it in the manner that the thousand years ago would have been the only possible one. It is foolish to revert to old levels of civilization, which is what some Zionists would like to do. If, for example, we were required to clear a country of wild beasts, we would not tackle it in the fashion of fifth-century Europeans. We would not set out individually with spears and lances to hunt bears, but would organize a large, jolly hunting party, drive the beasts together, and throw a melinite bomb into their midst.

If we wish to erect buildings, we shall not put up ungainly piles at the shore of some lake; we shall build the way it is done now. We shall build more boldly and more magnificently than has ever been done before; for we now have means that are unprecedented in history.

The emigrants standing lowest in the economic scale will gradually be followed by those of the next grade. Those who are now in desperate straits will go first. They will be led by the average intellects whom we overproduce and who are persecuted everywhere.

This pamphlet is intended to open a general discussion on the question of Jewish immigration. This does not mean, however, that it is to be put to a vote, for that would ruin the cause from the outset. Let anyone who does not want to go along stay behind. The opposition of individuals is immaterial.

Let all those who wish to join us line up behind our banner and fight for it with word, pen, and deed.

The Jews who espouse our idea of a state will rally round the Society of Jews. Thereby they will give it the authority to speak in the name of the Jew and negotiate with governments in their behalf. To put it in the terminology of international law, the Society will be recognized as a state-creating power, and this in itself will mean the formation of the State.

If the Powers show themselves willing to grant the Jewish people sovereignty over the neutral territory, the Society will negotiate for the land to be taken. Two regions are possibilities: Palestine and Argentina. Noteworthy experiments in colonization have been made in both places, although they have been based on the mistaken principle of a gradual infiltration of Jews. Infiltration is always bound to end badly. For there invariably come a moment when the government, under pressure of the native population- which feels itself threatened - bars any further influx of Jews. Consequently, emigration will be pointless unless it is based upon our guaranteed sovereignty.

The Society of Jews will negotiate with the present authorities of the country - under the protectorate of the European Powers, if the matter makes sense to them. We shall be able to offer the present authorities enormous advantages assume part of their national debt, build new thoroughfares (which we should

Continued on the Next Page

## The Turning Point Continued

sheer hatred, venomous prejudice, and chaotic violence. The stifling hothouse atmosphere of *fin de siecle* Vienna sprouted all kinds of flowers, some sweet, others poisonous, but all of a strange luxuriousness, all related and somehow nurtured through the half-hidden convergence of ideas, of cause and effect. It is perhaps no mere coincidence that the same city, the same decaying crucible of passion and hope, love and hatred, anticipated and inventing, produced a Herzl as well as a Hitler; the antidote before the poison. It is difficult to imagine another city that could have nurtured these two men. Both were born in the provinces but came to Vienna in their formative years; both had to leave it behind to find their own peoples. The same Vienna also produced Sigmund Freud, who, as Herzl was converting to Zionism, was developing his theory of psychoanalysis. In its urgent quest to cure, psychoanalysis was probably by itself and index of the general disease.

In this wide political and cultural context Herzl stands out as a man of considerable foresight and great humanness. He was of much greater complexity than was apparent in the iconography that spring up around him in his lifetime, and even more so after his death. No one ever knew him intimately, not even members of his own family. Already in his lifetime, legend obscured the complicated kernel of his personality and simplified his motives. His private life was marked by tremendous emotional complexes, sickness, and the effects of a ruined marriage. But so dignified were his personality and bearing, that together they often induced an almost religious awe. Many spoke to him with reverence even while they disagreed with him. His physical appearance seemed to take on unusual attributes in the minds of his beholders. Thus he was invariably described by his admirers as "majestically tall," towering over everyone. In his army medical examination papers, however, he is described as being of medium height; the French *Prefecture de Police* listed his height at five feet eight inches. And yet there cannot be any doubt that in the eyes of those who met him he appeared much taller.

He figured strangely in the consciousness of many of his contemporaries. Sigmund Freud claimed to have seen him in a dream even before he saw him in the flesh. Sidney Whitman of the New York *Herald* wrote that he had never seen a man whose role was so clearly written on his body. To the Sultan of Turkey he looked like an ancient Hebrew prophet; to Ibrahim Bey, the Sultan's master of ceremonies, like "Jesus Christ." Franz Rosenzweig, the theologian, said that Herzl proved, finally and beyond all critical doubt, that the biblical Moses had indeed been a historic person. Max Nordau, the atheist, was prompted by Herzl to say, "Were I a believer I would state that your appearance at this critical point in history is the hand of Providence." To Martin Buber he was "a statue without error or mistake, a countenance lit with the glance of the Messiah."

The very behavior of his life added to its popular splendor. His sudden death at forty-four contributed a touch by Byronesque romance to his legend. Patriotic art has jointed its own peculiar lore. E. M. Lilien, the gifted disciple of Aubrey Beardsley and Walter Crane, painted Herzl as half-Wotan, half-Moses, bearing the Tablets of the Law in a pair of gigantic, muscular arms. In another picture by Lilien, Herzl appears as a nude, bearded angel presiding in heaven over the birth of man.

In the case of all national heroes it is never easy to disentangle the image from the blinding halo. Herzl himself would most probably have welcomed the effort. Speaking of his desire for a frank treatment of his life, he said that "the Bible spared Moses nothing." In his own writing he found it essential to "study the small side of great men." On one occasion, observing the German Kaiser, he deliberately :concentrated on his physical deformity." This was "an abnormality essential for his image. It brings him closer to me as a human being."

In Israel today, Herzl is a national hero. His popular image has become as two-dimensionally dull as the stylized Herzl portrait on the old Israeli hundred-lira bank notes. Behind the stately beard the human face has disappeared. We must shave that beard that has become a national symbol on postage stamps and on the wall of dreary schoolrooms, to seek his real features. We must delve inward, as it were, to reach the complex core of a most fascinating personality. And at the same time we must reach out beyond the man himself, to the culture that produced him at a particular moment of crisis in European civilization.

As has already been stated, the departure of the Jews must not be imagined as a sudden one. It will be gradual, taking decades. The poorest will go first and make the land arable. In accordance with a predetermined plan they will build road, bridges, and railways, set up telegraph installations, regulate rivers, and provide themselves with

**Continued on the Next Page**

## The Turning Point Continued



Herzl stares over the landscape which would become the State of Israel 50 years later.

nationalist Jew by choice, he was too civilized to be so without great reservation. His nationalism was humane, tolerant, and marked by strong moral and cultural reservations. His life must be viewed against the decor of macabre gaiety which marked the decline and fall of the multinational Austro-Hungarian Empire. As with many men of destiny, his time summed itself up in him just as it was becoming out of date: he lived through the dusk of liberalism, the decline of humane nationalism, and the end of European colonizational in territories overseas.

Herzl combined in his personality the two most prominent most heralded feature of the Viennese mind in the autumn of empire:
the playful and the apocalyptic. Tired resignation alternated with revolutionary fervor, and sometimes one flowed into the other-decay and rebirth, death in life, life in death.

On the one hand we see the worldly, cynical, sophisticated playfulness of a disintegrating society. The idea of death, so "fashionable" in *fin de siecle art*, was always alive in Herzl's mind. He constantly toyed with it. As we look over his life, it sometimes seems as though he stepped out of a novel by Arthur Schnitzler. He himself might have acted out Schnitzler's line sin *Paracelsus:*

We are all actors; He who is aware of it is wise.

Or he might have exclaimed with Hugo von Hoffmannsthal:

We are all playacting, Acting out our own piece, The comedy of our soul.

The Vienna of that time was said to be a *Versuchsstation des Weltunterganges* proving ground of world destruction). There already arose from the gutters a flood of

Continued on the Next Page

## The Turning Point Continued

which is perhaps the very essence and the tragedy-of a life of adventure. It is difficult to resist the thrill of Herzl's story. It exudes a strange charm and touches us in a most elemental way. Perhaps this is so because what we take for genius is often little more than a prodigious innocence. It flatters us by is simplicity and allows us to feel cheaply wise after the event.

The extravagant timing of history linked Herzl with three events of tremendous importance. The old European order was in decline, exemplified especially by the decay and chaotic disintegration of Herzl's native country, the multinational Austro-Hungarian Empire. Second, there was the crisis of liberalism and rationalism, which was brought about by the third, most shattering event, the rise of nationalism, and racism. Because of his involvement in these three developments-as a man, as a writer, and a Jew-Herzl would have been in interesting figure had he not altered the course of modern Jewish and Near Eastern history.

The dramatic quality of his life also derived from the unusual convergence in his character and career of the literary and the political, the state and the stage, a dream world and a true world, the false and the real. He was aware of this confluence himself and articulated it freely in his extensive diaries. Herzl was a vain man, but his vanity was in a grand style. It permitted him the remarkable candor of his diaries. He readily confessed his pettiest and his grandest fantasies. The compelling frankness of his diaries is rare in modern political literature. Herzl dissected himself with considerable detachment and irony. A study of his life may thus throw light not merely on today's Israeli and Jewish affairs, or on the peculiar world of *fin de siecle* Europe, but on the process of history making and on the creation of ideologies. His literary work affords some insights into darker, less accessible recesses of the political mind. The combination of Herzl of charismatic leader and playwright is probably unique. D'Annunzio was not charismatic. Disraeli wrote novels. Churchill and de Gaulle were historians. Karl Marx was an economist. Herzl not merely endeavored to contemplate the last act of Jewish drama, but wanted to state it. It is difficult to think of another major political figure who came to politics from the theater, let alone from the light drama that was Herzl's specialty.

There are both profound and ridiculous aspects to this circumstance. Herzl was not a great playwright. On the contrary, his writing, apart from his journalism, was mostly mediocre. He began as a *poseur*, a superficial wordsmith, an elegant fop, a tedious chatterer, an absurd sentimentalist. But he broke away from the aridity of his milieu and three off the empty pose, the petulance and shallow emotionalism of his early days, to become a real force in human affairs. Having failed in the theater, he made the whole world his stage. He had the audacity of become a statesman without a country to the degree Herzl was the founding father of modern Israel. There is almost a poetic quality in this singular achievement.

Herzl often poeticized his role, forever aware of the intermingling of life and letter. His plays give an indication of his psychological makeup. They are a minor but not insignificant element in the story of his life. His short stories and plays neither enhance nor diminish his reputation as a man of action, but they might well help us to a better understanding of Herzl the human being. Few prominent men of action have left behind such a wealth of unconscious indices to their neuroses.

Herzl epitomized nearly all the ideal and dubious qualities often attributed to the modern Jew: imagination, showmanship, vanity, irritability, relentless drive, utopian yearnings for the just society, alienation, snobbery, pride in Judaism, and Jewish self-hatred. A masterful intellect came coupled with absurd sentimentalism. He had a good head for business and that biting, self-critical irony that since Heine has been a hallmark of the Jewish sense of humor.

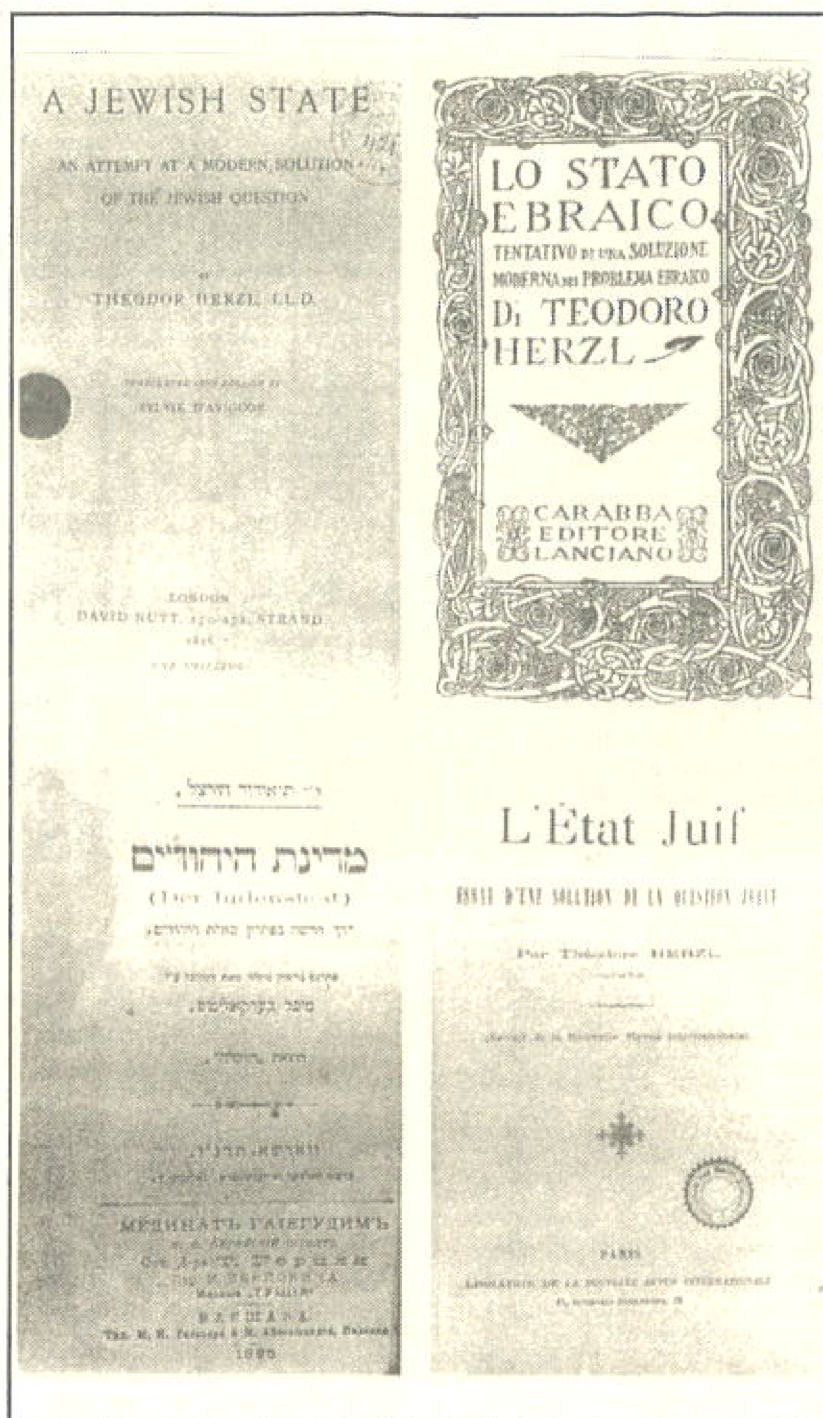
Yet Herzl was also, perhaps first and foremost, a Viennese. In the context of *fin de siecle* Vienna, Herzl's figure assumes a special plasticity and gains a measure of conviction that is lacking if he is viewed solely against his Jewish background. He was not born in Vienna but in Budapest. Like many national leaders he came not from the center of culture but from the uneasy border area. His birthplace stood between Western and Easter Europe, in that intermediate area where the very precariousness and relativity of all things greatly sharpened the sensitivities. Vienna, where he spent his formative years, was his adopted home. It was an imperial, not a national, capital. In its endless variety Vienna was a microcosm of the larger, already decaying and disintegrating empire. It was a great school for ambivalence, though at the time its lessons were not apparent to many. Herzl-Hungarian by birth, Jewish by religion, Austrian by naturalization, German by culture was ambivalent about his roots. A

Continued on the Next Page

## The Turning Point Continued

failure are also functions of timing. Had Herzl lived in the Middle Ages he probably would have been accused as a false messiah. Spared by the Jews, he might have been burned at the stake by the Christians. But he was born into the nineteenth century, the age of Mazzini and Kossuth, and grew up in a veritable hotbed of messianic nationalisms. Herzl's maturity coincided with the high point of liberalism and rationalism in his native Austria-Hungary. Few men were as truly representative of the age of liberalism, with is unbridled faith in a rational world and in the orderly, sensible resolution of all problems. And yet by a strange confluence of character and events, he seemed almost to reincarnate in his own person the wilder spirit of a past age. He followed a line of bizarre dreamers, gamblers, adventurers, and audacious showmen which one assumed had ended with Cagliostro or Sabbatai Zevi.

His personality, which so many found disarming, contained a grain of self-hypnotism. He was master at dropping veiled hints and deft in the use of reticence. With the exception of D'Annunzio, Herzl was the only modern European politician who was also a playwright. For ten years, until 1895, his medium had been words. Afterward it was human beings. As a professional playwright, Herzl was a great believer in the *muse-en-scene.* His statecraft was often derived from his stagecraft. He had his own understanding of the nature of politics-at one moment reality, and the next, a *grand coup de theatre.* He believed in manipulating men, mainly through "imponderables" - by lights and sounds, the dazzling sights and the suggestive music of the opera by which he himself was so moved.




***The Jewish State* was published world-wide.**

The Vienna of Herzl's day regarded the opera as the highest form of art and Wagner's so-called *Gesamtkunstwerk* as a culmination of all wisdom.

As we consider his fate we are fascinated and sometimes shocked by an odd combination of accident and design, and by the utter naiveté

.Cntinued on the Next Page

The Turning Point **Continued**



In his study in Vienna.

At the beginning of most great enterprises stands an adventure, a defiance of time, or law, or some established notion. This is true of most new societies and states. There is always a trace of quixotism when devotion to a cause is extreme, logical and saintlike. Herzl went beyond that. He walked a tightrope between charlatanism and genius. Throughout his career as a self -appointed leader of men he ran a very real danger of exposure as a fraud even as he was hailed as a saviour. In his negotiations with kings, emperors, and ministers of state even in his dealings with his closest disciples, he took great risks; he had to conjure up an entire world of make believe in place of the real power he lacked. Herzl was one of the great adventurers of the nineteenth century. His was not the common adventure of film, fiction, or of well known political careers. The first part of his life unfolds as the inner drama of a man of letter who self-consciously recorded his every thought. The second part is more exposed: it takes place on the stage of international politics and intrigue, but in a setting so unusual as to seem at times unreal. One is not prepared for his life by the reading of such conventional histories as the saga of established kings and clashes of mighty armies. Herzl was truly a hero of the nineteenth century, that era when the tale of lonely outsiders - reviewing life and society in the obscurity of a study of plotting new policies in the reading room of a public library - was often more fascinating and significant than the story of crowned heads, prime ministers, illustrious generals, and captains of industry.

Herzl had an uncanny premonition of the storm clouds gathering on Europe's horizon and the impending disaster of its Jews. His political techniques were sometimes shortsighted or naive. Like many men in a hurry, he believed that the whole game of politics was played by strong men behind the scenes. He discovered his mistake before his early death. But for dispersed Jewry as it existed in his time. Herzl succeeded in transforming one mode of life into another, into a life which until then had been though impossible. He imposed himself on his time with an idea that struck most observers, at first, as a wild, incongruous, ridiculous scheme. He handled this incongruity as though it were a sword, baring it when he wished, sheathing it at will. In his lifetime he was stigmatized by his detractors as a crank, a shallow literature dabbling in politics. There have been and always will be journalists with *idees fixes*, like Herzl, eccentrics with fanciful schemes. But now many of these fanciful, utopian schemes have been realized?

As an utopian Herzl was a child of his time, a period which was electric with hope of a New Age, a New Society, a New Woman, a New Justice. He was jeered in his lifetime as a "political Jules Verne." But the figment of his imagination was a materialize. The adventurer in history is sometimes regarded as a mere criminal if he fails; if he succeeds he is often hailed as a genius. Herzl's posthumous success need not blind us to his shortcomings, nor should it deafen our ears to the arguments of his critics, which were often eminently reasonable. Success and

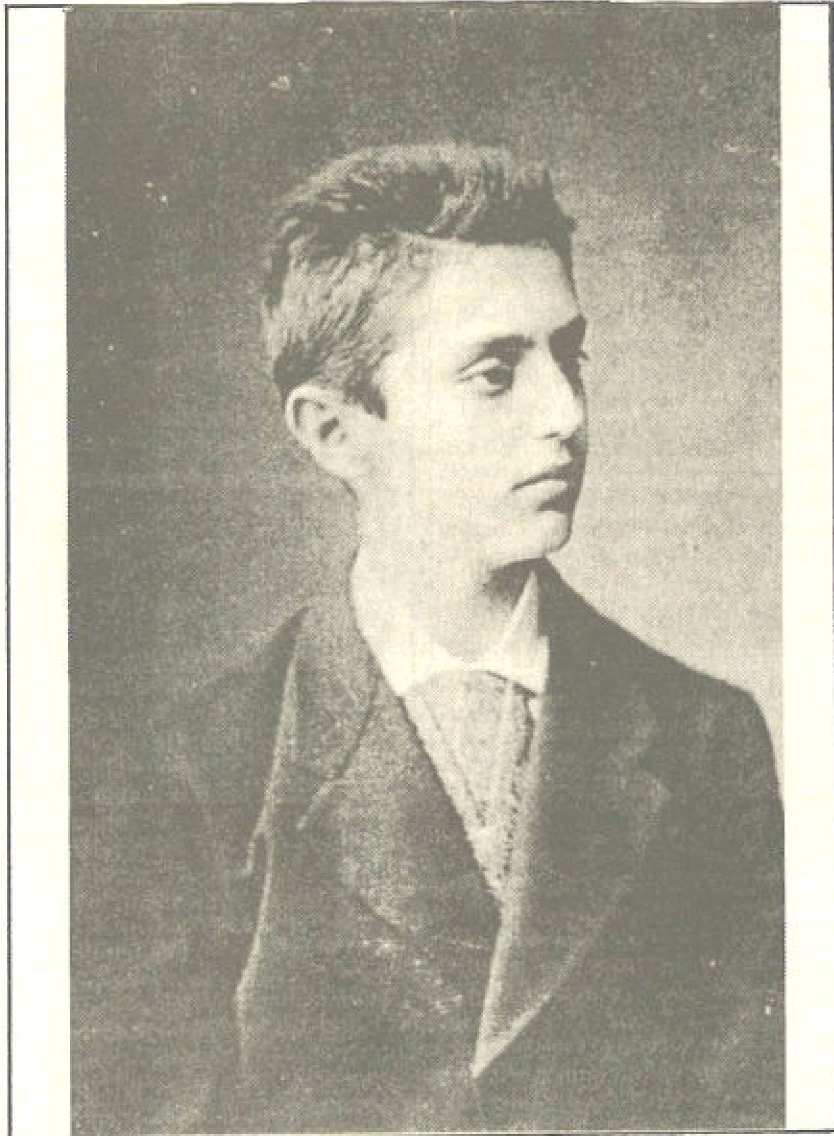
**Continued on the Next Page**

## The Turning point Continued

to his beloved." He abandoned his normal work. For days he avoided his acquaintances by locking himself into his hotel room or walking for hours in the park. A man who saw him on June 16 remarked that he looked as if he had just risen from some terrible disease. The one acquaintance to whom he revealed details of his plan, a writer by profession but a physician by training, warned him that he was seriously ill and should immediately "see a doctor."

As he went on drafting his notes he was torn between bleak despair and radiant self-confidence. He tested his sanity by seeing whether he could still add 2 and 2, or divide 348 by 12. He roused his flagging spirit by listening to Wagnerian music, especially *Tannhauser*, whenever he could. It was his only relaxation. He confessed that only on those evenings when Wagner was not played at the Paris Opera did he have "any doubts as to the truth of my ideas." A man possessed, he wrote to free himself of the ideas which "erupted within me like a volcano," conjuring up the detailed vision of an independent Jewish state in an as yet undetermined territory of the globe. His endless scribbles filled several hundred small sheets of paper.

One passage read as follows:
The promised land - nobody has thought of looking for it where it really is 0 within ourselves.... The promised land is where we shall take it.... The promised land, where we may at last have hooked noses, black and read beards, bow legs, without being despised for it.... Where we can at last live as free men on our soil.... Where the offensive cry of "Jew" may become an honorable appellation like Grman, Englishman, frenchman; in short, like all civilized people.



Herzl at the age of 15.

Herzl has only nine years left to live. He died in July 1904, at the age of only forty-four. Within this extraordinarily brief space of time, he forged a national representation out of the most disorganized and fractional community on earth. Almost single handily, he built and sustained a movement which, within half a century, through a modern migration of outcasts and idealists, led to the establishment of the modern state of Israel. Herzel I did not invent Zionism. Others had done that before him. He forged the instruments that would put Zionism into practice, for politics is the development of power. From nothing, he created first an illusion of that power, and then the power itself which would later make possible the return of the Jew to Palestine. His unusual life is a study in character, and a measure of the political impact that can be caused by one audacious individual.

Continued on the Next page

✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡

# The Turning Point

## Chapter One from Herzl by Amos Elon

✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡✡

Early in June 1895, the solitary figure of a distinguished-looking Austrian gentleman could be seen daily pacing the pebbled walks of the Paris Tuileries gardens. Dark-bearded, in immaculate, severe dress, he was clearly in a state of great agitation. His walk was alternately slow and abrupt.

For most of the day he would remain closeted in his hotel room on the nearby rue Cambon. At dusk he usually emerged, pale and grave; his feverish eyes were surrounded by dark rings; the pallor of his handsome face suggested an illness, or some serious mental crisis. Clutching a little notebook in his hand, he would stop short from time to time to jot down a few lines. Then he would resume his nervous pace.

He was an uncommonly good-looking man, in his mid-thirties. There was something distinctive about his gave countenance-neither French no Austrian-that was slightly mysterious, or perhaps theatrical. His clothes, his gloves, his hat, and his silver-plated walking stick were elegant, almost dandified. His full beard, black and perfectly trimmed, lent a forbidding appearance to his well proportioned head. His posture was proud, his body slim and supple. The dignity of his solemn, somewhat pompous stance contrasted oddly with the agitation apparent in his face. Its wan beauty was enhanced by an aquiline nose and high forehead; the lips were sensuous, finely chiseled, with perhaps just a touch



of weakness. The dark eyes were probably his most striking aspect, large, velvety deep brown, searching and warmly expressive without being soft; through them flickered a strange, unquiet light.

Finally the frantic promenade would end. As though in great physical pain the black-bearded man would collapse on a bench. His eyes might be flooded with tears.

This was Theodor Herzl, the founder of modern Zionism. In June 1895 he was in his fifth year as the Paris correspondent of Vienna's leading newspaper, the *Neue Freie Presse*. For the last ten years he had been a struggling, moderately successful playwright. To a casual passerby in the Tuileries he might have seemed to be suffering a psychotic shock. Herzl himself, as in evident in the notes he was then jotting down, and later copied into his diary, knew that he was "afraid of going insane." His own thoughts sometimes appeared to him "laughable, exaggerated, crazy." He recorded them dutifully, as they arose, avoiding the self-criticism that he would normally exercise in his literary work, for he was afraid to "cripple" his inspiration. "Artists will fully understand why I, who otherwise reason clearly, have allowed extravagances and dreams to vegetate wildly {in these notes}." He was in fact working on the first draft of a political pamphlet entitled *The Jewish State: An attempt at a Modern Solution of the Jewish Question*. Published eight months later, the pamphlet was destined to become one of the most influential political tracts of modern times; it has affected the lives of millions down to our own day.

At that time Herzl did not yet know whether he would be able to carry out his program. But his mood was one of feverish exaltation, bordering on an ecstasy of which he was quite aware, and which at time he feared. In his diary he noted: "I believe that for me life has ended and world history has began." He was living in a delirious trance. He compared himself to Bismarck, Savonarola, and Napoleon. For days and weeks, through the early summer 1895, the idea "possessed me beyond the limits of consciousness." He wrote his book at every moment, everywhere, "walking, standing, lying down, in the street, during meals and at night when it tears me out of my dreams.... I am so filled with it that I relate everything to it like a lover

**Continued on the Next Page**

# اگر می خواهید در لاس وگاس همیشه برنده باشید

## پول خود را فقط روی این شماره بگذارید

## (702) 493 - 5858



در شهر «**لاس وگاس**» که بالا ترین رشد جمعیت و کمترین میزان بیکاری در آمریکا را دارد

برای خرید زمین - مستغلات - شاپینگ سنتر

## رحیم

با سال ها تجربه و اقامت در این شهر

ورق برنده را در اختیارتان می گذارد

## فکس: (702) 796 - 1551



International Judea Foundation
P.O. Box 3074 • Beverly Hills, CA 90212

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 5013
Santa Clarita